



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فتح القسوح

سرشناسه	: همایش ملی نخبگان جوان
عنوان و نام پدیدآور	: فتح الفتوح: بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیتالله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدارهای سالانه نخبگان شرکت کننده در همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱ - ۱۳۸۶ / تهیه‌کننده مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی بنیاد ملی نخبگان.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات دانش بنیان فناوری، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۰ ص: مصور (رنگی).
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۴۴-۱۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها
موضوع	: نخبگان -- ایران -- کنگره‌ها
شناسه افزوده	: بنیاد ملی نخبگان. مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی
رده بندی کنگره	: HM۱۳۹۲۱۲۶۳/۵۸
رده بندی دیویی	: ۳۰۵/۵۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۳۰۲۲۱



بنیاد ملی نخبگان

فتح الفتوح

تهیه‌کننده: مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی
ناشر: انتشارات دانش بنیان فناوری

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۴۴-۱۲-۱

فتح القسوح



بنیاد ملی اسناد و کتابخانه ملی

۱۳۹۱



فتح الفتوح

بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی)

و سخنرانی‌های رؤسای محترم بنیاد ملی نخبگان و نخبگان برگزیده

در دیدارهای سالانه نخبگان شرکت‌کننده در همایش ملی نخبگان جوان

۱۳۸۶-۱۳۹۱





فهرست

۱۰ مقدمه
۱۳ بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در اولین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۸۶)
۳۷ سخنرانی آقای دکتر واعظ زاده، در اولین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۸۶)
۴۳ سخنرانی نخبگان در اولین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی) (سال ۱۳۸۶)
۶۹ بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دومین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۸۷)
۸۹ سخنرانی آقای دکتر واعظ زاده، در دومین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۸۷)
۹۵ سخنرانی نخبگان در دومین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی) (سال ۱۳۸۷)
۱۲۷ بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در سومین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۸۸)
۱۵۱ سخنرانی خانم دکتر سلطانهخواه، در سومین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۸۸)
۱۵۶ سخنرانی نخبگان در سومین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی) (سال ۱۳۸۸)
۱۷۷ بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در چهارمین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۸۹)
۱۹۷ سخنرانی خانم دکتر سلطانهخواه، در چهارمین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۸۹)
۲۰۳ سخنرانی نخبگان در چهارمین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی) (سال ۱۳۸۹)
۲۲۱ بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در پنجمین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۹۰)
۲۴۱ سخنرانی خانم دکتر سلطانهخواه، در پنجمین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۹۰)
۲۴۵ سخنرانی نخبگان در پنجمین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی) (سال ۱۳۹۰)
۲۸۱ بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در ششمین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۹۱)
۲۹۹ سخنرانی خانم دکتر سلطانهخواه، در ششمین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۱۳۹۱)
۳۰۴ سخنرانی نخبگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی) (سال ۱۳۹۱)

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

در این ره اولیاء باز از پس و پیش
نشانی می دهند از منزل خویش
به حد خویش چون گشتند واقف
سخن گفتند در معروف و عارف

«شیخ محمود شبستری»

در باب اهمیت تکریم و احترام به نخبگان، فرزنانگان و اندیشمندان جامعه و نیز مشارکت دادن ایشان در امور علمی و اجرایی کشور هیچ گونه تردید و درنگی جایز نیست و در این خصوص بزرگان توصیه های اکیدی داشته و دارند چرا که بر همگان آشکار است که آنچه به روح آدمی آرامش می بخشد علم است و همانا علما و اندیشمندان پناهگاهی امن برای مردم به شمار می آیند که در وقت نیاز به ایشان مراجعه می نمایند.

ایشان راهگشای مردم به شمار می روند و مسئولیت سنگین هدایت و راهنمایی عموم به عهده ایشان است.

هر کسی را نتوان گفت که صاحب نظر است
گل بی خار جهان مردم صاحب هنرند



نظر به اهمیت بحث نخبگی و نخبگان و نیاز به گفتگوی دو جانبه این قشر از جامعه با رهبری معظم انقلاب اسلامی که خود در رأس فرزنانگان جامعه قرار دارند؛ بنیاد ملی نخبگان هر ساله دیداری صمیمی را با معظم له تدارک می‌بینند که در آن نشست تعدادی از نخبگان به طرح دیدگاه‌های خود می‌پردازند، نقطه عطف برجسته‌ای هم در مسیر حرکت بنیاد است که در این دیدار هر سال فعالیت‌های بنیاد جمع‌بندی و ارائه می‌شود و برای مهم‌ترین برنامه‌های آینده نیز با بهره‌گیری از رهنمودهای رهبر انقلاب و همچنین با مشورت و نظر خواهی از جمع نخبگان تصمیم‌گیری می‌شود.

از آنجا که مقام معظم رهبری خود قافله سالار حرکت در مسیر نخبه‌پروری می‌باشند شکل‌گیری بنیاد بر اساس تاکیدات معظم‌اله برای توجه بیشتر به سرمایه انسانی و آن هم قله این سرمایه‌ها یعنی استعداد‌های برتر و نخبگان کشور شکل گرفته است و ایشان همواره تاکید ویژه در استفاده صحیح و مناسب از ظرفیت‌های علمی نخبگان در راستای توسعه کشور و مسیر تحقق عدالت داشته و دارند؛ دیدارها و به ویژه سخنان خردمندان ایشان همواره مورد توجه مسوولان و خانواده بزرگ بنیاد بوده و هست.

زبان نرگس او جمله گویاست
عیون نرگس او جمله بیناست
بین منقول و معقول و حقایق
مصفا کرده در علم دقایق

با این وجود ضرورت نشر این سخنرانی های حکیمانه و نیز سایر گفت و شنودها و سخنان رئیس بنیاد ملی نخبگان که از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۱ همه ساله ضمن برگزاری همایش ملی نخبگان جوان ایراد گردیده اند در سطح عموم جامعه و بهره گیری مردم عزیز و علم دوست کشورمان از اقیانوس ژرف سخنان رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی درک گردیده و لذا مجموعه حاضر توسط بنیاد ملی نخبگان تقدیم جامعه علمی و فرهنگی کشور می گردد. که امیدواریم راهنمایی های معظم اله همچون گذشته چراغی برای آینده ای روشن در عبور از مراحل پر پیچ و خم مسیر پیشرفت کشور باشد.

نسرین سلطانخواه

معاون علمی و فناوری رئیس جمهور و

رئیس بنیاد ملی نخبگان



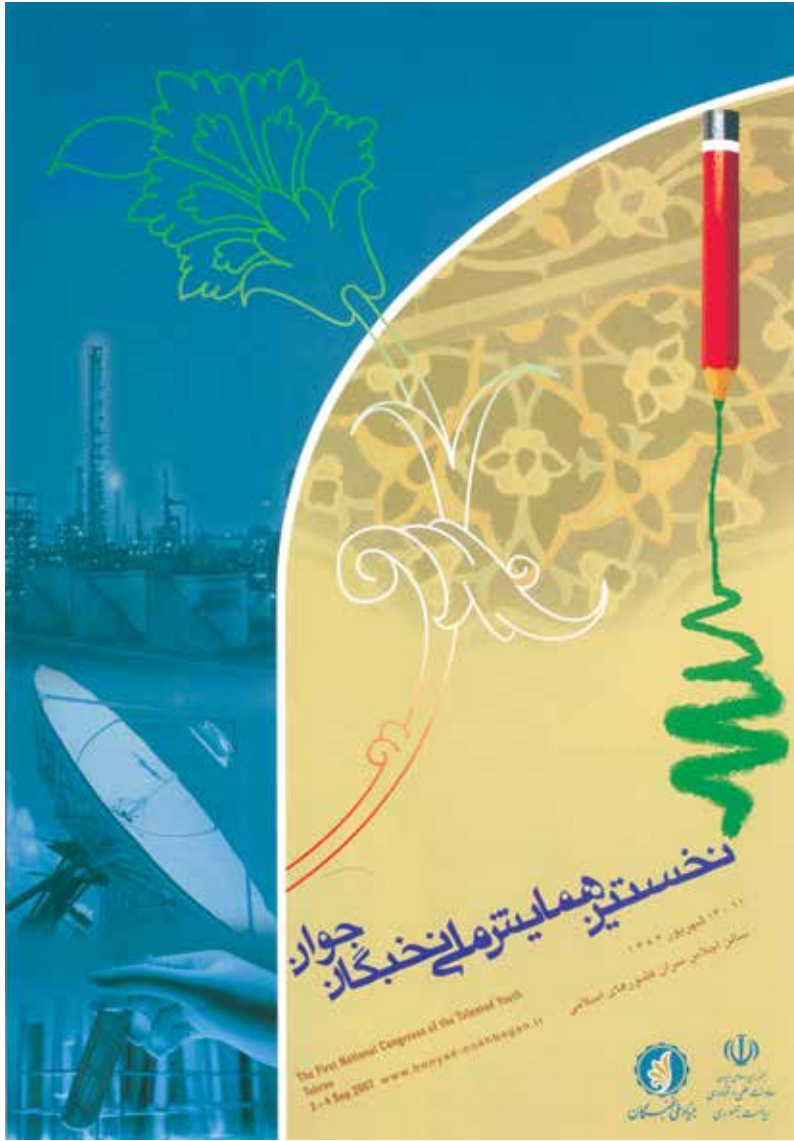
متن بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

دکتر واعظزاده ریاست محترم بنیاد ملی نخبگان

و نخبگان برگزیده شرکت کننده در اولین همایش ملی نخبگان جوان

سال ۱۳۸۶





نخستین همایش برای نخبگان جوان

The First National Congress of the Talented Youth
Tehran
2-4 Sep 2007 www.konyak-consulting.com

۱۳۸۷ خرداد ماه
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران





بسم الله الرحمن الرحيم. ^۱ خیلی استفاده کردیم و لذت بردیم. شنیدن این مطالب از دهان شما جوانان عزیز - که حقیقتاً مثل فرزندان عزیزی برای این حقیر محسوب می‌شوید - واقعاً لذت‌بخش است. و خدا را شکر می‌کنم که می‌بینم این خود آگاهی در سطح گسترده‌ی جوانان این کشور روزبه‌روز رو به رشد است. این مطالبی که شما اینجا بیان کردید، هر یک از این‌ها - چه در زمینه‌ی ارتباط علوم انسانی، چه در زمینه‌ی تعلیم و تربیت اخلاقی، چه در زمینه‌ی ارتباط علم و صنعت، چه در زمینه‌ی امکان دادن به استعدادها و نخبه‌ها - جزو آرزوهای دیرین این بنده بوده که در طول سال‌های متوالی این‌ها را گفته‌ایم و خواسته‌ایم و امروز من می‌بینم این‌ها تبدیل شده به یک خواست عمومی.

۱- متن سخنان از سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری (Khamenei.ir) برداشته شده است.

از شماها تشکر می‌کنم؛ از برگزار کنندگان این همایش ملی تشکر می‌کنم و اغلب این مطالبی را که بیان کردید، قبول دارم؛ به آن‌ها معتقدم و همانطور که آقای دکتر واعظ زاده بیان کردند، این‌ها و بقیه‌ی مطالبی که در خود همایش بیان شده، ثبت شده و یکی یکی باید مورد توجه قرار بگیرد و اجرائی بشود؛ و خواهد شد.

ممکن است عوامل گوناگونی ما را در رسیدن به این آرزوها، اندکی به تأخیر بیندازد؛ لکن بدانید این حرکت علمی، این جوشش و شکوفائی، بالندگی و باروری، قابل توقف نیست و پیش خواهد رفت به توفیق الهی، قائم به شخص هم نیست. این حرکت در کشور آغاز شده؛ این خودآگاهی به وجود آمده و ان شاء الله به سرمنزل خود هم خواهد رسید.

جلسه‌ی امروز ما از نظر من دو هدف را دنبال می‌کند: یکی، هدف نمادین در سطح ملی و عمومی، که ما می‌خواهیم در کشور ما - در سطح افکار عمومی کشور - این باور به وجود بیاید که نهضت علمی در کشور جدی است. و مسئولان کشور این را می‌خواهند و به‌طور جدی به دنبال آن هستند و برای علم و جوینده‌ی علم و نخبه‌ی علمی، ارزش قائلند؛ این، معنای این حرکت نمادین و این اجتماع نمادین ما، امروز در اینجاست.

و هدف دوم، تذکر مجدد به مسئولان کشور - مسئولان دولتی، مسئولان بخش‌های گوناگون - هست که بدانند این خواست را باید دنبال کنند. در سیاست‌های کلان و سیاست‌های اجرائی باید پیشرفت و رشد علمی



کشور، برنامه‌ی قطعی و حتمی به حساب بیاید و ملاحظه شود. این دو هدف ان شاء الله حاصل شده است.

من فقط چند نکته را بیان می‌کنم؛ خیلی از حرف‌های خوب را شما خودتان گفتید. یک نکته که تازه هم نیست، این است که: حرکت علمی برای کشور ما یک ضرورت مضاعف است؛ یک نیاز مضاعف و مؤکد است. نیاز است؛ چرا؟ چون علم، عامل عزت و قدرت و امنیت یک ملت است - که مختصراً توضیح خواهم داد - مضاعف و مؤکد است؛ چرا؟ چون به این وظیفه، در طول صد سال از بهترین زمان‌ها عمل نشده؛ از دوران اواسط قاجار که نهضت علمی و نهضت صنعتی دنیا اوج گرفته و شکوفا شده بود - از اواسط نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم - و علم در شکل استعمار خودش را نشان داده بود؛ غرب با دستیابی به ابزار علم، مشغول استعمار دنیا شده بود. از آن روز - تقریباً صد سال یا بیشتر - که وقت بیداری و هوشیاری ما بود، این وظیفه‌ی بزرگ، وظیفه‌ی رشد دادن علمی کشور، به دلایل گوناگون تعطیل و متوقف شد. عمده دلیل هم عبارت بود از: حاکمیت استبداد، حاکمیت طاغوت‌ها، حاکمیت سلاطین دست‌نشانده، ضعیف و زبون. ما وارث این عقب‌ماندگی هستیم. لذا تلاش ما باید مضاعف باشد. پس، یک نیاز است و این نیاز مؤکد و مضاعف است. در این زمینه که علم نیاز است، شماها می‌دانید، اما خوب است مجدداً من این را بگویم که حقیقتاً کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، توقع استقلال و هویت و شخصیت، توقع امنیت و توقع رفاه

داشته باشد. طبیعت زندگی بشر و جریان امور زندگی این است. علم، عزت می‌بخشد. جمله‌ای در نهج‌البلاغه هست که خیلی جمله‌ی پرمغزی است. می‌فرماید: «العلم سلطان»؛ علم اقتدار است. «سلطان» یعنی اقتدار، قدرت. «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه»؛ علم اقتدار است. هر کس این قدرت را به چنگ آورد، می‌تواند تحکم کند؛ می‌تواند غلبه پیدا کند؛ هر کسی که این اقتدار را به دست نیاورد، «صیل علیه»؛ بر او غلبه پیدا خواهد شد؛ دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند؛ به او تحکم می‌کنند. این واقعیت را ملت ایران در یک دوره‌ی طولانی، با پوست و گوشت و استخوان خودش لمس کرد. به ما تحکم کردند؛ به ما زور گفتند؛ منابع ما را در مشت گرفتند؛ ملت ما را از رفاه محروم کردند. تاریخچه‌ی تلخ و محنت‌باری این دوره‌ی صد ساله‌ی کشور ما دارد، که ما نتایجش را الان داریم می‌چشیم؛ با اینکه ما حرکت را شروع کردیم؛ انقلاب اوضاع را دگرگون کرد؛ ورق را برگرداند. امروز کشور ما یک کشوری است که از لحاظ عزت سیاسی و بین‌المللی، در دنیا کم‌نظیر است؛ این را دشمنان ما هم قبول دارند. ملت بیدار شده است. شجاع است. کشور دارای هویت و شخصیت است؛ اما در عین حال نتایجش را داریم می‌بینیم. یعنی آن کسانی که علم را صد سال، دو‌یست سال پیش از ما به دست آوردند و چند میدان از ما جلوتر حرکت کردند و پیش رفتند و به برکات علم دست پیدا کردند، هنوز هم دارند زور می‌گویند. همین مسئله انرژی هسته‌ای و توانایی علمی و فناوری هسته‌ای،



یک نمونه‌اش است. «نداشته باشید؛ ما به شما اطمینان نداریم»؛ حرف زور. کی‌ها به ما می‌گویند: اطمینان به شما نداریم؟! آن کسانی که خودشان در ظرف بیست سال، دو جنگ جهانی درست کردند و همه‌ی دنیا را در آتش جنگ مشتعل کردند؛ اروپائی‌ها.

آن کسانی به ما می‌گویند به شما اطمینان نداریم، که هر جا دستشان رسید، نیروی نظامی خودشان را وارد کردند. نمونه‌ی زنده‌ی موجودش، عراق است که دارید می‌بینید؛ نمونه‌ی قدیمی‌تر و دردناک‌ترش فلسطین است؛ نمونه‌ی دیگرش افغانستان است؛ نمونه‌ی دیگرش کوزوو است؛ نمونه‌ی دیگرش مناطق گوناگون دنیاست؛ یک نمونه‌اش هیروشیماست.

اینهائی که شرارت‌های عمده‌ی دنیا در دوران صنعتی، مال آن‌ها و از



ناحیه‌ی آن‌هاست، به ملت ایران که تاکنون یک بار در این سال‌های متمادی - از جمله در دوران بعد از انقلاب - تعرّض از این کشور به یک همسایه و غیر همسایه دیده نشده - ما از دولت جمهوری اسلامی بحث می‌کنیم؛ قبلی‌ها را کار نداریم. در دوران جمهوری اسلامی یک گلوله به طور ابتدائی از سوی کشور ما به یک همسایه شلیک نشده. این را همه قبول دارند - می‌گویند: به شما اطمینان نداریم! این، یعنی زورگویی. حالا کشوری مثل فلان کشور شمال آفریقا، تا یک چنین اخمی به او می‌کنند، دستپاچه می‌شود، تمام وسائلش را جمع می‌کند سوار کشتی می‌کند و می‌گوید ببرید! ملت ایران ایستاده و خواهد ایستاد؛ نه فقط در این قضیه، ما در ده‌ها قضیه همین‌جور ایستاده‌ایم؛ حالا این قضیه در سطح عموم کشانده شده. در ده‌ها قضیه از اول انقلاب تا امروز، ما در مقابل زورگوئی‌ها، قلدری‌ها، گردن کلفت‌ها، صدا کلفت کردن، اخم‌نشان دادن، بین‌المللی، ایستاده‌ایم؛ فهمیده‌اند که ما زیر بار نمی‌رویم. ولی این زورگوئی‌ها هست. این زورگوئی‌ها به خاطر چیست؟ به خاطر اینکه آن طرف مقابل، مسلح به علم است. ببینید این برای شما جوان‌ها خیلی عبرت‌انگیز است.

یک دولت بیگانه‌ی از اخلاق، بیگانه‌ی از معنویت، بی‌اعتنای به حقوق بین‌المللی مثل دولت امریکا، چون دارای علم هست و توانسته این علم را به فناوری تبدیل کند و در زندگی‌اش به کار بگیرد، به خودش حق می‌دهد که در سطح بین‌المللی این‌جور زورگویی کند. «من وجده صالح»؛ هر کس علم



را داشت، می‌تواند به دیگران تحکم کند - «و من لم یجدہ صیل علیہ» -
 نداشته باشید، به شما تحکم می‌کنند. ببینید، ضرورت اینجاست.

وجدان هر انسان، انسانی که به شخص خود، هویت خود، به خانواده‌ی
 خود، به فرزندان خود، به آینده و نسل خود و به ملیت و کشور و هویت ملی
 و دینی خود علاقه‌مند است، نمی‌تواند نسبت به این قضیه بی‌اعتنا بماند.
 این که من سال‌هاست روی مسئله‌ی نهضت علمی اصرار می‌کنم، پافشاری
 می‌کنم و پی‌گیری می‌کنم، برای این است.

علم، پیشرفت علمی و فراگیری، نیاز اول کشور ماست؛ البته همه‌ی علوم
 - حالا عرض خواهم کرد - و فقط هم علوم تجربی نیست. همه‌ی علوم باید
 در جای خود پیگیری شود و کشور ما می‌تواند. بنابراین، نتیجه‌ی نکته‌ی اول
 این است که شما که مشت‌ی از خرمن عظیم نخبگان کشور هستید، می‌توانید
 در ایجاد قدرت ملی و در سازندگی و آینده‌ی کشور مؤثر باشید.

نکته‌ی دوم این است که کشور ما از لحاظ استعداد نخبه‌پروری و دارا
 بودن نخبه‌ها، یک سطح بالاتر از متوسط را دارد. این در محاسبات باید
 بیاید. من یک وقتی در جمع مسئولان کشور در همین حسینیه - چند سال
 پیش از این - گفتم سطح جغرافیائی کشور ما تقریباً یک صدم سطح آباد
 جغرافیائی دنیاست، جمعیت کشور ما هم هفتاد میلیون است که تقریباً یک
 صدم جمعیت بشر است. بنابراین، حق ما به طور متوسط از منابع زیرزمینی
 دنیا، می‌شود یک‌صدم؛ اما ما مهم‌ترین منابع زیرزمینی را بیش از یک‌صدم

داریم: فلزات اصلی، فولاد، مس، سرب و بسیاری از کان‌های دیگر؛ همه سه درصد، دو درصد، چهار درصد ذخائر دنیا، در کشور ماست. نفت، که وضعش معلوم است و ما دومین دارنده‌ی نفت در سطح منطقه‌ی نفت خیز خلیج فارس و خاورمیانه هستیم. گاز، ما دومین دارنده‌ی گاز در سطح دنیا هستیم. ببینید چند برابر میانگین سرانه‌ی افراد بشر، ملت ما و کشور ما دارای منابع طبیعی است.

من حالا می‌خواهم بگویم همین افزایش نسبت در مورد نیروی انسانی هم هست. یعنی کشور ما یک صدم نیروهای انسانی نخبه‌ی دنیا را ندارد، بیشتر از یک صدم دارد. نمی‌توانم آمار بدهم؛ چون محاسبه نشده است. آن درصدهائی که در مورد منابع طبیعی گفتیم، محاسبه شده است. این را محاسبه نکرده‌ایم؛ ان شاء الله امیدواریم در آینده به این چیزها هم برسیم. اما قرائن این را نشان می‌دهد. چیزهائی که از افراد دنیادیده‌ی بررسی کرده‌ی دانشگاه‌های دنیا ما شنیده‌ایم، همه همین را تأیید می‌کند. من از افراد متعدد شنیده‌ام که در بهترین دانشگاه‌های دنیا، تعداد نخبگان ایرانی - وقتی ایرانی‌ها آنجا هستند - به نسبت، دوبرابر، سه‌برابر کشورهای دیگر است. مرحوم دکتر چمران حقاً و انصافاً خودش یک نخبه علمی بود - حالا جنبه‌ی علمی او تحت الشعاع جنبه‌ی نظامی و مجاهدت و فداکاری و شهادت او قرار گرفته - و در بالاترین و پیشرفته‌ترین دانشگاه‌های امریکا درس خوانده بود. او به من می‌گفت در آن مرکز، نخبه‌هائی از کشورهای دیگر بودند؛ اما



ایرانی‌ها در اغلب بخش‌های دانشگاه و دانشگاه‌های دیگر، تعدادشان بیشتر بود و برجستگی و نمود بیشتری داشتند. البته ایشان یک ناقل بود؛ ولی من از افراد متعدد این را شنیده‌ام و گزارش‌های فراوان و متعدد و غیرواحدی در این زمینه دارم. خوب، پس ما در آینده از لحاظ نیروی انسانی دچار کمبود نخواهیم بود.

گذشته‌ی ما هم همین را نشان می‌دهد. ما متأسفانه از گذشته هم منقطعیم. جوان‌های ما تاریخ علمی ما را نمی‌شناسند. این یکی از ضعف‌های ماست که البته سفارش شده، گفته شده که در این زمینه - در زمینه‌ی تاریخ علم در ایران - کار شود؛ و دارند کار می‌کنند و کارهای خوبی هم انجام گرفته، که ان‌شاءالله بعد از این بیشتر هم خواهد شد.

در همه‌ی این قرن‌ها ما برجستگان علمی در کشورمان داشته‌ایم که البته به این قرون آخر که رسیده، ضعیف شده. پادشاهان نالایق، جنگ‌های داخلی گوناگون نگذاشته؛ و الا در دوره‌های مختلف و در زمینه‌های گوناگون علوم روز دنیا، ما نخبه‌پرور بوده‌ایم.

در قرن‌های چهارم و پنجم هجری - یعنی قرن‌های دهم و یازدهم میلادی که دوران قرون وسطای اروپاست؛ یعنی دوران جهالت محض - ما ابن سینا را داشتیم، محمدبن زکریای رازی را داشتیم. اروپائی‌ها وقتی به گذشته نگاه می‌کنند، خیال می‌کنند همه‌ی دنیا در قرون وسطی بوده! تاریخ را هم آن‌ها نوشته‌اند! متأسفانه تاریخ‌های آن‌ها هم در کشور ما ترجمه و ترویج شده.

دوران قرون وسطای اروپا، یعنی دوران نهایت ظلمت و تاریکی و بی خبری؛ دورانی است که ما فارابی را داشتیم، ابن سینا را داشتیم، خوارزمی را داشتیم. ببینید فاصله چقدر است!

من یک وقتی در جمع جوان ها از «تاریخ علم جرج سارتن» یا تاریخ علوم دیگر - الان اسم مؤلفش یادم نمی آید. همه ی آن ها فرنگی هستند؛ نمی خواهم دیگر نام آن ها را تکرار کنم - مطالبی درباره ی وضع پیشرفت مسلمان ها در آن دوره گفته ام.

بنابراین، ما از لحاظ نیروی انسانیِ نخبه دچار مشکل و ضعف نیستیم؛ نه امروز، نه ان شاءالله در آینده. روز به روز هم باید بیشتر بشود؛ نخبه ها شناسائی بشوند.



نکته‌ی سوم این است که: ببینید عزیزان من! ما می‌خواهیم کشور را علمی کنیم؛ اما هدف از علمی شدن کشور این نیست که کشور را غربی کنیم. اشتباه نشود. غربی‌ها علم را دارند، اما در کنار علم و آمیخته‌ی با این علم چیزهایی را هم دارند که از آن‌ها می‌گیریم. ما نمی‌خواهیم غربی بشویم؛ ما می‌خواهیم عالم بشویم. علم امروز دنیائی که عالم محسوب می‌شود، علم خطرناکی برای بشر است. علم را در خدمت جنگ، در خدمت خشونت، در خدمت فحشا و سکس، در خدمت مواد مخدر، در خدمت تجاوز به ملت‌ها، در خدمت استعمار، در خدمت خونریزی و جنگ قرار داده‌اند. چنین علمی را ما نمی‌خواهیم؛ ما اینجور عالم شدن را نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم علم در خدمت انسانیت باشد، در خدمت عدالت باشد، در خدمت صلح و امنیت باشد. ما اینجور علمی می‌خواهیم. اسلام به ما این علم را توصیه می‌کند.

آن روزی که کشورهای اسلامی و بخصوص کشور ایران اسلامی ما از لحاظ علم سرآمد بود، آن روز ما هیچ کشوری را استعمار نکردیم، تو سر هیچ ملتی نزدیم، به هیچ ملتی زور نگفتیم. اسلام علم را با ایمان، با کتاب و سنت، با تهذیب اخلاقی، با اخلاق و معنویت می‌خواهد. چقدر من از این جمله‌ی مناجات شریف شعبانیه که این دخترخانم در سخنرانی‌شان خواندند، لذت بردم: «الهی هب لی قلبا یدنیه منک شوقه و لسانا یرفع الیک ذکره» یا «صدقه و نظرا یقرّبه منک حقّه»؛ خدایا دلی به من بده که شوق و عشق، آن را به تو نزدیک کند. عالم مسلمان این را می‌خواهد؛ نزدیکی به خدا، معنویت،

اخلاص، صفا. و این است که آن وقت این علم، این ذخیره‌ی عظیم، این حربه‌ی بزرگ در خدمت دفاع از انسانیت به کار می‌افتد؛ در خدمت امنیت انسان‌ها، عدالت بین انسان‌ها، صلح و صفای انسان‌ها و جوامع بشری به کار می‌افتد. ما این را می‌خواهیم. این را برای خودتان هدف قرار بدهید.

شما امروز لحن کسانی را که بر کرسی‌های سیاسی‌ای سوارند که پایه‌های آن بر روی سرمایه و علم منحرف - سرمایه‌داری - قرار گرفته، ببینید. دولت‌های غربی الان اینجوری‌اند. حالا در قله‌ی قدرت‌های غربی، امریکاست. کرسی قدرت پایه‌هایش بر روی کارتل‌ها و تراست‌های سرمایه‌داران قرار دارد و ابزارش علم است. از سلاح به وسیله‌ی علم استفاده می‌کنند؛ از جاسوسی و دزدی اطلاعات به وسیله‌ی علم استفاده می‌کنند؛ از زد و بند در جاهای مختلف دنیا به وسیله‌ی علم استفاده می‌کنند. ببینید سران اینجور کشورها که اینجور علم منحرف دارند، لحنشان چیست؟ شنیدید این سخنرانی چند روز قبل رئیس‌جمهور امریکا را که چقدر نفرت‌انگیز، چقدر خشونت‌طلبانه و متکبرانه بود. همین غرور و تکبر روزه‌روز هم دارد این‌ها را در گرداب فرو می‌برد. امروز شما این را بدانید - من حالا دارم به شما می‌گویم. شما آن روز را خواهید دید؛ آن روز ماها نیستیم، اما شما جوان‌ها آن روز را خواهید دید - که این تمدن بناشده‌ی بر این پایه‌ی غلط، در گرداب دارد فرو می‌رود؛ دارد لحظه به لحظه در باتلاق پائین‌تر می‌رود و سقوط خواهد کرد؛ بدون شک. همین غرور هم، همین تکبر ابلهانه و احمقانه هم یکی از عوامل همان



سقوطی است که انتظار این‌ها را می‌کشد. این‌ها سقوط می‌کنند. یک هارت و هورتی امروز می‌کنند؛ اما در سراشیب دارند حرکت می‌کنند، خودشان هم ملتفت نیستند؛ البته هوشیارهاشان چرا. هوشمندان شان سال‌هاست فریاد میکشند، هشدار می‌دهند؛ زنگ خطر! منتها کیست که بشنود؛ مستند. مست.

سکران سکر هوی سکر مدامه انا یفییق فتی به سکران

دو مستی در این‌هاست؛ مستی هواپرستی، مستی قدرت. آدمی که یک مستی داشته باشد، نمی‌شود چیزی در مغزش فرو کرد؛ وقتی دو مستی به سراغ کسی بیاید، که واویلاست! هم از آن زهرماری‌های سگی بخورد مثلاً، هم قرص اکستازی؛ این‌ها هر دو را خورده‌اند! حالا شمشیر علم هم دست این‌هاست. بایستی با شیوهی هنرمندانه و با مانور خردمندانه، این‌ها را گرداند و به زمین زد؛ و ان‌شاءالله به زمین می‌زنیمشان.

توجه داشته باشید که ما دنبال این علم نیستیم. ما دنبال علمی هستیم که ما را به معنویت، به انسانیت، به خدا، به بهشت نزدیک کند. و شما جوان‌ها دل‌هاتان پاک است. من این حرف‌ها را دارم می‌زنم، اما آن دلی که بیشتر آماده‌ی شکل گرفتن از این حرف‌هاست، دل شماست. شما هستید که با دل‌های جوان خودتان و با روحیه‌های شاداب و باطراوت خودتان، می‌توانید این مسیر را طی کنید.

نکته‌ی چهارم این است: در زمینه‌ی نخبه‌ها، یک وظیفه متوجه دولت است، یک وظیفه متوجه نخبه‌هاست. وظیفه‌ی دولت همین چیزهایی است

که آقای دکتر واعظزاده - معاون محترم رئیس جمهور عزیزمان - گفتند. این‌ها وظایف دولت است، باید هم انجام بگیرد، من هم تأکید می‌کنم و دنبالگیری خواهم کرد ان شاءالله. خوشبختانه، جهت‌گیری دولت هم همین هست که این‌ها به نتیجه برسد. اینی که شماها گفتید که نخبه‌ها در بنیاد نخبگان و مراکز گوناگون باشند، این حتماً باید تحقق پیدا کند. الان هم می‌خواهم بگویم همین‌جور است. همین آقایانی که امروز بنیاد نخبگان و این معاونت علمی را می‌چرخاند، از جوان‌های نخبه‌ی مايند. این‌ها با شماها از لحاظ سنی خیلی فاصله ندارند و جزو همین نخبه‌هايند که الحمدلله حالا آمده‌اند روی کار و توانسته‌اند تا معاونت رئیس جمهور و تشکیل معاونت علمی و بنیاد نخبگان بالا بیايند و این کارهای عظیم را همین شما جوان‌های نخبه هستيد که در واقع دارید انجام می‌دهيد. بعد از این هم همین‌جور پیش برود. و اما خود نخبگان. این را به شما که اینجا هستيد، دارم عرض می‌کنم؛ اما خطاب به همه‌ی نخبگان کشور است. نخبگان ما فقط شما نیستيد. هزاران، صدها هزار، شاید هزارها هزار نخبه و استعداد در این کشور وجود دارد که البته بایستی این‌ها شناسائی شوند.

اولین حرف این است که مواظب باشید غرور شما را نگیرد. در حرف‌های این جوان‌های عزیزی که اینجا صحبت کردند هم اتفاقاً همین بود. غرور، خودبیش‌بینی، طلبگاری؛ این‌ها درست نیست؛ این برایتان ضرر دارد. شما فرزندان این خانه هستيد؛ فرزندان این آب و خاک هستيد. پدران و مادران شما در این کشور کسانی هستند که جوانی‌شان را صرف کردند برای اینکه



این بنا را درست کنند تا شما در این بنا بتوانید راحت زندگی کنید. آن‌ها حق دارند. مواظب باشید به پیشکسوت‌ها تحکم نشود، اهانت نشود، بی‌اعتنائی نشود. از کشور و از ملت طلبکاری نشود. البته گفتم که وظائف دولت و وظائف کسانی که توانائی در بخش‌های غیر دولتی دارند، معلوم است؛ وظیفه‌ی آن‌ها مشخص است؛ اما شما هم از این طرف به این نکته توجه کنید.

نصیحت دوم من به شما عزیزان: شما برای خودتان یک نقش تاریخی و ملی تعریف کنید، نه یک نقش شخصی. وقتی انسان نقش شخصی برای خودش تعریف می‌کند - یک آدم با استعداد - هدف او این می‌شود که به ثروت برسد، به شهرت برسد، همه او را بشناسند، همه او را احترام کنند؛ این می‌شود هدف. به این چیزها هم که رسید، دیگر کاری ندارد، انگیزه‌ای برایش باقی نمی‌ماند؛ اما انسان وقتی برای خودش یک نقش ملی، یک نقش تاریخی تعریف کرد، وضع فرق می‌کند. شما باید آینده و تاریخ کشور را در نظر بگیرید و ببینید این ملت به کجا باید برسد و شما امروز در کجای این چرخ و این ریل عظیم قرار دارید. امروز شما چه نقشی را باید ایفا کنید تا آن روز، این ملت بتواند در آنجا باشد. چنین نقشی برای خودتان تعریف و ترسیم کنید؛ هدف را بالا بگیرید.

نصیحت سوم هم اینکه، هممتان را بلند بگیرید. من چندبار تا حالا در جمع جوان‌ها و نخبه‌ها این را گفته‌ام. همت نباید این باشد که ما فلان فناوری را که دیگران ساخته‌اند و ما همیشه از آن‌ها می‌خریدیم و وارد می‌کردیم،

حالا فرض کنید می‌توانیم خودمان اینجا بسازیم. اینکه چیزی نیست. البته چیزی هست، کم اهمیت نیست؛ اما آن چیزی نیست که ما دنبالش هستیم. شما هدف را این قرار بدهید که ملت و کشور شما در یک دوره‌ای، بتواند مرجع علمی و فناوری در همه‌ی دنیا باشد. یک وقتی من در جمع جوان‌های نخبه گفتم: شما کاری کنید که در یک دوره‌ای - حالا این دوره ممکن است پنجاه سال دیگر یا چهل سال دیگر باشد - هر دانشمندی اگر بخواهد به آخرین فرآورده‌های علمی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را که شما اثرتان را به زبان فارسی نوشته‌اید، یاد بگیرد؛ همچنانی که امروز شما برای دستیابی به فلان علم، مجبورید فلان زبان را یاد بگیرید تا بتوانید کتاب مرجع را پیدا کنید و بخوانید. شما کاری کنید که در آینده، کشور شما یک چنین وضعی پیدا کند؛ و می‌توانید. یک روز این‌جور بوده است؛ کتاب‌های دانشمندان ایرانی را به زبان‌های خودشان ترجمه می‌کردند، یا آن زبان را فرا می‌گرفتند برای اینکه بتوانند بفهمند. این هم بد نیست شما بدانید که کتاب «قانون» ابن سینا که در پزشکی است، همین ده پانزده سال پیش - زمان ریاست جمهوری من - به فارسی ترجمه شد! بنده دنبال کردم؛ افرادی را مأمور کردم، بعد هم شنیدم یک مترجم خوش قلم بسیار خوش ذوق کرد، این را به فارسی ترجمه کرده که امروز ترجمه‌ی فارسی‌اش هست. تا آن وقت، قانون به زبان عربی نوشته شده بود - ابن سینا کتاب را به زبان عربی نوشته است - و به فارسی ترجمه نشده بود؛ در حالیکه چند صد سال قبل به زبان



فرانسه ترجمه شده! یعنی آن‌ها که این کتاب را لازم داشتند، برده بودند و ترجمه کرده بودند. ببینید، مرجعیت علمی این است؛ مجبورند کتاب شما را ترجمه کنند یا زبان شما را یاد بگیرند. هدفشان را این قرار بدهید. همتتان را این قرار بدهید. همتتان را پیشرفت در زمینه‌ی دانش و شکستن مرزهای علم قرار بدهید، که البته در این زمینه، من مطالب دیگری هم دارم که وقت تمام شده و ناچارم آخرین نکته را بگویم.

ما باید نقشه‌ی جامع علمی کشور را تنظیم کنیم. این را من سال گذشته هم به این مجموعه علمی گفتم، الان هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد این کار می‌شود، اما باید این کار با جدیت هر چه بیشتر بشود. ما باید بدانیم نقشه‌ی جامع علمی کشور چیست. کدام علم، به چه اندازه، در کجای این نقشه جا دارد. اینجور نباشد که مثل یک ورزشکاری که فقط روزی بازو کار می‌کند و بازوهایش می‌شود اینقدر، در حالیکه پا و سینه و شانه‌اش مثل یک آدم لاغر است، باشیم! این، فایده‌ای ندارد. یک ورزشکار فقط کار سینه بکند، بقیه‌ی اندام‌های او هیچ قدرتی نداشته باشد، فایده‌ای ندارد. باید متناسب باشد. بعضی از این جوانان عزیز راجع به علوم انسانی گفتند. ما در بخشی از رشته‌های علوم انسانی، قرن‌ها جلوتر از دنیا هستیم. خیلی جلوتر از کسانی هستیم که امروز در این رشته در دنیا سرآمد به حساب می‌آیند. چرا این‌ها را دنبال نکنیم؟ در رشته‌های گوناگون علوم انسانی؛ ادبیات، فلسفه، تاریخ، هنر، ما خیلی سابقه داریم. بعضی از علوم انسانی دیگر هم هست که

اگرچه از غرب آمده، اما اگر درست دقت کنیم، خمیرمایه‌ی آن که عبارت از عقلانیت و تجربه‌گرایی است، از تفکر و روح ایرانی - اسلامی است. اروپای خرافاتی نمی‌توانست زیست‌شناسی و اقتصاد و مدیریت و روانشناسی و جامعه‌شناسی را به این شکل تنظیم کند. این، سوغات تفکر علم‌گرایی و تجربه‌گرایی شرق و عمدتاً ایران اسلامی بود که رفت در آنجا و به این تحول منتهی شد. به هر حال، در این چیزهایی که عقب هستیم، باید خودمان را جلو ببریم و خودمان ابداع کنیم؛ ترجمه نکنیم. ترجمه‌گرایی زیان‌های بسیار بزرگی برای ما دارد.

بنابراین، نقشه‌ی جامع علمی، چیزِ لازمی است: جایگاه علوم گوناگون، هر کدام؛ مقدار دانشجو، نوع دانشجو، جنس دانشجویان - دختر، پسر - مناطق گوناگون؛ این‌ها باید روشن بشود؛ ما بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم. این کارها البته شروع شده، لکن باید جدیت بکنید دنبال بشود.

مسئله‌ی کاربردی کردن تحقیقات و اختراعات - که اتفاقاً بعضی از جوان‌ها گفتند - جزو چیزهایی است که من رویش تکیه دارم. ما ممکن است یک تحقیقاتی بکنیم، در یک پروژه‌ی تبلیغاتی به جاهای خوبی هم محقق ما برسد؛ اما این در وضع کشور، در جهت رشد و توسعه‌ی کشور نقشی نداشته باشد؛ یعنی نتواند به ثروت ملی تبدیل شود. ما باید علم‌مان را بتوانیم به ثروت ملی تبدیل کنیم. این، تلاش لازم دارد، برنامه‌ریزی لازم دارد. آن وقت یک نکته‌ای در کنار این هست - که باز در همان نقشه‌ی جامع علمی قرار می‌گیرد - که



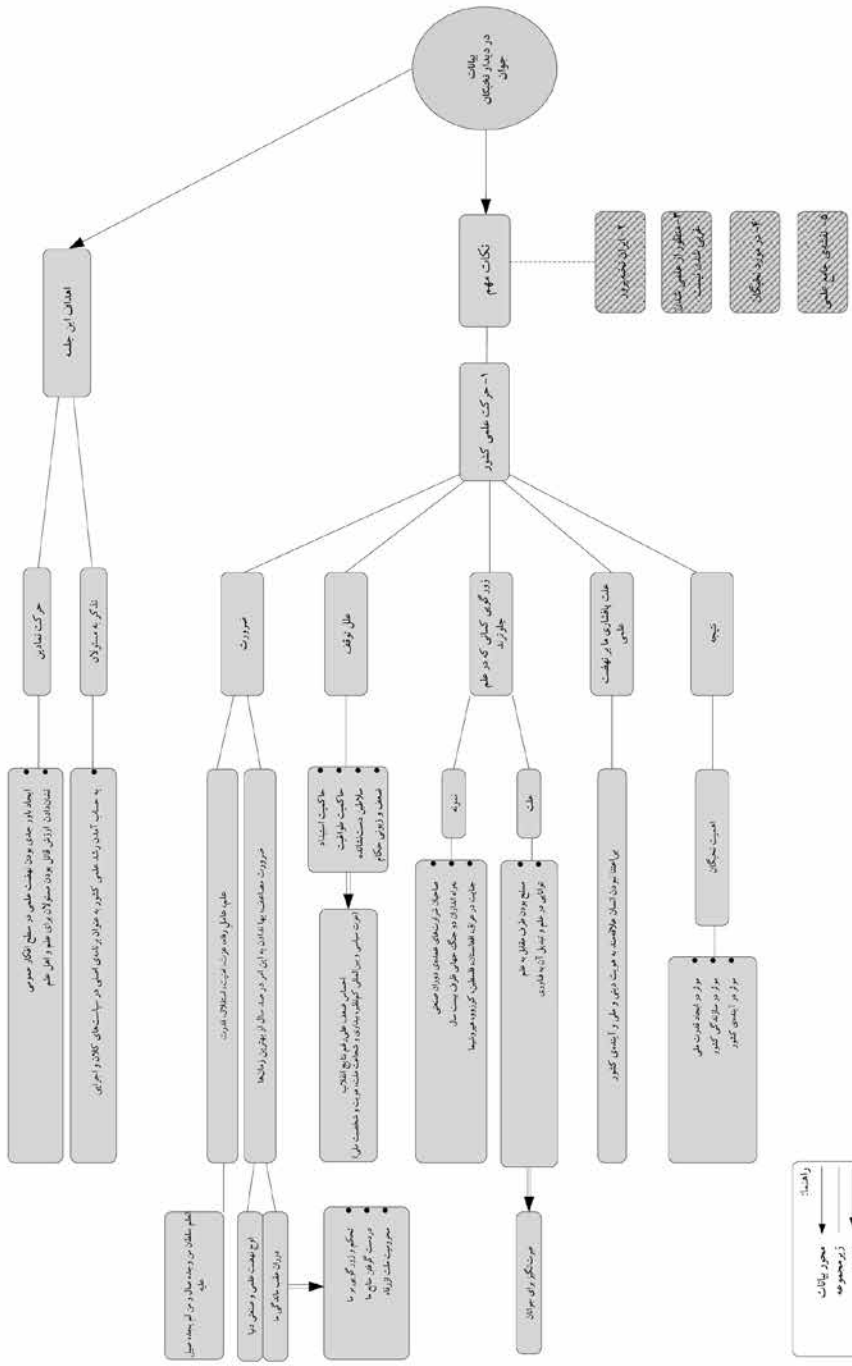
ما باید زنجیره‌ی علم و فناوری را تکمیل کنیم، که گاهی یک جاهائی از این زنجیره قطع شده است، تا یک خط تولید واقعی درست بشود و علم بتواند از همه‌ی جهات به اهداف خودش برسد.

و خمیرمایه‌ی همه‌ی این چیزها، شوق شما و همت شما و علاقه‌ی شما و تلاش دست‌اندرکاران است که امیدواریم خداوند کمک کند. ان شاءالله این تلاش را بکنید و می‌بینیم بحمدالله راه هم افتاده؛ این جریان علمی راه افتاده و ان شاءالله به نتایج خواهد رسید.

من خیلی از دیدار امروز خوشبختم و امیدوارم که ان شاءالله این دیدار کمک کند به رسیدن به اهداف عالی‌ای که کشور و ملت ما دارد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته





راهنما:

- محور فعالیت
- ▬ زیرمجموعه
- نتیجه
- مثال نمونه
- ▨ شرح در صفحه دیگر

- ▨ از برای مشاهده
- ▨ مشاهده از جهت علمی
- ▨ علمی حالت بسته
- ▨ در مورد هنگام
- ▨ نتایج علمی

بیانات
در دیدار مسئولان
حکومت

مصادف طبقه

نگات مهم

- ۱- استخراج علمی کشور
- ۲- ایران جمهوری
- ۳- مسئولان علمی ایران علمی
- ۴- دانش است

ویژگیهای جامع علمی

۴- در مورد نگاه

ولایت دولت

سختی با نگاه

کیفیت

علم آشنایی

کاربردی کردن تحقیقات

تذکرات

• تسهیل حضور نگاه در مراکز مختلف و دیدار علم نگاه
• امری است که مستلزم اعطای علم نگاه است
• امری است که مستلزم اعطای علم نگاه است

• به هر از هر دو، مورد نیاز است و همکاری
• به هر از هر دو، همکاری و نیز همکاری
• همکاری در کنار همکاری و همکاری

• بالا گرفتن هدف
• امری است که با توجه به علم نگاه، علم نگاه
• امری است که با توجه به علم نگاه، علم نگاه

• تعریف هدف
• هدف گرفتن به جهت علم نگاه
• هدف گرفتن از راهی و روشی آید

• سوالات اساسی
• کدام علم
• چه چقدر
• چقدر علم نگاه

• هدف
• چشم انداز علم نگاه
• چشم انداز علم نگاه

• نمونه
• تعداد علم نگاه در رشته علم نگاه
• چگونگی آشنایی علم نگاه

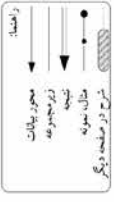
• وضعیت شورای نگهبان روشنگری
• دانشی ما
• علم نگاه
• علم نگاه

• هدف
• آشنایی با علم نگاه
• آشنایی با علم نگاه

• الزام
• تکمیل تحقیقات علم نگاه
• تکمیل تحقیقات علم نگاه

• لزوم اطلاع توسط مردم
• به هر از هر دو، آشنایی با علم نگاه
• آشنایی با علم نگاه

• آشنایی با علم نگاه
• آشنایی با علم نگاه





**سخنرانی دکتر واعظ زاده، معاون علمی و فناوری
رئیس جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان
در اولین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۸۶)**

بسم الله الرحمن الرحيم. موجب شکرگزاری و نیز مباهات است که در این ایام مبارک در فضای پر از معنویت و امنیت جمهوری اسلامی ایران که میراث گرانقدر امام راحل است و ثمره مجاهدت و جانفشانی نخبگان حقیقی برگزیده خداوند، در محضر رهبر فرزانه و نخبه پرور انقلاب اسلامی حاضر شده‌ایم. جمع حاضر یک مجموعه انسانی کم‌نظیر بلکه بی‌نظیر است. ترکیب استعداد و خلاقیت کم‌نظیر و انرژی و انگیزه و تحرک جوانی و اعتقاد درست و آرمانهای بلند، از این دختران و پسران، از این جوانان عزیز وجودهای فاخری ساخته است که در نیل به قله‌های افتخار و عظمت ایران اسلامی، امید بسیار به آنان بسته‌ایم. این مجموعه متشکل هستند از افتخار آفرینان المپیادهای کشوری و جهانی دانش‌آموزی و دانشجویی، برگزیدگان رتبه اول آزمونهای سراسری، برگزیدگان

جوان جشنواره‌های خوارزمی و رازی، و شماری از نخبگان و نوآوران برجسته است که افتخارات خودشان را در پنج سال اخیر کسب کرده‌اند. بعضی از این عزیزان در چند هفته یا حتی در چند روز اخیر به این افتخارات ناآشنا شده‌اند؛ و حضورشان در اولین همایش ملی نخبگان جوان که یک حرکت عملیاتی و اجرایی برای شناسایی و حمایت از نخبگان می‌باشد، مبین این است که شناسایی و حمایت از نخبگان که با تأخیراتی همراه بوده، اکنون تا حدودی به روز شده است.

در بنیاد ملی نخبگان که با دستور مستقیم و رهنمود مشخص حضرتعالی تأسیس شده است، چند راهبرد مهم مورد توجه است. از جمله آن‌ها کمک به شکوفا شدن استعدادها برتر در جهت تأمین منافع کشور است. اگر چه این دو امر - شکوفایی شخصی و کمک به ارتقاء منافع و اقتدار ملی - دو امر متفاوت است، و اگر توجه کافی به آن‌ها نشود ممکن است در دو جهت ادامه یابند، اما با هوشمندی امکان پذیر است که این دو را در یک جهت قرار دهیم؛ و این راهبرد بنیاد است؛ البته اکثر قریب به اتفاق نخبگان ما در زندگی خودشان و در پیشرفتشان به این راهبرد توجه کافی داشته و دارند. موضوع دیگر، توانمندسازی مراکز و مجموعه‌های برتر کشور با هدف ایجاد احساس رضایت نخبگان عزیز از حضور و فعالیت در آنهاست؛ یعنی یک رقابت مثبت برای جذب و جلب نخبگان و بهره‌مندی از آنان. انشاءالله این امر به درستی انجام بشود. زمینه آن در کشور وجود دارد. گرچه همه مراکز ما در سطح مطلوب نیستند، اما ما امروز مراکزی داریم که در سطح خوبی فعالیت می‌کنند. با قدری حمایت و تقویت آن مراکز و جایابی این عزیزان در فعالیت‌ها و پروژه‌های جدی آنها، فرصتی فراهم خواهد شد که در کمتر از نقطه‌ای در جهان برای یک دانشجوی غیر بومی - و حتی



بومی - فراهم است.

راهبرد دیگر بنیاد ملی نخبگان حمایت جامع از نخبگان است. پشتیبانی‌های بنیاد، باید گزیده، کم شمار، مؤثر و کارآمد باشد؛ اما در نظر گرفتن جامعیت این حمایت‌ها مورد توجه کامل است. از حمایت‌های معنوی و فرهنگی متعالی، تا حمایت‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و حمایت‌های مادی و معیشتی در جهت راهبرد اول مورد نظر است. برنامه‌های متعددی تحت این راهبردها سامان یافته و خوشبختانه این همایش یک جهش بزرگ برای اجرایی شدن این برنامه‌ها بود. بنابراین هدف از برگزاری این همایش صرفاً فرهنگ‌سازی و ایجاد یک روحیه واحد و یک عزم عمومی میان نخبگان نیز بود.

برای مشارکت دادن دوستان جوان ما در پروژه‌های اساسی و بزرگ کشور، از مسئولان ذیربط دعوت بعمل آمد و با هماهنگی قبلی، سازوکار حضور و فعالیت این عزیزان تشریح شد و این امر بعد از همایش بصورت جدی پیگیری خواهد شد تا در همین ماه‌های باقیمانده از سال جاری شمار قابل توجهی از این جمع تحت نظر اساتید و نیز مدیران مراکز در این پروژه‌ها مشغول شوند. موضوع کارآفرینی برنامه دیگری بود که با توجه به اینکه بنیاد ملی نخبگان مرکز هماهنگی و هم‌افزایی است، با هماهنگی با مسئولان مراکزی که امتیازاتی به نخبگان در بهره‌مندی از مزایا و امکانات کارآفرینی ارائه می‌دهند، تشریح شد. این برنامه بیشتر برای فارغ التحصیلان که قصد ورود به کسب و کار را دارند، مناسب است. در این همایش نشست‌های بحث و گفتگو برگزار گردید که بسیار سازنده و پر نشاط بود و شخصیت‌های علمی کشور اداره و هدایت این بحث‌ها را بر عهده داشتند و گزارش‌های امید بخشی از مباحث ارزنده طرح شده در آن

جلسات ارائه دادند که نمونه‌ای از آن در حضور حضرتعالی مطرح شد. همهٔ مباحث و گفتگوها ثبت شده و در برنامه ریزی‌های بنیاد استفاده خواهند شد و حتی جمع بندی آن، برای استفاده به مراکز و مراجع دیگر و دولت هم ارائه می‌شود. این فعالیت مقدمهٔ ایجاد اتاق‌های فکر نخبگان است که بزودی تأسیس خواهد شد تا محفلی باشد برای بحث و بررسی و در عین حال برای پیوند بیشتر عزیزان ما با یکدیگر که منافع بسیاری در بردارد. نشست و برخاست نخبگان جوان با پیشگامان علم و فناوری در کشور ضرورت دیگری است که در برنامه‌های بنیاد مدنظر است. پیشگامان پژوهشی کشور تجارب خودشان را با این عزیزان در میان خواهند گذاشت؛ و این حرکت انشاءالله مقدمهٔ تأسیس خانهٔ نخبگان جوان و غیر جوان خواهد بود؛ و در نهایت جوایز مستمر علمی توسط بنیاد اهدا گردد. که در راستای راهبرد اول به عزیزان دانشجو اعطا می‌شود تا بتوانند یک زندگی دانشجویی نسبتاً راحت و ساده داشته باشند و بر شکوفا ساختن ذهن، روح و جسم خودشان متمرکز بشوند. این جایزه یک بستهٔ نسبتاً جامع است که حمایت‌های علمی مادی و معنوی در آن قرار گرفته و در طول تحصیل در اختیار این عزیزان قرار خواهد گرفت.

دولت برای حمایت از نخبگان عزم جدی دارد و خوشبختانه توجه دولت به نخبگان روز افزون است. با این حال هنوز حمایت‌ها در حد استحقاق نخبگان عزیز نیست. کاری بیش از این باید بشود. در همین راستا برنامه‌های میان مدتی طراحی شده است که از جملهٔ آن‌ها طرح شناسایی و هدایت استعداد‌های برتر (شهاب) است. این طرح کارهای خوبی که در مدارس و مجموعه‌های تیزهوشان و استعداد‌های درخشان انجام شده و همچنین روش‌های شناسایی از



طریق آزمون‌ها و جشنواره‌ها را به یک برنامه‌شناسایی و شکوفایی به گستردگی همه کشور تسری می‌دهد. بر اساس این طرح در مدارس کشور در دوره ابتدایی و قبل از آن به کمک معلمان به تدریج استعدادهای برتر شناسایی می‌شوند و با تأکید بر خلاقیت - که مورد نظر حضرتعالی بوده است - به تدریج رشد داده می‌شوند؛ بدون اینکه از کلاس و مدرسه خودشان جدا بشوند.

خوشبختانه مسئولین وزارت آموزش و پرورش از این طرح فوق العاده استقبال کردند و در برنامه ریزی آن مشارکت جستند. اگر چه این طرح میان مدت است، اما امیدواریم که اجری آن به سرعت آغاز بشود. امیدواریم برنامه‌ریزی‌های آن در سال جاری به پایان برسد و با همت دولت و مجلس بودجه مناسب هم در نظر گرفته شود تا بتوانیم عدالت‌گرایی را در شناسایی و پرورش نخبگان هرچه بیشتر رعایت کنیم. طرح دیگری که ابتکار آن مختص رئیس جمهور است، باز کردن درب آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و کتابخانه‌ها در همه دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز فرهنگی و صنعتی به روی مخترعان، نوآوران بطور خاص و نخبگان بطور عام است. این سرمایه‌گذاری‌ها در کشور انجام شده است اما بعضی موانع اداری وجود دارد که اجازه بهره‌برداری بهینه را از آن‌ها نمی‌دهد. برنامه ریزی برای این طرح شروع شده و در صورت تحقق امیدواریم دیگر کسی نباشد که ایده‌ای نو داشته باشد، اما حداقل امکانات را برای شکوفا شدن و نزدیک کردن آن به صحنه عمل و بازار پیدا نکند.

اینها عمده طرح‌هایی هستند که برای نخبگان جوان در دست بررسی است و ما آن‌ها را در اولویت قرار داده بودیم. اما طرح‌هایی - با همین دامنه - برای دیگر نخبگان، برای پژوهشگران، دانشمندان، اساتید نمونه و بزرگان علمی کشور - با



مشورت خودشان و با شنیدن طرح‌ها و پیشنهادهای این بزرگان - در دست تدوین است. امیدواریم در سال جاری علاوه بر حدود هزار و پانصد نفری که در شش ماهه اخیر تحت حمایت عملیاتی بنیاد قرار گرفته‌اند، همین تعداد از دیگر نخبگان جوان نیز مورد حمایت قرار گیرند و شماری از نخبگان غیر جوان نیز حداقل از یک حمایت ملموس و مؤثر برخوردار شوند.

خوشبختانه در جلسه اخیر هیئت دولت برگزاری نشست‌های تخصصی مشترک بین دولت و نخبگان با پیشنهاد بنیاد به تصویب رسید و این هم حرکتی است که هم در سطح نخبگان جوان و هم بخصوص در سطح نخبگان برجسته و جامع شرایط ما می‌تواند فواید متقابل هم برای نخبگان و هم برای دولت داشته باشد و همچنین موجب درگیر شدن و آشنا شدن نخبگان با مسائل و مشکلات کشور شود.

از اظهار لطف حضرتعالی برای شنیدن سخنان جوانان عزیز و تصدیقی که اینجانب نمودم، سپاسگزارم. والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاته.

سخنرانی نخبگان اولین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی)^۱



دکتر سیدامید دیانت

(محقق جوان جشنواره رازی در سال ۱۳۸۵، دانشجوی نمونه کشوری در سال ۱۳۸۳، برگزیده کتاب

سال دانشجویی در سال ۱۳۸۳)

بسم الله الرحمن الرحيم، با عرض سلام خدمت حضرت تعالی، مسئولان محترم، نخبگان و استعداد‌های برتر کشورمان، خوشحالم که برای بار دوم افتخار حضور خدمت حضرت تعالی را دارم. جلسه قبل که خدمت شما بودیم مهرماه ۱۳۸۴ بود. جنابعالی در آن جلسه تشکیل بنیاد ملی نخبگان را نوید دادید و یکی دو سال بود که خبری از وضعیت بنیاد نداشتیم. به لطف خداوند، به تازگی خبرهای بسیار خوشی شنیدیم و متوجه شدیم قدم‌های مثبتی برداشته شده و روند حمایت از نخبگان و استعداد‌های برتر کشور روند بسیار مثبت و رو به رشدی است. نخبگانی که در این نشست حضور دارند، تنها گوشه کوچکی از استعداد‌های برتر کشور هستند که با توجه به امکانات فعلی موجود از جمع هزاران فرد مستعد، انتخاب شده‌اند و در این همایش بزرگ شرکت کرده‌اند و جا دارد از برگزار کنندگان همایش تشکر کنم. در حال حاضر دغدغه‌های تشکیل بنیاد، تصویب اساسنامه اولیه و مصوبات آن به پایان رسیده و وارد مرحله جدیدی شده است و باید مصوبات و اعطای امتیازات را تقویت کرد. هر استعداد برتر و هر نخبه در کشور ما، نیازهای خاصی

۱- در سخنرانی نخبگان عین مطلب، بدون هیچ دخل و تصرفی آورده شده است.

دارد. باید توجه شود که نیازهای افراد یکسان نیست. به عنوان مثال من به عنوان دانشجوی دندانپزشکی، یک سری نیازها دارم و دانشجوی رشته دیگر و یا یک دانش آموز نخبه، نیازهای دیگری دارد که برآورده کردن این نیازها باید به صورت شخصی و برحسب شرایط فرد باشد و اعطای امتیازات می‌تواند از یک حمایت مالی کوچک باشد تا حمایت‌های معنوی بزرگ که به نظر می‌رسد بنیاد نخبگان بتواند این کار را انجام دهد و به خوبی به پیش ببرد.

به نظر من بهتر است کارشناسی بیشتری در این زمینه‌ها انجام شود و نیازهای افراد بررسی شود و سپس اعطای تسهیلات صورت گیرد. موضوع دیگر ارتباط قوی‌ای است که باید بین بنیاد ملی نخبگان - که به دستور حضرتعالی تشکیل و زیر نظر مستقیم ریاست جمهوری اداره می‌شود- با وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای دیگر از جمله وزارت بهداشت، وزارت علوم، سازمان نظام وظیفه، بانک‌ها و سایر سازمان‌ها برقرار باشد. افراد به صورت ملموس، اجرایی شدن مصوبات را حس کنند. فکر می‌کنم با دستور جنابعالی و ریاست محترم جمهوری و هیئت محترم وزیران این کار با سرعت بیشتری طی خواهد شد و نخبگان کشور هم دلگرم شده و با روحیه بهتر می‌توانند در پیشبرد اهداف مقدس جمهوری اسلامی گام بردارند. امید است بتوانیم قدم‌های مثبت و رو به جلویی را هر چه سریع‌تر برداریم. تشکر می‌کنم.





احسان غلامی

(دارنده مدال نقره جهانی المپیاد فیزیک سال ۲۰۰۶)

بسم الله الرحمن الرحيم، با دورد و سلام به محضر رهبر فرزانه و خردمند انقلاب و حضار محترم، خدا را شاکرم که در محضر حضرتعالی و دیگر عزیزان مطالبی را عرض می‌کنم. مجموعه نخبگان خود را همیشه بدهکار مردم، جامعه، نسل‌های آینده و تاریخ می‌داند. این مجموعه همواره تلاش خود را برای بالا بردن جایگاه اسلام و حکومت اسلامی به کار برده، در راستای آرمان‌های جمهوری اسلامی قدم بر می‌دارند و این کار را با دستیابی به مرزهای علم و دانش انجام می‌دهند. نکاتی را برای کمک به حل پاره‌ای از مسائل نخبگان پیشنهاد می‌کنم.

انسان تک بعدی و مادی همانند پرنده‌ای است که با یک بال نمی‌تواند پرواز کند. آدم بدون اخلاق و تقوا هم مثل این پرنده است. مسئولان امور نخبگان نباید فقط به دنبال نیازهای مادی نخبگان باشند و نباید فقط به برگزاری برنامه‌های تشویقی و اعطای جوایز علمی اکتفا کنند. بلکه باید نگاهی به نیازهای معنوی نخبگان هم داشته باشند و سعی کنند با برنامه‌ریزی به تعمیق اخلاق و روحیه دینی و ارزش‌های اسلامی در مجموعه نخبگان اقدام کنند. این نیاز می‌تواند با برنامه‌های مختلفی رفع شود. شاید بتواند به صورت برنامه‌های جنبی مثل سفرهای غیر علمی جهت جمع شدن و تعامل و نشست و برخاست نخبگان با همدیگر صورت بگیرد. در این جلسات می‌توان برنامه‌ریزی‌هایی کرد که ضمن شاداب کردن روحیه جوانان نخبه، به کمک برنامه‌های هماهنگ، معنویت نیز

تقویت شود. نکته دوم، حضور موثر خود نخبگان در بنیاد است و اعطای نقش جدی به آن‌ها در تصمیماتی که درمورد آن‌ها اتخاذ می‌شود. فکر می‌کنم می‌توان با تشکیل کارگروه‌های بحث و بررسی و دعوت از نخبگان برای شرکت در این جلسات، دیدگاه‌ها و افکار آن‌ها در مورد خودشان را بحث و بررسی کرد، طبیعی است که آن‌ها مشکلات خود را بهتر می‌دانند که البته این کار با کمک بنیاد ملی نخبگان آغاز شده است و امیدواریم که به صورت مستمر ادامه پیدا کند.

مسئله بعدی، تخصیص بودجه کافی به بنیاد است تا مدیران و دست‌اندرکاران بنیاد بتوانند کارهایی را برای نخبگان انجام دهند و با فراغ‌بال بیشتری به این مسئله بپردازند و علاوه بر آن، در هزینه کردن این بودجه‌ها، اختیارات کافی و لازم به آن‌ها داده شود تا راحت‌تر و بدون افتادن در روند اداری کشور، این هزینه‌ها را صرف کرده و این فرآیند طولانی تصویب طرح‌ها و برنامه‌ها کوتاه شود. نکته بعدی اینکه ما امروزه نیازمند ارتباط با مراکز علمی جهان هستیم و بنابراین تسهیل در مقررات رفت و آمد نخبگان به خارج از کشور، به نظر ضروری می‌رسد، من فکر می‌کنم بهتر است خود بنیاد متولی این امر شود تا برنامه‌ریزی دقیق‌تری روی آن صورت گیرد. با مراکز علمی و تحقیقاتی معتبر دنیا ارتباط برقرار کند و به نوعی، بورس کردن دانشجویان توسط خود بنیاد انجام شود. این کار علاوه بر این که امکان تعامل با مراکز علمی دنیا را برای نخبگان آسان‌تر می‌کند، امکان بازگشت نخبگان و استفاده از دستاوردهای آنان را نیز میسر می‌سازد.

نکته بعدی ایجاد بانک علمی نخبگان است، پیشنهاد می‌کنم بانکی ایجاد شود و مشخصات فردی اعضای بنیاد، توان‌مندی‌ها، علایق و سوابق علمی



و نحوه ارتباط با آن‌ها در آن بانک وجود داشته باشد تا اگر اعضا به تخصص خاصی نیاز داشته باشند، بتوانند به آن بانک مراجعه کنند. به عنوان مثال برای تشکیل یک تیم علمی و با یک پروژه پژوهشی تحقیقاتی که در کشور به شدت مورد نیاز است، بتوان به این بانک مراجعه کرد و با اعضا ارتباط برقرار کرد و از آن‌ها بهره‌مند شد. دنیای امروز هم دنیای کارگروهی و جمعی است و با توانایی‌های فردی نمی‌توان حرکت‌های علمی بزرگ انجام داد. لذا این بانک می‌تواند مشکلات را حل کند. البته این بانک باید به صورت طبقه‌بندی شده باشد و فقط در صورت نیاز در اختیار افراد و ارگان‌ها قرار بگیرد.

نکته دیگر، سرمایه‌گذاری در رشته‌های جدید باهدف جهت‌دهی تحقیقات به سمت دانش‌های جدید دنیاست. در این زمینه باید به پتانسیل‌های کشور توجه کنیم و هدایت سرمایه‌های علمی مان به سمتی باشد که پتانسیل وجود دارد. نکته آخر هم، تلاش صدا و سیما برای فرهنگ‌سازی جهت برتری نخبگی علمی در جامعه است؛ بگونه‌ای که فقط برجستگان ورزشی و مدال‌آوران این حوزه توجه نشود. منظور بنده، یکسان‌سازی این‌ها نیست. به طور مثال، روزانه در اخبار ورزشی از ورزشکارانی که در کشور موفق می‌شوند، سخن گفته می‌شود اما در اخبار علمی فقط از دستاوردهای دانشمندان سخن به میان می‌آید نه از خود آنان. فکر می‌کنم بها دادن به افراد عالم در صدا و سیما باعث الگوسازی برای جامعه می‌شود. در پایان امیدواریم که این نهاد مبارک منشا خیر و برکت باشد.



زهرا شریفی

(دارنده مدال طلای المپیاد ادبی سال ۱۳۸۵)

بسم الله الرحمن الرحيم، سلام عرض می‌کنم خدمت مقام معظم رهبری و همچنین دوستان عزیز و خیلی خوشحالم که این افتخار نصیب من شد تا من هم بتوانم در این مراسم صحبت کنم. به دلیل کمی وقت، به سراغ مطلب اصلی می‌روم. مقوله‌ای داریم به عنوان شناسایی و پشتیبانی مادی و معنوی استعدادها که این طرح در شهرستان‌ها انسجام کافی ندارد. به دلیل ناآگاهی بعضی از مسئولان به جای اینکه خیلی از استعدادها شناخته شوند، متأسفانه سرکوب می‌شوند. خود من برای المپیاد ادبی در سال گذشته، سختی‌های زیادی کشیدم و کم‌لطفی‌های بسیاری از جانب مسئولان دیدم. لذا درخواست می‌کنم نشست‌های با حضور مسئولان پارک‌های علم و فناوری سراسر کشور برگزار شود تا در مورد چگونگی حمایت از نخبگان و نحوه برخورد با آن‌ها طراحی ارائه شود. در این صورت مسئولان عزیز در قضیه شناسایی نخبگان موفق خواهند بود.

موضوع دیگر در مورد المپیاد ادبیات است. متأسفانه ادبیات چه در دبیرستان و چه در دانشگاه‌ها و چه در برنامه المپیاد مظلوم واقع شده است. چون تنها المپیاد ملی و داخلی است، به چشم دیگری به آن نگاه می‌کنند و ما می‌توانیم در مورد عرض کردن این نگاه کارهای زیادی انجام دهیم. برای مثال، چرا المپیاد ادبیات مانند دیگر المپیادها، نمی‌تواند معافیت از کنکور داشته باشد؟ این مسئله تنها در رشته ادبیات وجود دارد و چندین بار برای مسئولان مطرح شده است و دلیل آن‌ها این است که کسانی که در المپیاد ادبیات شرکت می‌کنند، فقط در زمینه ادبیات سنجیده می‌شوند و به همین دلیل نمی‌توانند بدون کنکور وارد رشته حقوق شوند. من باید نکته‌ای را در اینجا مطرح کنم و آن هم این است که آن

فردی که توانسته آن کتاب‌های ادبی را با آن حجم سنگین در مدت بیست روز مطالعه کند و موفق شود مدال طلا بیاورد، به طور قطع در دروس دبیرستان و پیش دانشگاهی هم می‌تواند موفق شود. با این حال اگر مشکل این است، پیشنهاد من این است که بنابر مصلحتی که خود مسئولان می‌دانند، مباحثی را به المپیاد ادبیات اضافه کنند تا در زمینه‌های که نیاز می‌دانند بچه‌ها آزمایش شوند و بتوانند بدون کنکور وارد دانشگاه شوند. مسئله دیگری که باعث کم رنگ شدن ادبیات شده، این است که بسیاری از رشته‌های ادبیات با رشته‌های ریاضی و تجربی مشترک است. یعنی گروه‌های آزمایشی دیگری هم می‌توانند وارد این رشته‌ها شوند، مانند مدیریت و روانشناسی؛ و به تازگی اطلاع یافتیم رشته حقوق که یک رشته بالایی علوم انسانی است، امسال با گروه علوم تجربی مشترک شده است. طبیعی است شخصی که می‌خواهد وارد رشته حقوق شود دیگر از طریق رشته‌ای که در جامعه به عنوان یک رشته سطح پایین به آن نگاه می‌شود وارد این رشته نخواهد شد. امیدوارم از طریق شما این امر در آموزش عالی پیگیری شود.

مسئله دیگر این است که برای مدال‌های طلا بالاخره یک مزایای گذاشته شود، اما بچه‌هایی که در المپیاد مدال نقره با برنز می‌آورند نیز، بالاخره تلاش کرده و زمانی را صرف کرده‌اند. اینگونه نباشد که بعد از این که المپیاد تمام شود این افراد احساس کنند که المپیاد، جز این که وقت آن‌ها را بگیرد و آن‌ها را از دیگران در کنکور عقب بیندازد، حاصل دیگری نداشته است. لذا پیشنهاد من این است که برای المپیادها در کنکور سهمیه‌ای قائل شوید. این مسائل، باعث شده است که بچه‌ها به سراغ المپیاد ادبیات نیایند و استقبال کنندگان از المپیاد ادبیات کم باشد. جا دارد همین جا من از مسئولین کمیته علمی ادبیات تشکر کنم و امیدوارم که سایر مشکلات نخبگان با هدایت و لطف شما حل شود.



علی اکبر ابوالحسنی

(رتبه سوم المپیاد دانشجویی فیزیک سال ۱۳۸۵)

روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید حالیا چشم جهانی نگران من و توست
 بسم الله الرحمن الرحيم، خدا را شاکرم که این توفیق نصیب من شده تا در جمع صحبت کنم. فکر می‌کنم بهتر است ابتدا جمع را معرفی کنم. جمع ما جمعی از نخبگان این مملکت است که توانایی‌های بسیار دارند. من به عنوان یکی از قدیمی‌ترین‌های این جمع، این توانایی‌ها را دیده‌ام و می‌دانم بچه‌هایی که در چنین جمع‌هایی هستند، در آینده تحصیلی‌شان چه در داخل و چه در خارج از کشور، پیشرفت‌های بسیار زیادی خواهند داشت و توانایی‌های بسیار زیادی دارند. این را خود بچه‌ها واقفند و انشاءالله از این توانایی‌ها استفاده خواهند کرد. حالا سوالی که برای بچه‌ها پیش می‌آید این است که چه کار می‌توانند بکنند؟ من در مورد این سوال سعی کردم خیلی بنیادی فکر کنم. چون رشته تحصیلی من فیزیک است و ما فیزیکی‌ها بیشتر دوست داریم اینگونه فکر کنیم. از صحبت‌های شما استفاده کردم و با یک جمع‌بندی به این نتیجه رسیدم که حرکت ما، حرکت به سمت یک قله است. برای حرکت به سمت یک قله باید الزاماتی را رعایت کنیم. باید بدانیم کجا هستیم، قله‌ای که می‌خواهیم برویم کجاست، چند اردوگاه در بین راه در نظر بگیریم و یک نقشه برای این حرکت تهیه کنیم.

حالا من می‌خواهم روی تک‌تک این جزئیات به صورت کاربردی و راهبردی

بحث کنیم و ببینیم که ما نخبگان در کجا قرار گرفته‌ایم. حرکت به سمت پیشرفت در فرمایشات شما به عنوان الگوی پیشرفت و توسعه، مطرح شده است. به نظر من نخبگان باید در تدوین الگوی پیشرفت و توسعه، شرکت داده شوند؛ هر چند ممکن است جوان باشند و یا فکر کنند که نمی‌توانند این کار را انجام دهند، ولی تا وقتی که این کار را نکنیم هیچ پیشرفتی صورت نمی‌گیرد. زیرا وقتی به الگوهای موفق پیشرفت دقت می‌کنیم و می‌بینیم جوان‌ها یا دانشمندان یا آنهایی که در این مسیر حرکت می‌کردند، در گفتمان‌های خود در مورد پیشرفت صحبت می‌کردند و دغدغه‌شان پیشرفت بوده است. در مورد ما هم وقتی دو جوان نخبه در کنار هم می‌نشینند، باید در مورد این مسئله صحبت کنند. اگر اینگونه شویم، این حرکت به شدت شتاب پیدا می‌کند. دوباره عرض می‌کنم که این الگوی پیشرفت و توسعه بسیار مهم است و نحوه تدوین آن به طور کلی مسیر ما را عوض خواهد کرد.

در قسمت دوم اگر کمی عملیاتی‌تر نگاه کنیم، باید تعدادی چشم انداز حرکت مشخص کنیم. این چشم اندازهای حرکت، مثل چشم انداز بیست ساله است. در تدوین این چشم انداز، باید نخبگان شرکت داشته باشند. این چشم اندازها در حرکت امروزی ما بسیار مهم است. شما در یکی از سخنرانی‌های خود بر علوم پایه تاکید نمودید. علوم پایه را به یک خزانه یا یک گاوصندوق تشبیه کردید و در مقابل علوم مهندسی را مطرح کردید که مانند پولی توجیبی است که مصرف می‌شود. برای اینکه ما بتوانیم علوم پایه را گسترش دهیم، باید انباشت علمی در مملکت داشته باشیم تا در آینده به تولید تکنولوژی منجر شود. متأسفانه ما

فقط به تکنولوژی‌ها دست پیدا می‌کنیم. گرچه این خوب است، ولی باید خودمان هم یک بار تکنولوژی درست کنیم و تکنولوژی مال ما باشد. بدین منظور، باید به علوم پایه اهمیت بدهیم و فرمایش شما هم همین بود. علوم پایه نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. نتیجه سرمایه‌گذاری که در علوم پایه انجام می‌شود، ممکن است ده یا بیست سال بعد معلوم شود. پس این چشم‌اندازها را باید تعریف کنیم. اگر این چشم‌اندازها را تعریف نکنیم، حرکت ما یک حرکت با برآیند صحیح نخواهد بود. من یک مثال علمی بزنم. در کارگروهی که دیروز در همین همایش ملی نخبگان برگزار شد و من نیز در آن شرکت داشتیم، آقای دکتر مخبر دزفولی، دبیر محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی، در مورد همکاری ما در نوشتن چشم‌انداز صحبت کردند. این مسئله نشان می‌دهد که می‌شود با همین سبک عمل کرد. ایشان پیشنهاد دادند که خوب است نخبگان با تنظیم کنندگان سند چشم‌انداز بیست ساله جلسه داشته باشند. به دلیل اینکه که نخبگان، باید نسبت به سند چشم‌انداز توجیه شوند تا در این مسیر با ایمان کامل نسبت به آن سند، حرکت کنند. این پیشنهاد یک پیشنهاد علمی و قابل اجراست و به عنوان یک مثال می‌شود این را مطرح کرد.

همچنین اگر قرار است چنین همایش‌هایی برگزار شود، بهتر است چارچوب آن بنیاد ملی نخبگان باشد. به نظر من باید مدیریت واحد نخبگان را اعمال کنیم و به این پایبند باشیم که این مسئله بسیار خوب و به نفع نخبگان است. مسئله بعدی، نقشه حرکت است و در این مرحله، از نخبگان انتظار می‌رود که در نقشه علمی کشور، به طور اجرایی شرکت کنند. چرا باید در نوشتن آن



شرکت کنیم؟ چون ما حرکت کنندگان این راه هستیم و کمبودها و وضعیت فعلی را احساس می‌کنیم و لذا باید نقشه حرکت را بنویسیم. حال می‌خواهم حرکتمان را توصیف کنم که به چه شکلی هست، مجبورم مثال را از فیزیک بزنم؛ چون هم خودم دوست دارم و همه هم با آن آشنا هستند. یک ماده از یک تعداد دوقطبی‌های ریز مثل آهن ربا تشکیل شده است که اینها همه پراکنده هستند. این ماده مغناطیسی نیست. ولی مقداری شارژ که به آن اعمال کنید، حوزه‌هایی از آن شروع به هم جهت شدن می‌کند. این حوزه‌ها کم‌کم به وجود می‌آید و بزرگ می‌شود تا این که در تمام ماده مغناطیسی هم جهت می‌شوند. آن روزی که ما بتوانیم همه اجزاء آن ماده مغناطیسی را هم جهت کنیم، آهن ربا می‌شود. باید بتوانیم قسمت‌های مختلف کشورمان - مثل صنعت و دانشگاه - را با هم هم جهت کنیم. در این حالت خودش حرکت می‌کند و دیگر نیازی به اعمال نیروی ما نیست.

اگر ما این دوران گذار و جهش را رد کنیم، حرکت ما بسیار سریع می‌شود. پس بیاییم مدیریت کنیم و از نخبگان نیز بخواهیم که در این زمینه مدیریت کنند. نکته آخر این است که در بحث الگوی پیشرفت، مسئله فرهنگ و اقتصاد نیز مطرح است، ولی جرات نکردیم وارد مقوله بسیار مهمی به نام فرهنگ شوم و معتمد مقوله فرهنگ از مهم‌ترین مقوله‌هاست. تشکر می‌کنم.



سید حسام فیروزی

(دارنده مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی سال ۲۰۰۷)

بسم الله الرحمن الرحيم، با سلام خدمت رهبر انقلاب اسلامی و حضار محترم، بنده به عنوان یکی از دانش آموزان المپیادی برخی دیدگاه‌های خود و دیگر دوستانم را به استحضار جنابعالی می‌رسانم.

اولین موضوعی که مطرح می‌کنم، مربوط به نیازهای فکری جوانان و به خصوص نخبگان است. در آن بخش از علم که به علمی چون علوم پایه، علوم مهندسی، پزشکی و غیره مربوط است، مرکزی مانند باشگاه دانش پژوهان جوان در رده دانش آموزان، و دانشگاه‌های داخلی و خارجی برای دانشجویان، تا حدود زیادی نیازهای نخبگان را تامین کرده است؛ ولی در زمینه علوم انسانی و علمی که به بنیان‌های فکری مربوط می‌شود، متأسفانه کارهای موثری صورت نگرفته است و این مسئله برای نخبگان جوان بسیار حیاتی است. چرا که بیشتر این نخبگان اهل تفکر هستند و اگر دارای مبانی قوی فکری نباشند، با توجه به هجوم روز افزون شبهات و تفکرات جدید، در خطر گم کردن هدف و مسیر قرار دارند. لذا لازم است مبانی فکری نخبگان جوان تقویت شود در بین بسیاری از این نخبگان، دریایی از سوالات و شبهات درمورد اصول بنیادی زندگی، دین و آرمان‌های انقلاب و امام بزرگوار مطرح است. گاهی جلساتی تشکیل می‌شود. ولی اغلب افرادی که برای رفع شبهات حضور پیدا می‌کنند



آنقدر از نظر فکری و دانش قوی نیستند تا نیازهای نخبگانی که تیزبین و دارای افکار عمیق هستند را برطرف کنند. بیشتر وقت‌ها این شبهات، شدت می‌یابند؛ زیرا آن جوان فکر می‌کند که چون آن فرد نتوانست جواب او را به صورت منطقی بدهد، پس تفکر اسلامی دارای ضعف است. به نظر من باید نخبگان برجسته‌ای از حوزه و دانشگاه که دارای تفکر قوی و دانش عمیق هستند، دور هم جمع شوند و با کار کارشناسی درست راه‌های تقویت بنیان‌های فکری جوانان را بررسی کنند. این کارشناسی امری بسیار مهم است؛ زیرا بسیاری اوقات وقتی نیازی مطرح می‌شود، عده‌ای شتابان دنبال رفع آن نیاز هستند و کار کارشناسی صورت نمی‌گیرد و نتیجه مطلوب بدست نمی‌آید. زیرا هر کار و هر تلاشی همان قدر نتیجه می‌دهد که روی آن، کار فکری و کار کارشناسی صورت گیرد. از جمله راهکارهای ساده‌ای که به ذهن بنده می‌رسد این است که افرادی با دانش عمیق و فکر و بینش روشن، توسط مسئولان حمایت مالی و معنوی شوند تا در جلساتی که به عنوان باشگاه دانش پژوهان جوان یا بنیاد ملی نخبگان تشکیل می‌دهد، جوانان را با مبانی تفکر اسلامی و انقلاب و آرمان‌های امام بزرگوار و مبانی تفکر ایشان آشنا کنند. همچنین جلساتی جهت بحث و مناظره با جوانان داشته باشند و به شبهات و سوالات آنان پاسخ دهد. شناخت بنیان‌های فکری امام راحل بسیار مهم است؛ بسیاری از مهم‌ترین امور دین و انقلاب در آینده، در دستان جمعی از این نخبگان خواهد بود و هر کس که مسئولیتی مهم در این کشور به عهده بگیرد، بر او واجب است با تفکرات امام راحل آشنا باشد و در آن راه قدم بگذارد. دوباره تاکید می‌کنم، چون این



مسئولیت خطیری است، این افراد باید از نظر فکری به معنای واقعی قوی باشند تا بتوانند جواب نخبگان را بدهند. از جنابعالی خواستارم که این امر مهم را با حمایت پیگیری فرمایید. با عنایت خدای متعال اگر این کار درست انجام گیرد از هر دوره تحصیلی در آینده نه چندان دور، دانشمندان بزرگی همچون شهید بزرگوار مطهری خواهیم داشت.

نکته دومی که می‌خواستم خدمت شما عرض کنم در مورد گرفتن واحدهای اضافی در دانشگاه‌ها است که دانشجویان اغلب باید هزینه‌های زیادی را برای گرفتن آن واحدها پرداخت کنند و نخبگانی هم که وارد دانشگاه می‌شوند، به خاطر این که در مقایسه با دیگران علاقه بیشتری نسبت به علم دارند، معمولاً بیشتر و فراتر از آن چیزی که در اختیارشان است، واحدهای اضافی می‌گیرند و مجبورند هزینه‌های زیادی برای آن پرداخت کنند. این مسئله گویا چندی قبل هم در یکی از جلسات مطرح شده، ولی همچنان پابرجاست. امید است مسئولان برای رفع این مشکل، تلاش کنند.

نکته آخر که می‌خواستم خدمت شما عرض کنم در مورد مشکل باشگاه دانش پژوهان جوان - متولی برگزاری المپیادهای کشوری و اعزام تیم‌های المپیاد به مسابقات جهانی - است مهم‌ترین مشکل باشگاه ساختار حقوقی آن است که خیلی روشن نیست و از مسئولان تقاضا داریم در روند اصلاح این ساختار کمک کنند. در پایان به عنوان فرزند یک رزمنده ارتشی از خداوند متعال می‌خواهم که ما را سربازانی شایسته برای راه ولایت قرار دهد.





علیرضا ایمانی

(رتبه اول المپیاد دانشجویی برق ۱۳۸۵)

بسم الله الرحمن الرحيم، با سلام خدمت رهبر معظم انقلاب. بحثی که می‌خواهم بیان کنم، برخی انگیزه‌های موثر در مهاجرت نخبگان و راه‌حلهایی برای تغییر جهت و احیاناً برطرف کردن این انگیزه‌ها و یا بازگشت پس از ادامه تحصیل می‌باشد. صرفه نظر از دلایل عمومی موثر در مهاجرت به طور عامل و نه مهاجرت نخبگان، نظیر اشتغال و رفاه و شخصیت اجتماعی - که به اعتقاد من نخبگان قادر به کسب اشتغال و رفاه بوده و همین جلسات نشان از شخصیت اجتماعی آن‌ها دارد- دلایل خاص دیگری نیز وجود دارد که در بعضی از رشته‌ها بیشتر مطرح است.

این دلایل شامل ارتباط داشتن با کسانی است که خارج از کشور در علوم خاصی سرآمد هستند و تجارب بسیار بالایی دارند. همچنین جهت دیگر کسب دانش‌های نوین و سطح بالا و امکانات و تجهیزات خاص برای پیشبرد تحقیقات در بعضی از رشته‌هاست.

برای تحقیقات بخصوص در مقطع دکتری، تجهیزات زیادی مورد نیاز می‌باشد. به عنوان مثال در زمینه طراحی‌های فرکانس بالا تجربه بسیار بالای کشورهای دیگر باعث می‌شود که جذابیت بالایی برای دانشجویان و محققان

جهت ادامه تحصیل در خارج از کشور و یا کار در مراکز تحقیق خارجی، به وجود آید. یا در بعضی از زمینه‌های تحقیقاتی که بسیار پیشرفته است، ممکن است چاره دیگری برای آن‌ها وجود نداشته باشد.

به طور طبیعی برخی از رشته‌ها برای قشر وسیعی از نخبگان، جذابیت بسیار زیادی دارد؛ نظیر همان مدارهای مجتمع که توجه به تجربه سایر کشورها در این زمینه، هزینه بالایی دارد و به درد کشور ما نمی‌خورد. بهتر است به نحوی نخبگان را از رفتن به این رشته‌ها منصرف کنیم و صورت مسئله را به اصطلاح پاک کنیم. راه حل دیگر، که با توجه به پتانسیل بسیار عظیمی که در این قبیل رشته‌ها وجود دارد- و شاهد این مدعا هم این است که بسیاری از نخبگان و استادان مطرح دنیا، ایرانی هستند- (چه در داخل و چه در خارج از کشور) بیاید روی این پتانسیل‌ها به سرمایه‌گذاری بپردازیم و امکانات را علیرغم هزینه بالا و زمان کوتاه، فراهم کنیم.

از برجستگان این رشته که بسیاری از آن‌ها ایرانی هم هستند، دعوت کنیم بیایند اینجا کارگروه‌هایی در کشور تشکیل دهند و چیزهایی آموزش بدهند و دانش از طریق آن‌ها منتقل شود. با توجه به داشته‌های فعلی و پتانسیلی که خدمت شما عرض کردم، این سرمایه‌گذاری می‌تواند خیلی پیشرفت کند و انگیزه بسیار بالایی برای دانش پژوهان ما ایجاد بکند.

و اسلام





الیهه سادات نقیب

(دارنده مدال طلای جهانی المپیاد نجوم سال ۲۰۰۶)

بسم الله الرحمن الرحيم، سلام عرض می کنم خدمت مقام معظم رهبری و حضار گرامی، مباحثی را خدمت شما مطرح خواهم کرد. زمانی که برای مسابقات به کشور هند اعزام شده بودیم، یک روز با دیگر شرکت کنندگان صحبت از تلسکوپ و رصدخانه شد. ما از بچه های ازبکستان پرسیدیم: تلسکوپ مدرسه شما چندمتری است؟ چون معیار سنجش ارزش تلسکوپ اندازه قطر آینه تلسکوپ است. آن ها خجالت می کشیدند که جواب دهند. به آن ها گفتیم: ما هم امکانات پیشرفته ای نداریم، خجالت نکشید و بگویید. بالاخره گفتند که یک متر است. ما بلافاصله بلند شدیم و رفتیم تا مجبور نباشیم بگوییم که نه تنها مدرسه ما، بلکه کشور ما هم تلسکوپ یک متری ندارد. خلاصه مسابقات تمام شد و ما هم توانستیم مقام سوم را در قسمت تیمی کسب کنیم. در کشور خودمان قرار بود یک رصدخانه ای ساخته شود که به آن رصدخانه ملی می گویند. این رصدخانه از چندین سال پیش قرار بوده ساخته شود و چه رفت و آمدهایی برای آن صورت گرفت! یک ماه پیش در یکی از همین رفت و آمدها ما یکی از ارزشمندترین چهره های علمی کشورمان آقای دکتر امامی را در سن ۳۸ سالگی در یک حادثه تصادف رانندگی ازدست دادیم که خیلی هم از

آن تاریخ نمی‌گذرد. ایشان یک فرزند ۷ روزه هم داشتند. با مرگ ایشان هزینه بسیار زیادی را برای این رصدخانه پرداختیم.

اهمیت علوم فضایی برای همگان روشن است و دنیا هم، دنیای ارتباطات می‌باشد. وقتی می‌توانیم با دنیای امروزی ارتباط قوی داشته باشیم که موقعیت و زمان خود را بشناسیم. خداوند به موقعیت ستاره قسم می‌خورد پس مسئله مهمی بوده که خداوند به آن قسم خورده است. علم نجوم است که موقعیت اینها را تشخیص می‌دهد. باید بیشتر به علم نجوم رسیدگی شود و در این زمینه پیشرفت بیشتری کنیم.

آمریکا در این زمینه تکنولوژی و علم را به ما نمی‌دهد، آن هم به دلایل سیاسی که برای هر ایرانی روشن است، پس باید ما خودمان در این زمینه پیشرفت کنیم و برای پیشرفت به نخبگانی نیاز داریم که در این زمینه کار کنند، امثال دکتر امامی. این نخبگان چه زمانی در ایران می‌مانند و کار می‌کنند؟ زمانی که یک رصدخانه خوب موجود باشد تا بتوانند آنجا کار کنند و امکانات هم خوب باشد. وقتی به راحتی می‌توانند پشت تلسکوپ ۱۰ متری بنشینند، این همه برای تشکیل یک رصدخانه با تلسکوپ یک متری زحمت نمی‌کشند. البته انسان‌هایی وجود دارند که فداکاری می‌کنند و همه لازم است که همین گونه آرمان‌گرا باشند که بمانند و برای کشورشان زحمت بکشند؛ ولی همه این طور نیستند. تشکر می‌کنم از این که وقت خود را در اختیار من قرار دادید.





احسان شعبانی

(دارنده مدال طلای المپیاد جهانی شیمی ۸۶)

بسم الله الرحمن الرحيم، خدمت مقام معظم رهبری و حضار محترم سلام عرض می‌کنم و خدا را شاکرم که توانستم همراه بانخبگان کشورم خدمت شما شرفیاب شوم. مطلبی که خواستم خدمت شما عرض کنم، در مورد مراکز پرورش استعداددهای برتر است که بسیاری از این تلاش‌ها و هزینه‌هایی که در این راه می‌شود، در حال هدر رفتن است و به عملکرد مسئولان در این زمینه انتقاداتی وارد است. در این مدارس اصلاً به مسائل فکری و روحی جوانان توجه نمی‌شود. من افرادی را می‌شناسم که در این مدارس درس خوانده‌اند، اول بچه‌های سالم و خوبی بودند ولی در آخر منکر اسلام و نظام شدند. این مسئله یعنی رشد منفی. بچه‌ها بسیار افسرده بودند. آیا از چنین کسی می‌توان انتظار داشت خوب درس بخواند و خوب تلاش کند؟ آیا اگر چنین کسی تلاش کرد تا یک عالم شود، می‌توان از او انتظار داشت که به خوبی خدمتگزاری کند و مهاجرت نکند؟ مسئله دیگر این که در کشور اصلاً به آن توجه نمی‌شود. چه تضمینی برای من وجود دارد که اگر وارد این رشته شدم، سرخورده نشوم و بتوانم به تلاش خودم به نحو احسن ادامه بدهم؟ امیدوارم که در این زمینه‌ها فرهنگ سازی بشود و افراد نخبه بیشتر به سمت علوم انسانی بروند. با تشکر



زهرا ناجیان اصل

(رتبه اول آزمون هنر ۱۳۸۳)

بسم الله الرحمن الرحيم، (الهی هب لی قلباً یدنیه منک شوقه و لساناً یرفع الیک صدقه و نظراً یقریه منک حقه) از مسئولان محترم بنیاد ملی نخبگان برای اجرای این همایش تشکر می‌کنم و امیدوارم این شروع خوبی برای فعالیتشان باشد. قبل از اینکه صحبت‌های خودم را شروع کنم، اجازه می‌خواهم گلایه جمع‌کنی از دواستان را منتقل کنم. برگزیدگان جشنواره خوارزمی که تعدادشان در این جمع زیاد است، فرصتی برای بیان مشکلات خودشان پیدا نکرده‌اند و از من خواستند که مشکلات آن‌ها را منتقل کنم. به خصوص درباره علوم انسانی با توجه به کمبودهای زیادی که دارند، دوست داشتند این مشکلات خودشان را مطرح کنند که متأسفانه فرصت نشد. فکر می‌کنم آرزوی قلبی تمام حضار در این جمع این باشد که بتوانند در جامعه منشا اثر باشند و پیشنهاد ما هم در راستای دستیابی به همین آرزوست. من دانشجوی رشته مهندسی بودم ولی انصراف دادم و در کنکور هنر شرکت کردن و در حال حاضر دانشجوی رشته صنایع دستی هستم. دلم می‌خواهد با توجه به وضعیت موجود، دانشگاه‌ها را ارتقا بدهند تحقیقات اخیر روانشناسی، هنر را پلی بین احساس مغز و سیستم‌های حرکتی و بخش تفکر و لایه عصبی می‌داند که از این نظر هنر خاصیت معجزه‌آسایی در کنترل احساسات شدید و به نوعی کنترل مجازی هیجان‌ها دارد. اما هنر در عین وابستگی به خصلت انسانی و احساسات بشری، یک

علم است که همانند تمام زمینه‌های علوم بشری نیاز به آموزش، تجربه و پژوهش دقیق علمی جهت پیشبرد علمی دارد. متأسفانه مشکل امروز در رشته‌های هنر و در دانشگاه‌های ما این است که به هنر به چشم علم نگاه نمی‌شود. هنر امری حاشیه‌ای و فانتزی شده است که برای زمان استراحت است! بنابراین نیاز چندانی به برنامه‌ریزی و صرف هزینه و وقت در پیشبرد آن احساس نمی‌شود. حداقل نیاز ما به هنر در فضای اطرافمان، ایجاد روحیه شاداب و با نشاط برای انجام سایر فعالیت است. با این مقدمه می‌خواستم به ضرورت بحث‌ها متذکر شوم که آن را در سه مورد جمع‌بندی می‌کنم.

مورد اول: ایجاد رویکرد علمی به هنر در سیاست‌گذاری آموزش کشور و ایجاد یک فضای علمی و پژوهشی در دانشگاه‌های هنر که امری ضروری به نظر می‌رسد؛ و نبود آن باعث عقب ماندگی بسیاری از امور رشته‌های هنر شده است. ولی به قول معروف جلوی ضرر را از هر کجا بگیرید منفعت است. در این خصوص فکر می‌کنم ایجاد ارتباط بین دانشگاه‌ها و وارد کردن علوم مختلف نظیر شناخت مواد، فیزیک و غیره به مواد درسی هنر ضروری است. نبودن این رویکرد علمی باعث می‌شود که رشته‌های هنری بومی ما یک به یک رو به زوال و فراموشی می‌روند. برای مثال رشته تخصصی من در ارتباط با شیشه است. در چند ماهه اخیر چندین کارگاه در تهران به ورشکستگی رسیده‌اند و بقیه هم در همین خطر قرار دارند.

مورد دوم: تعدادی از افرادی که تحت عنوان نخبگان در این جمع قرار دارند، دانشجویان رشته‌های هنر هستند. که تعداد با نگاهی به ظرفیت بسیار محدود دانشگاه‌های هنر در مقایسه با سایر رشته‌ها، چندان هم دور از تناسب نیست. یکی از

علل اندک بودن این تعداد این است که راهی برای ادامه حضور دانشجویان هنر در جمع نخبگان وجود ندارد و هیچ جشنواره یا مسابقه‌ای برای ارائه فعالیت‌های علمی و پژوهشی هنر - البته نه آثار هنری - وجود ندارد، کسانی که قصد انجام پژوهش‌های علمی و در نهایت قصد ایجاد تحول در سیستم‌های دانشگاهی هنر دارند، هیچ راهی به بالا پیدا نمی‌کنند. شاید یک راه حل موقت این باشد که با توجه به نداشتن المپیاد علمی در بعضی از رشته‌ها مثل رشته خودم به علت گستردگی گرایش‌های آن رتبه‌های برتر کنکورهای کارشناسی ارشد به عنوان نخبه در این جمع پذیرفته شوند. زیرا برخلاف تعدد سایر رشته‌ها، در زمینه هنر تنها سه زیر گروه کارشناسی ارشد وجود دارد. بنابراین رقابت آن‌ها بسیار فشرده است و برگزیدگان آن هم نخبگان رشته هنر خواهند بود. مورد آخر به وضعیت دانشگاه‌های هنر مربوط است. نمی‌دانم چقدر در مورد دانشگاه‌های هنر موضوعیت دارد. دانشگاه‌های هنر که برای صرف اهتمام بیشتر و توجه به رشته‌های هنری تاسیس شده‌اند، اکنون تبدیل به محلی شده که انگیزه‌های فعالیت و پیشرفت دانشجویان در آن کمرنگ است. توجه نکردن به درس استادان برتر و نبود بودجه کافی جهت نوسازی و تجهیز دانشگاه و مشکلات مربوط به محل قرارگیری دانشگاه از آن جمله است. البته مسئولان دانشگاه گلایه‌ای از مسئولان رده بالاتر دارند ه به نظر نمی‌رسد اشتیاقی برای ادامه کار دانشگاه‌های هنر در داخل کشور وجود داشته باشد. فکر می‌کنم خواسته تمام دانشجویان دانشگاه هنر این باشد که اهتمامی بالاتر از توان مسئولان دانشگاه در این زمینه صرف شود. با توجه به حساسیت خاص حضرت‌تعالی نسبت به امر هنر و هنرمندان، آرزو می‌کنم که بتوانیم به خواسته‌هایمان برسیم. انشالله





محمدحسین امیری

(دارنده مدال نقره المپیاد جهانی زیست ۲۰۰۴)

بسم الله الرحمن الرحيم، خدمت حضرت تعالی و دوستان حاضر در جلسه سلام عرض می‌کنم. اگر بخواهیم پیشرفت موثر داشته باشیم، راه اصلی آن این است که دانشگاه‌ها را از پایه تقویت کنیم. اگر بخواهیم در کشور خودمان دانشگاه با سطح علمی بالاتر با داشگاه کمی ضعیف‌تر مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که دانشجویان برجسته‌تر، معمولاً در دانشگاه قوی‌تر هستند ولی این کافی نیست. ممکن است بعضی دانشگاه‌ها از نظر مادی قوی‌تر باشند، ولی نکته مهمی که دوستان به آن اشاره کردند دانشگاه‌های سطح بالا یک نکته اساسی دارند. فضای آموزش و آکادمی آن‌ها فضای بازی هست یعنی ارتباط زیادی با دانشگاه‌های دیگر دارند. ارتباط بین دانشگاه‌های قوی زیاد است که این امر جزء ملاک‌های تعیین سطح علمی دانشگاه‌ها لحاظ می‌شود. بعضی مواقع دانشگاه‌های ما رتبه بالایی نمی‌آورند که یکی از دلایل آن، ضعیف بودن ارتباط دانشگاهی در دانشگاه‌های ما و در میان افراد برجسته است. به عنوان یک دانشجو می‌خواهیم درخواست کنم مسئولان عزیز، شرایطی را فراهم کنند تا هنگامی که دانشجویی در رشته‌ای تحصیل می‌کند، بتواند بعضی از درس‌ها را در دانشکده دیگر بگذراند. به عنوان مثال ما در دانشگاه تهران مشغول تحصیل هستیم، ممکن است هر دانشگاه در هر رشته‌ای در یک زمینه‌هایی نقص‌هایی داشته باشد. حال اگر بتوانیم این نقص‌ها را با چیزهای بهتری که در دانشگاه‌های دیگر وجود دارد جبران کنیم، از همین سیستم موجود استفاده بهتری می‌کنیم. متشکرم از توجه شما.



محمدشیرعلی شهرضا

(رتبه اول خوارزمی ۱۳۸۲)

بسم الله الرحمن الرحيم، باسلام خدمت مقام معظم رهبری، خوشحالم که می‌توانم دقایقی در خدمت مقام معظم رهبری صحبت کنم. خوشبختانه با توجه به رشد علم در دانشگاه‌ها، مقالات و تحقیقات زیادی در دانشگاه انجام می‌شود که حتی بسیاری از آن‌ها در سطح جهانی هستند. ولی متأسفانه بعضی از این پروژه‌ها علی‌رغم کیفیت بالایی که دارند، مسکوت می‌مانند و به محصول و به تولید نمی‌رسند. اگر بنیاد ملی نخبگان بتواند به عنوان یک مرجع، ارتباطی بین صنعت و دانشگاه برقرار کند، باعث می‌شود که این پروژه‌ها هم به مرحله عمل و تولید برسند و کسانی که برای آن زحمت کشیده‌اند، نتیجه عمل خود را ببینند و کشور ما به خودکفایی خواهد رسید تا دیگر نیاز به تولیدات خارجی نباشد. این امر نیازمند اعتماد صنعت به محصولات داخلی است و همین امر باعث می‌شود که کشور ما خودکفا شده و محصولات ما هم از کیفیت بهتری برخوردار شوند. متأسفانه بعضی از محصولات خارجی برای کشوری مثل ایران با درجه خیلی ضعیف ارائه می‌شوند که مبادا کشور رشد کند! در حالی که اگر خودمان بتوانیم این خودکفایی را پیدا کنیم - به خصوص که در سالهای اخیر، دانشجویان و پژوهشگران ما توانسته‌اند به سطح بالاتری برسند - کشور ما رشد بیشتری خواهد داشت. پس امیدواریم که بتوانیم با ارتباط بیشتر بین صنعت و دانشگاه به خودکفایی در زمینه محصولات تولیدی و پیشرفت عمیق در کشور برسیم. متشکرم.



دکتر ایمان افتخاری

(دارنده مدال طلای المپیاد ریاضی سالهای ۷۵ و ۷۶)

بسم الله الرحمن الرحيم، عرض سلام دارم خدمت رهبر معظم انقلاب اسلامی، خدا را شاکرم که این توفیق مجدداً نصیب من شد که در خدمت شما باشم. مسئله نخبگان و استعدادهای ویژه ای که در کشور وجود دارد، مدت‌هاست که دغدغه مسئولان بوده و مسائل مربوط به آن‌ها در جامعه مطبوعاتی کشور هم مطرح شده است. ایجاد بنیاد ملی نخبگان و حرکتی که آغاز شده، به خصوص همایش که این روزها در جریان است و به بررسی مسائل و مشکلات نخبگان و تلاش برای ایجاد یک پل ارتباطی بین این استعدادها و نیازهای کشور و مراکزی که ایجاد کننده و فراهم کننده فرصت‌های کاری و مشارکتی برای نخبگان هستند، از نکات قابل توجه و خوشایندی است که امید است با این همایش، گام‌هایی در جهت اجرای آن برداشته شود. آنچه به نظر من می‌رسد این است که یک سوی این پل ارتباطی نخبگان کشور ما هستند که حضور آن‌ها در این همایش و در خدمت حضرتعالی به نظر من یک نوع لبیک از سوی نخبگان است به دعوت برای ایجاد این پل ارتباطی. یک سوی دیگر این پل و این ارتباط شرکت مراکز پژوهشی، مراکز صنعتی، مسئولان پروژه‌های ملی و در واقع صاحبان دغدغه‌های اصلی کشور هستند که به نخبگانی که برای ورود به این عرصه‌ها اعلام آمادگی کرده‌اند اجازه مشارکت بدهند.

در صحبت‌های کوتاهی که دیروز در جمع دوستان داشتیم، من به نخبگان جوانان عرض کردم که این نوع فرصت و مشارکت برای آن‌ها در هیچ جای دیگر دنیا به این شکل و با این قوت فراهم نخواهد بود و از آن‌ها دعوت کردم که با تمام توان و

انرژی، از این فرصت استفاده کرده و بهره ببرند. اکنون که در خدمت حضرت تعالی هستیم، از شما استدعا دارم که صنعت و ارگان‌های پژوهشی کشور و دست اندرکاران امر را پیش از پیش تشویق کنید تا عرصه را برای این دوستان که از مستعدین و از صاحبان فکر کشور هستند، فراهم کنند و اجازه مشارکت به این عزیزان بدهند. به طور قطع، بی تجربگی امثال بنده و دوستان جوانتری که در این جمع هستند، مشکلاتی خواهد آفرید و آن پختگی که استادان دانشگاه و مسئولان با تجربه امور اجرایی دارند، در این جمع وجود ندارد. اینها مسائلی است که همه مسئولان متوجه آن هستند. این دوستان که خدمت حضرت تعالی رسیده‌اند، از نیرو و انگیزه جوانی برخوردار هستند و در ابتدای راه قرار دارند. افرادی ۲۰ تا ۳۰ ساله که مشغول به تحصیل و تحقیق هستند، اوج بازدهی علمی خود را طی می‌کنند و اگر ما می‌خواهیم که از این انرژی و استعداد استفاده کنیم باید بهای آن را که تحمل بعضی از کم تجربگی‌های این افراد و برآوردن بعضی از توقعاتی که برآوردن آن زیاد هم برای کشور غنی ما هزینه بردار نیست، بپردازیم.

باز هم از حضرت تعالی سپاسگزاریم که این فرصت را به بنده عنایت کردید. از دوستانی هم که در این جلسه حضور دارند، عاجزانه استدعا دارم در این حرکت علمی و مسیری که حرکت می‌کنند، حتماً به رهنمودهای امام راحل در زمینه انسان سازی توجه داشته باشند. ما بدون تهذیب نفس و بدون حرکت در راستای انسان شدن، هر قدر هم که نیرو کسب کنیم و هر قدر هم که به علوم و صنعت و تکنولوژی بپردازیم؛ به درد این مملکت و به درد آرمانی که این مملکت دارد نخواهیم خورد و حرکت مثبتی را در آن راستا انجام نخواهیم داد. از همه شما دعوت می‌کنم که رهنمودهای حضرت امام را در مورد دانشگاه و دانشگاهیان مطالعه بفرمایید.





متن بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

دکتر واعظ زاده ریاست محترم بنیاد ملی نخبگان

و نخبگان برگزیده شرکت کننده در دومین همایش ملی نخبگان جوان

سال ۱۳۸۷



دومین همایش ملی
فصلنامه علمی
پایه علمی

دانشگاه تهران
پایه علمی
فصلنامه علمی
پایه علمی



باگزار میداشت سال نوآوری و شکوفایی

دومین همایش ملی سخنجان جوان

تهران سالن اجلاس تهران شورای اساتذ

۳۰ شهریور ۱۳۸۷

www.tjmn.ir



فصلنامه علمی



بسم الله الرحمن الرحيم.^۱ خیلی روز شیرین و ساعت خوشی برای بنده است که در جمع یک مجموعه‌ی نخبه، زبده و امیدبخش برای آینده‌ی کشور، بنشینیم و راجع به یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین مسائل کشور - که مسئله‌ی پیشرفت علم و بر اساس آن پیشرفت فناوری است - بحث کنیم. همه‌ی مطالبی هم که برادران و خواهران و جوانان عزیز ما آمدید اینجا و بیان کردید، این فکر را در انسان تقویت می‌کند که جریان نخبه‌پروری و توسعه‌ی فکر سازنده در بین جوانان کشور، یک جریان رو به رشدی است؛ دارای پیشرفت است و آینده‌ی خوبی را نوید می‌دهد. من حرف‌های دوستان در سال گذشته را هم کم و بیش در یاد دارم - غیر از اینکه حالا یادداشت شده و ثبت شده - آن‌ها هم همین جور است. نکاتی که به ذهن جوانان و نخبگان ما می‌رسد که فکر می‌کنند اینجا باید مطرح و بیان کنند، برای ما شاخص است. انسان می‌بیند که هم توجه و انگیزه‌ها برای پیشرفت علم و اعتناء به اهمیت علم و فناوری بیشتر شده، هم جهتگیری‌ها با اهداف والای نظام جمهوری اسلامی هم‌خوان‌تر و منطبق‌تر شده است.

۱- متن سخنان از سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری (Khamenei.ir) برداشته شده است.

خب، حالا این مطلب را من عرض بکنم - شاید پاسخی هم باشد به سؤالی که این برادر عزیزمان در پایان جلسه مطرح کردند - که علم برای یک جامعه‌ی انسانی، یک موهبت الهی است: هم علوم ارزشی و علوم معرفتی، و هم علمی که به انسان کمک می‌کند تا در این طبیعت عظیم و در این خلقت شگفت‌آور خدای بزرگ، از گنجینه‌هایی که خدا برای انسان در این طبیعت قرار داده، بیشتر و بهتر استفاده کند. از اول پیدایش انسان، حرکت انسان به سمت پیدا کردن رموز طبیعت و کشف کردن کوچه پس کوچه‌های تو در توی این ساخت عظیم و بافت بزرگ به کار گرفته شده و اسلام و همه‌ی ادیان این را تأیید می‌کنند. شما نمی‌توانید در هیچ دینی - بخصوص دین اسلام - یک تعبیر و جمله‌ای پیدا کنید که نشان‌دهنده‌ی این باشد که این علوم دنیوی فایده‌ای ندارد یا مضر است یا نباید دنبالش رفت؛ بعکس، همه‌ی این دانشهائی که تا امروز بشر به آن‌ها دست پیدا کرده - که وسیله‌ای است برای اینکه انسان بتواند از این حقیقتی که وجود دارد و این طبیعتی که خدا برای ما آفریده، بهتر استفاده کند - و همچنین دانشهائی که تا امروز بشر به آن‌ها دست پیدا نکرده - شاید دانشهائی بیشتری در آینده پیدا خواهد شد که حجم و کمیت آن‌ها از همه‌ی دانشهائی بشری از اول تا حالا بیشتر است و بشر در آینده به آن‌ها دست پیدا خواهد کرد - همه‌ی این دانشه‌ها از نظر اسلام باارزش است.

خود علم ارزش است. این ارزش را کسانی میتوانند به ضد ارزش تبدیل کنند که از او علیه منافع بشریت استفاده کنند؛ اما خود دانش یک ارزش است. به برکت دانش، معرفت خدا هم آسان می‌شود. کسانی که دارای علم‌اند، بیشتر میتوانند حقانیت پیام پیغمبران و حقانیت پیام راستین اسلام را بفهمند. علم را با شهوات، با غرضها و با چیزهائی که در عالم مادی و گرایشهای مادی وجود



دارد، مخلوط نباید کرد. آنی که آنجا بد است، او ضد ارزش حرکت کردن آن‌ها و شهوانی و نفسانی بهره‌گیری کردن از علم است، نه خود علم. بنابراین علم یک ارزش است؛ در این شک نکنید. هم علوم معرفتی، علوم ارزشی، علوم حقیقی یا اعتباری‌ای مثل فلسفه یا فقه یا امثال این‌ها خیلی با ارزش است و هم علمی که وسیله‌ی کشف دنیای موجود در اختیار بشر و کشف رازهای آن و توانا شدن بر استفاده‌ی بهتر از این گنجینه‌ی عظیم است.

این دنیائی که در اختیار ماست، این زمینی که در اختیار ماست، این موادی که در اختیار ماست، ای بسا میلیون‌ها برابر بهره‌ای که امروز بشر از آن‌ها استفاده می‌کند، قابل بهره‌برداری باشد. از همین آب، از همین خاک، از همین مواد، از همین هوا، از همین موادی که در زیر زمین هست و از همین چیزهایی که در اختیار ماست و ما ارزش این‌ها را نمی‌دانیم، ای بسا بشر در آینده بهره‌های خیلی فراوانی برد. ما امروز نفت را می‌سوزانیم؛ ممکن است در آینده، بهره‌مندی‌هایی از نفت برای بشر به دست بیاید و به قدری ارزشمند بشود که هیچ عاقلی حاضر نباشد یک قطره‌ی نفت را بسوزاند؛ به جای آن از انرژی‌های دیگر استفاده کنند. شما ببینید، امروز از زباله‌ی شما بازیافتِ مواد با ارزش می‌کنند. زباله زباله است؛ این یک مثال خیلی کوچک است. خیلی از چیزها هست که ممکن است از آن‌ها استفاده بشود؛ به چه وسیله می‌شود آن‌ها را فهمید؟ به چه وسیله می‌شود به راه‌های دَه توی طبیعت پی برد و راه برد و از آن‌ها استفاده کرد؟ به وسیله‌ی علم. این که پیغمبر می‌فرماید: «اطلبوا العلم و لو بالصَّین»، نمی‌خواهد بگوید بروید فلسفه یا فقه را از چین یاد بگیرید؛ بروید دانش را - هر دانشی؛ علم و آنچه که بر علم مترتب می‌شود یعنی فناوری و توانائی‌های فراوان سرپنجه‌ی بشری - یاد بگیرید؛ این‌ها چیزهای لازمی است. خب، این یک مقداری پرداختن

به مسائل بدیهی بود؛ یعنی بنده تصور هم نمی‌کردم که در بین شما جوانان نخبه کسی باشد که در این زمینه شک و تردیدی داشته باشد و تصور کند که حالا اسلام چه می‌گوید.

سند چشم‌انداز هم مطلقاً یک قطعه‌ای از نگاه‌های غربی نیست. ما جهت را عوض کرده‌ایم. ببینید، یک نکته‌ای که شما جوان‌ها خوب است به آن توجه کنید، این است که خیلی از چیزها هست که قالب آن ایرادی ندارد، اما جهتش اشکال دارد؛ ما در اسلام هم از این قبیل چیزها داشتیم. همین حج و عمره‌ای که شماها می‌روید و اینقدر دختر جوان ما و پسر جوان ما - با آن دل‌های پاکشان - تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند، این حج یک رسم جاهلی است و در جاهلیت بوده. همین طوافی که شما می‌کنید، این طواف را در دوران جاهلیت می‌کردند. در موسم حج، که موسم حج هم همین ماه‌های حرام بود، از اطراف



عربستان - حالا در بیرون عربستان کسی اعتقاد نداشت - راه می‌افتادند و به مکه می‌آمدند، برای اینکه اطراف کعبه طواف کنند. قالب کار، همین قالب کاری است که شما انجام می‌دهید؛ اما محتوا و جهت کار، صد و هشتاد درجه تفاوت دارد. امروز شما اطراف کعبه که حرکت می‌کنید، توحید را دارید تجسم می‌کنید؛ حرکت عظیم عالم بر محور وجود خالق متعال؛ که اینجا یک حرکت سمبلیک و یک حرکت نمادین به وجود آمد و کعبه شد مظهر توحید در اسلام، و حج شد بهترین عامل برای توحید کلمه در یک مجمع عظیم جهان اسلام؛ این جهت امروز آن است. جهت جاهلیت صد و هشتاد درجه تفاوت داشت و نقطه‌ی مقابل این بود؛ بت‌های گوناگونی بیرون کعبه و درون کعبه آویخته بودند؛ کسانی که می‌آمدند و دور کعبه حرکت می‌کردند، در واقع دلباخته و دلبسته‌ی آن بت بودند و از خدای واحد احد چیزی نمی‌فهمیدند. خود این حرکت کردن هم نه فقط آن‌ها را به هم نزدیک نمی‌کرد، آن‌ها را از هم دور می‌کرد؛ چون دلبستگی‌هایشان با هم فرق داشت؛ یکی به خاطر فلان بت دور کعبه می‌گشت و دیگری به خاطر فلان بت دیگر که همه‌ی این‌ها توی کعبه جمع بودند. پیغمبر حج و طواف و سعی را مطلقاً تغییر نداد - این قالب حفظ شد - جهت آن را صد و هشتاد درجه عوض کرد؛ حجتی که مظهر شرک و بت‌پرستی و خرافه‌پرستی و عصبیت و جهالت محض بود، تبدیل شد به مظهر توحید، مظهر صفا، مظهر اخلاص و دلباختگی در مقابل ذات اقدس الهی.

قالبها اشکالی ندارند. تکنولوژی هسته‌ای هیچ گناهی نکرده، گناه مال آن کسی است که جهت او را جهت تخریب انسان‌ها قرار می‌دهد. یا مثلاً فناوری‌های پیشرفته‌ی نانو، یا صنایع الکترونیک بسیار پیشرفته و آبرودینامیک و امثال این‌ها گناهی ندارند؛ این‌ها خیلی خوبند و ابزارهایی هستند برای اینکه

انسان بتواند در دنیا از منابع و فرصتهائی که خدا در این طبیعت قرار داده، به بهترین وجهی استفاده کند. گناه مال آن کسانی است که از این نعمت خدادادی و از این گنجینه‌ی الهی، برای زورگوئی به بشر، تسلط به دیگران و پامال کردن حقوق دیگران استفاده می‌کنند. شما که مبنای خوبی دارید، شما که به خدا معتقدید، شما که به کرامت انسان معتقدید، شما که با ظلم و غضب و تعدی و تجاوز مخالفید، شما که استکبار و جامعه‌ها یا حکومت‌های برآمده‌ی از شهوات شخصی و جمعی را تقبیح می‌کنید، شما این علوم را یاد بگیرید تا ارزش‌های خودتان را در دنیا ترویج کنید و معارف خودتان را در دنیا حاکم کنید. این چیز بدی است؟! یک نفر سوار هواپیما می‌شود و برای عیاشی و هرزگی، به فلان شهر فلان کشور می‌رود؛ یک نفر هم سوار همین هواپیما می‌شود، می‌رود برای زیارت خانه‌ی خدا؛ این هواپیما که گناهی ندارد؛ جهت‌ها فرق می‌کند. شما دانش و فناوری را فرا بگیرید و از هوش ویژه‌ای که در شما هست - که من حالا اشاره خواهم کرد و بعضی از دوستان هم گفتند - استفاده کنید، برای اینکه در این جهت، قله را فتح کنید. آن وقت از این موقعیت و از این فرصت، برای نشر ارزش‌های حقیقی - به جای ارزش‌های دروغین، به جای نفسانیات، به جای هرزگی، به جای سلطه‌ی زر و زور بر سرنوشت بشر - استفاده کنید.

امروز بیش از دو میلیارد انسان در دنیا گرسنه‌اند! این شوخی است؟ امروز ملت‌هائی بر روی طلا راه می‌روند، ولی شکمشان گرسنه است. نظام جهانی نظام سلطه است؛ نظام استکبار است؛ نظام ظلم است. به چه وسیله آمریکا به اینجا رسید؟ چه طور توانست اینجور به دنیا زورگوئی کند؟ چون دانش داشت و از دانش استفاده کرد. غربی‌ها در این مسابقه‌ی جهانی‌ای که در طول تاریخ



وجود داشته، سوء استفاده کردند.

ببینید در طول تاریخ، علم در بین ملت‌های دنیا دست به دست گشته؛ شما هیچ ملتی را پیدا نمی‌کنید که از اول تا آخر، دانش در اختیار آن‌ها بوده؛ نه، این یکی از سنت‌های خداست. در این مسابقه‌ی در بین جوامع بشری - ملت‌ها مسابقه دارند و از هم جلو می‌زنند - از لحاظ دانش یک وقتی شرق جلو بود، یک وقتی کشورهای اسلامی جلو بودند و یک وقتی بخصوص کشور ایران جلو بود؛ همین حالتی که امروز شما در بعضی از کشورهای غربی مشاهده می‌کنید که از لحاظ علم در رتبه‌ی بالائی هستند و دیگران باید سرشان را بالا کنند تا آن‌ها را ببینند، یک روز کشور شما همین حالت را داشت و کشورهای اروپائی و کشورهای شرقی و غربی باید به بالا نگاه می‌کردند تا می‌توانستند دانشمند ایرانی را ببینند؛ دانشمندان عظیمی که نه فقط در علم، حتی در فناوری - فناوری‌های متناسب با آن روز - از همه‌ی دنیا جلو بودند. یک روزی اینجوری بوده؛ یک روز هم غربی‌ها جلو افتادند.

اما یک نکته‌ی مهمی است که از زمانی که غربی‌ها جلو افتادند، از این برتری علمی، برای مقاصد سیاسی و اقتصادی سلطه‌گرانه استفاده کردند؛ استعمار به وجود آمد. استعمار قبلاً وجود نداشت. معنای استعمار این است که یک کشوری با هزارها کیلومتر فاصله، دست‌اندازی کند به یک کشوری که منبع ثروت است - مثلاً شبه قاره‌ی هند - و آنجا را به قدرت شمشیر و به قدرت سلاح پیشرفته، در اختیار خودش بگیرد. خب می‌دانید، انگلیس هم محاط به دریاست. انگلیسی‌ها چون در کار کشتیرانی و دریانوردی یک مهارتی پیدا کرده بودند؛ این دریانوردی را توسعه دادند، خطرپذیری کردند، ریسک‌پذیری کردند، آمدند هندوستان را پیدا کردند و بر آن تسلط پیدا کردند؛

اینجا از برتری علمی خودشان استفاده‌ی سیاسی کردند! کاری که تا آن زمان هیچ کدام از کشورهای گوناگونی که دارای برتری علمی بودند، نکرده بودند. هم انگلیسی‌ها، هم بلژیکی‌ها، هم هلندی‌ها، اینهایی که طرف منطقه‌ی شرق و منطقه‌ی شبه قاره‌ی هند رفتند و اول بار استعمار را راه انداختند، و هم آن کسانی که بعد رفتند آفریقا را گرفتند - گروهی از کشورهای اروپائی مثل پرتغال - این‌ها از قدرت پیشرفت علمی و توانائی علمیشان، استفاده‌ی سیاسی کردند؛ یعنی استعمار را به وجود آوردند. وقتی استعمار به وجود آمد، سرنوشت آن ملت استعمارزده در دست آن ملت استعمارگر قرار گرفت؛ از این استفاده کردند برای اینکه آن‌ها را در جهالت نگه دارند و تا آنجائی که البته می‌توانستند، مسابقه‌ی علمی را متوقف کردند!

این اتفاقی است که افتاده و کاری است که شده. خب، این سوء استفاده‌ی از علم بود. دنیا تحولات دارد؛ انسان‌ها در یک حدی محدود نمی‌مانند و انسان را نمی‌شود زندانی کرد. بالاخره جوشش استعداد انسانی - چه در زمینه‌ی علمی، چه در زمینه‌ی سیاسی - کار خودش را می‌کند، و کرد. حرکت‌های فراوانی از طرف مردم در جاهای مختلف دنیا به وجود آمد. وضع امروز دنیا این است که قدرت‌هایی که دارای پیشرفت علمی هستند، سعی می‌کنند این پیشرفت را به صورت انحصاری نگه دارند. شماها خوب می‌دانید، بخش‌هایی از دانش در کشورهای پیشرفته‌ی غربی هست که مطلقاً اجازه‌ی دسترسی به آن‌ها به کسانی خارج از محدوده‌ی خودشان داده نمی‌شود؛ یعنی اختصاصی است. مثل این سند‌هایی که وقتی کهنه شد، منتشرش می‌کنند؛ دانشی هم که در اختیار آنهاست، وقتی از آن مرحله‌ی اهمیت و درجه‌ی اولی افتاد، آن وقت اجازه می‌دهند دیگری دست پیدا کند؛ آن وقتی که خودشان به یک مرحله‌ی



بالاتری رسیده باشند. این جوری‌اند و در زمینه‌ی علم، انحصارطلبند. خوب، در این دنیا برای به هم زدن این سلطه، باید یک حرکت علمی کرد. نظام جمهوری اسلامی که از لحاظ ارزش‌گذاری و نظام ارزشی، نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که امروز سلطه‌گران غربی دنبالش هستند - و خوب، موفق هم شده؛ از لحاظ سیاسی موفق شده؛ خودش را تثبیت کرده؛ علیه توطئه‌ها سی سال ایستادگی کرده و در ابعاد مختلف خودش را پیش برده - برای اینکه بتواند هدف‌های خودش را تأمین بکند - که آن هدف‌ها، هدف‌های والای انسانی است که هر انسانی آن‌ها را قبول دارد - باید دنبال علم برود؛ این است که من گفتم امروز یکی از پایه‌ای‌ترین گفتمان‌های کنونی کشور ما باید گفتمان پیشرفت علم و فناوری باشد؛ این برو برگرد ندارد. بدون اینکه ما به دنبال پیشرفت علمی و رشد علمی و افزایش توان علمی باشیم، و بدون اینکه این امکان علمی را در سطح زندگی خودمان بیاوریم و زندگی مادی را اعتلاء بدهیم، امکان مقابله‌ی با آن قدرتها وجود ندارد. این پرچمی که در دست جمهوری اسلامی است، در این صورت در اهتزاز و سرپا خواهد ماند و پیروز خواهد شد. خوب، در این زمینه من شاید یک مقداری بیش از اندازه‌ی لازم صحبت کردم؛ به خاطر اینکه تصور نمی‌کردم این فکر و ذهنیت در جوان‌های نخبه باشد که علم و فناوری چه فایده‌ای دارد؛ لذا یک مقداری در این زمینه بیشتر توضیح دادم.

ببینید، علم مایه‌ی قدرت و ثروت است. اگر کشور شما و نظام جمهوری اسلامی باید به این قدرت و اقتدار دست پیدا کند تا بتواند از ملت خود، از کشور خود، از ارزش‌های خود و از نظام خود پشتیبانی کند و مصونیت ببخشد - که قدرت فایده‌اش این است؛ اقتدار برای زورگوئی به دیگران نیست، برای جلوگیری از زورگوئی دیگران است - و اگر در کنار این به ثروت احتیاج دارد تا

بتواند مشکلات گوناگونی را که میراث سالها حکومت استبدادی در این کشور است برطرف کند، باید علم را به دست بیاورد. برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی.

خوشبختانه ما در این زمینه امکانات زیادی داریم. اگر درست محاسبه بشود، شاید بتوان گفت واقعاً حدود صد و پنجاه سال ملت ایران را متوقف نگه داشتند. این استعداد جوشانی را که شما امروز می‌بینید، این مال امروز نیست؛ همیشه نسل‌های ایرانی این استعداد را داشته‌اند. این‌ها به دلایل مختلف متوقف مانده؛ عمده‌اش هم به خاطر حاکمیت حکومت‌های مستبد و جائر در همه‌ی زمان‌ها - و بخصوص در این برهه‌ی آخر، به اضافه شدن وابستگی و فساد - بوده. این عقب‌ماندگی وجود دارد. لیکن استعداد ملت ایران، یک استعداد از متوسط بالاتر است؛ این را ما بارها گفته‌ایم. بعضی‌ها خیال کردند که ما این را ادعا می‌کنیم؛ حالا بتدریج در سطح جهان هم دارد این معنا منعکس می‌شود. گواهی‌ها و تصدیق‌های جهانی نسبت به هوش بسیار زیاد ایرانی، مکرر در جاهای گوناگونی دارد تکرار می‌شود. توی مجلات آمریکائی می‌نویسند و بخصوص از بعضی از دانشگاه‌های ما اسم می‌آورند. البته این اسم آوردن‌ها مغرضانه است؛ آن دانشگاهی که آن‌ها اسم می‌آورند - چه در تهران، چه در اصفهان - این‌ها دانشگاه‌های برترند، شکی نیست؛ اما نام آوردن آن‌ها مغرضانه است؛ چون دانشگاه بر پایه‌ی نیروی انسانی است؛ دانشجو و استاد و البته مدیریت. هم دانشجو و هم استاد، از همین نسل‌های ایرانی هستند؛ بنابراین، این عمومیت دارد و مخصوص دانشگاه خاصی نیست. در هر جایی که تلاشی صورت بگیرد، همین برجستگی نمایان خواهد شد که آن‌ها در مواردی به آن اعتراف می‌کنند. بنابراین ما از این امکان بسیار بالای



انسانی برخورداریم؛ یعنی هوش و استعداد از متوسط بالاتر انسانی در ایران. این می‌تواند عقب‌ماندگی را جبران کند. این سال‌هایی که شما راه افتادید و این کاروان علم در کشور حرکت کرده، دستاوردهای بسیار زیادی داشته. همین تقریباً ده دوازده سال اخیر که این تفکر علم‌گرائی و دنبال علم رفتن و نهضت تولید علم و نهضت نرم‌افزاری و مسئله‌ی نخبه‌پروری در کشور شروع شده، تا امروز ما خیلی پیشرفت کرده‌ایم. این پیشرفت‌ها مغتنم است. من البته قانع نیستم. نه اینکه تصور کنید بنده حالا خیال می‌کنم ما به مقصود رسیده‌ایم؛ نه، خیلی کار دارد تا این عقب‌ماندگی تاریخی و طولانی جبران بشود. بخصوص که ما تنها هستیم؛ ما تنها هستیم! کسی از نظام اسلامی و اندیشه‌ی اسلامی حمایت نمی‌کند. این چینیه‌ها - که الان شما مشاهده کردید و در جریان المپیک در پکن، یک گوشه‌ای از توانایی‌های



فنی چینی‌ها نشان داده شد و در واقع رو شد - خیلی پیشرفت‌های خوبی دارند از لحاظ علمی؛ اما توجه داشته باشید، این‌ها در سال ۱۹۴۸ - که چین جدید و چین کمونیست در آن سال تشکیل شده - هیچ چیز نداشتند! ولیکن شوروی - یک حکومت با سابقه‌تر از لحاظ ایدئولوژی، و با سابقه‌ی بسیار بیشتر از لحاظ پیشرفت‌های علمی و فنی - هر چه داشت در اختیار چین قرار داد؛ زمان استالین هم بود. وجود یک کشور عظیم مثل چین - البته آن وقت جمعیتش مثل حالا نبود؛ اما بالاخره کشور بزرگ، پهناور و پرجمعیتی بود - در کنار کشور بزرگ شوروی و در قلب آسیا، برای شوروی کمونیستی آن روز خیلی باارزش بود. هر چه داشتند، در اختیار چین‌ها گذاشتند؛ حتی انرژی هسته‌ای را. انرژی هسته‌ای را جوان‌های ما خودشان به دست آوردند. چین‌ها انرژی هسته‌ای را مثل یک هدیه‌ای از روس‌ها گرفتند؛ کمالین که به کره‌ی شمالی هم دادند؛ هم چینی‌ها دادند، هم روس‌ها دادند. ببینید پیشرفت‌های کشورهای مثل چین، به برکت حمایت‌های فوق‌العاده و استثنائی کشورهای دیگر بود. هند هم همین جور است؛ البته از جهات دیگری. آن وقتی که بین روسیه و چین اختلاف به وجود آمد - می‌دانید دیگر، تا چند ده سال متمادی بعد از دوره‌ی استالین، بین این دو کشور بزرگ کمونیستی اختلاف شدید و عمیقی بود؛ مثل اختلاف شرق و غرب و شاید هم یک خرده تندتر - این اختلاف موجب شد که روس‌ها آمدند به کمک هند‌ها که همسایه‌ی چین بود؛ چینی‌ها هم رفتند به کمک پاکستان که رقیب هند بود! یعنی عوامل سیاسی در یارگیری‌ها تأثیر گذاشت. آن وقت چین‌ها انرژی هسته‌ای را دادند به پاکستان؛ روس‌ها هم انرژی هسته‌ای و بسیاری از پیشرفت‌ها را دادند به هند. یعنی هم هند، هم پاکستان، دستاوردهایشان را از دیگران گرفتند.



من هر چه نگاه می‌کنم، می‌بینم هیچ کشوری از این کشورهایی که در زمینه‌های مختلف چنین پیشرفت‌هایی پیدا کرده‌اند، مثل کشور ما نیست! ما مظلومانه، تنها و در بین این همه دشمنی‌ها - در حالی که هم شرق کمونیستی و هم غرب سرمایه‌داری با ما به جد دشمن بودند؛ اروپا هم که مایل بود یک نقش مثلاً میانه‌ای ایفا کند، هیچگونه کمکی به ما نکرد، بلکه ضربه هم زد - این جوان‌های باهوش و زیرک و احیاناً بسیار زبل از میان ملت ما، توانستند این نهال‌ها را رشد دهند و به ثمر برسانند. کارهای بزرگی شده؛ این خیلی امیدبخش است. در آینده هم می‌توانید این کارها را انجام بدهید. لذا من نگاهم به آینده، نگاه خیلی خوبی است؛ اگرچه وضع کنونی را قابل تحسین میدانم، اما به هیچ وجه قناعت به این وضع را مجاز نمی‌شمارم، برای هیچ کس؛ نه برای دولتی‌ها، نه برای خود شما جوان‌ها، نه برای اساتیدتان. ما هنوز خیلی باید راه برویم؛ خیلی باید حرکت کنیم. فاصله‌ی ما هنوز با آن قله‌ها - حتی، برخی پائین‌تر از قله‌ها - زیاد است. باید این فاصله‌ها را طی کنیم.

البته این‌ها ثروت و پول لازم دارد؛ پول را هم از همین راه باید به دست بیاوریم. دوستان اشاره کردند - اغلب این نکاتی که دوستان گفتند، نکات درستی است؛ در محاسبات ما و در یادداشتهایی که به ما دادند، همه‌ی این نکات وجود دارد - ثروت را از همین راه باید به دست بیاوریم. آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانش‌مان به دست بیاوریم و در چاه‌های نفت را پلمب کنیم، آن روز برای ما روز خوبی است. امروز ما داریم از ذخائرمان می‌خوریم. بیشتر بودجه‌ی کشور از نفت است. نفت ذخیره‌ی ماست. گنجینه‌مان را داریم تخلیه می‌کنیم؛ از روی ناچاری. باید روزی برسد که بتوانیم از دانش خود نان بخوریم و این ملت بتواند از دانش خود ثروت

تولید کند. آن وقت خود آن ثروت به پیشرفت دانش کمک خواهد کرد. یک هم‌افزایی پی در پی دارند: علم به ثروت کمک می‌کند، ثروت به علم کمک می‌کند؛ دائماً هم‌افزایی به وجود می‌آید. ما باید دنبال این روز باشیم.

البته جهت‌گیری‌ها، باید جهت‌گیری‌های درست و معنوی و الهی باشد؛ همچنان که در اظهارات خیلی از این جوان‌های عزیز هم همین را دیدیم؛ این گرایش‌های عزیز در بین این جوان‌ها، حقیقتاً دل انسان را روشن می‌کند و خرسند می‌کند. نکات خوبی گفته شد؛ در ذهن بنده هم بود، من هم می‌خواهم همین‌ها را تأکید بکنم. خب، خوشبختانه بنیاد نخبگان و آقای دکتر واعظزاده، الحمدلله خیلی خوب فعالند؛ من خیلی خوشحالم از این که حرکت را شروع کرده‌اند، کار را آغاز کرده‌اند؛ لیکن باید به ضعف‌هایی که وجود دارد توجه کنند و پی در پی ضعف‌ها را بر طرف کنند.

یکی از ضعف‌ها ناهماهنگی‌هاست؛ در بخش‌های مرتبط با دانش و علم و فناوری، بایستی هماهنگی کامل بوجود بیاید. ما مسئله‌ی ارتباط صنعت و دانشگاه را مطرح کردیم - که خب، الحمدلله در این زمینه دارد کار می‌شود و بیشتر هم کار خواهد شد؛ حالا مسئولین مطالبی هم درباره‌ی ارتباط نخبگان با مراکز تحقیقاتی یا با صنایع و امثال این‌ها، با ما در میان گذاشتند که مؤدبه‌بخش است و ان‌شاءالله در وقت خودش به شما گفته خواهد شد و اطلاع خواهند داد - لیکن هماهنگی بین خود مراکز علمی خیلی لازم است؛ یعنی دو وزارت علوم و بهداشت با همین معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهور و بنیاد نخبگان و سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی و هر بخشی از بخش‌ها که در این زمینه‌ها همکاری می‌کنند، یک ارتباط و همکاری و هم‌افزایی دائم لازم است که مبادا این‌ها کار هم را خنثی بکنند یا حلقه‌های مفقوده و خلأهایی در این



زمینه - از قبیل همین که یک خانمی راجع به مشکل جوان‌های خوارزمی بیان کردند - بوجود بیاید.

یک چیز دیگری که من اینجا لازم است مطرح بکنم - اگر چه مخاطبش در واقع کس دیگری است - مسئله‌ی بزرگداشت نخبگان و تکریم نخبگان است. در این زمینه، در واقع رسانه‌های ما و بخصوص رسانه‌ی ملی و صدا و سیما، مخاطبند. خب، شما ملاحظه کنید در تبلیغاتی که انجام می‌گیرد: هنرپیشه‌ها و هنرپیشه‌های خارجی و اسم‌های گوناگون تبلیغ و ترویج می‌شوند. مثلاً مسابقه می‌گذارند توی تلویزیون و سؤال می‌کنند: اسم قهرمان اول فلان فیلم چی بود؟ اگر گفتی و بلد بودی برنده می‌شوی! حالا ندانند این را؛ مگر چه کسری و چه نقصی وارد می‌شود؟ فرض کنید میلیون‌ها نفر این فیلم را ندیده‌اند و این هنرمند یا این بازیگر را نمی‌شناسند؛ این شد یک نقیصه؟ که شناخت او بشود یک امتیاز؟! یا مثلاً ورزش. خب البته می‌دانید و بارها گفته‌ام، من از طرفداران ورزش قهرمانی‌ام؛ یعنی من بر خلاف یک حرفی که گفته می‌شد آقا! ورزش قهرمانی چیست؛ بنده گفتم که نه، ورزش قهرمانی لازم است. ورزش قهرمانی در واقع نخبه‌پروری در باب ورزش است؛ این می‌شود یک قله؛ تا قله نباشد، دامنه نیست. وقتی یک قله درست شد، آن وقت دامنه - یعنی ورزش عمومی - شکل خواهد گرفت. بنابراین بنده به ورزش قهرمانی معتقدم؛ به این قهرمانهائی هم که می‌روند و پرچم کشورمان و سرود ملی کشورمان را اینجا و آنجا به چشم و گوش مردم دنیا می‌رسانند، علاقه‌مندم؛ از آن‌ها هم تشکر می‌کنم؛ خیلی هم دوستشان می‌دارم؛ گاهی هم پیش من می‌آیند. اما حرف من این است که چرا ما باید یک نخبه‌ی علمی را کمتر از یک نخبه‌ی ورزشی بها بدهیم؟ ما چقدر نخبه‌های علمی داریم که در قله‌اند؛ چقدر نخبه‌ی

علمی داریم که اگر چنانچه دست کشورهای دیگر به این‌ها برسد، آن‌ها را فوراً می‌قاپند و می‌برند؛ این‌ها را باید تجلیل کنیم.

حالا من از باب مثال مرحوم کاظمی آشتیانی را مثال میزنم - حالا چون بارها اسم ایشان را برده‌ایم و از دنیا هم رفته، خدا ایشان را رحمت کند - یا همین جوان عزیزی که آقای دکتر واعظزاده اسمش را آوردند - که پارسال اینجا در جمع ما بوده و امسال فوت کرده - خب، این‌ها تجلیل بشوند، شناخته بشوند. ما نخبگان علمی تاریخی‌مان را هم ترویج نمی‌کنیم؛ خیلی از مردم کشور ما علمای بزرگ و دانشمندان بزرگ رشته‌های مختلف را نمی‌شناسند؛ نه فقط در رشته‌ی فقه و فلسفه و علوم دینی، بلکه دانشمندانی که در رشته‌های رائج امروز دنیا - در فیزیک، در ریاضی، در شیمی، در مکانیک - در تاریخ خود ما برجسته بودند و کارهای بزرگی آن روز انجام دادند و بعضی از اختراعات آن‌ها حتی امروز مورد استفاده است. نه جوان‌های ما اسم هایشان را میدانند، نه ترویجی از آن‌ها می‌شود، نه یادی از آن‌ها می‌شود! خیلی نقیصه‌ی بزرگی است. این هم بایستی حتماً اصلاح بشود.

خب، نکات گوناگون دیگری هم وجود دارد که بعضی‌اش را هم دوستان گفتند. این مسئله‌ی راه یافتن پروژه‌های علمی به بازار مصرف؛ که از جمله‌ی چیزهای بسیار مهمی است که خب دولت باید حتماً در این زمینه کمک کند و بنا هم دارند کمک کنند؛ من اطلاع دارم. ان شاء الله در این زمینه اقداماتی صورت بگیرد که محصول کارها تجاری بشود.

و آخرین مطلب - که دیگر حالا ظهر است و ظاهراً وقت اذان است - اینکه افتخار خدمت به کشور از راه علم را شماها خیلی قدر بدانید. خدمت به کشور از راه‌های مختلفی ممکن است؛ یکی از بهترین راه‌هایش خدمت به کشور



از راه علم است. خب، سیاستمدارها هم خدمت به کشور می‌کنند؛ مجاهدان راه خدا و رزم‌آوران میدان‌های جنگ هم خدمت به کشور می‌کنند، تجار و بازرگانان و بقیه هم خدمت به کشور می‌کنند، صنعتگران هم خدمت به کشور می‌کنند؛ اما یکی از راه‌های برجسته‌ی خدمت به کشور، از راه علم است؛ به همین دلایلی که قبلاً عرض شد که علم مایه‌ی اقتدار ملی، مایه‌ی قدرت کشور، مایه‌ی ثروت کشور و مایه‌ی سربلندی هر کشوری است. شما در درس خواندن و در حائز شدن رتبه‌های بالای علمی، اگر این نیت را بکنید، کارتان می‌شود عبادت. یعنی کار انسان - یک کار واحد - با دو نیت مغایر، دو حالت گوناگون پیدا می‌کند: گاهی همان کار می‌شود عبادت، گاهی همان کار می‌شود معصیت. نمازی که انسان می‌خواند، اگر به قصد تقرب به خدا بخواند، توجهش به خدا باشد، با اخلاص نماز بخواند، این بالاترین عبادت‌هاست؛ اگر همین نماز را برای ریا بخواند، این نماز می‌شود معصیت و خود آن نماز، می‌شود گناه. ریا، گناه کبیره است؛ مصداقش هم می‌شود همان نمازی که از روی ریا خوانده شد؛ نیت اینقدر مؤثر است. شما اگر چنانچه این تحصیل راه، این تلاش علمی راه، این سعی برای به دست آوردن رتبه‌های نخبگی راه، برای خدمت به مردم و برای خدمت به کشور و برای سربلندی نظام اسلامی انجام بدهید، بلاشک یکی از حسنات شما خواهد بود.

امیدواریم ان‌شاءالله خداوند متعال همه‌ی شماها را توفیق بدهد و به شما کمک کند و ان‌شاءالله روز به روز بیشتر شاهد گسترش علم و تحقیق در کشور باشیم و ببینیم که جوانان مؤمن و جوانان صالح ما، توانسته‌اند در این مسابقه‌ی عظیم، پیشاپیش حرکت کنند. ان‌شاءالله خداوند همه‌ی شماها را محفوظ بدارد.

والسّلام علیکم و رحمۀالله و برکاته



**سخنرانی دکتر واعظزاده، معاون علمی و فناوری
رئیس جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان
در دومین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۸۷)**

بسم الله الرحمن الرحيم. شکرگزار خداوند متعال هستيم که در این محضر مبارک، همراه با نخبگان عزیز حضور پیدا کردیم. به سهم خودم و همکارانم در معاونت و بنیاد تشکر می‌کنم از مقام معظم رهبری برای این فرصت که برای همه ما بسیار معتنم است.

جا دارد یادی بکنم از نخبه عزیز، بلکه نابغه درخشانمان «مرحوم محمد شیرعلی شهرضا» که در سال گذشته در مشابه این مراسم برای ما سخن گفتند و امید بخشیدند. متأسفانه ایشان را به علت بیماری لاعلاج از دست دادیم. خداوند روح ایشان را با اولیا و علمای صالح محشور بفرماید. اما چیزی که قدری مایه تسلی خاطر است این است که ایشان علیرغم سن کم، به‌زودی از سوی نظام و مسئولان شناخته شد و مورد حمایت قرار گرفت و با سن حدود ۲۲ یا ۲۳

سال، موفق شد بیش از ۸۰ اثر علمی را - که حقیقتاً اعجاب‌آور است- به جامعه علمی ایران و جهان عرضه کند. خوشبختانه در کشور ما چنین سرمایه‌هایی زیاد هستند و ما به این سمت رفته‌ایم که این سرمایه‌ها را شناسایی و حمایت کنیم و اینطور نباشد که بزرگان ما در سنین کهولت هم که از دنیا می‌روند، ناشناخته باشند. این وضعیت خوشبختانه به سرعت در حال عوض شدن است. امکانات هم در کشور ما زیاد است. سرمایه‌های خیلی خوب مادی هم در کشور وجود دارد. مشکل اصلی همانطور که مقام معظم رهبری در موارد مختلف رهنمود فرمودند، نبودن هماهنگی، برنامه‌های ساماندهی و استفاده بهینه است.

این سیاست جدیدی است که در دولت جمهوری اسلامی تعقیب می‌شود. علاوه بر تکمیل و تقویت منابع مالی، امکانات و تجهیزات، مسئله مهم‌تر هماهنگی و ساماندهی و ایجاد یک نظام علم و فناوری است. خوشبختانه حرکت‌های خوبی شروع شده است. برای اولین بار در کشور سیاست‌های مراکز پژوهشی در ۲۷ سیاست تنظیم و ابلاغ شد. در حال حاضر نظارت بر اجرای آن‌ها شروع شده است. هماهنگی طرح‌های پژوهشی دستگاه‌های اجرایی که عمده پژوهش‌های کشور را تشکیل می‌دهد، در جریان است. تا امروز که مرحله آزمایشی این طرح است، ۵ هزار طرح پژوهشی، با یک سامانه الکترونیکی و با سرعت بسیار زیاد در حال هماهنگی و تأیید و بررسی است.

دوست گرامی‌مان در مورد منابع، رقمی را بیان کردند. این رقم درست نیست. تنها یک بخش از منابعی که به پژوهش اختصاص داده شده در سال جاری، یک درصد درآمد عملیاتی شرکت‌ها، بانک‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی دولتی است که خود این یک رقم، چیزی حدود ۱۵۰۰ میلیارد تومان است که تقریباً



نیم درصد تولید ناخالص داخلی ما را تشکیل می‌دهد. البته باید محقق بشود و به شدت هم پیگیری می‌شود. خیلی سریع آیین‌نامه آن به همه شرکت‌ها و دستگاه‌ها ابلاغ شد. رئیس محترم جمهور با همه قوا و خود بنده پیگیر هستیم که حتماً محقق بشود. حرکت‌های خوبی هم شده است. تمدیدات بگونه‌ای است که خیلی از دستگاه‌هایی که سال‌های قبل توجه نمی‌کردند، باید این هزینه را صرف بکنند. در حال حاضر بیش از یک درصد (حدود ۱/۲ یا ۱/۳ درصد) تولید ناخالص ملی صرف این منابع می‌شود، اگر این مورد هم انشاءالله تحقق پیدا کند. البته تا ۲ درصد هنوز فاصله داریم.

فناوری‌های راهبردی کشور خوشبختانه مشخص شد. برنامه اصلی تقویت آن‌ها به تصویب دولت رسید. مقداری که امسال باید انجام بشود، به تصویب مجلس رسید. ستادهای مربوط تشکیل و دستور کارشان معین شد. باید چشم انداز فناوری را معین کنند و به سمت آن حرکت هماهنگ را انجام بدهند.

برنامه جدیدی با استفاده از تجارب قبلی برای ارتقاء همکاری‌های دانشگاه و صنعت - معطوف به حلقه‌های آخر این همکاری یعنی تولید کالا و خدمات و گرد هم آوردن همه بازیگرانی که در این تولید نقش دارند، اعم از دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز بخش خصوصی و غیره بصورت غیر متمرکز شروع شده است.

دولت دو تغییر ساختاری نسبتاً مهم را در این یکی دو سال انجام داد. یکی تأسیس معاونت علمی و فناوری بود، دیگری تأسیس کمیسیون علمی، تحقیقاتی و فناوری دولت که در این کمیسیون وزرای محترم علمی و صنعتی و اقتصادی کنار هم می‌نشینند. تا کنون چند جلسه برگزار شده و نتایج بسیار خوبی

در جهت به نتیجه رساندن تحقیقات و تولید ثروت از علم بعنوان عالی‌ترین مرجع ذیل دولت داشته است. این کمیسیون خوشبختانه فعال شده است. ضمن اینکه مسائل آموزشی و غیره در کمیسیون فرهنگی کماکان مطرح خواهد شد. این‌ها برنامه‌های مفصلی است که من فرصت را نمی‌گیرم. اما مجموعه این برنامه‌ها بصورتی تنظیم شده که با نقشه جامع علمی کشور که مراحل نهایی خودش را می‌گذراند، هماهنگ است و در نهایت در قالب نقشه جامع علمی انشاءالله به ساماندهی مطلوب نظام علم و فناوری کشور منتهی خواهد شد.

اما مهم‌ترین بخش از مزیت‌های ملی ما سرمایه‌های انسانی است و قله این سرمایه، نخبگان عزیزند که امروز در خدمت جمع قابل توجهی از آن‌ها هستیم. من یادآوری کنم که در همایش سال قبل حمایت از هزار تن از نخبگان جوان را آغاز کردیم. خوشبختانه امروز این تعداد به ۳هزار تن بالغ شده و از جوان‌های نخبه به نخبگان در سنین دیگر تسری پیدا کرده است. از جمله همانطور که ملاحظه فرمودید پژوهشگران جوان ما، استادیاران دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها که سوابق تحصیلی آن‌ها نخبگی بسیار برجسته را نشان می‌دهد و دل‌نگرانی زیادی بود که این نیروها در خارج از کشور به تحصیل ادامه می‌دهند و ماندگار می‌شوند. اینها هم خوشبختانه شناسایی شدند و امروز حدود ۷۰ تن از این عزیزان که در کسوت استادیار آموزشی یا پژوهشی هستند، در همین همایش حمایت از آن‌ها در قالب اعتبارات پژوهشی خیلی خوب فراهم خواهد شد.

در این جمع، ما حدود ۱۷۰ تن از دانشمندان و پژوهشگران ارشد کشور را داریم که برگزیده جشنواره‌ها و مسابقات علمی و فناوری و غیره بوده‌اند و در سال‌های گذشته فقط تا مرحله برگزیده شدن و تشویق - که البته موثر بود - مورد



توجه قرار می‌گرفتند.

در مورد مخترعان نکاتی را گفتند. این خبری بود که من می‌خواستم-درست یا غلط-اینجا در محضر حضرتعالی اعلام کنم که خوشبختانه تلاش دوستان ما برای تدوین یک برنامه مؤثر و سریع برای شناسایی مخترعان واقعی و حمایت از آنها نهایی شده است. منابع لازم تهیه شده است. ما آماده هستیم که انشاءالله ۳۰۰۰ مخترعی که اولاً اختراعشان به ثبت رسیده است، ثانیاً دارای مبنای علمی است و این مبنا مشخص شده که چطور تعیین می‌شود، ثالثاً دارای نوآوری واقعی است، چون همه اختراعات ثبت شده اینجور نیست، خود دوستان می‌دانند- این کار را مشخص کنیم. حداکثر ظرف ۴۵ روز از زمانی که مدارک دوستان تحویل داده بشود، مشخص می‌شود که اختراع دوستان مبنای علمی دارد، نوآوری دارد، باید حمایت بشود.

دو برنامه حمایتی برای مخترعان در نظر گرفته شده که یک برنامه‌اش با امکانات خود بنیاد از طریق پارکها و مراکز رشدی که در کشور هست و بعضی مؤسسات و مراکز دیگر صورت خواهد گرفت. یک برنامه هم چیزی است که همه مقدمات آن فراهم شده و انشاءالله در جلسه هیئت دولت بصورت باز در حضور این جمع عزیز برگزار خواهد شد، به تصویب نهایی خواهد رسید که من وقت را نمی‌گیرم که آن را توضیح بدهم. برنامه بسیار ابتکاری است که انشاءالله همراه با دو مصوبه دیگر که تحول آفرین است، آنجا به تصویب خواهد رسید. در مورد جشنواره خوارزمی، البته این وظیفه بنیاد ملی نخبگان نبود، برحسب ضوابط و مقررات. چون دوستان برنده خوارزمی و رازی مطابق ضوابط دو وزارتخانه باید پذیرشی از دانشگاه‌ها می‌گرفتند و وارد می‌شدند. اما به هر حال

مشکلاتی در مسیر بود و بعضی دانشگاه‌ها به سهولت نمی‌پذیرفتند- بحق یا ناحق- در همایش قبل با کمک وزارت علوم حدود ۳۰۰ نفر از عزیزان مشکلشان حل شد. مشکل هنوز باقیست. یک مقدار هم معلوم شد ناهماهنگی بین دو وزارتخانه است، حسب نقلی که خواهرمان گفتند. این را پیگیری می‌کنیم تا انشاءالله حل بشود. اما در هر حال یک مسیر طبیعی است که دوستان باید پذیرش را از دانشگاه‌ها بگیرند. البته وزارتخانه‌ها نباید مخالفت بکنند. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.



سخنرانی نخبگان دومین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی)^۱



کسری احمدی کمال آباد

(دارنده مدال طلای المپیاد جهانی - سال ۸۷)

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عرض می‌کنم خدمت جنابعالی. من چند نکته را بصورت خلاصه خدمتتان عرض می‌کنم امسال بیست و دومین سالی بود که ایران در المپیاد جهانی ریاضی که یکی از معتبرترین مسابقات علمی است حضور داشت. در این بیست و دو سال ایران به جایگاه و موقعیت شناخته شده‌ای در این مسابقات دست یافته است. در مجموع از ۱۳۳ نفر که در این سال‌ها از ایران به المپیاد جهانی اعزام شده‌اند، ۱۲۰ نفر مدال‌های مختلف اخذ کرده و تنها ۱۳ نفر موفق به کسب مدال نشده‌اند. این آمار جایگاه خوبی برای ایران ایجاد نموده است و ما به نوعی از مدعیان اصلی این رقابت هستیم. جا دارد از عملکرد باشگاه دانش‌پژوهان جوان و دست‌اندرکارانی که مشغول شناسایی، انتخاب، آموزش و همراهی دانش‌آموزان هستند، تشکر کنم. باشگاه دانش‌پژوهان جوان بخصوص گروه ریاضی که من در ارتباط مستقیم با آن‌ها بوده‌ام، تلاش بسیار مؤثری در گزینش و آموزش دانش‌آموزان داشته‌اند که کاملاً براساس لیاقت و توانایی دانش‌آموزان بوده است.

من در طول ۲ سال گذشته فرصت‌هایی برای آموزش ریاضی در سطح شهرستان‌های ایران پیدا کردم که برای خودم تجربه جالبی بود. با توجه به

۱- در سخنرانی نخبگان عین مطلب، بدون هیچ دخل و تصرفی آورده شده است.

توانایی‌ها و اشتیاق به آموختن در شهرستان‌ها، مطمئنم با توسعه امکانات در شهرستان‌ها نتایج ارزنده‌ای بدست خواهد آمد. اگر بنیاد نخبگان در شهرستان‌ها دفتری داشته باشد، ما می‌توانیم تجربه‌های خودمان را به دانش‌آموزان شهرستان‌ها انتقال بدهیم.

نکته دیگر اینکه گردهمایی‌ها و المپیادهای علمی محل بسیار مناسبی برای معرفی کشورمان و معرفی فرهنگ ایرانی است. هر کدام از ما بعنوان یک دانش‌آموز تلاش شخصی خودمان را در این مورد انجام دادیم، ولی می‌شود حرکت‌های بهتر و هماهنگ‌تری انجام داد. امسال فرصت حضور در کنار ۹۹ کشور دیگر را داشتیم. حدود ۶۰۰ نفر از جوانان که از سراسر دنیا انتخاب شده بودند، دورهم جمع بودند. موقعیت بسیار مناسبی برای معرفی توانمندی‌های کشور بود که امیدوارم این کار در سال‌های بعد بطور مؤثر انجام شود.





ایمان مهیانه

(دارنده مدال طلای المپیاد کشوری فیزیک - سال ۸۷)

سلام. من چند مطلب به نظرم می‌رسد درباره اینکه در نظام آموزشی و پرورش کشور چطور دید و تفکرمان را ارتقا بدهیم. اولین نکته اینکه در طول دوازده سال تحصیل در آموزش و پرورش، هیچوقت در مدرسه درست فکر کردن و نحوه فکر کردن به ما آموزش داده نشد!

دیگر این که لازم است کارهای گروهی خیلی بیشتر انجام شود. کار گروهی این نیست که مثلاً کتاب جغرافی بنویسند: بروید با هم بگردید و مثلاً این چیزها را جمع‌آوری کنید! ما در سال دوم راهنمایی هفته‌نامه و یا گاهنامه داشتیم که خودمان آماده‌اش می‌کردیم و خودمان آن را به فروش می‌رساندیم و از فروشش پولی در می‌آوردیم. همچنین در دوره دبیرستان جشنواره ای برگزار کردیم. یک نفر از بین خودمان دبیر جشنواره بود و هر کدام مسئولیتی داشتیم. مثلاً من مسئول کنفرانس‌ها بودم. با افراد مختلف تماس می‌گرفتم که چطور باید با آن‌ها برخورد کنم و چطور در برابر دبیر جشنواره پاسخگو باشم. این‌ها چیزهای خوبی بود که ما یاد می‌گرفتیم و در مجموع، کار جشنواره کار خیلی خوبی بود.

نکته دیگر اینکه چون در مراکز مختلف، دیدگاه‌ها با هم فرق می‌کند، اگر مثلاً مدارس مختلف تهران یا در اشل بزرگتر، دانشگاه‌ها در تهران و شهرستان‌ها و بطور کلی دانشگاه‌های داخل ایران و دانشگاه‌های خارج از کشور، با هم همکاری داشته باشند، اتفاق خیلی خوبی می‌افتد. البته در بنیاد هم گفتند که می‌خواهند

چنین کاری را انجام دهند و قصد این کار را دارند.

یک مطلب هم این که درباره کتاب و کتابخوانی و اینطور مباحث، خیلی حرف زده می‌شود. ولی در عمل، شرایط بگونه‌ایست که مدتی قبل یکی از معلمان ما می‌گفت: «من دیدم یکی در حیات مدرسه مشغول کتاب خواندن است. خیلی خوشحال شدم. فکر می‌کردم اینطور آدم‌ها تمام شده‌اند!» این خیلی بد است. اینکه انسان در زندگی تنوع داشته باشد خیلی خوب است؛ اما یکی از این تنوع‌ها همین خواندن مثلاً رمان است. انسان بنشیند و رمانهای خوب ایران و جهان را بخواند. یا ورزش کند که هم تنوع است و هم نشاط. اما برخی از جوانان متأسفانه اینطور نیستند. در مدرسه ما در کلاسی با حدود ۲۵ دانش‌آموز، ۵، ۶ نفر بودند که اصلاً ورزش نمی‌کردند و این خیلی چیز بدی است. به این ترتیب زندگی انسان یک زندگی یکنواخت می‌شود که نه تنوع دارد و نه نشاط!

صحبت پایانی من دربارهٔ بازدیدهای علمی است. برای من بعنوان نمونه پژوهشکده رویان جای بسیار جالبی است؛ همینطور بازدید از برج میلاد. یک مشکل این است که ما نمی‌دانیم در بسیاری مراکز چه کارهایی دارد انجام می‌شود. اینکه شما از دور یک چیزی ببینید یا صرفاً چیزی بشنوید، خیلی فرق می‌کند با اینکه بروید و با آن افراد صحبت کنید و ببینید چطور مسیرشان را طی کرده‌اند. اگر ما برویم با کسانی که در پژوهشکده رویان کار می‌کنند یا آن‌هایی که برج میلاد را ساخته‌اند صحبت کنیم، احتمالاً خیلی لذتبخش خواهد بود.





زهرا ساکیانی

(رتبه اول آزمون سراسری علوم انسانی-سال ۸۷)

بنام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

بسم الله الرحمن الرحيم. خیلی خوشحالم که این فرصت به من داده شد که در محضر رهبر معظم انقلاب عرض مختصری داشته باشم و این فرصت را مغتنم می‌شمارم. فکر می‌کنم برخلاف فضای مدارس ما که یک فضای آموزشی محور است، فضای دانشگاه‌ها بیشتر یک فضای پژوهش محور باشد و خواهشی که دارم این است که همانطور که تا امروز به مسئله نخبگان و استعداد های درخشان توجه شده است، از این به بعد هم با اختصاص بودجه بیشتر به این مسئله و با حمایت‌هایی که بنیاد از ما به عمل می‌آورد، به ما این فرصت داده شود که بتوانیم در پیشرفت و تعالی ایران اسلامی نقش مهمی ایفا کنیم و در نهایت هم می‌خواستم ابراز امیدواری کنم که جوانان کمال طلب ایران ما می‌توانند با روحیه اعتماد به نفس و با عنایت و تفضل خداوند به والاترین اهداف متصوره دست پیدا کنند. خیلی خوشحالم از این که در خدمت شما بودم.



حامد ترکش اصفهانی

(دارنده تندیس زرین فناورینی از جشنواره شیخ بهایی، دریافت کننده اعتبار نوآوری و شکوفایی بنیاد)

بسم الله الرحمن الرحيم. من ابتدا لازم می دانم تشکر ویژه‌ای داشته باشم از جناب عالی بواسطه حمایتان از اجرایی شدن اصل ۴۴، و آرزوی توفیق داشته باشم برای دولت محترم جهت انجام صحیح این امر. این موضوعی است که آینده جوانان ایرانی و بخصوص بنگاه‌های دانش بنیان را تغییر خواهد داد و امیدوارم این اصل به خوبی در کشور جاری بشود.

من تاریخچه‌ای از فرایندی که بر ما گذشته را عرض خواهم کرد که نکات مختلفی در آن مستتر است. من در سال ۱۳۸۳ بعنوان دانشجوی نمونه کشوری انتخاب شدم؛ بعنوان دانشجوی سال اول فوق لیسانس تعداد ۱۷،۱۸ مقاله بین المللی و نیز معدل بسیار قابل توجهی داشتم و این باعث شده بود بورس‌های متعددی از دانشگاه‌های معتبر بین المللی برای من آماده شود. هر بار که یک مقاله جدید چاپ می کردم یا بورس جدیدی مهیا می شد یک نکته و یک سوال مهم برایم طرح می شد که بالاخره این آمدن و رفتن اگر قرار باشد فقط به همین‌ها بگذرد، خیلی تلخ است و به نظر می رسد که اهداف خیلی بزرگتری باید وجود داشته باشد. من و گروهی از همفکرانم در دانشکده بر این تصور بودیم که وظیفه بهتر کردن دنیا را برای مردم داریم و به این اعتقاد داریم. این گروه از فرصتی هم که آن موقع توسط شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان بوجود آمده بود، استفاده کرد و تصمیم گرفت که در ایران بماند و با توکل به خدا برای مردم کار بکند. توکل به خدا را هم در مرامنامه‌مان تعریف کردیم: «تلاش تا سرحد ممکن و مایوس نشدن از شکست». شروع کردیم. سه میلیون اعتبار خدماتی داشتیم که ظرف سه سال به ما تخصیص پیدا می کرد؛ و البته مجموعه‌ای از اعتبارات



معنوی که شهرک در اختیار ما قرار داده بود. سال اول با یک شکست کامل مواجه شدیم. به عنوان دو سه دانشجو ۱۲ میلیون مقروض بودیم. شرایط بسیار سختی بود. ولی توکل وجود داشت؛ ایمان به هدف... و تلاش کردیم.

امروز من با افتخار عرض می‌کنم که این شرکت توانسته است به حدی از تکنولوژی برسد که تندیس زرین فن آفرینی را دریافت کند؛ در سال ۲۰۰۷ به عنوان تنها شرکت از غرب آسیا، جزء پنج شرکت منتخب آسیایی مستقر در پارکهای علم و فناوری انتخاب شود. و از همه مهم‌تر اینکه توانسته است ثروت مبتنی بر دانش و اشتغال مبتنی بر دانش، تولید کند که خدای داند حلاوتش با هیچ چیز قابل مقایسه نیست؛ اینکه انسان زندگی‌های جدیدی را براساس کاری که شروع کرده است ببیند، یک حلاوت استثنایی دارد.

مثل ما و برتر از ما صدها شرکت در ایران وجود دارد. من از این موضوع مطمئنم و بعضی از آنها را کاملاً می‌شناسم. همه ما تلاش کردیم هواپیماهایمان را در این چند سال برای پرواز به سمت ایرانی شادتر، ثروتمندتر و قدرتمندتر آماده کنیم و توانسته ایم گام‌هایی هم به پیش برویم و خودمان را در مقابل نظام و ملت مسئول می‌دانیم. یک باند پرواز خیلی هموار احتیاج داریم - یک باند پرواز بین‌المللی از مبدأ ایران - تا انشاءالله بتوانیم در آمد نفت را در درآمدهای کشور تحقیر کنیم. واقعاً در توانمان هست که درآمدهای خیلی بالاتری ایجاد کنیم. این باند هنوز کاملاً هموار نیست. وظیفه اول هموارسازی آن هم با خود ماست. این را کاملاً پذیرفته ایم. آستین‌هایمان را هم بالا زده‌ایم و می‌خواهیم که این اتفاق بیفتد. من امیدوارم سایر قسمت‌های بدنه اجتماع و دولت هم به شهرک‌های علمی تحقیقاتی، پارک‌های فناوری، بنیاد نخبگان و اینگونه مؤسسات ببینند و انشاءالله بتوانیم این باند پرواز را هموارتر کنیم تا این مسیر تسهیل شود و انشاءالله همه با هم بتوانیم یک ایران خیلی خیلی بهتر داشته باشیم. ما «یا علی» مان را گفته‌ایم و همه چیز را در طبق اخلاص نهاده، در خدمت ملت بزرگ ایرانیم. کمک دولت را هم انشاءالله برای هموارسازی این مسیر انتظار داریم. سپاسگزارم.



سجاد فولادی قلعه

(رتبه اول آزمون سراسری ریاضی - سال ۸۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ أَحِلْ عُنُقَدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي». خدمت شما و همه حاضرین سلام عرض می‌کنم. بعنوان کوچکترین عضو این جمع مطالبی به نظرم می‌آید که اگر اجازه بدهید آن‌ها را با شما در میان می‌گذارم.

مطلب اول در مورد معیارهایی است که ما برای انتخاب نخبگان داریم. قطعاً معیارهای فعلی آنگونه نیست که تمام نخبگان کشور را پوشش بدهد. به یک بیان، برای هوش ۲۰۰ فاکتور در نظر گرفته‌اند. اینکه معیارهای فعلی ما چند درصد این فاکتورها را واقعاً پوشش می‌دهد، مشخص نیست. باید روی ضوابط و معیارهای انتخاب نخبگان خیلی کار بشود تا واقعاً کسانی که لیاقتش را دارند، وارد این مجموعه‌ها بشوند و از اعتبارات و حمایت‌های بنیاد بهره‌مند بشوند. البته با مسئولین بنیاد هم که صحبت می‌کردیم، گفتند که کارهایی انجام شده و کارهایی در حال انجام است. امیدواریم که هرچه زودتر این‌ها اجرایی شود و همه به آن حقی که دارند برسند.

مطلب دوم که به نظرم مهم‌تر از مطلب اول است، این است که نخبگان جامعه نباید خودشان را در سطح بالاتری نسبت به بقیه بدانند. به فرمایش قرآن کریم «فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ» بالاتر از هر دانایی، یک دانشمندی هست. بهر حال این جمع نخبگان افرادی هستند که بنا به شرایط خاصی که داشته‌اند، در این میان انتخاب شده‌اند و این‌ها باید مسیر را برای بقیه هموار کنند. نه اینکه با یک نگاه از بالا

خودشان را برتر از بقیه بدانند و بخواهند فخرفروشی کنند. البته قطعاً هیچکدام از دوستان اینطور نیستند، ولی بهر حال جا داشت که این مطلب گفته شود.

بعنوان مطلب آخر عرض می‌کنم که ما در حال حرکت به سمت پیشرفت و به سمت علوم جدید هستیم. به نظر من برای اینکه ما بتوانیم جایگاه درستی پیدا کنیم، باید به سراغ گنجینه‌هایمان برویم. باید از گنجینه‌هایمان استفاده کنیم. در رأس این گنجینه‌ها قرآن است. کتابی که متأسفانه الان تبدیل شده به لقلقهٔ زبان؛ به این صورت که اول هر مجلسی یکبار قرآن را بیاوریم، بخوانیم و بعد کتاب را کنار بگذاریم و اندیشه‌های خودمان را دوباره وارد کنیم و در مورد آن‌ها حرف بزنیم. این کتاب صرفاً کتاب دین ما نیست. کتاب زندگی ماست. برای هر کسی در این کتاب مطلبی هست. برای جامعه‌شناس مطلب هست، برای استاد فیزیک هم هست. عیب ما این است که به سراغ آن نمی‌رویم. مطالبی در قرآن هست که هیچ شاخه علمی برای تبیین آن وجود ندارد، و حیف است که ما مسلمان باشیم، اعتقاد به کتاب قرآن داشته باشیم و آن را کنار بگذاریم و دیگران بیایند و از این گنجینه استفاده کنند.

من مطمئنم با ظرفیتهایی که داریم، قطعاً ایران ۱۰ سال بعد، اینگونه نخواهد بود؛ و این نیاز دارد به همت تک تک مردم نه فقط نخبگان. لازم نیست فرد حتماً نخبه شناخته شود تا کاری برای مملکتش انجام دهند. این نیاز دارد به باور تک تک مردم تا باور کنند که ما می‌توانیم هر کاری که می‌خواهیم انجام دهیم. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». انشاءالله این ملت با تلاش خود کاری می‌کند که سالیان بعد ملت‌های دیگر جهان، ایران را بر سر قله پیشرفت و افتخار و عدالت نشان بدهند.

مکن زغصه شکایت که در طریق طلب به راحتی نرسید آن که زحمتی نکشید



رضوان زندیه

(رتبه سوم المپیاد انشجویی اقتصاد)

بسم الله الرحمن الرحيم. با سلام خدمت شما و همه دوستان حاضر در جلسه و با تشکر از اینکه این فرصت را در اختیار ما قرار دادید که در محضر شما دغدغه‌ها و دیدگاه‌هایمان را مطرح کنیم. همانطور که مستحضریداعضای بنیاد نخبگان نوعاً افرادی هستند که دغدغه شماره یکشان دغدغه علمی است. هدفشان این است که به معنای واقعی کلمه دانشجو باشند و تمام سعیشان را برای پیگیری این هدف می‌کنند و اینکه نهادی باشد که از آن‌ها حمایت کند یا نه، شاید در اصل پیگیری این هدف چندان تأثرگذار نباشد. به اعتقاد من رسالت بنیاد ملی نخبگان در مواجهه با چنین جمعی این است که مسیر حرکت را برای این گروه که هر کدام به نحوی توانایی‌ها و قابلیت‌های خودشان را اثبات کرده‌اند، هموارتر کند و با حمایت‌هایی که از این افراد می‌کند، اجازه بدهد که تمام انرژی این دوستان در فعالیت‌های علمی‌شان متمرکز شود و با این ترتیب بازدهی سعی و تلاش علمی خودجوش آن‌ها افزایش پیدا کند.

مطمئنم همه دوستان با من موافقند که بنیاد طی مدت کوتاه فعالیتش از بدو تأسیس تا به امروز حمایت‌های حقیقتاً مؤثری از اعضای خودش کرده است، چه حمایت‌های مالی، چه تسهیلاتی که برای آقایان در مورد خدمت سربازی در نظر گرفته شده است و چه در موارد دیگر که به نظر من همه اش جای تقدیر

و تشکر دارد. اما آنچه که من می‌خواهم بصورت ویژه بابت آن تشکر کنم، سفر عمره‌ایست که بنیاد بعنوان جایزه‌ای برای اعضای خودش تدارک دیده است. همه سفرهای عمره برکات بی‌نظیری دارند که شما از من بهتر می‌دانید. اما اینکه همه اعضای کاروان از نخبگان باشند، مزیت‌های ویژه‌ای دارد. بهر حال عمره برای هر عمره‌گزار مجالی است برای ارزیابی گذشته و تصحیح جهت‌گیری‌ها برای آینده. و اگر کسانی که تو را در سفر همراهی می‌کنند، با تو دغدغه‌های مشترک داشته باشند و فضای ذهنی‌شان به فضای ذهنی تو نزدیک باشد، و چه بسا در ادامه مسیر، شما با انتخاب‌های مشابهی روبرو باشید، این فرصت نسبتاً طولانی دو هفته‌ای سفرِ عمره، فرصت مناسبی است برای همفکری، شکل‌گیری دوستی‌ها و تعمیق آن و رسیدن به راه‌حل‌های مشترک و جواب‌های مشترک.

درباره دستاوردهای معنوی در طول سفر و بعد از آن هم فکر می‌کنم پای صحبت هر کدام از دوستانی که توفیق سفر پیدا کردند بنشینیم، یک مثنوی طولانی برای گفتن داشته باشند. من اگر بخواهم بعنوان یک نمونه تجربه‌ی خودم را بگویم، باید بگویم که بعد از بازگشت به ایران سفری داشتم به سیستان و زابل برای ساخت یک مستند تلویزیونی - بگذریم که همراهی من با این گروه به مناسبت عمره‌ای بود که در آن شرکت داشتم - اما هر وقت فکر می‌کنم می‌بینم اگر من قبل از سفر عمره به زابل رفته بودم، نوع برخورد با مسائل آن منطقه کاملاً متفاوت می‌بود. با توجه به اینکه رشته تحصیلی من اقتصاد

است، احتمالاً برخوردم با مسئله خشکسالی و کمبود آب آن منطقه این بود که آیا هنوز هم مثلاً فعالیت‌های کشاورزی توجیه اقتصادی دارد که در آن منطقه انجام بشود یا نه؟ یا اینکه مثلاً دولت در مدیریت بحران آب آنجا چه نقشی باید ایفا کند؟ و سؤالاتی از این دست... ولی وقتی کسی فضای سمبلیک عمره را تجربه کرده باشد، در بازگشت از این سفر، دائماً به دنبال عینیت بخشیدن به معانی است که در پس آن نمادها وجود دارد. و من وقتی به زابل رفتم، حقیقتاً چیزهایی دیدم که احساس کردم تجسم عینی آن سعی‌ای بود که ما در عمره انجام دادیم. مردمی را دیدم که علی‌رغم همه مشکلاتشان و علی‌رغم بحران کم آبی شان، زمین‌هایی را که عملاً تبدیل به شوره زار شده بود، با صبر، ایستادگی و تلاش خستگی ناپذیر احیا کرده بودند؛ و من احساس کردم داستان حضرت هاجر دوباره تکرار شده است و همانطور که در آن ماجرا سعی خستگی ناپذیر ایشان سبب ساز فضل و عنایت الهی و جوشیدن چشمهٔ زمزم شده بود، در زابل هم سعی بسیاری از کشاورزان بومی به نشستن سبزی و آبادی در دل شوره زارهای اطراف هامون منجر شده بود که صرفنظر از محاسبات اقتصادی و مادی، به نظر من ذاتاً ارزشمند است. و من این تحول در نگاه و دیدم را مدیون عمره ای می دانم که داشتم.

من بیش از این نمی خواهم وقت جلسه را بگیرم. فقط دلم می خواهد یکبار دیگر بطور عام بابت همه حمایت‌های بنیاد و بطور کاملاً خاص بابت سفر عمره‌ای که داشتیم، از شما و مسئولین بنیاد تشکر کنم و اگر اجازه بدهید



صحبت‌هایم را ختم کنم به یکی از سوغاتی‌هایی که از سرزمین وحی به ایران آورده‌ام که شعری است خطاب به امام عصر (عج):

«بیا و بر این کالبد تهی مانده از هوی نماز بخوان
و بعد در گوش راستم اذان بگو
و در گوش چپم اقامه را اقامه کن.
من کعبه زمینی اش را تاب آورده‌ام...
اگر بخواهد تو را و عظمت امرت را..... و مهابت نهیت را هم تاب خواهم آورد
ای کعبه آسمانی خدا!
بیا و صدا کن مرا
تا از همه چیز و همه کس بسوی تو بازگردم
بسوی تو... که آخرین سکه باقیمانده ای در کیسه رحمتش
بسوی تو... که آخرین برگ باقیمانده ای بدست مهربانی اش
همان برگ آخر....
برگ برنده.....
در این بازی.....
در این قمار عشق...
که نمی دانم کی قرار است تو را رو کند و این بازی را ختم به خیر.
بیا و آخر قصه من باش.»



امیر مهدی احمدی نژاد

(دارنده مدال طلای المپیاد کامپیوتر-سال ۸۷)

بسم الله الرحمن الرحيم. ضمن عرض سلام خدمت حضرتعالی و حضار محترم، به اختصار نکاتی را به عرضتان می‌رسانم. اکنون با توجه به پیشرفت کمی و کیفی مقالات علمی در ایران که یکی از شاخه‌های تولید علم می‌باشد، وقت آن رسیده که با جهت دهی این تحقیقات به نتایج ثمربخش برای ارتقای کشور برسیم. مدتی پیش با یکی از اساتید ریاضی کشور صحبتی داشتم. بحث از اینجا شروع شد که یک ریاضیدان چگونه می‌تواند کمک کند و کارهایش از سطح نظری به سطح عملی بیاید. ایشان مقالات خیلی زیادی داشتند. مقالات معتبر و کارهای پژوهشی زیادی انجام داده بودند. یک کاری را آن موقع داشتند انجام می‌دادند، یک پروژه پزشکی بود که می‌گفتند ما در کنار این پروژه پزشکی یک گروه ریاضی هستیم که کارهای ریاضی آن را انجام می‌دهیم. ایشان از این پروژه خیلی مثبت یاد کردند و خیلی خوشحال بودند چرا که می‌گفتند ما یک گروه هستیم که در این گروه ریاضیدان وجود دارد، مهندس وجود دارد، پزشک وجود دارد؛ و من می‌دانم که امروز اگر در کار خودم به نتیجه‌ای برسم، حالا آیا به مقاله منجر می‌شود؟ به یک چیز بزرگ منجر می‌شود یا نه؟ می‌دانم که در سطح‌های بالاتر من مهندسی هست، پزشکی هست که این دستاورد مرا می‌گیرد، در بیمارها پیاده می‌کند و انشاء الله به



نکته‌ای می‌رسد. غرض از این صحبت این بود که ما امروز با توجه به اینکه توانایی‌های زیادی در پژوهش پیدا کرده‌ایم، با تأسیس پژوهشکده‌ها، حمایت از پژوهشکده‌ها می‌توانیم پژوهش‌ها را جهت دهی کنیم، به ثمر برسانیم و به آن سمتی که واقعاً می‌تواند نتیجه بخش و ثمربخش باشد برای کشور برسانیم و بعد با تأسیس پژوهشکده‌ها حمایت‌ها هدفمندتر می‌شود و می‌توانیم و کارها را خیلی دقیق‌تر انجام بدهیم و نقش بنیاد بعنوان نهادی که متولی امر نخبگان است، بعنوان یک مرکز می‌تواند ایجاد رابطه کند با پژوهشکده‌ها، حمایت کند از پژوهشکده‌ها و همانطور که امروز اینکار را می‌کنند، انشاءالله که بیشتر بشود. مطلب بعدی این است که دانشجویان نخبه امروز خود احساس می‌کنند که شاید یک رشته تخصصی از قبیل مهندسی و یا رشته‌های دیگر نیازهای علمی پژوهشی آنان را ارضا نکند و گاه گرایشاتی به علوم پایه پیدا می‌کنند و گاه به علوم انسانی در این فرایند بعضی به مطالعات جنبی روی می‌آورند و بعضی علاقمند به دو رشته‌ای خواندن می‌شوند. مشکلی که وجود دارد- مخصوصاً در بخش علوم انسانی- گاه شرایطی پیش می‌آید که یک دانشجو برای تحصیل نیاز به تحصیل در دو دانشگاه متفاوت دارد و با توجه به اینکه امروز ارتباط‌های بین دانشگاه‌های داخلی مان سخت و دشوار انجام می‌شود اگر این ارتباطات نزدیک‌تر شود و بشود این فرآیند آسان‌سازی شود فکر می‌کنم خیلی کمک کند به اینکه شاید بعضی از نخبگان که ابتدا علاقه‌ای به یک رشته خاص پیدا می‌کنند، بعداً با ورود به یک رشته دیگر ببینند که واقعاً شاید یک رشته دیگر آن علاقه واقعی‌شان و استعدادشان



بوده و کمک بکند به رشد علوم پایه و علوم انسانی. اما دو مطلب کوتاه: یکی درباره کارهایی که بنیاد کرده است، خوشبختانه بنیاد یک ساختار نو دارد و کارها در آن سریع انجام می‌شود. ولی در سیستم آموزشی کل کشور این کارها خیلی سخت انجام می‌شود امکاناتی به نخبگان تعلق گرفته که خیلی امکانات خوبی است. اگر این وضع گسترش پیدا کند در شهرستان‌ها و بتواند کمک کند که جوانان در شهرستان‌ها هم بتوانند آن جاهایی که نیاز دارند پیشرفت کنند و استعدادهايشان را بشناسند خیلی مفید است. مطلب دیگر در مورد مراکز استعدادهای درخشان است که فکر می‌کنم خیلی پتانسیل‌های قوی در این زمینه وجود داشته باشد که می‌شود با جهت‌گیری‌های بهتر - چه در امر آموزش و چه در امر پرورش - این مراکز بتوانند خیلی وسیع‌تر عمل کنند و موفقیت‌های خیلی بیشتری داشته باشند. در نهایت هم یک توصیه، روی سخنم با هم سن و سالان خودم است و حالا شاید حتی آنهایی که یک مقدار از من کوچک‌ترند و تازه می‌خواهند وارد عرصه علمی بشوند و خیلی بی‌اطلاعتند از بعضی مسائل که واقعاً الان وضع کشور ما در زمینه‌های علمی تفاوت‌چندانی با کشورهای دیگر ندارد و خیلی خوب می‌شود کار کرد و می‌شود به نتیجه رسید. انشاء الله بتوانیم در کنار هم - جوانان و مسئولین کشور - ایرانی را بسازیم آباد برای خودمان که در آن زندگی می‌کنیم و لذت ببریم انشاء الله والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته





سید مصطفی عمادی و کیلی

(دانش آموخته رتبه اول مقطع کارشناسی، رشته خاکشناسی کشاورزی)

بسم الله الرحمن الرحيم. نخبه بودن بسیار امتیاز بالایی دارد، بسیار قابل قدردانی است. اما نخبه ماندن بسیار مهم‌تر از نخبه بودن است. اینکه جوانان ما بتوانند نخبه بشوند کار بسیار بزرگی را انجام داده اند - چه در عرصه داخل چه در عرصه خارج- اما نخبه ماندن مانند یک ورزشکاری است که به یک مربی خوب احتیاج دارد، به یک استاد خوب احتیاج دارد، به یک بستر مناسب احتیاج دارد. به امید خدا این بستر دارد کم برای کلیه جوانان فراهم می‌شود و من خاضعانه از تمام دست اندرکاران می‌خواهم که بسترهایی که برای هر نخبه و یا هر جوانی لازم است و کاملاً مشخص است را فراهم کنند. بسیاری از نیازهای مادی و معنوی و بسیاری از حمایت‌هایی که از جوانان باید بشود همه این چیزها را می‌دانند. مهم این است که به عرصه عمل برسد و از شعار گونه بودن خارج شود. درست است که بسیاری از کارهایی که باید جوانان انجام بدهند نیاز به تجربه دارند. تجربه هم در کنار پیرمردان آن علم و تخصص باید به عرصه عمل برسد. نکته بعدی من این است که با توجه به اینکه شعار ما پیشرفت به همراه عدالت است ما جوانان واقعاً باید به خودمان اعتماد به نفس داشته باشیم. باید بدانیم که افرادی که در خارج از کشور تحصیل می‌کنند چیزی جدای از ما نیستند و این عدالت علمی است که به نظر من نکته ایست

که باید همه به آن توجه داشته باشند. عدالت علمی به این معناست که به جای اینکه دانشجویان ما -چه در مقطع کارشناسی که بعنوان پروژه می‌گذرانند و چه در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان پایان نامه می‌گذارند- پایان نامه‌های آن‌ها باید به سمتی سوق داده بشود که مشکلات جامعه را برطرف بشود. و این رفع مشکلات واقعاً باید یک بنیادی تأسیس بشود بلکه نظر من تا این پایان نامه‌ها و این پژوهش‌هایی که در داخل کشور انجام می‌شود را نظام مند کند و جدای از این‌ها افرادی که در این عرصه واقعاً تخصص بدست آورده‌اند چندین سال در این عرصه کار کرده‌اند باید به پتانسیل جوانان اعتماد کنند. این جوانی که در سن ۲۴ یا ۲۵ سالگی این همه افتخار بدست می‌آورد، این همه کار انجام می‌دهد، این پتانسیل را دارد که بتواند یک قدم بسیار بزرگ در انجام پروژه‌های مملکتی بردارد. واقعاً باید جوانان ما و آن نخبگانی که هستند در عرصه عمل بتوانند خودشان را نشان بدهند. در واقع تلاش را که بنیاد انجام داده و این استعدادیابی که دارد انجام می‌دهد، واقعاً قابل قدردانی است و من نکته بعدی را بصورت بسیار گذرا بعلت اینکه نمی‌خواهم زیاد وقت جنابعالی را بگیرم عرض می‌کنم و آن این است که روحیه پژوهش در دانشگاه‌های ما کم شده است. اما جای بسیار امیدواری است و به نظر من نقطه عطف در افزایش این روحیه پژوهش و تحقیق در دانشگاه این است که وقتی دانشجوی می‌بیند که یافته‌های علمی او، یافته‌های تحقیقاتی او بعد از ۲ سال، بعد از مشکلاتی که در آزمایشگاه‌ها با آن امکانات خاص می‌کشد، و می‌بیند که داده‌ها و اطلاعات او در استفاده یک کشاورز، در استفاده یک صنعتگر در می‌آید، بسیار خوشحال



می‌شود. وقتی که یک مقاله را در مجلات بین‌المللی چاپ می‌کنید و ده‌ها ایمیل برایتان می‌آید که این مقاله را برای ما داوری کنید، به نظر شما این مقاله چطور است؟ این راه را اگر می‌توانید برای ما باز کنید. این راه را باید مسئولین از ما بخواهند، نه افرادی که بیرون هستند. باید راه را مسئولین از ما بخواهند و پژوهشگران ما بتوانند به راحتی و اصلاً به نظر من پژوهش در کشور ما باید بنیادی تر به آن نگاه بشود و در واقع مسائلی مطرح بشود که ما بتوانیم آزادانه اطلاعات و یافته‌های خودمان را در کشور خودمان به عرصه عمل برسانیم. نکته آخر این است که بنیاد واقعاً زحمتهای زیادی را برای جوانان ما کشیده و تمام جوانان ما باید با شعار «ما می‌توانیم» بیایند و تمام یافته‌های خودشان را بگذارند در طبق اخلاص و مطمئناً دست اندرکاران این مملکت حامی آنها هستند. اما نکته ای که هست این است که تجربه نشان داده است که به نظر می‌رسد به صورت مقطعی به این موضوع نگاه می‌شود. نخبگان در حدود یکی دو سال به اوج خودشان می‌رسند به اوج توجه و ناگهان در اثر جابجا شدن مسئولیت‌ها، کلی حذف می‌شوند، اصلاً به آنها نگاه نمی‌شود و یا فقط بایک شعار که باید از نخبگان در ارکان مختلف دولتی استفاده کنیم؛ یک نگاه خاصی به آنها نمی‌شود و جز شعار باقی نمی‌ماند. اما امیدوار هستیم که تمام جوانان ما به این جمع بپیوندند و بتوانند واقعاً توانایی‌های هر ایرانی را به کل ایرانیان و بعد از آن به کل جهانیان اثبات کنند و ما همه می‌دانیم که ایرانیان از همه مردان و زنان دنیا بالاتر هستند با توجه به اینکه این غیرت ایرانی بودن و اعتماد به نفس در همه ایرانیان هست. بسیار متشکر و ممنون هستیم.



طیبه موسوی

(دانش آموخته رتبه اول دکتری نانومواد)

بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض سلام خدمت رهبر معظم و حضار گرامی. در ابتدا صحبتی را خطاب به همه جوان‌ها و همسن و سالان خودم دارم. بحمدالله خداوند بزرگ لطف کرده و نعمت‌ها و استعدادهای زیادی را به ما ایرانی‌ها داده است که شاید بهترین راه بجا آوردن شکرانه این نعمت‌ها استفاده و بکارگیری صحیح استعدادهایمان باشد. اینکه بدانیم اگر خواهیم می‌توانیم کارهای بزرگی را انجام دهیم. فقط و فقط اگر خواهیم؛ خودمان را باور داشته باشیم و به خدای بزرگ تکیه کنیم و در راه هدفی که داریم تلاش کنیم. شاید بزرگترین افتخار برای ما جوان‌ها این باشد که به درجه‌ای برسیم که بتوانیم به مردم و خلق خدا خدمت کنیم و برای رسیدن به این هدف بزرگ باید دست به دست هم بدهیم. همه باید با هم تلاش کنیم. خوشبختانه بنیاد ملی نخبگان با گرد هم آوردن نخبگان کشور گامی بزرگ را برای دسترسی به این اهداف بزرگ برداشته است که از مسئولین نخبگان کمال تشکر و قدردانی را داریم. اما نکته‌ای که دوست دارم اینجا به آن اشاره کنم این است که اساتید دانشگاهها نقش پررنگی را در پرورش استعدادها دارند. کار یک استاد دانشگاه شاید صرفاً تدریس نباشد. اساتید می‌توانند با شناسایی استعدادها و ایجاد انگیزه استعدادهای برتر را پرورش بدهند. این نکته را از این حیث مطرح کردم که

خود من در دانشگاه صنعتی اصفهان اساتید برجسته ای داشتم که بسیار به من کمک کردند. اما چند مورد هم بصورت پیشنهاد عرض می کنم. یکی اینکه نخبگان کشور برحسب علاقه و زمینه کاری که دارند در گروه های مختلفی تقسیم بندی بشوند و بعنوان بازوی کمکی نظام بخصوص در ترسیم نقشه جامع علمی کشور از آن ها استفاده شود. دوم اینکه کارهای علمی و تحقیقاتی که در کشور انجام می شود و بعضاً در دنیا بی نظیر است صرفاً علمی و آزمایشگاهی نباشد. این طرح ها حمایت بشود. بودجه هایی تخصیص داده شود تا بتوانیم آن ها را به مرحله اجرا و کاربرد در بیاوریم. بخصوص در فناوری های نوینی مانند نانو تکنولوژی این بیشتر به چشم می خورد. البته خوشبختانه ستاد نانو حمایت های خوبی را از این فناوری بعمل می آورد. اما تجهیز آزمایشگاه های فناوری نانو به بودجه هایی فراتر از این حمایت ها نیاز دارن. سومین پیشنهاد اینکه در فروش مواد خام کشور تجدید نظر اساسی بشود. ما می توانیم نعمت ها و مواد خام کشور مانند نفت را به بهره برداری برسانیم. با این کار علاوه بر ایجاد اشتغال ارزش افزوده این مواد را هم افزایش بدهیم. خوشبختانه کشور ما نخبگان و افراد خلاق زیادی دارد که اگر همه با هم همت کنیم و حمایتی صورت بگیرد و همه تلاش کنیم می توانیم کارهای بزرگی را انجام بدهیم. صحبت من را کوتاه می کنم و قدردانی می کنم از اینکه این فرصت استثنایی را به من دادید.



محمدرضا حسنی آهنگر

(رتبه برگزیده جشنواره بین المللی خوارزمی - سال ۸۶)

بسم الله الرحمن الرحيم. علم در دنیا به سرعت در حال پیشرفت است و بحمدالله تا حدود زیادی ما هم گرد و غبار چندین دهه عقب ماندگی از چهره علمی کشور را با پیشرفت‌های چند ساله اخیر در تولید دانش و فناوری زدودیم. اگر چه یک ایراد اساسی هنوز به ما وارد است و آن این است که هنوز من احساس می‌کنم که ما به یک تفکر سیستمی مناسب و سریع برای انتقال دانش تولید شده در لایه‌های بالای هرم تولید علم یعنی لایه نخبگان به سمت لایه‌های پایین تر سطوح جامعه هنوز دسترسی نداریم و از نتایج دانش تولیدی، جامعه به حد کافی بهره مند نشده است. یعنی اگر ما بیایم بحث تولید علم و رسیدن به ثروت را یک فرایند در نظر بگیریم، فرایند تولید علم را خوب انجام می‌دهیم ولی فرایندی که از دانش به ثروت برسیم را هنوز ساز و کار مناسبی برایش نداریم. البته به لطف الهی کارهای بسیار خوبی در دولت جدید و ستاد کل انجام شده و ارتباط صنعت با دانشگاه را دارند خیلی خوب برقرار می‌کنند که انشاء الله این مشکل را هم بتوانیم برطرف کنیم تا آن روند رو به رشد و پرشتاب تولید علم را در تولید ثروت از دانش هم داشته باشیم.

موضوع دوم بحث من این است که برای قرارگرفتن جمهوری اسلامی در جایگاه واقعی خود باید زمان از دست رفته در دوره عقب ماندگی را جبران کنیم و به پیشسازی در عرصه علم و معرفت برسیم. این امر با شناخت نقطه قوتی که به ما شتاب می



بخشد و نقاط ضعفی که شتابگیری می کند و اصلاح آن‌ها امکان پذیر است. ولی یک سؤال مطرح است. آیا مراکز عظیم علمی که در دنیا وجود دارند، با در اختیار داشتن تمام فناوریهای پیشرفته بیکار می نشینند؟ منتظر می مانند که ما به آن‌ها برسیم و در تولید علم و دانش گوی سبقت را از آن‌ها برابیم؟ با توجه به روشن بودن پاسخ این سؤال، اگر ما بخواهیم از مسیر تولید علم غرب جلو برویم، همیشه پیرو خواهیم ماند و نمی‌توانیم از آن‌ها پیشی بگیریم. در نتیجه بی شک مسیر میانبر، راه رسیدن به مقصود است و ما نیاز به یک فوق فناوری داریم. من اینجا سعی می‌کنم فوق فناوری و ویژگی‌هایش را بگویم. بحث این است که راه میانبر چیست؟ ما برای رسیدن به این میانبرها نیاز به فناوری داریم. اگر فناوری را به دو دسته تقسیم کنیم فناوری‌های سخت و فناوری‌های نرم. فناوری‌های سخت همان نانو، بیو، IT و این‌ها هستند و فناوری‌های نرم فناوری‌هایی هستند که به تفکر فرهنگ و اجتماع مرتبطند مانند فناوری‌هایی که روش‌های نوین مدیریتی را ارائه می‌کنند. تمام این فناوری‌ها به این سمت می‌رود که ما زمان مورد نیاز را کاهش بدهیم برای انجام یک کار. با توجه به این تعریف ما نیاز به یک راهبرد جدید برای دستیابی به مسیرهای میانبر داریم و من آن راهبرد را فوق فناوری نرم می‌نامم. ما این را قبلاً هم بکار برده‌ایم. من در جای خودش توضیح می‌دهم. من به یک سری ویژگی‌ها اشاره می‌کنم. یکی از آن ویژگی‌ها فرهنگ انجام کار گروهی است. خیلی‌ها دارند به ما تلقین می‌کنند- در سطح دبیرستان و در سطح دانشگاه‌ها- که شما کارهای گروهی را بلد نیستید! برای پاسخ دادن به آن‌ها من باید بگویم که ما کارهای گروهی را خیلی خوب انجام دادیم. نقاط ضعفی در این حوزه داریم، ولی بزرگترین کار گروهی که جنگ بود، با همدلی مردم و دولت انجام دادیم و خیلی سربلند از آن بیرون آمدیم. جشنواره‌های مختلفی

هم که برگزار می‌شود، از جمله جشنواره خوارزمی و جشنواره رازی، پروژه‌های کار گروهی بچه‌ها در آن ارائه می‌شود. این خود، نماد خوبی است که این تلقینی که از طرف استکبار جهانی دارد به جوان‌ها می‌شود، را قبول نکنیم. ولی خودمان را تقویت کنیم و بیشتر در کارهای گروهی فرهنگسازی کنیم و این کار را از مدارس شروع کنیم. نکته دوم، ویژگی دوم فوق فناوری است. منتظر کسی جهت فراهم نمودن شرایط و امکانات نمانیم. همانطور که خیلی از بچه‌ها از دل دانشگاه‌ها به جبهه‌ها رفتند. تجهیزات، امکانات و شرایط را برای خودشان فراهم کردند و موقع برگشت یا به فیض شهادت نایل شدند یا فرماندهان بزرگ جنگ ما شدند. امکانات، تجهیزات و شرایط را برای خودشان فراهم کردند. حتی خیلی‌ها پیش‌تر رفتند از دشمن غنیمت گرفتند. ما هم در این عرصه علمی، جهاد علمی هم می‌توانیم این کار را انجام بدهیم و امکانات تجهیزات و شرایط را برای خودمان فراهم کنیم. منتظر کسی نمانیم که آن‌ها بیایند و شرایط را برای ما فراهم کنند. سومین ویژگی عدم تأکید بر منافع شخصی و پرهیز از غرور و حسادت است. منکر منافع شخصی نیستیم، ولی در اولویت اول و دوم و سوم ما نباید باشد. ما باید نقش تاریخی خودمان را ادا کنیم. همانطور که نخبگان جنگ این کار را کردند و ماندگار شدند. یک نکته مهمی هم که در حوزه ما بیشتر وجود دارد بحث غرور است. این آفتی است که برای نخبگان وجود دارد. من اگر میزان را «خودم» در نظر بگیرم، مطمئناً این غرور بمن دست خواهد داد. من باید میزان را قرآن و اهلیت در نظر بگیرم. وقتی آن‌ها میزان و ترازوی من برای سنجش باشند، من مطمئنم که ما فاصله خیلی زیادی با آنها، با مفاهیمی که در قرآن آمده و با ائمه خواهیم داشت؛ و تلاش می‌کنیم که خودم را به آن سمت برسانیم و مغرور نشویم. نکته بعدی بحث خطرپذیری در نوآوری است. شما اگر صحنه به صحنه و روز به روز



جهاد رزمی ما را در نظر بگیرید، مملو از نوآوری است، ما هم در این عرصه نیاز به نوآوری‌های مختلف، با حداقل تجهیزات؛ شیوه رد شدن رزمندگان ایرانی از ارون‌الان در دانشگاه‌های نظامی دنیا تدریس می‌شود. پس ما هم می‌توانیم کارهای بزرگ را با حداقل امکانات انجام بدهیم. و نکته آخر این است که تلاش خالصانه و خستگی‌ناپذیر در سایه توکل به خدا. و این یک نکته خیلی اساسی است. اعتقاد خود من این است و البته این درس‌هایی است که ما پای منبر علمای بزرگ یاد گرفته‌ایم. اگر ما تجهیزات، امکانات و همه این چیزها را هم داشته باشیم، تا باب حکمت و فیض الهی به روی ما باز نشود، ما نمی‌توانیم به آن دستاوردهای بزرگی که مدنظر رهبری است دسترسی پیدا کنیم. با بکارگیری این ویژگی‌های پنجگانه که نام بردم، هدف مورد نظر که پیشتازی در صحنه علم است تحقق پیدا می‌کند و موانع مختلف سر راهمان برطرف می‌شود. مطابق وعده الهی، نصرت الهی برای مجاهدان راه خدا تضمین شده است. در پایان اینکه دو سه روزی است که من از سفر زیارت خانه خدا برگشته‌ام و در آنجا پس از طواف به نیت شما از خداوند دو چیز خواستم: یکی توفیق زیارت شما که خیلی زود محقق شد و دوم دیده بوسی حضرت‌عالی.





شایان دشمیز

(دارنده مدال نقره المپیاد جهانی ریاضی - سال ۸۷)

بسم الله الرحمن الرحيم. و با سلام با یاد عشق به خداوند که بی‌ارتباط با این جلسه نیست و ارتباط بسیار زیادی دارد. عشقی که وقتی با عشق به وطن، عشق به خدمت و با آن هویت و عقل و تفکر ایرانی همراه بشود، معجون پیچیده‌ای درست می‌شود که وقتی به خاک زده بشود، آدم می‌بیند سد کارون بیرون می‌آید، نیروگاه آب سنگین بیرون می‌آید. من در این مدتی که بنیاد در ارتباط بوده ام، توفیق این را داشته‌ام که از این مراکز صنعتی در حد آن وقتی که داشته‌ام دیدن کنم و چون رشته تحصیلی‌ام ریاضی محض بود، وقتی از این مراکز بازدید کردم، دیدم که کمر همت بستن چقدر فرق دارد با پشت میز نشستن و مسئله حل کردن و قضیه بدست آوردن. و این سفرها واقعاً برای ما خوب بود امیدوارم که این سفرها، سفرهای صنعتی یک جور دیگری ادامه داشته باشد. می‌توانند نقص‌هایش برطرف کنند. مثلاً اگر بتوانند از استادان ما همراه با خودمان استفاده کنند، می‌تواند خیلی خوب باشد. خیلی چیزهای بیشتری می‌توانیم یاد بگیریم. در آخر هم صحبت‌م را کوتاه می‌کنم و امیدوارم که سال ۱۴۰۴ واقعاً سال ۱۴۰۴ باشد.





دکتر فاطمه رهبری زاده

(رتبه برگزیده جشنواره رازی)

بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض سلام و تشکر برای برگزاری این دیدار صمیمانه که حضرتعالی اجازه آنرا صادر فرمودید، اجازه می‌خواهم که بدون هیچ مقدمه‌ای عرایضم را تقدیم کنم. ما همیشه شاهد بودیم که حضرتعالی توصیه اکید دارید که توسعه علمی، جنبش نرم‌افزاری، دانش محوری، خلاقیت و ابتکار، گفتمان غالب علمی کشور باشد. ما همیشه شاهد بودیم که حضرتعالی بارها با قاطعیت از مسئولین کشور خواسته‌اید که نخبگان را به عرصه برنامه‌ریزی و عمل بیاورند و از توان علمی آنها استفاده کنند و به آنها بها بدهند. پس بنا به این پیشینه تقاضاهای ذیل را به عرض می‌رسانم:

۱- علیرغم همه برنامه‌ریزی‌های کلان کشوری و نیز برنامه چهارم که قرار بود سالانه ۲ درصد از درآمد ناخالص ملی صرف تحقیقات شود، ولی متأسفانه در طول سالهای اجرای این برنامه و خصوصاً سالهای اخیر که درآمد نفتی کشور بالا بوده، فقط یک ۰/۱ این مبلغ یعنی ۰/۲ درصد به امر پژوهش اختصاص یافته است. با یک نگاه کلی به تاریخ پیشرفت فناوری کشورها می‌بینیم که تزریق بودجه به بخش تحقیقات، بزرگترین عمل راه اندازی چرخ فناوری و تولید ثروت ملی است. حضرتعالی قبل از همه مسئولان کشور این

ضرورت را دریافته و به مجلس و دولت بارها یادآوری فرمودید. تقاضای کلی محققان و اندیشمندان کشور تخصیص علمی و واقعی ۲ درصد درآمد ناخالص ملی به بخش تحقیقات است.

۲- علیرغم تخصیص بودجه کم به بخش تحقیقات شاهدیم که تقسیم عادلانه در تصویب طرح‌های پژوهشی کلان از منابع مختلف کشور صورت نمی‌گیرد و عمدتاً طرح‌های کلان برای اعضای هیئت علمی صاحب نفوذ و دارای پست‌های اجرایی به تصویب می‌رسد که طبیعتاً پیگیری بازده این طرح‌ها هم عملاً قابل انجام نیست. در اینجا خواهشمندیم تسهیلات ویژه جهت تأمین اعتبار طرح‌های پژوهشی استادیاران جوان تخصیص داده شود. با توجه به اینکه هزینه اعزام دانشجو به خارج از کشور برای کل دوره Ph.D. رقمی در حدود ۲۵۰ هزار دلار برای هر فرد است، و اغلب این افراد در بازگشت به کشور به علت ناآشنایی با فضا و امکانات داخل کشور بازده علمی متناسب با هزینه کرد را ندارند، خواهشمند است این هزینه‌ها در جهت دوره‌های کوتاه مدت مطالعاتی برای دانشجویان Ph.D. داخل و نیز دوره‌های پسادکتری برای استادیاران جوان صرف شود. اما در حال حاضر بیشتر این فرصت‌های مطالعاتی در اختیار اساتید مسن دانشگاه که مسلماً توان و انگیزه کمتری برای پژوهش و خصوصاً تحقیقات آزمایشگاهی دارند، صرف می‌شود که طبیعتاً بازده علمی این بزرگان به علت نزدیک بودن زمان بازنشستگی‌شان بسیار کمتر است. در اینجا می‌خواهم خواهش کنم که ضرورت اختصاص بودجه



ای برای دوره‌های پس‌ادکتری جهت استادیاران جوان را به مسئولین تأکید بفرمایید. خصوصاً که بنیاد ملی نخبگان که با پشتیبانی و حمایت حضرت‌عالی تأسیس شده و تداوم یافته است، با خدمات مؤثر، سازنده و واقعاً باور کردنی در طول ۲ سال گذشته و نیز با ارتباط مناسبی که با استادیاران جوان و نخبه برقرار کرده است، به خوبی می‌تواند متولی این امر شود.

۳- خواهشمندیم که صدا و سیما و مطبوعات با موضوعات علمی برخورد و نگاه علمی داشته باشند، نه اینکه با دید تبلیغاتی و بزرگنمایی‌های غیر واقعی موجب بی‌اعتمادی مردم به حاصل کار اندیشمندان و محققان کشور شوند و به پیکره علم در کشور صدمه بزنند. کلام آخر اینکه تنها راه ممانعت از انحراف نسل جوان، اندیشمند و نخبه کشور و جلوگیری از فرار نخبگان به خارج از کشور توجه به بخش تحقیقات است. خیلی متشکرم از توجهتان.





بهزاد دهقان نژاد

بسم الله الرحمن الرحيم. بنده بهزاد دهقان نژاد هستم از مشهد مقدس. من فکر می‌کنم الان بحث علم است. بحث توپ و تانک و مسلسل نیست و کشورها بخاطر اینکه علم دارند می‌گویند ما باید برشما تسلط کنیم. من چهار نکته را عرض می‌کنم: مشکل اول رفع معضلات و مشکلات جاری نخبگان است. من فکر می‌کنم بنیاد نخبگان - این حالا یک تشبیه است - باید بشود مثل یک منطقه آزاد تجاری. ما این ضعف را داریم که یک مقداری قوانین دست و پاگیر است. خود آقای دکتر واعظزاده هم در جریان هستند. یک مقداری قوانین دست و پاگیر بنیاد هست که اگر اینها هم رفع بشود خیلی خوب است. نکته دوم فرهنگسازی است؛ و این را می‌طلبید که رسانه ملی این کار را انجام بدهد و تبلیغات گسترده‌ای درباره نخبگان بکند و به سمت واقع‌گرا برود تا نماد گرا. نکته سوم این است که بنیاد تسهیلات می‌دهد؛ دستشان درد نکند. سربازی ما را درست کردند. یک ماهیانه‌ای می‌دهند، خدا خیرشان بدهد، اما نکته اینجاست اگر قرار باشد چرخ صنعت ما راه بیفتد ما به کارآفرینی نیاز داریم. کارآفرینی مبتنی بر خلاقیت و نوآوری. که کلیدش هم در دست مخترع است. به نظر من ما باید مرزهای تکنولوژی‌مان را گسترش بدهیم بجای اینکه مرزهای دانش پایه‌مان را گسترش بدهیم. یک نامه‌ای داریم که ما در انجمن مخترعین کشور ۳ هزار ساعت اتاق فکر گذاشتیم و ۲ هزار مخترع روی آن فکر کردند. ما می‌خواهیم این نامه را خدمت حضرتعالی تقدیم کنیم و فکر می‌کنیم که بهترین پشتیبان ما شما هستید.



گلشید صنعتی

(رتبه دوم جشنواره خوارزمی سال ۸۶)

بسم الله الرحمن الرحيم. من گلشید صنعتی هستم، رتبه دوم جشنواره خوارزمی در سال ۸۶. ما وقتی که خوارزمی را شروع کردیم، هیچوقت هیچکدام از بچه‌هایی که رتبه خوارزمی دارند، به فکر سهمیه دانشگاه نبودند. تنها عاشق تحقیق، پژوهش و نوآوری بودند. ولی گفتند که این امتیاز را می‌دهند تا ما بعنوان یک دانش‌آموز وقت‌مان را روی تحقیقات بگذاریم و از امکاناتی که برای ورود به دانشگاه وجود دارد، استفاده کنیم. تمام کسانی که در جشن خوارزمی حضور داشتند، ریاست خوارزمی، معاونان رئیس جمهور آمدند و اعلام کردند که ما به شما پذیرش مستقیم دانشگاه می‌دهیم، به شرط اینکه خود دانشگاه قبول کند. هیچ‌ذکری نکردند که آیا این دانشگاه را قبول داریم یا نداریم. گفتند: شما پذیرش بگیرید، ما به شما اجازه ورود می‌دهیم. یعنی از نظر وزارتخانه‌ها هیچ مشکلی ندارد. خیلی از بچه‌ها تلاش کردند. خود من پیش دانشگاهی مدرسه فرزنانگان بود. در کلاس ما امسال ۱۳ نفر زیر ۳۰۰ رتبه کشوری داشتند. من نمی‌گویم شاگرد اول آن کلاس بودم، ولی شاگرد دهمش که بودم! من یک ماه وقتم را گذاشتم و توانستم از دانشگاه شهید بهشتی پذیرش دندانپزشکی را بگیرم. از جشنواره خوارزمی سؤال کردم، گفتند مانعی ندارد. به خودِ دانشگاه گفتم، گفتند مانعی ندارد، شما بروید اول مهر

بیاید. آنوقت در اردیبهشت ماه به من زنگ زدند و گفتند: وزارت بهداشت رد کرده است! مگر در جشنواره خوارزمی اعلام نکردند شما پذیرش بگیرید. این فقط مشکل من نیست از بچه‌های مشهد، تهران، یزد و دیگر شهرها هستند که پذیرش دارند، اما وزارتخانه اجازه نمی‌دهد. آن موقع کسی به ما نگفت وزارت علوم از وزارت بهداشت جداست. اگر بهمن ماه می‌گفتند که چنین چیزی نمی‌شود، می‌نشستیم درسمان را می‌خواندیم و الان با بچه‌های هم دوره خودمان وارد دانشگاه شده بودیم. ما با اعلام نخبگی مان در جشنواره خوارزمی یک دوره از همه بچه‌هایی که نخبه اعلام نشدند عقب ماندیم. این مشکل تمام بچه‌های خوارزمی است که من مطرح کردم و امیدوارم پیگیری شود. متشکرم.





متن بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

خانم دکتر سلطانخواه ریاست محترم بنیاد ملی نخبگان

و نخبگان برگزیده شرکت کننده در سوین همایش ملی نخبگان جوان

سال ۱۳۸۸





پزشکی
دانشگاه تهران

دانشگاه تهران
دوره چهارم
پایه نهم
نشریه علمی
دانشگاه تهران
دوره چهارم
پایه نهم

سومین همایش ملی نخبندگان جوان

تهران، سالن همایش‌ها، اسفندماه ۱۳۸۸

مردادماه ۱۳۸۸

www.bmn.ir



پزشکی
دانشگاه تهران



بسم الله الرحمن الرحيم.^۱ جلسه‌ی امروز ما با شما عزیزان، مثل همیشه، برای من یک جلسه‌ی بسیار شیرین و امیدبخش بود. حقیقتاً نقطه‌ی امید اصلی کشور جوانان تحصیل کرده و فرزانه، بخصوص آن وقتی که این فرزندی با تعهد و احساس مسئولیت همراه باشد، هستند. و دیدار شما برادران و خواهران عزیز، فرزندان عزیز من - که بحمدالله دیدار بسیار شیرین و خوبی بود - این امید را نه تنها در دل من، در دل مسئولین، بلکه در سطح کشور تقویت می‌کند.

اول یک نکته را خطاب به مسئولین محترم - وزرای محترمی که تشریف دارند و رئیس محترم بنیاد نخبگان؛ خانم معاون رئیس جمهور و دیگر مسئولین - عرض بکنم؛ برنامه راه، نگاه راه، با توجه به این واقعیت‌ها باید

۱- متن سخنان از سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری (Khamenei.ir) برداشته شده است.

تنظیم کنید. امسال آنچه که انسان می‌شنود از جوانِ نخبه‌ی علمی، به طور محسوسی برتر، پخته‌تر و عمیق‌تر است از آنچه که ما سال قبل شنیدیم و از آنچه که یک سال قبل شنیدیم و به طریق اولی از آنچه که من ده سال قبل، از جوانان دانشجویمان یا فارغ‌التحصیلان می‌شنیدیم. من با مجموعه‌ی دانشگاهی همیشه ارتباط داشته‌ام. می‌دانید من هر سالی چند بار به مناسبت‌های مختلف با جوان‌ها می‌نشینم و از این جور جلسات داریم؛ صحبت می‌کنند، حرف می‌زنند، نظرات را بیان می‌کنند. من در نفس خودم ارزیابی‌ای، فارغ از برنامه‌ریزی‌های کلان یا غیر کلان که در کشور هست، دارم. در این ارزیابی من فاصله‌ی محسوسی مشاهده می‌کنم بین آنچه که امروز ما داریم و آنچه که ده سال قبل داشتیم؛ یعنی پیشرفت به طور واضح خودش را نشان می‌دهد. مسئولین محترم با توجه به این واقعیت برای آینده برنامه‌ریزی کنند. این نکاتی که این جوانان عزیز اینجا گفتند، دقیقاً همان نکاتی است که در ذهن انسانی که فکر می‌کند روی مسئله‌ی حرکت علمی کشور و آینده‌ی کشور و پیشرفت کشور، وجود دارد. پیداست جوان‌ها عمیقاً به مسائل اساسی توجه دارند.

اینی که یکی از جوان‌های عزیز گفتند: «فعالیت‌ها باید بر اساس نیازهای آینده باشد، این آینده را ترسیم کنید، این نیازها را تصویر کنید»؛ یا در همین زمینه جوان عزیز دیگری گفتند: «جهت حرکتمان را خودمان معین کنیم؛ نه اینکه جهت حرکتی را که دیگران - غربی‌ها - ترسیم کرده‌اند، ما تکمیل



کننده‌ی پازل‌های زندگی آینده‌ی آن‌ها باشیم؛ ببینیم چه نیاز داریم، آن را تأمین بکنیم»، این حرف‌ها حرف‌های بسیار بزرگی است؛ حرف‌های بسیار مهمی است. این‌ها همان چیزهائی است که هر انسان آگاه متفکر دلسوز متعهدی وقتی به نگاه کلان به حرکت علمی کشور نگاه می‌کند، این چیزها را درک می‌کند؛ منتها درک او کافی نیست؛ اگرچه لازم است؛ بر اساس آن برنامه‌ریزی کردن، مهم است. و اینی که از جهت فرهنگسازي برای نخبگان، چند نفر از این جوان‌های عزیز اینجا گفتند فرهنگسازي کنیم، فرهنگ متعهد بودن نخبه را به جامعه گسترش بدهیم، نه توقع داشتن صرف. البته توقع، منطقی است، بجاست؛ توقع بیجا نیست؛ لکن در کنار این توقع، احساس تعهد، وامدار بودن؛ من به عنوان یک فرد از این مجموعه‌ی عظیم کشور چه وظیفه‌ای بر دوش دارم؟ من چه کار باید بکنم؟ این‌ها خیلی مهم است. اینکه گفته شد: «عنصر معنویت دینی را، نه معنویت فارغ از دین و جدای از دین - که اساساً معنویت نیست، توهم است - را یک عنصر اصلی در حرکت علمی و پژوهش علمی قرار بدهیم» - که یکی از خانم‌ها اینجا بیان کردند - کاملاً درست است. این یکی از آن نقاط اساسی است که باید به آن توجه کرد. اگر این شد، آن اخلاقی شدن جامعه هم - که این جوان عزیز اخیر طرح توقع کردند که این توقع ماست و بارها این توقع را تکرار می‌کنیم - تحقق پیدا خواهد کرد؛ چون با شعار که نمی‌شود پیش رفت؛ باید حرکت کرد؛ باید رفت در جهت آن هدفی که ترسیم شده.

من وقتی این اظهارات را از شماها می‌شنوم، احساس امید بیشتری می‌کنم و احساس یقین می‌کنم به اینکه این جامعه، این نظام، این مجموعه، با این حرکت محسوس مادی و معنوی، علمی و اخلاقی که دارد، به اهداف خودش بدون تردید خواهد رسید و همین است که نظام جمهوری اسلامی مصونیت پیدا کرده.

حالا اشاره کردند به حوادث و مسائل اخیر. خوب، در این زمینه‌ها خیلی حرف هست؛ خیال نکنید آن حرف‌هایی که صدا و سیما می‌زند، این، همه‌ی حرف‌هاست؛ نه، خیلی مطلب هست. گفت: «یک سینه حرف موج زند در دهان ما». اینجور نیست که هر چه که انسان احساس می‌کند، این را گفته باشد یا بتواند بگوید. خیلی حرف‌های زیادی هست. شما جوان‌ها الحمدلله باهوشید، بااستعدادید، بتدریج خیلی از حقائق برای شماها روشن خواهد شد. من می‌بینم در همین حوادث سیاسی اخیر و در مجموع حوادث این سی سال، کشور بتدریج به مجموعه‌ی مصونیت‌دار، ضد ضربه، ضد بمب تبدیل شده؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی. شوخی نیست. شما قدرت امنیتی و جاسوسی و تبلیغاتی این سرویس‌های گوناگون امنیتی و تبلیغاتی دنیا را دست‌کم نگیرید. همه این را احساس می‌کنند - حالا شاید کسانی که کمتر توی مقوله‌های گوناگون تبحر داشتند، کمتر ببینند - هالیوود را شما دست‌کم نگیرید. قدرت اثرگذاری هنری - همین طور که یکی از خانم‌ها هم گفتند - در غرب و چینش بسیار دقیق حروف تبلیغات در دنیای غرب را دست‌کم نگیرید. همه‌ی این نیروی عظیم، به اضافه‌ی ثروت بی‌پایان، به اضافه‌ی



دستگاه‌های عظیم سیاسی و تبلیغاتی، افتادند به جان جمهوری اسلامی. امروز هیچ کشور دیگری در دنیا پیدا نمی‌کنید که اینجور آماج حملات باشد. و جمهوری اسلامی دارد مقاومت می‌کند. این شوخی است؟ این موجود هفت‌جوشِ مستحکمِ مصونیت‌یافته دارد مقاومت می‌کند. این، کم چیزی نیست. توطئه‌ی توهم نیست؛ این را جوان‌ها، این جوان‌های عزیز ما، بدانند. خیال نکنید من از شنیدن اینجور حرف‌ها ناراحت می‌شوم؛ نه، من از اینکه این حرف‌ها زده نشود، ناراحت می‌شوم.

بنده توی جلساتِ دانشجوئی، دانشگاهی که اینجا هستند، گاهی که ببینم حالا بعضی‌ها روی ملاحظه، روی احترام، روی هرچه، بعضی از این حرف‌ها را که خیال می‌کنند من خوشم نمی‌آید، نمی‌زنند؛ از نگفتنش ناراحت می‌شوم؛ از گفتنش مطلقاً ناراحت نمی‌شوم. ای کاش مجال بود تا گفته می‌شد، تا



آنوقت انسان می‌توانست آن برگ‌های بر روی هم گذاشته‌ی کتاب حرف را، باز کند تا خیلی از حقائق روشن بشود. آینده، البته این کارها خواهد شد. اینجور نیست که شما خیال کنید توطئه نسبت به این کشور، یک توهم است؛ نه، یک واقعیت است؛ از همه طرف دارد توطئه می‌شود. ممکن است آن کسی که در جهت آن توطئه‌ها در داخل کشور محور حرکت قرار می‌گیرد، خودش اصلاً نفهمد.

فهمیدن این هم ذکاوت می‌خواهد. بعضی‌ها این ذکاوت را ندارند. ما آدم‌ها را تجربه کردیم؛ نمی‌فهمند دارند به ساز کی می‌رقصند. ولی، این واقعیت را عوض نمی‌کند که آن‌ها بفهمند یا نفهمند؛ بدانند یا ندانند. این توطئه‌ها وجود دارد. در عین حال این کشور، این نظام نه فقط سست نمی‌شود، ضعیف نمی‌شود؛ جامعه‌ی علمی‌اش، جامعه‌ی پیشرفت‌هاش - که همین شما جوان‌ها باشید - امروزش از ده سال قبلش به صورت آشکاری جلوتر می‌رود. این معنایش چیست؟ این معنایش حقانیت است. این معنایش اصالت است. این معنایش ریشه‌دار بودن است. «الم تر کیف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة»؛ اعتقاد ما این است. ما با اعتقاد، با دل کار می‌کنیم. من کمبودها را نفی نمی‌کنم؛ بیشتر از خیلی از منتقدین، بنده کمبودها را می‌دانم؛ منتها راه رفع کمبودها، این چیزهایی که تصور می‌شود، نیست که حالا بیا اعلام کن که مثلاً فلان جا فلان جور چه جوری است؛ نه، خیلی چیزها با اعلام درست نمی‌شود، با کار درست می‌شود. با حرف درست



نمی‌شود؛ حرف، جنجال‌سازی تبلیغاتی و لفاظی هیچ کمکی به حل مشکلات نمی‌کند؛ همچنانی که شما دیدید. تو همین قضایای انتخابات، خوب، تبلیغات انتخاباتی مثلاً باید یک ماه یا بیست روز قبل از شروع انتخابات انجام بگیرد؛ اما از پیش از عید نوروز تبلیغات انتخاباتی شروع شد! همین تلویزیونی هم که مورد انتقاد بعضی از دوستان است، متأسفانه منعکس می‌کرد. بنده موافق هم نبودم. این را هم شما خیال نکنید که حالا بنده چون رئیس صدا و سیما را انتخاب می‌کنم، همه‌ی برنامه‌های صدا و سیما را می‌آورند، دانه دانه بنده نگاه کنم، امضاء کنم. نخیر، از خیلی از برنامه‌های صدا و سیما بنده راضی هم نیستم؛ از جمله، از همین من راضی نبودم که از سه ماه قبل از انتخابات - انتخابات بیست و دوم خرداد بود - از ماه اسفند، بلکه زودتر از اسفند، بعضی از سفرهای تبلیغاتی و حرف‌هایی که زده شد و تظاهراتی که می‌شد و مجادلاتی که انجام می‌گرفت، از تلویزیون پخش شود، که متأسفانه تو تلویزیون پخش شد؛ به خاطر همین، که یعنی ما آزاداندیشیم! این‌ها توهم است؛ این جنجال‌آفرینی در داخل کشور است. جنجال فکری غیر از مباحثات صحیح است. بنده گفتم کرسی آزادفکری را در دانشگاه‌ها به وجود بیاورید. خوب، شما جوان‌ها چرا به وجود نیاوردید؟ شما کرسی آزادفکری سیاسی را، کرسی آزاد فکری معرفتی را تو همین دانشگاه تهران، تو همین دانشگاه شریف، تو همین دانشگاه امیرکبیر به وجود بیاورید. چند نفر دانشجو بروند، آنجا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله

کنند. حق، آنجا خودش را نمایان خواهد کرد. حق اینجوری نمایان نمی‌شود که کسی یک انتقادی را پرتاب بکند. اینجوری که حق درست فهمیده نمی‌شود. ایجاد فضای آشفته‌ی ذهنی با لفاظی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند. شما تجربه‌ی این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آنی که کمک می‌کند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. یک وقت شما یک حرفی می‌زنید، ناگهان می‌بینید همه‌ی ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشته‌ی از پلیدی و خباثت است، برای شما کف می‌زنند. به این تشویق نشوید. به قول رائج بین جوان‌ها، جوگیر نشوید. بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگوئید؛ بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است. «فبشّر عباد. الذّین یستمعون القول فیتبّعون احسنه». سخن را باید شنفت، بهترین را انتخاب کرد. و الاّ فضای جنجال درست کردن، همین می‌شود که دیدید. جنجال قبل از انتخابات، بعد از انتخابات، انعکاسش می‌شود این؛ بخصوص وقتی دست بیگانه هم دخالت دارد. به چه دلیل، با چه توجیهی شما فکر می‌کنید دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا حوادثی را که فکر می‌کنند به ضرر نظام جمهوری اسلامی است، لحظه به لحظه منتشر می‌کنند؟ با چه محاسبه‌ای این کار انجام می‌گیرد؟ این را نباید فکر کرد؟! نباید رویش مطالعه کرد؟! این‌هاست آن چیزهائی که باید به آن‌ها توجه کرد.



به هر حال کشور دارد پیش می‌رود. این را بدون تردید بدانید؛ کشور دارد پیش می‌رود. برنامه‌ریزی‌های گذشته هم البته بلاشک عیوبی داشته، اما برآیند همه‌ی نقاط مثبت و منفی، همینی است که امروز شما دارید مشاهده می‌کنید. جوان‌های ما از لحاظ علمی پیش رفتند، از لحاظ بینش سیاسی پیش رفتند، از لحاظ رسوخ و نفوذ تفکر دینی در عمق اندیشه‌ها پیش رفتند. این حرف‌هایی که امروز جوان‌های ما اینجا راجع به معنویت و راجع به دین و راجع به دل نیستن به پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های غربی و استقلال گفتند - این حرف‌هایی که امروز جزو حرف‌های رایج شما شده - اندکی پیش از دوران شماها، جزو حرف‌های برجسته‌ی روشنفکرانی بود که فکر می‌کردند این حرف‌ها را باید بزنند یا بفهمند! اما امروز جزو فرهنگ رایج جامعه‌ی ماست. این پیشرفت نیست؟ ما داریم پیش می‌رویم. البته دشمن هم زیاد داریم، مانع هم خیلی داریم. اگر مانع نبود، ما اینجور ورزیده نمی‌شدیم؛ جامعه‌ی اسلامی و جمهوری اسلامی اینجور ورزیده نمیشد. مانع وجود دارد؛ و الا تو زمین صاف راه رفتن که تقویت عضلانی نمی‌آورد. باید کوهنوردی کرد، باید از موانع بالا رفت. جامعه‌ی ما این کار را کرده، این راه را پیش رفته، باز هم خواهد رفت، بعد از این هم خواهد رفت. شما بدانید! نسل جوان امروز، نسلی که بتوان متوقفش کرد، نیست.

و من اینجا به شما توصیه کنم: رمز پیشرفت یک کشور، یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفت همراه با اقتدار، علم است. آماج

بسیاری از توطئه‌های امروزی که علیه جمهوری اسلامی هست، علم و اهل علم و دانشجویان علم و محیط علمی است؛ این را توجه داشته باشید. نگذارید این تیر طبق آن هدفگیری دشمن، به هدفی که آن‌ها گرفته‌اند، اصابت کند. کار عملی را نگذارید متوقف بشود. از همه‌ی این حرف‌هایی که گفته شد، مهم‌تر، مسئله‌ی علم و تحقیق و پژوهش است. دنیای غرب ثروتش از ناحیه‌ی علم است، اقتدارش از ناحیه‌ی علم است، زورگوئی‌ای که امروز می‌کند، به خاطر علمی است که دارد. پول فی نفسه اقتدار نمی‌آورد. آنی که اقتدار می‌آورد، دانش است. امروز اگر آمریکا پیشرفتگی علمی خودش را نمی‌داشت، نمی‌توانست در دنیا اینجور زورگوئی بکند و در همه‌ی مسائل



عالم دخالت بکند. ثروت هم اگر به دست می‌آید، از ناحیه‌ی علم به دست می‌آید. علم را اهمیت بدهید. اینی که من سال‌هاست روی مسئله‌ی علم، تحقیق، پژوهش، پیشرفت، نوآوری، شکستن مرزهای علمی موجود تکیه می‌کنم، به خاطر این است. بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکانپذیر نیست. دانش اقتدار می‌آورد.

گفتند بیایید مراکز هسته‌ای ایران را بمباران کنید. یکی از مسئولین رؤسای دنیا - حالا نمی‌خواهم حالا اسم بیاورم. البته همه می‌دانند، شاید هم می‌دانید؛ پخش شد در دنیا. بنده دوست ندارم اسم بعضی‌ها را بیاورم - گفت علم را که نمی‌شود بمباران کرد. راست می‌گوید؛ حق با اوست. با همه‌ی خلاف‌هایی که می‌گویند، این حرفشان درست بود. گیرم نطنز را بمباران کردند، کارخانه‌ی اصفهان را بمباران کردند، علم را چه جوری بمباران می‌کنند؟ ببینید، علم مصنوعیت می‌آورد، اقتدار می‌آورد. مراقب باشید تو دانشگاه شما، تو کلاس شما، تو مرکز تحقیقات شما، تو کار پژوهشی شما، اختلال ایجاد نکنند. اگر دیدید دستی دارد اختلال ایجاد می‌کند، به آن دست بدبین بشوید. اقتدار شما را، آینده‌ی شما را هدف گرفته‌اند.

حالا من با شما جوان‌ها بخصوص، خیلی حرف دارم. این نکته‌ای که این خانم هنرمند گفتند، به نظر من خیلی مهم است. یکی از کارها همین است؛ کسانی بیایند طعم نیاز بازارهای غربی را، مثلاً فرض کنید به تابلو نقاشی، به دست بیاورند، بعد بیایند اینجا، پشتیبانی مالی کنند و نقاش ما را به سمت

تأمین آن نیاز سوق بدهند. عین همین قضیه در فیلمسازی هست. فیلم‌هایی را برای جشنواره نامزد کنند که در جهت خواست آنهاست. عین همین قضیه در کار علمی ماست؛ در مقاله‌ای است که در آی.اس.آی (ISI) منتشر می‌شود؛ در موضوع تحقیقی است که شما در پژوهشگاه خودتان دنبال می‌کنید. به تعبیر متأسفانه رائجِ فرنگیِ امروز، اسپانسرها می‌آیند در بخش‌های مختلف، کمک‌های مالی، کمک‌های مادی، اعانه‌ها را می‌گذارند برای اینکه در آن جهت کار انجام بگیرد. به این توجه کنید. استقلال علمی کشور یکی از لوازمش همین است: استقلال حرکت علمی، حرکت هنری و به طریق اولی، حرکت سیاسی. بعضی از حرکات سیاسی هم از این قبیل است.

یک توصیه این است که نعمت استعداد خوب که شماها دارید، یک نعمت بزرگ است، مثل نعمت سلامتی، مثل خودِ نعمت حیات، که شکر لازم دارد. نعمت‌ها از خداست؛ باید این نعمت را شکر کنید. این توصیه را از من در ذهنتان داشته باشید. خیلی از نعمت‌ها را ما نمی‌شناسیم، وقتی به خلافتش، به ضدش مبتلا شدیم، آنوقت آن را می‌شناسیم. جوانی، نعمت است؛ در پیری آدم بیشتر می‌فهمد چقدر نعمت بزرگی است. استعداد خوب، هوش خوب، نعمت بزرگی است، باید این نعمت را شکر کرد. شکر چیست؟ شکر سه جزء دارد: اول، شناختن نعمت، غفلت نکردن از نعمت. دوم، دانستن اینکه این نعمت از خداست، این عطیه‌ی الهی است، هدیه‌ی الهی است. سوم اینکه این نعمت را باید در جهت درست به کار برد و مصرف کرد - نعمت استعداد



خوب را باید در جهت درست به کار برد - این همان چیزی است که روح تعهد را، مسئولیت را در انسان بیدار می‌کند؛ تعهد نسبت به جامعه‌ی خود، تعهد نسبت به آینده‌ی کشور، تعهد نسبت به این مجموعه‌ی عظیم امکاناتی که این نخبه و این استعداد، بالاخره محصول این امکانات است. شکر این نعمت به این است. اینجور نباشد که انسان خودش را جزیره‌ای بداند جدای از مجموعه‌ی جامعه، فکر کند حالا به یک امکانی، به یک ثروت معنوی‌ای دست پیدا کرده، این را باید تبدیل کند به ثروت مادی و شخصی؛ این نیست. این را باید صرف آینده‌ی کشور بکند.

یک توصیه هم به مسئولین بکنم. توصیه‌ی به مسئولین هم در درجه‌ی اول، باز شکر است؛ شکرِ نعمت وجود نخبگان. اینجا هم شکر همان سه جزء را دارد. شناخت؛ اول بشناسیم نخبه‌ها را. بعد بدانیم که وجود این نخبه‌ها یک نعمت الهی است؛ این را خدا به ما داده، به مسئولین نظام داده. و بعد، از این وجود مغتنم و محترم و عزیز - یعنی مجموعه‌ی نخبه‌ی کشور و استعدادهای برتر - در جهت‌های درست استفاده کنیم.

حالا راجع به این چند جمله‌ای که این جوان عزیزمان گفتند. خوب، همین طور که گفتیم، حرف زیاد است. در انتقاد از بی‌انصافی یک دستگاه یا یک کس، خود ما باید دچار بی‌انصافی نشویم؛ به این توجه کنیم. صدا و سیما آیا وضعیت واقعی کشور را نشان می‌دهد؟ نه، ناقص نشان می‌دهد. خیلی پیشرفت‌های برجسته و بزرگ هست که صدا و سیما نشان نمی‌دهد. دلیلش

هم این است که شما مجموعه‌ی مرتبط با حوادث گوناگون، از خیلی از حقائق کشور و پیشرفت‌های کشور مطلع نیستید؛ نقص صدا و سیما، ماست. و الا اگر صدا و سیما می‌توانست همان جور که تلویزیون فلان کشور غربی با یک سابقه و تجربه‌ی فراوان و با استفاده‌های هنری دروغ‌های خودش را راست جلوه می‌دهد، واقعیات موجود کشور را درست منعکس کند، شما بدانید امروز امید نسل جوان، دل‌بستگی نسل جوان به کشورش، به دینش، به نظام جمهوری اسلامی‌اش، بمراتب بیشتر از حالا بود. این ایراد ماست به صدا و سیما. اگر می‌توانست درست وضع کشور را منعکس کند، خیلی شرف و بهجت بینندگان بمراتب بیشتر از آنی میشد که امروز هست. خیلی از کارها دارد انجام می‌گیرد که مایه‌ی خوشوقتی است، مایه‌ی خشنودی است؛ نه فقط در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های اجتماعی، در زمینه‌های سیاسی؛ مایه‌ی سرافرازی است. این را خیلی‌ها - اغلب یعنی - خبر ندارند. بنده غالباً به مسئولین دولتی اعتراض این است که چرا نمی‌توانید بیان کنید. بیان کردن هم یک هنری است؛ بیان هنری بخصوص، هنر بزرگی است؛ این را ندارند. حالا یکی از ایرادهائی که ما معمولاً داریم به بعضی‌ها این است که آنچه را که بیگانه بگوید، این را تلقی به قبول می‌کنند؛ آنچه را که خودی بگوید، تلقی با تردید می‌کنند! چرا؟ خوب، این تلقی، تلقی ناسالمی است؛ این تلقی درستی نیست، تلقی ناسالمی است. این را باید اصلاح کرد. البته شما جوان‌های خوب ان شاء الله بیائید وارد عرصه‌های گوناگون بشوید، عرصه‌های



تبلیغاتی کشور را بگیرید. مطبوعات ما هم همینجور است. بنده روزها معمولاً حدود شانزده هفده تا روزنامه را نگاه می‌کنم؛ نه اینکه حالا همه‌ی صفحات لائی و این‌ها را نگاه کنم؛ لکن تیتراها، اگر سرمقاله‌ی قابل توجهی داشته باشند، معمولاً نگاه می‌کنم. خیلی از روزنامه‌های ما متأسفانه در انعکاس حقائق ضعیفند و در اصلی فرعی کردن مسائل، غیرمنصفانه عمل می‌کنند. در همین مسائل اخیر، مسائل را باید اصلی فرعی کرد؛ مسئله‌ی اصلی چیست؛ یک سلسله مسائل فرعی هم پیرامون اوست؛ نه اینکه آن مسائل فرعی کم‌اهمیت است، اما مسئله‌ی اصلی اهمیتش بیشترش از آنهاست. مسئله‌ی اصلی در این قضایای اخیر، اصل انتخابات بود؛ زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را می‌بندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، یک شرکت به این عظمت، یک نصاب‌شکنی، یک رکودشکنی در دنیا در مردمسالاری، در دمکراسی‌ای که اینقدر ادعایش را می‌کنند، انجام بگیرد، بعد یک عده مفت و مسلم بیایند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! یک قدری باید منصف بود توی این قضایا. دشمن هم حداکثر استفاده را از این کرد. یک عده هم هستند در داخل کشور، از اول با نظام جمهوری اسلامی موافق نبودند - مال امروز و دیروز نیست، سی سال است که موافق نیستند - از این فرصت استفاده کردند، دیدند عناصری وابسته‌ی به خود



نظام، از خود نظام، دارند این جور می‌دانند می‌کنند، این‌ها هم وقت را مغتتم شمردند، آمدند داخل میدان؛ و دیدید. من روز اول این را پیغام دادم به همین حضراتی که صحنه‌گردان این قضایا هستند؛ آن ساعات اول من به آن‌ها پیغام خصوصی دادم. من اگر یک وقتی توی نماز جمعه یک حرفی می‌زنم، این ابتدا به ساکن نیست؛ حرف خصوصی، پیغام خصوصی، نصیحت لازم انجام می‌گیرد، وقتی انسان ناچار می‌شود، یک حرفی را می‌آورد در عین بیان می‌کند. من پیغام دادم، گفتم این را شما دارید شروع می‌کنید، اما نمی‌توانید تا آخر کنترل کنید؛ می‌آیند دیگران سوءاستفاده می‌کنند. حالا دیدید آمدند سوءاستفاده کردند. مرگ بر اسرائیل را خط زدند! مرگ بر آمریکا را خط زدند! معنای این کار چیست؟ آنی که وارد عرصه‌ی سیاست می‌شود، باید مثل یک شطرنج‌باز ماهر هر حرکتی را که می‌کند، تا سه تا چهار تا حرکت بعد از او را هم پیش‌بینی کند. شما این حرکت را می‌کنی، رقیبت در مقابل او آن حرکت دیگر را خواهد کرد؛ باید فکرش باشی که تو چه حرکتی خواهی کرد. اگر دیدی در آن حرکت دوم، تو درمیمانی، امروز این حرکت را نکن؛ اگر کردی، ناشی هستی - حالا تعبیر بهترش این است - توی این کار، توی این بازی، توی این حرکت، ناشی هستی، ناواردی. این‌ها نمی‌فهمند چه کار می‌کنند؛ یک حرکتی را شروع می‌کنند، ملتفت نیستند که در حرکات بعد و بعد و بعد، چطور در خواهند ماند؛ مات خواهند شد. این‌ها را باید محاسبه می‌کردند. مطلب اصلی این بود. زیر سؤال رفتن انتخابات، مواجهه کردن

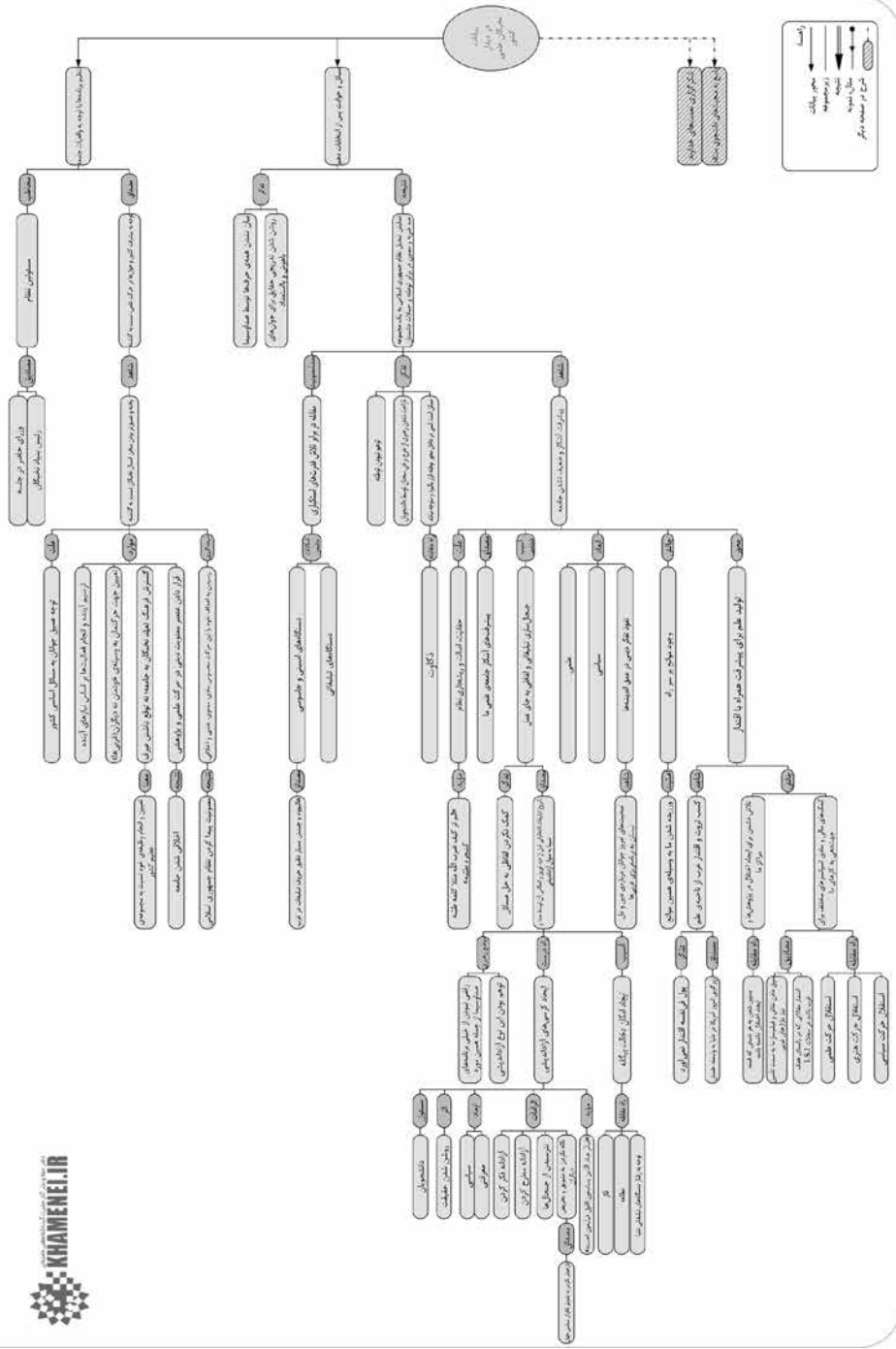


مجموعه‌ای از مردم - آن‌ها هیچ نیت سوئی هم ندارند؛ وارد میدان انتخابات شدند، طبق عقیده‌شان عمل کردند؛ خیلی هم خوب - با نظام، با کشور، با حرکت عمومی کشور، این‌ها کارهای کوچکی نیست. اگر شما منصفید، آن حرکت‌های جانبی را، آن قضایای جانبی را ببینید، اهمیتش را هم در نظر داشته باشید؛ اما مهم‌تر بودن این را هم در نظر داشته باشید.

من البته توی این جلساتی که با شماها داریم، حیفم می‌آید که جز حرف علمی و جز حرف معنوی و جز نصیحت، حرف دیگری بزنیم و وارد مقولات سیاسی و این چیزها بشویم؛ اما دیگر حالا در این مقدارش ناگزیر و ناچار بودم. اینی هم که گفتند از رهبری انتقاد نمی‌کنند، شما بروید بگوئید انتقاد کنند. ما که نگفتیم از ما کسی انتقاد نکند؛ ما که حرفی نداریم. من از انتقاد استقبال می‌کنم؛ از انتقاد استقبال می‌کنم. البته انتقاد هم می‌کند. دیگر حالا جای توضیحش نیست؛ انتقاد هم هست، فراوان هست، کم هم نیست؛ بنده هم میگیرم، دریافت می‌کنم و انتقادها را می‌فهمم.

ان شاء الله امیدواریم خدای متعال همه‌ی ما را در آن جهتی که مورد رضای اوست و تأمین‌کننده‌ی رضای اوست، هدایت کند و ان شاء الله آینده‌ی همه شما را از گذشته‌تان بهتر قرار بدهد و شما را مایه‌ی سرافرازی کشورتان قرار بدهد؛ و شما که جوانید، آن روز را خواهید دید - از ما هم ان شاء الله یاد نیک خواهید کرد - که کشورتان ان شاء الله به اوج اقتدار خواهد رسید.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته



سبب اصلی
 سبب فرعی
 سبب کمکی
 سبب غیرمستقیم

سبب اجتماعی
 سبب اقتصادی
 سبب فرهنگی
 سبب سیاسی
 سبب فکری





سخنرانی خانم دکتر سلطانخواه، معاون علمی و فناوری رئیس جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان

در سومین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۸۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهٖ نَسْتَعِينُ وَاللَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٍ وَ مُعِينٍ. با درود به روان پاک شهدا و با درود و سلام به روح پرفتوح امام راحل و سلام و صلوات به رهبر انقلاب اسلامی و عرض سلام خدمت حاضران و میهمانان عزیز و همچنین تبریک میلاد با سعادت امام هشتم امام رضا علیه السلام.

بنیاد ملی نخبگان افتخار دارد که بر اساس منویات و توجهات رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی شکل گرفته و جمع نخبگان تحت پوشش این بنیاد، خودشان را فرزندان معنوی آن دانشمند فرزانه می دانند همایش های سالانه نخبگان جوان و حضور عزیزان در محضر رهبری معظم علاوه بر اینکه توفیق دیدار مجدد امیدهای فردا را با امید و آرمان ملت ایران را فراهم می کند، نقطه عطف برجسته ای هم در مسیر حرکت بنیاد است که در این همایش هر ساله فعالیت های بنیاد جمع بندی و ارائه می شود و برای

مهم‌ترین برنامه‌های آینده با بهره‌گیری از رهنمودهای رهبر فرزانه انقلاب و همچنین با مشورت و نظرخواهی از جمع نخبگان تصمیم‌گیری می‌شود.

بنیاد در طول عمر سه‌ساله خودش دو مقطع را پشت سر گذاشته در اولین همایش ملی نخبگان در سال ۸۶ موضوع اصلی همایش، شناسایی نخبگان عزیز و تدوین آئین‌نامه برای شناسایی نظام‌مند و عادلانه این عزیزان بوده است. در دومین همایش ملی نخبگان جوان در سال ۸۷ محور اصلی همایش، تکمیل حمایت‌ها و پشتیبانی‌های موثرتر از عزیزان نخبه بوده است و در این راستا لازم است به استحضار برسانم که اکنون جمع عزیزان نخبه و استعدادهای برتری که خدمات بنیاد را دریافت می‌کنند از مرز چهار هزار نفر گذشته؛ یعنی علاوه بر برگزیدگان المپیادهای علمی معتبر داخلی و بین‌المللی و همچنین نفرات برتر آزمون‌های ورود به دانشگاه که به خانواده بزرگ بنیاد، هر ساله می‌پیوندند، بنیاد ملی نخبگان مفتخر است که در محضر جنابعالی اعلام کند که برگزیدگان المپیادهای ملی و جهانی مهارت در حوزه فنی و حرفه‌ای و همچنین نخبگان قرآنی انتخاب شده و هم اکنون این عزیزان در جمع ما هستند. در حمایت از نخبگان قرآنی، پشتیبانی از تشکیل مجالس و محافل آموزش قرآنی هم دیده شده که امیدواریم در داخل بنیاد هم از وجود این عزیزان بهره‌مند باشیم. همچنین برگزیدگان جشنواره علوم انسانی فارابی هم به جمع عزیزان تحت حمایت بنیاد پیوسته‌اند که البته برگزاری منظم جشنواره فارابی توسط وزارت علوم مایه خوشبختی است. در زمینه حمایت از نخبگان ادبی و هنری هم اقدامات اجرایی با فرهنگستان‌های ذی‌ربط انجام شده و همچنین حمایت از نخبگان حوزوی هم در دستور کار بنیاد قرار دارد تا با همکاری مدیریت محترم حوزه علمیه آئین‌نامه‌های لازم تدوین شود. البته جا دارد که تقدیر



و تشکر بکنم از برگزیدگان تیم المپیاد دانش‌آموزی نجوم که در مسابقه‌ای که هفته گذشته به میزبانی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد خوش درخشیدند و رتبه اول را کسب کردند. و این عزیزان هم در آینده نزدیک به جمع خانواده نخبگان بنیاد خواهند پیوست. اساساً سیاست‌های بنیاد در حمایت از نخبگان به صورت همه‌جانبه مدنظر بوده یعنی در کنار پرداخت جوایز به نخبگان، حمایت برای فعالیت‌هایشان از قبیل ارائه مقالات، حمایت برای اختراعات و نوآوری‌ها و به بارنشانی آن‌ها و معرفی نخبگان برای فعالیت در پروژه‌های اصلی کشور فراهم شده است. همچنین کارهایی هم برای تداوم تسهیلات بنیاد برای نخبگان فراهم شده یعنی اینکه استمرار حمایت بنیاد از نخبگان از یک مقطع به یک مقطع دیگر هم مهیا باشد. مثلاً برای شروع به اشتغال نخبگان اقدامی مثل اعتبار پژوهشی استادیاران جوان، تسهیلات نظام وظیفه نخبگان و مواردی از این دست دیده شده که در حال اجرا هم می‌باشد و در راستای تداوم استمرار این حمایت‌ها در محضر جناب‌عالی اعلام می‌کنم که جایزه علمی بنیاد برای محققان دوره پس‌ادکترا یا فوق‌دکترا از امسال شروع خواهد شد و در مرحله اول ۱۰۰ تن از فارغ‌التحصیلان دوره‌های دکترا که مایل هستند در مراکز پژوهشی و تحقیقاتی کشور به عنوان محقق بعد از دوره دکترا کار کنند از حمایت‌های بنیاد بهره‌مند خواهند شد. همچنین دفاتر استانی بنیاد که از موارد پیشنهادی عزیزان نخبه در جلسه مشابه در سال گذشته بود در پنج استان تاسیس شده که این دفاتر به کار شناسایی، حمایت و تربیت استعداد‌های برتر بومی در همه نقاط کشور می‌پردازند و این عمل در راستای رویکرد عدالت محورانه دولت دهم انجام می‌گیرد. البته در چند استان دیگر هم در شرف تاسیس است که انشاءالله در همه استان‌ها این دفاتر دایر خواهد شد. یکی دیگر از برنامه‌های بنیاد که در سال گذشته شروع شده



و اخیراً به نتیجه رسیده است. راه‌اندازی سامانه گسترده‌ی اینترنتی برای ارزیابی علمی-اقتصادی اختراعات ثبت شده در کشور است که از صاحب‌نظران برای ارزیابی اختراعات کمک گرفته می‌شود و اختراعاتی که از حداقل‌های امتیازات علمی و قابلیت‌کاربردی شدن و تجاری شدن برخوردارند از اعتبار پژوهشی و نوآوری بنیاد به صورت کمک‌های بلاعوض استفاده می‌کنند. اما از آن مهم‌تر این است که بنیاد ناظری را که مسلط و متخصص بر آن امر باشد برای هدایت و کمک به مخترع به کار می‌گیرد که این امر هم با هزینه خود بنیاد انجام می‌شود. همچنین پیش‌بینی شده که اختراعات تجاری شده و اختراعات ثبت شده بین‌المللی هم از حمایت بیشتری بهره‌مند شوند. البته، واضح است که همکاران ما در بنیاد ملی نخبگان با تلاش خستگی‌ناپذیرشان ایده‌های زیادی را که ممکن است به عنوان ابزاری در خدمت پیشرفت نخبگان عزیز باشد، تهیه و اجرا می‌کنند و این فرایند هم همچنان ادامه خواهد داشت اما آنچه که مهم است و نقش اساسی دارد همت بالا و اراده خود نخبگان عزیز است که راه رشد و تعالی و خدمت‌گزاری آن‌ها را هموار می‌کند. اما تکیه و جهت اصلی همایش امسال ما برنامه‌ریزی برای ارتقاء و به‌بارنشینی دستاوردهای نخبگان عزیز در بعد اجتماعی و بهره‌مندی جامعه از خدمات آن‌ها است. این همایش حرکت در جهت پیاده‌سازی رهنمود سال گذشته جناب‌عالی را با این مضموم که کسب درآمد ما از دستاورد دانش و علم‌مان باشد را پیگیری می‌کند به همین دلیل در این زمان یک تحول اساسی در زیرساخت‌ها و قوانین پیش‌بینی‌کننده تجاری‌سازی، ابداعات و ابتکارات باید انجام شود و کمک کنیم به این که ساختارهای واسطه‌ای مانند پارک‌های فناوری و مراکز رشدی که بوجود آمده‌اند، به طور عملی بتوانند نخبگان، مخترعین و کسانی را که دارای ایده هستند را کمک کنند



که ایده‌هایشان به نمونه‌سازی و نهایتاً آماده شدن برای تجاری‌سازی قرار بدهند. یکی از حرکت‌های مهم بنیاد و معاونت علمی و فناوری که با حمایت رئیس‌جمهور محترم و دولت نهم انجام شد که از ثمرات همایش دوم هم است، لایحه حمایت از تجاری‌سازی، نوآوری و پشتیبانی از شرکت‌های دانش‌بنیان است که هم اکنون تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است و امیدواریم که با تصویب مناسب آن در مجلس محترم قدمی رو به جلو در جهت تداوم حمایت از نوآوری‌ها در کشور برداشته شود. انشاءالله در جلسه بعد از ظهر امروز و فردا در حضور ریاست محترم جمهوری و برخی از اعضای مجلس شورای اسلامی و هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی به تبیین و شکافتن ابعاد مختلف این لایحه با بهره‌گیری از نظرات نخبگان و صاحب‌نظران خواهیم پرداخت. و فکر می‌کنیم که چنانچه این لایحه به تصویب برسد، می‌تواند مسیر را برای تاثیرگذاری و فعالیت نوآوران و کسانی که ایده‌های عملیاتی و کاربردی دارند را فراهم کند. در خاتمه با پیروی از این کلام شریف که می‌فرماید: «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» برخورد لازم می‌دانم که از برادر عزیزمان جناب آقای دکتر واعظزاده که به حق در شکل‌دهی و ساختارسازی بنیاد و معاونت علمی و فناوری تلاش‌ها و زحمات زیادی را مصروف داشتند و اقدامات ارزشمندی را انجام داده‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم و برای ایشان از خداوند متعال جزای خیر طلب می‌کنم و ما نیز تلاش می‌کنیم که در استمرار حرکت ایشان با قوت و قدرت اهداف را پیگیری کنیم. در آخر هم به سهم خودم و همکارانم و همه نخبگان عزیز تشکر می‌کنم از مقام معظم رهبری برای فراهم شدن این فرصت که بسیار مغتنم است تا از فرمایشات و رهنمودهای معظم له بهره مند گردیم.

و السلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.

سخنرانی نخبگان سومین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی)^۱

محمدهادی فروغ‌مند اعرابی

(دارنده طلای ملی و طلای المپیاد جهانی کامپیوتر در سال ۱۳۸۰، دانشجوی دکتری بیوانفورماتیک

دانشگاه تهران)



بسم‌الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم. صحبت‌هایی که در اینجا عرض می‌کنم بیشتر عرضه پیشنهاد است تا خود شما چه صلاح می‌دانید. در حال حاضر دانشمندان و دانشجویان توانای زیادی در کشور داریم که سرمایه ارزشمندی برای کشور به حساب می‌آیند؛ البته وجود این حجم از دانشمندان ثمره فعالیت‌های سازنده‌ای است که در این زمینه انجام شده. دانشمندان ما، اساتید و دانشجویان دانشگاهی در رشته‌های مهندسی و مانند آن به عنوان فعالیت علمی، علوم روز دنیا را مطالعه می‌کنند و در راستای علوم روز، جایی برای ارتقای روش‌ها و نظریات موجود پیدا می‌کنند. و بدین صورت تلاش می‌کنند تا علوم روز دنیا را ارتقا دهند و مرزهای علم را جلو ببرند. دانشجویان در این روند فارغ‌التحصیل می‌شوند و اساتید مدارج علمی را طی می‌کنند. در مجموع اساس عموم حرکت‌های علمی دانشمندان دارای سه شاخص می‌باشد.

۱. بر اساس وضعیت فعلی علوم می‌باشد

۲. بر اساس تفسیر غربی از علوم می‌باشد

۱- در سخنرانی نخبگان عین مطلب، بدون هیچ دخل و تصرفی آورده شده است.

۳. این حرکت‌ها پراکنده هستند

یک پیشنهاد می‌تواند این باشد که در مقابل این که دانشمندان بر اساس وضعیت فعلی علوم، قابلیت‌های ارتقای علوم را جستجو کنند شرایطی فراهم شود که فعالیت‌های علمی دانشمندان بر اساس نیازهای آینده صورت بگیرد یعنی توصیفی صحیح از آینده در اختیار دانشمندان قرار بگیرد. دانشمندان متناسب با نیازهایی که از آینده توصیف شده و برای رفع آن‌ها فعالیت کنند. البته در حال حاضر چنین فعالیتی برای توصیف آینده در غرب وجود دارد. عملاً غربی‌ها آینده و علوم آینده را توصیف می‌کنند و در قالب رسانه‌ها و مثلاً فیلم‌ها در بین عموم جامعه و دانشمندان ترویج می‌کنند. در نتیجه فضای آینده و جایگاه علوم برای دانشمندان ملموس می‌شود. می‌توانند خود را در آن فضا قرار بدهند، تصور کنند و نیازهای آن زمان را شناسایی کنند. و در راستای رفع نیازهای آینده فعالیت علمی کنند. عملاً با این فرهنگ‌سازی‌های بر اساس آینده، جامعه علمی جهانی در چارچوب نیازهای آینده‌ای که آن‌ها یعنی غربی‌ها تعریف می‌کنند حرکت می‌کنند. به عنوان مثالی که منظور را مشخص کند مقوله حرکت در زمان با استفاده از سیاه‌چاله‌ها مقوله‌ای است که در رسانه‌های امروزه بسیار تکرار می‌شود. آیا مانند داستان‌های ژول ورن که نشانه‌ای از علم امروز بود چنین مقولاتی علم آینده را می‌سازند؟ در مجموع می‌توانیم چنین تصویری را از علم آینده در نخبگان ترویج کنیم. البته تصویرسازی از آینده در حال حاضر توسط غربی‌ها و در راستای اهداف خودشان و متناسب با اعتقادات خودشان انجام شده و می‌شود. ما بیابیم بر اساس اعتقادات خودمان

و بر اساس منابع اسلامی و تصویرهایی که از این منابع و اعتقاداتمان در مورد انسان داریم آینده را توصیف کنیم. آینده‌ای توصیف کنیم در راستای سعادت حقیقی بشر. توصیف چنین آینده‌ای را در میان دانشمندان رواج دهیم و انتظار داشته باشیم دانشمندان در این راستا علوم و تکنولوژی‌هایی را تولید کنند که نیازهای آینده ما را متناسب با جایگاه آینده ما مرتفع کند. البته توصیف از آینده باید به مسیر حرکت به سمت آینده ایده‌آل و نیازهای مسیر حرکت نیز بپردازد. عملاً در این صورت ثمره حرکت دانشمندان در راستای مناسب قرار خواهد گرفت و از پراکندگی اجتناب خواهد شد. به عنوان جمع‌بندی مبحث اول بیاییم آینده‌ای از تمدن اسلامی ارایه بدهیم و آن را در نخبگان فرهنگ‌سازی کنیم تا حرکت‌های علمی جهت‌دهی شوند.

مبحث دوم:

فعالیت‌های زیادی مخصوصاً اخیراً در زمینه به‌جا دادن به نخبگان انجام شده که جا دارد از پیگیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده مخصوصاً از طریق جناب‌عالی تشکر کنیم. یکی از گام‌های بعدی در این راستا فرهنگ‌سازی در نخبگان می‌باشد که البته زمینه‌ای تازه نمی‌باشد و بلکه کارهایی در این زمینه انجام شده است. به صورت خاص یک موضوعی که می‌توان در نخبگان فرهنگ‌سازی کرد فرهنگ دنبال اصلاح و ارتقا بودن در مقابل فرهنگ توقع داشتن می‌باشد. یعنی نخبگان، جامعه را به خاطر یک موهبت الهی که به آن‌ها داده شده و امدار خود ندانند بلکه تصور عمومی در نخبگان به این صورت باشد که استعداد نخبگان بر اساس سرمایه‌گذاری و هزینه‌هایی که



جامعه صرف کرده متبلور شده، در نتیجه نخبگان خود را مسئول در قبال جامعه بدانند مخصوصاً به علت همان استعداد خدادادیشان. اساساً تصویری که از فعالیت دانشمندان و نخبگان وجود دارد حل کردن مسایل پیچیده و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات در همین راستا می‌باشد. برای مثال یک دانشجوی تحصیلات تکمیلی نمی‌تواند به عنوان فعالیت علمی موضوعی ساده و بدون چالش را انتخاب کند و اصلاً از او پذیرفتنی نیست چنین تصویری از نخبه در جامعه و در نخبگان ایجاد شود. نخبه فردی معرفی شود که وقتی در جایگاهی قرار می‌گیرد به دنبال مسیر درست و حرکت در مسیر صحیح و بررسی مشکلات برای حل و رفع مشکلات می‌باشد؛ افرادی که به دنبال رفع مشکل می‌باشند و نه این که تصور این باشد که نخبه فردی است که باید بنشیند و ایراد بگیرد تا زمانی که تمام شرایط مهیا نشود حرکت نکند بلکه آن چه نخبگان را از دیگران متمایز می‌کند می‌تواند برخورد اصلاح‌محورشان با مشکلات باشد. به عنوان جمع‌بندی موضوع دوم فرهنگ‌سازی در نخبگان انجام شود که آن‌ها به دنبال اصلاح و ارتقا باشند در مقابل این که توقع داشته باشند. در خاتمه باید بگوییم که آقا ما اینجا نیامده‌ایم که ناله کنیم، آمده‌ایم اینجا که بگوییم ما هستیم که در راستای فرمایشات شما حرکت کنیم چه همه این امکانات فراهم باشند چه فراهم نباشند. با تشکر.



راضیه طبایان

(دانش آموخته رتبه اول رشته روانشناسی و دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان)

بسم الله الرحمن الرحيم. با سلام و احترام و تشکر از فرصتی که در اختیار من گذاشته شد.

دنیای امروزی در مرحله‌ای خاص از تاریخ علم به‌ویژه در حوزه علوم انسانی قرار دارد و ما می‌توانیم این مرحله را به فرصتی مناسب برای استخراج و بیان اندیشه‌ها و آرای اسلامی از دل تار و پود فرهنگ دینی خود تبدیل نماییم. کتاب آسمانی ما قرآن سرشار از پیام‌ها، اشارات و دستورالعمل‌های متعالی برای انسان‌هاست. متون دینی و ادبیات ایرانی اسلامی ما نیز مملو از ارزش‌ها و اصول انسانی‌ست. فاصله گرفتن از معنویت دردهای گذشته برای بشریت مخرب و ویرانگر بود از این رو اخیراً مراکز علمی پژوهشی دانشگاه‌های دنیا به معنویت روی آورده‌اند. این حرکتی است که در دنیا شروع شده و با یک بررسی ساده موتورهای جستجو می‌توان به افزایش چشمگیر رشته‌های جدیدی که حاصل رغبت پژوهشگران جوان معنویت‌گرا در جهان است دست یافت. به عنوان نمونه در روانشناسی؛ معنویت به عنوان یکی از ابعاد غیر قابل انکار وجود انسان شناخته شده و از آن در شناخت و درمان اختلالات روانی استفاده می‌شود. آمار فروش کتاب‌های منتشر شده در این زمینه و موضوع رساله‌های تحصیلات تکمیلی اثبات کننده این نکته است، لکن در این زمینه به معنویت



جدای از دین پرداخته شده. بنابراین در جهت‌گیری‌های علمی جدید توجه به دین و معنویت ضروری است. در این راستا گام‌هایی در برخی از دانشگاه‌های کشور از جمله دانشگاه اصفهان با مشورت مراکزی مانند پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با هدف تاسیس میان‌رشته‌ای‌های مختلف شامل روانشناسی با رویکرد اسلامی، مشاوره دینی معنوی و تربیت اسلامی برداشته شد. به نظر می‌رسد که گرچه صبر از خصیصه‌های نیک انسانی است ولی در راه‌اندازی رشته‌های علمی دینی که بر اساس محتوای وسیع دینی فرهنگی ما ممکن و همت بلند نو روشنفکران دینی ما قادر به آن است، شتاب لازم است.

در وضعیت کنونی ما نیازمند بومی‌سازی علمی هستیم و این به معنای طرد یافته‌ها و اصول علمی نیست بلکه هماهنگ‌سازی علم با دین و فرهنگ اصیل اسلامی است. مکاتب روانشناسی اغلب از مکاتب فلسفی نشأت گرفته‌اند؛ به عنوان مثال تعالیم بودا در دانشگاه‌های دنیا بررسی شد و رویکرد درمانی ذهن‌آگاهی از آن استخراج گردید و امروزه به عنوان یکی از رویکردهای درمانی از آن استفاده می‌شود. این در حالیست که دین مبین اسلام به عنوان دینی کامل در امر حیات مادی و معنوی دارای دستورالعمل‌های ارزشمندی است. از این رو لازم است متون اسلامی در زمینه‌های مختلف علوم انسانی از جمله روانشناسی تحلیل و بررسی شود و به طور کاربردی وارد پژوهش‌های علمی گردد.

مثلاً در زمینه روان‌درمانی این متون می‌توانند راهکارهای خوبی به جامعه

علمی ارایه نمایند. بنابراین برای خارج ساختن علوم انسانی از وضعیت کنونی نیازمند شجاعت افرادی ثابت قدم که بتوانند اندیشه‌های نو طرح نمایند و به راه خود ایمان داشته باشند هستیم. کم نیستند محققان جوان علاقمندی که دل در گرو دین و علم و معنویت دارند و آماده قدم نهادن در مسیر بومی‌سازی علمی هستند؛ مسیری که بدون گذر از جاده فرهنگی دینی اسلامی ما طی نخواهد شد. به نظر می‌رسد ایجاد مرکزی خاص در وزارت علوم تحقیقات و فناوری برای هموار نمودن این راه می‌تواند مفید واقع شود تا به این حرکت نظم بخشیده و در مراکز متعدد دانشگاهی و وحدت رویه ایجاد نماید. همچنین به موازات گروه‌های علمی در دانشگاه‌های کشور تاسیس گروه‌های میان‌رشته‌ای با رویکرد اسلامی و اقداماتی جهت جذب اساتید علاقمند و دارای انگیزه برای ایجاد رشته‌ها، تالیف درسنامه‌ها، مرجع‌شناسی و هدایت طرح‌های پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد. نسل جوان معتقد امروز چشم امید به رهنمودها و حمایت‌های جنابعالی دارد تا به پشتوانه آن گامی بلند به سوی حل مشکلات اساسی جامعه به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی بردارد و در این راه با سلاح دین و علم حرکت کند و در نهایت بلندای اندیشه‌های اسلامی را برای جهانیان نمایان‌تر سازد. قطعاً حمایت‌های جنابعالی یاریگر ما در رسیدن به این مقصود خواهد بود. والسلام





فرشید امیری

(نفر برتر جشنواره شیخ بهایی در سال ۸۸، جشنواره جوان خوارزمی در سال ۸۶)

بسم الله الرحمن الرحيم. با سلام به همه حضار گرامی و با تبریک پیشاپیش میلاد امام رضا (ع) و از همه سروران و حضار عزیز درخواست میکنم برای تعجیل در ظهور و فرج امام زمان (عج) صلوات بفرستند.

کلیت صحبتی که خدمت شما دارم در ارتباط با بحث شرکت‌های دانش بنیان و در ارتباط با تجاری‌سازی طرح‌هاست و مشکلاتی که در این زمینه بوده که خدمت شما بازگو کنیم و ان شاء الله بتوانیم از رهنمودهای شما هم در این زمینه بهره‌مند شویم.

ما طرحی را تحت عنوان تولید جعبه دنده‌های برقی برای خودروها ارائه کردیم که در واقع جزو طرح‌های نوین صنعت خودرو بود و به حول و قوه الهی و با حمایت نهادهایی همچون جهاد دانشگاهی در مرحله شکل‌گیری و شرکت‌های پارس خودرو و سایپا در مرحله خرید طرح و در واقع خرید محصول قبل از این که تجاری شود و همینطور حمایت‌های بنیاد و شهرک علمی تحقیقاتی اصفهان در جشنواره‌های شیخ بهایی و جشنواره‌های دیگر، توانستیم به حمد و قوه الهی این طرح را به تولید برسانیم و هم اکنون مقداری از محصول هم حتی به مشتریان تحویل شده است. صحبتی که خدمت شما دارم اینه که با تمام مشکلاتی که برای شرکت‌های دانش بنیان وجود داره. با تمام مشکلات اجرایی که در زمینه بدست آوردن درآمد از طریق علم وجود داره که شاید یک نمونه اش رو بگم در مرحله اخذی از تسهیلات ما در ردیف طرحی مثل طرح پلیس+۱۰ دقیقاً با

همون مزایا و قابلیت‌ها قرار گرفته بودیم. خوشبختانه توانستیم تا این مرحله برسیم. صحبت‌های من امروز بیشتر برای مراحل بعد از این هست. بر فرضی که یکسری از شرکت‌ها توانستند به مرحله تجاری سازی و یا آغاز بلوغ برسند. اونموقع چه حمایت‌ها و چه مشکلاتی داریم؟ مشکلاتی که ما الان باهاش روبرو هستیم و خدمت شما عرض می‌کنم.

بزرگترین مشکلی که شرکت‌هایی مثل ما باهاش روبرو هستند جوان بودن و کوچک بودنشون در مقایسه با ثروت و سرمایه‌ای که دارند و این باعث میشه که در بسیاری از معادلات به راحتی شکست بخورند و حتی به راحتی امکان نابودیشون وجود داره. بعنوان مثال خدمتتون عرض کنم. اگه حمایت خاص مدیریت شرکت پارس خودرو و مشاورای ایشون نبود به راحتی تا حالا طرح ما چند بار نابود شده بود. در پیچ و خم‌های اداری و مشکلات رانتهایی هم که هست و به ریز میشه به خیلی از اینها اشاره کرد و مطمئناً این مشکلات برای سایرین هم هست. مشکلات بعدی ما بحث‌های مالی و اعتباری هست. در حال حاضر صندوق‌های بسایر زیادی در کشور تحت عنوان صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر و ریسک‌پذیر فعالیت می‌کنند. ولی اگر شما از هر کدام از نخبگانی که در زمینه تجاری سازی طرح‌هاشون کار کردن پرسید در اکثر این سازمان‌ها مدیران، اکثراً جرات ریسک ندارن. اصلن کار عملی انجام نمی‌دهند. بیشتر در این باب با نخبگان همکاری می‌کنن که یاد بگیرند سرمایه‌گذاری پرخطر چجوریه. شاید باور کنید صندوقی نمونه که ما بهش سرزده باشیم ولی نتیجه‌ای هم عملاً نتونستیم بگیریم. بحث دیگر مشکلات مدیریتی این شرکت‌هاست. اونطور که خدمتتون عرض کردم به عنوان مثال برای این شرکتی که ما داریم در حال حاضر ساز و کارهای مدیریتی لازمه که اصلاً ما از پشش برنمی‌یاییم.



به عبارت دیگر ما به یه دانشی از تکنولوژی رسیدیم که ارزش بسیار بالایی داره ولی از اونطرف ما قدرت اینکه ارزش محافظت کنیم رو نداریم. سرجمع این مشکلات حالا در مورد طرح‌ها و بحث‌های دیگه بعضاً بازاریابی و بازاری هم هست. ولی در مورد طرح ما خوشبختانه حمایت شرکت سایپا و پارس خودرو این مشکل رو حل کرد و الان ما اصلاً مشکل بازار نداریم ولی حمایت‌ها و جوایزی که بنیاد می‌دهد همه تشویقی است و هیچ کدام در مسیری نیست که اگر شرکتی راه افتاد کمکش کنه، قدم به قدم تا مشکلاتش را از پیش پاش بردارد. و بنظر من خیلی از این حمایت‌ها بجای اینکه در چارچوب یک قانون مشخص باشه که اونهم لازمه و باید باشه در چارچوب کیس به کیس و مورد به مورد باشه. هر شرکتی ممکن است مشکلات خاص خودش رو داشته باشه. در این ارتباط راه حل‌هایی که به ذهنم می‌رسه در واقع همین طرح و لایحه حمایت از شرکت‌های دانش بنیانه، اینجوری که من اطلاعات گرفتم که حدود یک ساله این لایحه ارائه شده ولی ظاهراً مشکلاتی برایش گرفته شده در مجلس و به نظر من اگر هم مشکلاتی در این زمینه وجود داره اصلاحاتی لازمه این باید به عنوان یک ضرورت دیده بشه. چون بسیاری از زحماتی که برای بنیاد کشیده اگر این لایحه و یا اصلاحیه آن و یا هر چیزی که برای حمایت از شرکت‌های دانش بنیان لازم است اگر به تصویب سریع نرسد واقعاً بسیاری از زحمات ممکن است به هدر برود. مورد دیگه‌ای که خدمت شما می‌خواستم عرض کنم اینه که این بحث یک بحث عادی و اداری نیست حمایت از شرکت‌های دانش بنیان. یکی بحثیه که ریسک و ریسک پذیری می‌خواد. به عبارت دیگر باید مدیرایی در این ارتباط درگیر باشند که قابلیت ریسک پذیری و تجربه اولین خصوصیت اونهاست.

خیلی ممنون و والسلام



سید پیمان شریعت پناهی

(دارنده طلای ملی و نقره المپیاد جهانی فیزیک در سال ۸۰،

دانشجوی دکترای فیزیک دانشگاه صنعتی شریف)

بسم الله الرحمن الرحيم. در ابتدا خدا را شکر می‌کنم که این افتخار را نصیبم کرد که خدمت شما برسم و از شما تشکر می‌کنم که این وقت را در اختیار ما گذاشتید. ما برای حرکت علمی دانشگاه‌هایمان نیاز به سیاستگذاری داریم. در حال حاضر جهت حرکت علمی دانشگاه‌های ما در راستای حرکت دانشگاه‌های غربی است. در فضای کنونی دانشگاهی ما شاید اصلی‌ترین هدف در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی عقب نماندن از جامعه علمی جهانی باشد. چارچوب‌ها، ملاک‌ها و معیارهای تعریف شده در دانشگاه‌ها هم طبیعتاً در همین راستاست. ما احتیاج داریم که خودمان جهت حرکت‌مان را تعیین کنیم بر اساس اهداف بلندمدت خودمان. این اتفاق در غرب افتاده است. آن‌ها از مدت‌ها پیش با تعریف اهداف صد ساله‌شان تمام موضوعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و از جمله علمی‌شان را در این راستا جهت‌دهی کرده‌اند. شاهد این موضوع هم تدوین برنامه‌های بلند مدت پروتکل‌های بهبود است. آن‌ها توانسته‌اند بخش قابل توجهی از جامعه علمی جهانی را به عنوان اجزای پازل نقشه علمی‌شان سازماندهی کنند و عملاً بسیاری از فعالیت‌های علمی که در سطح جهانی انجام می‌شود بیشتر از همه مورد بهره‌برداری آن‌ها قرار می‌گیرد. ما باید بر اساس آرمان‌ها و اهداف خودمان حرکت کنیم. شاید ایجاد مرکزی که به دور از محدودیت‌های موجود کشور و بسیار فراتر از آن به سیاست‌های کلی فکر کند بتواند در این راستا کمک کند.



به عنوان مثال ما موضوع ارتباط دانشگاه و صنعت را مطرح می‌کنیم ولی این موضوع را تا چه اندازه‌ای بزرگ می‌بینیم. این ارتباط بر اساس تصور چند ساله ما از آینده طراحی شده است. به غیر از صنعت، حرکت علمی ما در کجاها می‌تواند موثر باشد. به عنوان مثال ایدئولوژی‌های ماتریالیستی غربی مدت‌ها از علوم پایه غرب مانند فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی تغذیه شده‌اند. آیا ما نمی‌توانیم برنامه‌ای برای علوم پایه‌مان بر اساس فرهنگ مطلوب خودمان داشته باشیم؟ من پیشنهاد می‌کنم مرکزی برای فکر در این موضوع ایجاد شود و ان‌شاءالله به مرکزی برای سیاست‌گذاری‌های کلان علمی پیش برود. در انتها باید عرض کنم آقا ما آمده‌ایم تا در راستای خواست شما حرکت کنیم، می‌خواهیم با شما بمانیم و اگر حرکت علمی‌ای انجام بدهیم در این راستا باشد.





سما گلیایی

(دارنده طلای ملی و برنز المپیا جهانی کامپیوتر در سال ۸۰، دانشجوی دکتری مهندسی کامپیوتر دانشگاه تربیت مدرس)

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم. تشکر می‌کنم از این که وقتتان را در اختیار من قرار دادید. عرایضم را در دو عنوان کلی تولید علم در دانشگاه‌ها و ترویج فرهنگ نوآوری در عموم جامعه مطرح می‌کنم.

موضوع اول تولید علم در دانشگاه‌ها: حسب تاکیدات شما بر تولید علم در دانشگاه‌ها تلاش‌های زیادی چه از سوی مسوولین و چه از سوی اساتید و دانشجویان در افزایش تولید علم در پرتو حمایت‌های جنابعالی انجام گرفته که من همین‌جا تشکر می‌کنم از این حمایت‌ها و ثمرات آن را به صورت افزایش تعداد مقالات علمی پژوهشی و ISI در دانشگاه‌ها می‌توان مشاهده کرد. اما قدم بعدی در تولید علم، افزایش عمق، اثرگذاری و ارزش مقالات منتشر شده در علوم است. افزایش عمق و اثرگذاری مقالات، نیازمند نوآوری و خلاقیت‌های بزرگتر علمی است که چه بسا چند سال به طول بیانجامد. برای دست یافتن به چنین نوآوری‌هایی لازم است تا اساتید با یک برداشت و درک صحیح از آینده علم دست به ایده‌پروری‌هایی بزنند که در نتیجه آن یک مسیر چند ساله به عنوان مثال هشت، ده و یا مقدار بیشتری سال از حرکت علمی مشخص شود. طی چنین مسیرسازی‌هایی می‌توان از پایان‌نامه‌های دکترا که سرمایه بزرگی در تولید علم است بهره برد. به این صورت که به جای آن که هر دانشجو در پایان‌نامه دکترای خود قسمتی از پروژه علمی که ابتدای آن در خارج از کشور و انتها و استفاده آن



نیز در خارج از کشور است را انجام دهد، در خلال مثلاً هشت یا ده سال هر کدام از دانشجویان استاد، قسمتی از مسیر مشخص شده توسط ایده‌پردازی استاد را جلو ببرند. تا در پایان مثلاً هشت سال یک نوآوری بزرگ و تاثیرگذار علمی شکل گرفته باشد. به این منظور علاوه بر حمایت‌های مادی مانند اعتبارات پژوهشی بلند مدت و بلکه بیشتر از آن نیاز به حمایت‌های معنوی از استادان و دانشجویان و نیز ساز و کارهایی برای تشویق آن‌ها به این نوآوری‌های بزرگ وجود دارد. چرا که چنین نوآوری‌های بزرگ علمی چه بسا در ماه‌ها و سال‌های اول منجر به تولید تعداد کمتری مقالات باشد در مقایسه با پژوهش‌هایی که قسمت کوچکی از پروژه‌های تعریف شده در خارج از کشور را تکمیل می‌کنند. در صورتی که این نوآوری‌ها بزرگ تاثیرگذاری بیشتری در علوم خواهند داشت. اگر تعداد زیادی از اساتید ما مشغول به این‌گونه طرح‌ها و نوآوری‌های بزرگ باشند آن‌گاه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که تعدادی ولو اندک از این نوآوری‌ها تحول عمیق و مسیرساز در علم را ایجاد کند. اگر می‌خواهیم نوآوری‌های علمی ما مسیرساز در علم باشند نیاز به تمرکز و توجه به نوآوری‌های بزرگ و بدیع در قسمت‌های بنیادی‌تر علوم و زمینه‌هایی هستیم که شاخه‌های مختلف و گسترده‌ای از علوم را تغذیه می‌کنند.

اما موضوع دوم در مورد گسترش فرهنگ خلاقیت و نوآوری در بین عموم مردم جامعه است. این که افراد مختلف جامعه در هر شغل، جایگاه و سنی که هستند با نوآوری تلاش کنند وضعیت بهتری برای خود و جامعه بسازند. افراد در هر شرایطی که قرار بگیرند بدون آن که چشمشان به کمبودها باشد به دنبال نوآوری و یافتن راه‌های جدید برای رشد و ارتقا باشند. ایجاد این روحیه نوآوری

در جامعه نیازمند فرهنگ‌سازی گسترده و استفاده از ابزارهای فرهنگ‌ساز دارد. به طور خاص پیشنهادم در استفاده از فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی در این زمینه است. مثلاً در هر فصل از سال یک سریال تلویزیونی پخش شود که در آن یک فضای مثبت و امیدوار کننده بدون تکیه بر کمبودها و مشکلات افرادی را تصویر کند که با خلاقیت و نوآوری با چالش‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند و به موفقیت می‌رسند. و نیز در مدارس از ابتدا این روحیه نوآوری آموزش داده شود که افراد در هر شرایطی که هستند بدون محدود دیدن خود در امکانات موجود و وضعیت فعلی با روحیه خلاقانه و مثبت به دنبال رشد و ارتقا باشند. در خاتمه تشکر می‌کنم از این گونه فرصت‌ها که در اختیار نخبگان قرار می‌دهید و فکر می‌کنم این گونه فرصت‌ها باعث افزایش حس مسوولیت‌پذیری در میان نخبگان خواهد شد. والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته.





سید احسان آزرمسا

(دارنده مدال طلای ملی و برنز المپیاد جهانی ریاضی در سال ۸۸، دانشجوی رشته مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف)

بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض سلام خدمت رهبر معظم انقلاب و حضار گرامی. خدا را صد هزار مرتبه شاکر هستم که به این بنده حقیر توفیق رسیدن به خدمت محضر مبارک شما را عنایت فرمود. من می‌خواهم در مورد یکی از موارد مشترک میان من و حضار این جلسه صحبت کنم. در مورد عشق به کاری که می‌کردیم. در مورد عشق به کار علمی یا فرهنگی که انجام می‌دادیم. هر انسانی دارای استعدادها و توانایی‌های خاصی است و طبیعتاً به اشتغال در زمینه‌ها و بسترهایی که بتواند این استعدادها را شکوفا کند عشق می‌ورزد. این عشق به آدمی احساس مفید بودن را هدیه می‌کند و به زندگی معنای وصف‌ناپذیری می‌بخشد. البته برای به دست آوردن این عشق تلاش مداوم لازم است و وقت برای تلف کردن وجود ندارد. ما جوانان همگی وظیفه داریم خود در مورد توانایی‌ها و استعدادهای خود تحقیق کنیم و چشم به دستان دیگران ندوزیم. پس از کشف استعداد باید با روحیه‌ای جنگنده و عزمی راسخ به جلو حرکت کرد و از موانع احتمالی نه‌راسید. هیچگاه تصور نکرد که افراد زیادی بهتر و جلوتر هستند و امکانات بیشتری در دست دارند و دیگر جایکار وجود ندارد. بایستی همتی بلند به خرج داد و به مدد الهی تا قله‌های موفقیت پیش رفت. گاهی اوقات وقایع به کام ما اتفاق نمی‌افتند و در مسیر دچار شکست می‌شویم. شکست‌ها در اول بسیار تلخ و دردناک هستند اما نباید زندگی را تمام شده فرض کرد و فکر کرد دیگر هیچ جایی برای تعالی وجود ندارد. توجه کنیم که در پس این شکست، مهارت‌ها و توانایی‌هایی کسب شده که افرادی که در آن زمینه

فعالیت نکرده‌اند فاقد آن هستند. این بدان معناست که توانایی‌های فرد افزایش پیدا کرده است و می‌تواند در زمینه‌های دیگری نیز فعالیت کند. بسیاری از افرادی که در رسانه‌ها و افکار عمومی به عنوان افراد موفق اطلاق می‌شوند شکست‌هایی داشته‌اند که کمتر ذکر می‌شود. به طور مثال برخی از افرادی که رتبه‌های بسیار عالی را در کنکور کسب می‌کنند همان‌هایی هستند که در المپیاد شکست خورده بودند. با شرکت در المپیاد آن‌ها مهارت‌های ذهنی بالایی کسب کرده‌اند و در نتیجه از آن در کنکور استفاده کرده‌اند. یعنی پیروزی بزرگ در این امور بیشتر افزایش توانایی‌های ذاتی است. جا دارد شعری از اقبال لاهوری عرض کنم: مسلمانی که داند رمز دین را، نساید پیش غیرالله جبین را، اگر گردون به کام او نچرخد، به کام خود گرداند زمین را. صد البته جامعه و آموزش و پرورش باید بسترها را برای پیشرفت هر چه بهتر جوانان مهیا کنند و فضایی برای آن‌ها ایجاد کنند که سریع‌تر استعدادها و توانایی‌های خود را کشف کنند. همچنین در راه شکوفایی این استعداد آن‌ها را تنها نگذارند. در هر صورت ما باید تنها و تنها از خدا کمک بگیریم و در هر کار که وارد می‌شویم با نام خدا و توکل بر او آن را شروع کنیم و نتیجه را به خود او واگذار کنیم که او بهتر صلاح ما را می‌داند. به امید آن که من و دیگر جوانان ملت، توفیق آن را داشته باشیم که هر چه علم کسب می‌کنیم با عشق برای پیشرفت اسلام و ایران صرف کنیم. خوشحالم که این موقعیت را یافته‌م که در محضر شما از رهنمودهای حکیمانانه‌تان مستضعفین گردم. با تشکر از شما و تمامی حضار که به عرایض این بنده توجه فرمودید. السلام و علیکم و رحمه‌الله و برکاته.





زهرا محمودی

(دانشجوی نمونه کشوری در سال ۸۷، رشته هنر، نقاشی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس)

بسم الله الرحمن الرحيم.

سر ارادت ما و آستان حضرت دوستت
 که هر چه بر سر ما می رود ارادت اوست
 نظیر دوست ندیدم اگر چه از مه و مهر
 نهادم آینه‌ها در مقابل رخ دوست
 زبان ناطقه در وصف شوق نالان است
 چه جای کلک بریده زبان بیهوده‌گوست

ولادت مسعود امام مهربان حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) را تبریک عرض می‌کنم و از بذل توجه جنابعالی تشکر می‌کنم و خسته نباشید هم عرض می‌کنم حضور دوستانی که در بنیاد ملی نخبگان در این مدت زحمات فراوان کشیدند. چند سالی است که حرکت علمی در کشور سرعت پیدا کرده و ما یکی پس از دیگری در جامعه شاهد شکوفایی این علوم هستیم. همانطور که مستحضر هستید هنر یکی از حساس‌ترین و موثرترین حوزه‌هایی است که با اندیشه و احساس سر و کار دارد. آن جا که کلام باز می‌ماند هنر آغاز می‌شود و هنر اگر با معنویت همراه شود توان گشودن راه در مسیر سنگلاخ را دارد. سوالی که این جا مطرح می‌شود این است که ما به عنوان یک جامعه اسلامی چقدر از هنر بهره گرفته‌ایم؟ حقیقت این که جریان هنر در جامعه ما با پیشینه تمدن چند هزارساله چندان جایگاه مطلوب و قابل قبولی را ندارد. در حالی که هنر در غرب به طور جدی

دنبال می‌شود و روی آن سرمایه‌گذاری می‌شود و قسمتی از این سرمایه‌گذاری از این هم صرف ضربه فرهنگی به جهان اسلام می‌شود، آن چه که حضرتعالی به عنوان شیخون فرهنگی تعبیر کردید، اذهان رو به این فکر وا می‌دارد که ما نیازمند یک تحول دیدگاه درباره هنر در جامعه هستیم. این تحول فرهنگی در جامعه ما باید به صورت علمی، تخصصی و با برنامه‌ریزی انجام شود و از حضور نخبگان هنر به طور مستقیم در این حوزه‌ها استفاده شود. متأسفانه در بعضی حوزه‌ها که حتی می‌بینیم مسوولین به فکر چاره هستند و سعی می‌کنند کارهای فرهنگی زیادی انجام دهند، سرمایه‌گذاری‌های عظیمی هم انجام می‌شوند چون خودشان همین دغدغه را دارند اما بعضی جاها دچار برخی آسیب‌ها می‌شویم. آسیب‌هایی مانند سطحی‌نگری، موازی‌کاری و انجام کارهای پراکنده. مثلاً در هنر دفاع مقدس، هنرهای قرآنی. قرآن به عنوان یک کتاب جامع انسان‌ساز هر نکته‌اش، هر آیه‌اش و هر کلمه‌اش می‌تواند رهنمون‌بخش یک الهام هنری برای یک هنرمند باشد. اما ما چقدر روی هنرمندانمان سرمایه‌گذاری کرده‌ایم تا این‌ها را جذب کنند و ببینند. امروز من احساس می‌کنم که لازمست هنرمندان ما حمایت شوند؛ حمایت مادی و معنوی. ما به آن‌ها فکر بدهیم، خوراک بدهیم. البته هنرمندان ما اکثراً اندیشمند هستند، مطالعات زیادی دارند. من احساس می‌کنم لازم است ما از آن‌ها بهره کافی ببریم، از آن‌ها حمایت کنیم و بعد از آن‌ها انتظار داشته باشیم. اشاره کوچیک هم داشته باشم راجع به جریان هنری در کشورمان. من به عنوان کسی که رشته‌ام نقاشی است می‌بینم رشته نقاشی جریان هنری که در کشورمان بر آن حاکم هست این است که برخی اسپانسرها و سرمایه‌داران آثار هنری را خرید و فروش می‌کنند بازار خارجی را می‌شناسند و به تبع آن با



سلیقه و نیاز بازارهای خارجی از هنرمندان حمایت می‌کنند و برخی هنرمندان کارهایشان مطرح می‌شوند و برای کارهایشان نقد می‌نویسند و برخی دیگر که ارتباط خوبی با این گروه‌ها ندارند از تجربه و تخصصشان استفاده نمی‌شود. ما کم نداریم هنرمندانی که متعهد هستند، دغدغه هنری دارند، دغدغه فرهنگی دارند و تخصص کافی هم دارند. لازم است که ما مانند بنیاد ملی نخبگان که روی آن فکر و سرمایه‌گذاری می‌شود ما در مورد هنر هم و تحول فرهنگی و هنری در جامعه نیازمند هستیم که چنین مرکزی را داشته باشیم که از افراد متخصص در آن استفاده شود. دوستان به من گفتند از حضرتعالی تقاضا کنم یک عیدی را به مناسبت ولادت امام رضا (ع)، یک هدیه معنوی را، لطف بفرمایید. نکته کوتاهی را هم خدمتان عرض کنم. در اینجا خواستم تشکری بکنم از ریاست محترم دانشگاه تربیت مدرس جناب آقای دکتر فرهاد دانشجو. ایشان طرحی را در دانشگاه دارند که از نخبگان دانشگاه استفاده می‌کنند و شوراهایی را تشکیل داده‌اند. پنج گروه شورا دارند و از نظرات این افراد استفاده می‌کنند. من این‌جا می‌خواستم از حضورشان تشکر کنم. از حضرتعالی تقاضا می‌کنم که برای پدر و مادرهای این جمع دعای مخصوص بفرمایید و اگر اجازه بدهید فرصت کوتاهی را می‌خواهم که شعری را تقدیم حضور آقا اما زمان (عج) کنم:

زمان حقیر شد نیامدی، جوانه پیر شد نیامدی،

میان اشک و پنجره، دلم اسیر شد نیامدی.

زمین ز سفره، سفره درد، زمان ز لحظه، لحظه غم،

دوباره سیر شد نیامدی. دوبار دیر شد نیامدی





متن بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

خانم دکتر سلطانه خواه ریاست محترم بنیاد ملی نخبگان

و نخبگان برگزیده شرکت کننده در چهارمین همایش ملی نخبگان جوان

سال ۱۳۸۹





سال هفتاد و ششمین کارنامه
چهارمین همایش ملی نخبندگان جوان

تهران، سالن اجلاس تهران کشور، ۱۳ و ۱۴ مرداد ۱۳۸۹

۱۳ و ۱۴ مرداد ۱۳۸۹

www.bmn.ir



بسم الله الرحمن الرحيم.^۱ خیلی متشکریم از برادران و خواهران عزیز؛ چه فراهم‌آوردگان این اجلاس بسیار خوب، چه برادران و خواهرانی که بحث کردند و نظر دادند. جلسه، بسیار جلسهی خوبی بود. من امروز حقیقتاً از دیدار شماها و از سخنان و بیانات شماها، هم خیلی خوشوقت شدم، هم استفاده کردم.

البته این دو سه مطلبی که دوستان در خلال جمع بیان کردند، نه اینکه این‌ها مسائل کوچکی باشد، کم‌اهمیت باشد؛ نه، بالاخره هر مطلبی، هر مسئله‌ای، هر مشکلی در کار هر شخصی و فردی فی‌نفسه اهمیت دارد - در این تردیدی نیست - من هم هیچ گله‌ای ندارم از اینکه چرا دوستان بلند می‌شوند و این مطالب را می‌گویند؛ نه، مطلقاً اینجور نیست؛ اگر همه‌ی شما هم یکی یکی بلند می‌شدید و مطلبی می‌گفتید، من مستمعم، من گوش می‌کنم و خرسند هم می‌شوم از اینکه بشنوم؛ منتها اولویت‌ها را باید رعایت

۱- متن سخنان از سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری (Khamenei.ir) برداشته شده است.

کرد. این جلسه، جلسه‌ی مسائل کلان است؛ جلسه‌ی مسائل جمع است. اگر ما بتوانیم به برکت این جلسه و اینگونه جلسات، یک فضای را، یک فکری را، یک انگیزه‌ی عامی را در محیط عمومی کشور به وجود بیاوریم، این مشکلات بتدریج حل خواهد شد؛ و امیدواریم که همین جور هم بشود.

در برنامه‌ریزی توسعه‌ی کشور، آن چیزی که خیلی مهم است، این است که ما ببینیم عمده‌ی تمرکز سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی ما باید کجا باشد؛ چون بدیهی است سرمایه‌ی مادی و سرمایه‌ی معنوی - یعنی همت و نیروی انسانی و انگیزه - نامحدود نیست. اگر می‌خواهیم کشور را به توسعه برسانیم - توسعه به معنای مطلوب و منظور خودمان، نه لزوماً توسعه به معنای رائج غربی - ببینیم کجاها باید بیشتر برای سرمایه‌گذاری متمرکز شویم.

اعتقاد راسخ من این است که اگر چنانچه بر روی مسئله‌ی علم و فناوری و نخبه‌پروری سرمایه‌گذاری کنیم، حتماً در یکی از باولویت‌ترین کارها سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. پیشرفت علمی و به دنبال آن، پیشرفت فناوری، به کشور و ملت این فرصت و این امکان را خواهد داد که اقتدار مادی و معنوی پیدا کند. بنابراین با یک نگاه راهبردی، علم یک چنین اهمیتی دارد. تکیه‌ی ما بر این اساس است. حالا این علم با چه هدفی است، اگر ان شاء الله وقت بود و من هم یادماند، در آخر شاید یک جمله‌ای عرض خواهم کرد که جهت‌گیری حرکت علمی ما چه باید باشد.

بنابراین یکی از باولویت‌ترین کارها عبارت است از مسئله‌ی علم و فناوری؛ این در کشور لازم است. ما در این زمینه‌ها یک عقب‌افتادگی مزمن تاریخی فاحشی داریم، که گنااهش به گردن آن کسانی است که با سیاست خودشان، با



رفتار خودشان، با طمع‌ورزی‌های خودشان، با سهل‌انگاری‌های خودشان، این بیماری مزمن را بر یک چنین ملت بزرگی تحمیل کردند. و ما حالا می‌خواهیم خودمان را از زیر این بار، از زیر این بختک سنگین خلاص کنیم. بنابراین من، شما، مسئولین ذی‌ربط، مسئولین بخشهای مختلف کشور و هر انسان باسرف در این کشور که امکانی دارد، باید در این زمینه تلاش کند؛ هر کس به قدر خودش. همه مسئولند؛ از یک دانشجویی که امسال وارد دانشگاه شده، تا دانشجوهای برتر و بالاتر، تا اساتید، تا مسئولین نظام آموزشی و علمی کشور، تا بخشهای مختلف، در سلسله‌مراتب اداری و علمی کشور. همه باید تلاش کنیم، همه باید کار کنیم، همه باید بدویم تا بتوانیم این عقب‌افتادگی تاریخی تحمیل‌شده‌ی بر خودمان را جبران کنیم؛ این یک مسئله‌ی جدی است.

خوب، من به شما عرض می‌کنم؛ در این مسیر، شتاب و موفقیت، در طول چندین سال گذشته محسوس است. شما این را بدانید - شاید هم می‌دانید؛ البته من آمارهای بیشتری دارم، اطلاعات وسیع‌تر و جزئی‌تری دارم - که در هفت هشت ده سال اخیر، کشور یک حرکت عظیمی در این زمینه انجام داده و کارهای بزرگی انجام گرفته. البته بعضی گوشه کنار، توی دانشگاه و بیرون دانشگاه، یأس‌آفرینی و منفی‌بافی می‌کنند؛ اما بیخود می‌گویند، دروغ می‌گویند. بعضی از این‌ها غافلند، بعضی هم بدتر از غافل. حرکت، انصافاً حرکت موفق‌ی بوده است. در این سالها کارهای بزرگی انجام گرفته. ملت، جوانان، مجموعه‌ی علمی، دانشگاه‌ها، مدیران علمی نشان دادند که استعداد خوبی وجود دارد برای این حرکتی که مورد نظر ماست. بنابراین ما پیشرفت کرده‌ایم.

این پیشرفت اقتضاء می‌کند که ما امیدوارانه‌تر پیش برویم. نظر تعداد قابل توجهی از کارشناسان ایرانی و غیر ایرانی این است که کشور ما قبل از موعد معین، یعنی ۱۴۰۴ - که پایان دوره‌ی برنامه‌ی چشم‌انداز بیست ساله است - به آن چیزی که در چشم‌انداز وعده داده شده، خواهد رسید؛ یعنی رتبه‌ی اول علمی در میان کشورهای اسلامی. برآوردها این است؛ این به خاطر شتابی است که وجود دارد. پس امیدوار باشیم، لحظه‌ها را از دست ندهیم، به نیروی خودمان اتکاء کنیم و حرکت را با جدیت، با صمیمیت و با شرایط لازم ادامه دهیم. این یک نکته.

نکته‌ی دوم این است که از این کارهای علمی‌ای که دارد می‌شود، هم من و هم هر فردی از افراد کشور که مطلع باشد، افتخار می‌کند. به پیشرفت علمی در مسئله‌ی هسته‌ای، همه افتخار می‌کنیم؛ به پیشرفت‌های بسیار حائز اهمیت در زمینه‌ی سلولهای بنیادی - که گفته شد - و کارهای عظیمی که در این زمینه انجام گرفته، همه افتخار می‌کنیم؛ در بخش نانو، در بخش فناوری زیستی و غیرذلک پیشرفت‌های خوبی صورت گرفته و همه افتخار می‌کنیم؛ این‌ها چیزهای کوچکی نیست، چیزهای بزرگی است؛ لیکن این‌ها چیزهایی نیست که بتواند به ما بگوید کشور از لحاظ علمی، یک پیشرفت مطلوب و کاملی کرده است. با اینکه در بعضی از این رشته‌ها تازه وارد شده‌ایم، در عین حال جزو ده کشور اول دنیا هستیم که این فناوری‌ها یا این دانش را داریم؛ لیکن این کافی نیست.

چی لازم است؟ آنچه در کشور لازم است و می‌تواند موقع و جایگاه علمی کشور را به طور شایسته و افتخار انگیز به ما نشان دهد که بالا رفته، وجود



یک چرخه‌ی علمی کامل است. در همه‌ی بخشها یک چرخه‌ی به‌هم‌پیوسته‌ی مهمی از انواع دانشهائی که مورد نیاز کشور است، باید وجود داشته باشد تا این‌ها هم‌افزائی کنند و به کمک هم بیایند. یک مجموعه‌ی کامل علمی در کشور بایستی به وجود بیاید؛ این هنوز نشده. این جزیره‌ها بایستی به طور کامل به هم متصل شوند، یک مجموعه‌ی واحد تشکیل شود؛ به هم کمک کنند، همدیگر را پیش ببرند، هم‌افزائی کنند، راه را برای جستجو و یافتن منطقه‌های تازه‌ی علمی در این آفرینش وسیع الهی باز کنند؛ سؤال مطرح کنند، به آن سؤالها پاسخ داده شود؛ این‌ها همه‌اش لازم است.

ما سرمایه‌گذاری‌های مقطعی زیادی داشتیم، پیشرفت‌های مقطعی هم زیاد داشتیم که قائم به اشخاص بوده، قائم به گروه‌های خاص بوده؛ این بایستی در همه‌ی بخشها، در همه‌ی رشته‌ها توسعه پیدا کند؛ یک جریان عام تمامی‌ناپذیر در زمینه‌ی علم و در همه‌ی رشته‌های علوم به وجود بیاید؛ از علوم انسانی تا علوم تجربی و انواع علوم بایستی ما این پدیده را ببینیم و مشاهده کنیم. این کار، تلاش لازم دارد؛ این همانی است که من در یک جلسه‌ای با جمعی از فرزندان و دانشگاہیان - که به نظرم ماه رمضان بود - گفتم جهاد علمی لازم است، مجاهدت لازم دارد.

خوب، اگر بخواهیم این مجاهدت به طور کامل انجام بگیرد، باید یک توجه ویژه‌ای به دانشگاہ‌ها بشود؛ چون دانشگاہ، محیط زیست و محیط پرورش استعدادها و نخبه‌هاست. اینجا، هم بنیاد ملی نخبگان وظائفی دارد، هم مدیران و رؤسای دانشگاہ‌ها و وزارت‌های دانشگاہی مسؤلیت دارند. نگاه بنیاد ملی نخبگان بر روی نخبگان نباید این بنیاد را از نگاه به دانشگاہ‌ها

غافل کند؛ یعنی باید یک نگاه ستادی به دانشگاه‌ها داشته باشد و ارتباط بین مجموعه‌ی بنیاد ملی نخبگان و دانشگاه‌ها باید مستحکم شود. از آن طرف هم در دانشگاه‌ها نگاه نخبه‌شناس و نخبه‌پرور حتماً بایستی در مجموعه‌ی کارهای دانشجویی وجود داشته باشد؛ که البته در بخش‌های تحصیلات تکمیلی، این معنا بیشتر خواهد بود. این هم یک نکته.

خوب، حمایت از نخبگان چگونه است؟ این را من در همین بیاناتی که دوستان هم کردند، مشاهده می‌کنم. به نظر من مهم‌ترین حمایت برای نخبگان این است که زمینه‌ی کار و مقدمات کار برای آن‌ها فراهم شود. ذهن نخبه و مغز نخبه به دنبال کار، ژرف‌نگری، تولید، خلق، گشودن باه‌های جدید و رفتن راه‌های نو است. امکانات سخت‌افزاری باید برای این‌ها فراهم شود. در مواردی، هم امکانات سخت‌افزاری، هم امکانات نرم‌افزاری باید فراهم شود تا نخبه بتواند کار و تلاش کند. البته این تلاش باید در جهت نیازهای کشور



باشد. آنطور که به من گزارش کردند، نقشه‌ی جامع علمی، بخش مهمی از این نیازها را کاملاً رعایت کرده و در این نقشه‌ی جامع دیده شده. البته من هنوز گزارش نهائی‌ای از نقشه‌ی جامع ندارم؛ دوستان با جدیت دنبال کار هستند. نظرات گوناگونی هم هست. من همین جا تشکر کنم از بعضی از جوان‌های عزیز که توی دیدار ماه رمضان به ما گفتند که ما نقشه‌ی جامع علمی را خودمان مستقل از مجموعه‌ی مسئول فراهم کردیم. من گفتم بیاورید؛ آوردند. گفتم یک خلاصه‌ای تهیه بشود که من بتوانم آن خلاصه را ببینم. آن خلاصه را هم تهیه کردند و آوردند. البته ما مجموعه را برای دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی فرستادیم که آنجا رسیدگی کنند، اما آن خلاصه را خود من هم باید ببینم؛ که هنوز فرصت و توفیق پیدا نکرده‌ام نگاه کنم. این اهتمام را، این بلندپروازی را در جوان‌ها من می‌پسندم. چند تا جوان دور هم می‌نشینند، می‌گویند آقا ما نقشه‌ی جامع علمی کشور را با نگاه خودمان می‌خواهیم فراهم کنیم. البته قول نمی‌دهیم که حتماً آن نقشه‌ی جامع پاسخگوی نیاز ما به یک نقشه‌ی جامع باشد - ممکن است اطلاعاتشان محدود باشد - اما این گستاخی، این بلندپروازی، این همت، این اعتماد به نفس برای ما خیلی مطلوب و جذاب است.

بنابراین، این چرخه‌ی علمی کامل لازم است. علاوه‌ی بر این، چرخه‌ی دیگری لازم است؛ از پدید آمدن یک فکر در ذهن یک نخبه یا یک نابغه، تا تحویل آن به مرکز علمی و فعالیت علمی روی آن و تبدیل این فکر به یک علم یا به شاخه‌ای از یک علم، تا عبور از این مرحله و رفتن به میدان فناوری و به عرصه آمدن فناوران و نخبگان فناوری و صنعتی بر روی این یافته‌ی

علمی، تا بعد به مسئله‌ی تجاری کردن - که به آن خواهیم پرداخت - برسد؛ این هم باز یک چرخه‌ی دیگر است. پس علاوه بر اینکه یک چرخه‌ی علمی باید به وجود بیاید که علوم، همدیگر را تکمیل کنند، به هم کمک کنند، یک منظومه به وجود بیاید، چرخه و سلسله‌ی زنجیره‌وار دیگری از تولید اندیشه‌ی علمی و ایده‌ی علمی، تا تشکیل یک مجموعه‌ی ذهنی علمی، تا آمدن به میدان فناوری و صنعت، تا آمدن به بازار و تبدیل به محصول هم باید حتماً به وجود بیاید. البته این‌ها، هم همت شما را میطلبد، هم مدیریت دستگاه‌های مسئول را. همه باید تشریک مساعی کنند که این اتفاق در کشور بیفتد.

مسئله‌ی تجاری‌سازی خیلی مهم است. یافته‌های علمی و صنعتی بایستی بتوانند در کشور تولید ثروت کنند. برادران مسئول در دفتر ما یک محاسبه‌ای کردند؛ نظر آن‌ها این است که تا سال ۱۴۰۴ ما باید بتوانیم حداقل بیست درصد از درآمد کشور را از راه صنایع دانش‌بنیان و فعالیت‌های تجاری دانش‌بنیان تأمین کنیم؛ یعنی از محل فروش محصولات علمی. این چیزی است که باید خیلی از دسترس دور نباشد. دانش، منشأ تولید ثروت است؛ البته به شکل صحیح، به شکل نجیبانه، نه آنچنان که دنیای غرب از دانش برای تحصیل ثروت استفاده کرد؛ که من بعد ان شاء الله اشاره‌ی مختصری خواهیم کرد. البته تجاری کردن اگر در ذهنیت دستگاه‌های مسئول باشد، بایستی از آغاز - یعنی از وقتی که ما پروژه‌ی علمی و پروژه‌ی صنعتی را تعریف می‌کنیم - به فکر تجاری کردنش باشیم؛ نگذاریم بعد از آنکه کار تمام شد، به فکر بیفتیم که بازاریابی کنیم. از اول باید این مسئله در محاسبات بیاید؛ که البته این مربوط به دستگاه‌های مسئول کشور است که دنبال کنند.



پیشنهاد کردند - من اینجا یادداشت کردم - که امکان تأسیس نوع تازه‌ای از شرکتها که عبارت است از شرکت‌های علمی و فناوری، در کشور فراهم شود. خیلی‌ها هستند که مایلند دسته‌جمعی کار علمی کنند، تحقیقات علمی کنند. این کمکی که دولت و مسئولان به پیشرفت‌های علمی و فناوری می‌کنند، منحصر نماند به کمک به افراد؛ این شرکت‌ها مورد حمایت قرار بگیرند. البته این‌ها با شرکت‌های تجاری که مالیات و تسهیلات متعارف بانکی به آن‌ها تعلق می‌گیرد، اشتباه نشوند؛ بلکه به طور ویژه به این شرکتها کمک شود. فکر می‌کنم این کار، کار لازم و مهمی است. دولت باید در این زمینه یک مدیریت هوشمندانه‌ای به کار برد.

یک مسئله‌ی دیگر که خیلی مهم است، تشکیل پژوهشگاه‌هاست. در هر دانشگاهی، علاوه بر پژوهشگاه‌های مستقلی که وجود دارد، لاقلاً باید یک پژوهشگاه جدی به وجود بیاید. خود دانشگاه‌ها به امر پژوهش، به صورت یک مجموعه در درون دانشگاه اهمیت بدهند. نخبه‌های ما بروند به سمت پژوهشگاه‌ها. البته نه اینکه رابطه‌شان با دانش و تعلیم و تعلم قطع شود، بلکه همچنان که میل خود نخبگان هم همین است که سراغ پژوهش بروند، جذب این پژوهشگاه‌ها شوند و در آنجا کار پژوهشی انجام دهند. امکانات - همان طوری که قبلاً عرض کردیم - در اختیارشان قرار بگیرد تا بتوانند پژوهش کنند؛ این همان چیزی است که یک نخبه را راضی می‌کند، قانع می‌کند؛ هم استعداد او را به جریان می‌اندازد و به فعلیت میرساند و احساس می‌کند می‌تواند کار کند، هم وسوسه‌هایی که در مورد عدم امکان کار در کشور می‌شود - که روزبه‌روز هم این وسوسه‌ها توسعه پیدا می‌کند - خنثی و بی‌اثر خواهد شد.

در این پژوهشگاه‌ها این امکان وجود دارد که از تجربه‌ی علمی و از پختگی اساتید دانشگاه‌ها که بعد از پایان دوره‌ی خدمتشان بازنشسته شده‌اند، استفاده شود و این‌ها حضور پیدا کنند. در این صورت، یک حلقه‌ی وصلی خواهد شد بین نسل جدید پژوهنده و پژوهشگر - که همین جوان‌هایند - و مجربینی که دورانی را در دانشگاه‌ها گذرانده‌اند.

به مجموعه‌ی نخبگان خیلی کمک شده. البته گوشه کنار گله‌گذاری‌هایی هست، من هم میشنوم. غیر از این چیزهایی که حالا در این جلسه به من گفته می‌شود، نامه می‌نویسند، گزارش می‌دهند، گله می‌کنند. بنابراین گله‌گذاری‌هایی هست، این گله‌ها حق هم هست، باید هم برطرف شود، شکی نیست؛ اما شما نگاه کنید ببینید در پنج شش سال اخیر، ما کجا بودیم، به کجا رسیدیم. در مورد کمک به نخبگان و توجه به نخبگان، ما در پنج شش سال قبل از این، در نقطه‌ی صفر بودیم؛ چیزی به این نام، کاری در این جهت، حرکتی به این صورت وجود نداشت. امروز خیلی کارهای خوبی شده. این توجه به نخبگان، این جمع کردن نخبگان، این شنیدن سخن نخبگان، این استفاده‌ی از ذهن و فکر آن‌ها و برقهایی که در ذهن نخبه‌ها می‌زند، این‌ها چیزهای جدیدی است. ما بایستی قدر بدانیم و متشکر باشیم. همه‌اش نباید نقاط منفی را دید.

یکی از طبایع انسان، فزون‌طلبی است. این خصوصیت، بد هم نیست. فزون‌طلبی مثل بقیه‌ی خصوصیات و غرائز انسانی، اگر در جای خود قرار بگیرد، در جهت خود حرکت کند، عامل پرواز انسان خواهد شد. در زمینه‌ی معنویات، هرچه انسان بتواند، باید فزون‌طلب باشد. کار علمی و کار فکری و



کار پژوهشی هم یک بخشی از معنویات است. بنابراین، این فزونی طلبی در انسان هست. هرچه هم انسان داشته باشد، باز یک گوشه‌ی ناقصی، کمبودی جلوی چشم انسان قرار می‌گیرد؛ این هیچ وقت تمام نمی‌شود. باید دید چه کار شده است. کارهای زیادی شده.

من می‌خواهم عرض بکنم؛ با این کمک‌های فراوانی که می‌شود، با وجود این کارهای خوبی که صورت می‌گیرد و واقعاً بارزش است و باید از مسئولین تشکر کرد، نباید گذاشت با بوروکراسی‌های اداری و پیچ‌وخم‌های گوناگون، شیرینی این کار در کام نخبگان تلخ شود؛ این را من جداً به مسئولین ذی‌ربط در این بخش توصیه می‌کنم. سعی کنند فراتر از این دیوان‌سالاری‌های متعارف و این پیچ‌وخم‌های گوناگون، راه‌های میانبر پیدا کنند، کارها را راحت‌تر پیش ببرند و آسانتر حرکت کنند.

البته از این طرف نباید بی‌انصافی کرد، نباید ناسپاسی کرد؛ حقیقتاً کار شده، حقیقتاً خدمت شده؛ نیت خدمت‌پیش از این هم هست. فرمود: «نِیَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»؛ یعنی همیشه نیت مؤمن بیش از آن مقداری است که گنجایش عمل اوست. قصد و نیت، خیلی زیاد است؛ خوب، انسان در عمل نمی‌تواند همه‌ی آن‌ها را انجام دهد. هرچه که شما از کار خوب انجام دادید، نیتتان باید چند برابر باشد. مؤمن اینجوری است که نیتش همیشه خیر است، از عمل او بهتر است. دستگاه‌های مسئول در این باب هم همین جورند؛ نیتشان واقعاً خیلی بیشتر است؛ منتها خوب، در عمل طبعاً مشکلاتی پیش می‌آورد.

یک چیز دیگر هم که فراموش نشود، این است که ما یک نظام رصد لازم داریم. باید دائماً رصد کنیم ببینیم خروجی این تلاشی که در زمینه‌ی نخبگان

انجام می‌گیرد، چقدر است؛ چقدر متناسب است این خروجی با سرمایه‌گذاری‌ای که شده. اینجور نباشد که ما سرمایه‌گذاری را بکنیم، بعد خروجی نباشد. اگر خروجی کم بود یا متناسب نبود، کاشف از این است که در روش‌ها اشکال وجود دارد، روش‌ها غلط است. بنابراین، این کار رصد دائمی لازم دارد.

در این بخش، فقط هم رصد کافی نیست؛ بایستی کشورهایی را هم که همت ما و نیت ما این است که از آن‌ها جلو بیفتیم، رصد کنیم. نباید تصور کرد که کشورهای دیگر، کشورهای همسایه، کشورهای اسلامی ایستاده‌اند و به ما می‌گویند بفرمائید جلو، تا ما از آن‌ها جلو بزنیم؛ نه، آن‌ها هم دارند تلاش می‌کنند. این رصد هم لازم است. اگر قرار است ما جلو بیفتیم، بایستی اطراف را هم بدانیم؛ بقیه‌ی بازیگران این صحنه باید زیر نظر باشند؛ بدانیم چه کار دارد انجام می‌گیرد؛ آن وقت بسنجیم که حرکت ما، همت ما متناسب هست یا نه.

من چند نکته‌ی دیگر یادداشت کردم که از آن‌ها می‌گذرم. ببینید، ما تأکید می‌کنیم روی علم. این تأکید، جدی است؛ تعارف نیست؛ از روی یک احساس کاذب تشریفاتی موسمی نیست؛ بلکه از یک تشخیص عمیق و محاسبه‌شده برمی‌خیزد. زورگوئی در دنیا زیاد است. زورگویان متکی به قدرتشان هستند. آن قدرت و آن ثروت و آن امکانات، برخاسته‌ی از دانش آنهاست. بدون دانش نمی‌شود مقابله کرد، نمی‌شود مواجهه کرد. من یک وقتی این حدیث را خوانده‌ام: «العلم سلطان»؛ علم عبارت است از اقتدار. علم، خودش یک اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشت، می‌تواند حرکت کند؛ هر کسی، هر ملتی، هر جامعه‌ای که نداشت، مجبور است از اقتدار دیگران پیروی کند. بنابراین،



این یک محاسبه‌ی دقیق است.

خوب، این علم دو جور می‌تواند هدف داشته باشد: یک جور هدفی که دارندگان کنونی علم در دنیا آن هدف را داشتند و دنبال کردند و آن هدف، هدفی است ناپاک و نامقدس. به ادعاها نگاه نکنید؛ واقعیت قضیه در پیشرفت علمی غرب، واقعیت بسیار تلخ و بسیار تأسف‌آوری است؛ واقعیتی است که انسان به هیچ قیمتی حاضر نیست به سمت آن حرکت کند. پیشرفت علم در دنیای غرب، چه از وقتی که اساساً تحرک علمی غرب شروع شد - باید گفت تحرک فکری، که مقدمه‌ی تحرک علمی بود - که از قرن شانزدهم میلادی در ایتالیا و در انگلیس و در جاهای دیگر شروع شد، چه آن وقتی که انقلاب صنعتی در قرن هجدهم ابتدا در انگلیس به وجود آمد؛ ایجاد کارخانجات بزرگ و ماشینهای عظیم که بتدریج در طول چند ده سال این اتفاق افتاد، بعد تولید ثروت از این راه - حالا آنچه که در خود آنها شد، چه حقوقی پایمال شد، چه فقرائی از بین رفتند، طبقه‌ای که بر اثر این ماشین‌های بزرگ به وجود آمد، چه ظلم‌هائی به مردم کردند، آنها بماند - بعد بتدریج گسترش این علم و فناوری در دیگر کشورهای اروپائی، به قیمت نابودی آزادی بسیاری از ملت‌ها، تهدید هویت بسیاری از ملت‌ها و وارد آمدن یک ظلم عظیم، همراه با سبعیت بر بسیاری از کشورها و ملت‌ها تمام شد. آنها احساس کردند مواد اولیه لازم دارند، احساس کردند بازار فروش لازم دارند؛ این هم در کشورهای دیگر بود؛ لذا از این دانش استفاده کردند و در مقابل شمشیر و نیزه، توپخانه تولید کردند؛ بعد هم انگلیسی‌ها و هلندی‌ها و پرتغالی‌ها و فرانسوی‌ها و بعضی دیگر از کشورهای اروپائی راه افتادند رفتند به اطراف دنیا، آنقدر با ابزار علم و فناوری

در دنیا فاجعه آفرینی کردند که اگر این‌ها را جمع کنند، یک دائرّه المعارف عظیم خواهد شد با ده‌ها مجلد و گریه‌آور... فقط آمریکا هم نیست؛ آمریکا بعد ملحق شده.

شما ملاحظه کنید این‌ها در هند چه کردند، در چین چه کردند. در قرن نوزدهم، انگلیسی‌ها در هند فجایی آفریدند که من یقین دارم - شما جوان‌ها کمتر هم به تاریخ و به این چیزها اهمیت می‌دهید - یک‌هزارم آنچه را که اتفاق افتاده، شما در تبلیغات و در حرف‌ها نشنیده‌اید. «نهر» در کتاب خودش مینویسد این‌ها آمدند هند. به گفته‌ی او، در دورانی که هنوز انقلاب صنعتی نشده بود و ماشین‌های بزرگ به وجود نیامده بود، شبه قاره‌ی هند از لحاظ صنعت، یکی از کشورهای پیشرفته‌ی دنیا بوده. این‌ها برای اینکه کار خودشان را پیش ببرند، صنعت هند را نابود کردند؛ طبقه‌ی متوسط هند را نابود کردند؛ پیدایش حرکت به سمت دانش و صنعت را با انواع و اقسام تضییقها متوقف کردند؛ یک بیماری مزمن در کالبد یک ملت به وجود آوردند و تزریق کردند؛ که هنوز که هنوز است، بعد از گذشت تقریباً صد و پنجاه سال از شروع این کارها در هند، این بیماری در آنجا علاج نشده. شبیه این کار را در چین کردند؛ فجایی که در چین آفریدند، فشاری که به ملت چین وارد کردند. این‌ها مال قرن نوزدهم است. در آفریقا چه کردند. به کمک علم، در خود قاره‌ی آمریکا چه فجایی را آفریدند. در آفریقا و در آمریکای لاتین، چقدر انسان‌های آزاد برده شدند؛ چقدر خانواده‌ها تارومار و نابود شدند. علم را اینجوری پیدا کردند. بنابراین جهت علم عبارت بود از حرکت به سمت ثروت، بدون رعایت ذره‌ای اخلاق و ایمان و معنویت. اروپائی‌ها همان وقت هم ادعای تمدن



می کردند، اما رفتارشان از وحشی‌ترین قبائل در حملات گوناگون قبیله‌ای وحشیانه‌تر بوده. اینهائی که عرض می‌کنم، شعار نیست؛ این‌ها هر کدامش سند، مدرک و تعبیرات دقیق دارد که چه کار می‌کردند؛ که الان مجال توضیح نیست. اگر من گوشه‌ای از آن‌ها را می‌گفتم، می‌فهمیدید که در آسیای شرقی، در آفریقا و در نقاط دیگر، به وسیله‌ی همین اروپائی‌ها و غربی‌ها و با ابزار علم آن‌ها چه اتفاقی افتاده است. چون هدف، ثروت بود، بنابراین اخلاقی وجود نداشت، مذهبی وجود نداشت، خدائی وجود نداشت.

ما این علم را نمی‌خواهیم. این علم، آن وقتی که رشد پیدا می‌کند و به منتهای درجه می‌رسد، می‌شود مثل این چیزی که امروز کشورهای غربی دارند؛ می‌شود بمب اتم، می‌شود این همه ظلم و ستم، می‌شود نابودی دموکراسی در مدعی‌ترین کشور دنیا از لحاظ دموکراسی - یعنی آمریکا - می‌شود اختلاف طبقاتی روزافزون و شکاف طبقاتی؛ میلیون‌ها کارتن‌خواب، میلیون‌ها زیر خط فقر در یک کشور ثروتمند و پیشرفته. این علم فایده‌ای ندارد. ما دنبال این علم نیستیم. نه تعلیمات انبیاء، نه تعلیمات اسلام، نه وجدان انسانی، ما را به این طریق سوق نمی‌دهد؛ هیچ شوقی در انسان نمی‌آفریند.

آن علمی که ما می‌خواهیم، همراه با تزکیه است. همین آیاتی که اول این جلسه تلاوت کردند، به این نکته اشاره دارد: «هو الذی بعث فی الأمیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة». اول، تزکیه است. تربیت دین، تربیت قرآن، تربیت اسلام این است. چرا اول تزکیه؟ برای اینکه اگر تزکیه نبود، علم منحرف می‌شود. علم یک ابزار است، یک سلاح است؛ این سلاح اگر در دست یک انسان بدطینت، بددل، خبیث و آدمکش قرار

بگیرد، جز فاجعه چیز دیگری نمی آفریند؛ اما همین سلاح می تواند در دست انسان صالح، وسیله‌ی دفاع از انسان‌ها، دفاع از حقوق مردم، دفاع از خانواده باشد. این علم را بایستی آن وقتی در دست گرفت که با تزکیه همراه باشد. این توصیه‌ی من به شماست.

شما بحمدالله جوان‌هایی هستید که خدای متعال به شماها توفیق داده در محیط دینی و اسلامی پرورش پیدا کنید؛ این فرصت خیلی خوبی است؛ این شبیه همان چیزی است که امام حسین (علیه‌السلام) در دعای عرفه به خدای متعال عرض می کند و می گوید: من تو را شکر می کنم که مرا در دولت اسلام - دولت پیغمبر - به وجود آوردی. البته فاصله‌ی ما با او خیلی زیاد است، فاصله‌ی زمین تا آسمان است؛ اما در آن جهتیم. این برای ما توفیقی است، برای شما جوان‌ها توفیقی است.

علم را برای خدمت، برای معنویت، برای پیشرفت فضائل انسانی، برای دفاع حقیقی از حقوق انسان باید فرا بگیریم. ثروت ملی و اقتدار ملی باید برای این باشد که این ملت بتواند برخلاف سنت رائج جهان، پرچم عدالت را در دست بگیرد. به کسی زور نگوئیم؛ به مظلوم کمک کنیم؛ با ظالم مقابل و مواجه شویم؛ جلوی ظالم را بگیریم.

شما فکرش را بکنید؛ اگر توی این دنیائی که سکه‌ی رائج عبارت است از ظلم و زورگویی و استکبار و استعمار و استثمار ملت‌ها، و هر کسی که قدم در جاده‌ی دانش و علم و پیشرفت می‌گذارد، همین راه را دنبال می‌کند - یک عده‌ای زور می‌گویند، یک عده هم زور را می‌پذیرند؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، که



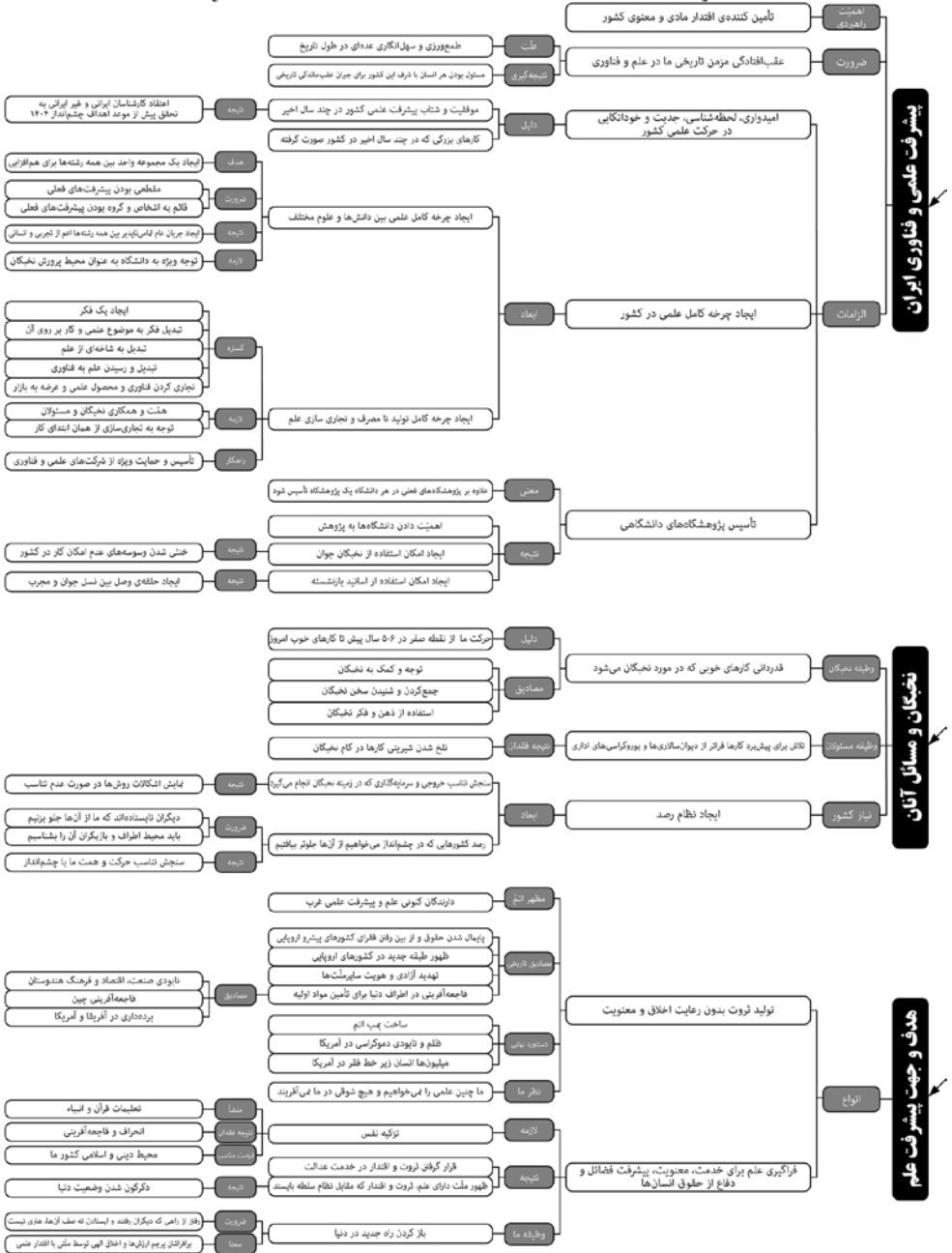
مجموعاً نظام سلطه را به وجود می‌آورند - یک ملتی قد علم کند، عالم باشد، قدرت داشته باشد، حرف برای زدن داشته باشد و بتواند صدای خودش را به دنیا برساند، دارای فناوری پیشرفته و ابزارهای گوناگون ارتباطی باشد، دارای قدرت تبلیغات باشد، دارای انسان‌های با اعتماد به نفس بالا باشد و با این نظام سلطه مواجهه و مقابله کند؛ آنجائی که همه دست به دست هم می‌دهند تا یک ملت را مظلوم کنند، زیر پا له کنند، او به دفاع از آن ملت سینه سپر کند، ببینید در دنیا چه اتفاق عجیبی رخ خواهد داد؛ وضع دنیا دگرگون خواهد شد. برای این هدف کار کنید، علم را برای این فرا بگیرید، دنبال این باشید - این لازم است - و الا اگر روشی که علم‌آموزان و صاحبان علم در دنیا در این دوپست سال سیصد سال دنبال کردند، ما هم ته صف آن‌ها بایستیم، راهی که آن‌ها رفتند، ما هم همان راه را برویم، این که هنری نیست؛ این که هدفی نیست که انسان از جان خودش برای آن مایه بگذارد. ما بایستی راه جدیدی را باز کنیم. راه جدید این است که یک ملتی با دارا بودن ابزار علم و اقتدار علمی - که همه چیز دیگر را به دنبال خودش می‌آورد - انگیزه‌های الهی و ارزش‌های الهی و اخلاق الهی را در دنیا علم کند و پرچمش را برافرازد. این، آن توقعی است که ما از شما داریم.

پروردگارا! جوانان عزیز ما را در این راه پرافتخار، روزبه‌روز و بیش از پیش هدایت و کمک بفرما.

والسّلام علیکم ورحمة اللّٰه و بركاته

مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان جوان

۱۳۸۷-۷/۱۴





**سخنرانی خانم دکتر سلطانخواه، معاون علمی و فناوری
رئیس جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان
در چهارمین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۸۹)**

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين والله خير ناصر و معين با عرض سلام و کسب اجازه از محضر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی بزرگترین حامی و راهنمای علم و اندیشه و با سلام خدمت میهمانان و جوانان عزیز نخبه. خداوند را شاکرم که در این محضر مبارک همراه با نخبگان عزیز توفیق حضور نصیب گردید. همایش‌های سالیانه نخبگان جوان و حضور عزیزان تحت پوشش بنیاد، در محضر رهبر انقلاب اسلامی علاوه بر آنکه برای همه جوانان با استعداد و نخبه کشور الهام بخش و برای همه مسئولین و خدمتگزاران بنیاد ملی نخبگان راه‌گشا بوده است، فرصت مغتنمی است تا فعالیت‌های هر ساله بنیاد جمع‌بندی و ارائه گردد و برای مهم‌ترین برنامه‌های آینده با رهنمودهای رهبر فرزانه و همچنین مشورت و نظرخواهی از نخبگان تصمیم‌گیری شود.

تأکیدات معظم‌له در سه همایش قبلی و دیگر دیدارها با اقشار مختلف مردم در توجه دادن به اهمیت حرکت علمی و پیشرفت علمی بعنوان یک ضرورت مضاعف و نیاز اول کشور و هم‌افزایی تولید دانش و تولید ثروت و پایه‌ریزی اقتصاد، اشتغال و تولید مبتنی بر دانش و لزوم آمادگی و بصیرت جوانان برای مقابله با تهدیدهای دشمنان با هدف توقف کار علمی؛ همه و همه این امیدواری را در جمع فرزندان مستعد شما و تمامی نخبگان و فرهیختگان کشور به یقین تبدیل کرده است که پشتیبانی و سیاستگذاری نظام جمهوری اسلامی در نهضت رشد علمی کشور یک نگاه راهبردی و با پایه‌های ایمانی و اعتقادی عمیق و اصولی است که در جریان حوادث روزگار نمی‌تواند دچار خدشه، انحراف و ناامیدی گردد.

خوشحالیم به استحضار رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی برسانیم که در طول یک سال گذشته حرکت و برنامه‌ریزی در بنیاد با جدیت تمام ادامه داشته است. از یک طرف حرکت قانونمند سازی حمایت‌های بنیاد از همه اقشار و اصناف نخبگان و استعداد‌های برتر ادامه پیدا کرده است و با توجه به تجارب سه سال گذشته، آیین‌نامه‌های حمایت از نخبگان علمی و استعداد‌های برتر تکمیل و بازنگری اساسی شده است. در مجموعه قوانین بنیاد آیین‌نامه حفظ پویایی و تمدید جوایز از مقاطع پایین‌تر به مقاطع بالاتر کارشناسی ارشد و دکترا به شرط حفظ پویایی استعداد‌های برتر تدوین شده است.

به استحضار می‌رساند که هم اکنون جمع عزیزان نخبه و استعداد‌های برتر که خدمات بنیاد را دریافت نموده‌اند از مرز نه هزار نفر گذشته است اخیراً نیز ۲۲۰



تن از نفرات برتر آزمون سراسری ورود به دانشگاه‌ها و ۲۸۲ تن از برگزیدگان المپیادهای دانش‌آموزی در سال ۸۹ به جمع خانواده بزرگ بنیاد پیوسته‌اند.

در محضر شریف گزارشی مختصر از رئوس بعضی برنامه‌ها و اقدامات بنیاد در سه حوزه کلی فرهنگی، حمایتی و پشتیبانی، توسعه‌ای و ارتباطی تقدیم می‌گردد.

در حوزه فرهنگی: مسئولین بنیاد با تأسی از بیانات و منویات حضرت‌عالی در حوزه نخبگان واقفند که حمایت از نخبگان و استعداد‌های برتر و کار برای آن‌ها باید در یک بستر فرهنگی مناسب انجام گیرد تا نخبگان ایران اسلامی به همراه کار و تلاش احساس تعلق خاطرش به میهن اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی و آرمان‌های آن ارتقاء یابد و بتواند تحولات را مدیریت کند.

تجربه موفق سفرهای عمره مفرده، کاروان‌های راهیان نور و بازدیدهای علمی از توانمندی‌های علمی و صنعتی کشور از برنامه‌هایی است که با موفقیت ادامه دارد و سفرهای جهادی به مناطق محروم و شرکت در عمران و سازندگی کشور بعد دیگری از فعالیت‌های فرزندان شما بوده است که امسال به مجموعه اضافه شده است.

البته معاونت جدیدی بنام معاونت فرهنگی، شناسایی و جذب به ساختار سازمانی بنیاد اضافه شده است که یک مأموریت مهم آن، تدوین برنامه جامع فرهنگی نخبگان است.

در حوزه حمایتی و پشتیبانی: در این حوزه سعی می‌شود که پشتیبانی و حمایت‌های بنیاد از نخبگان به صورت همه‌جانبه و جامع برنامه ریزی شود، یعنی توجه به این نکته که حمایت از نخبگان دو جنبه دارد یک جنبه آن به شکل

مادی است که جای خود محفوظ است و در حد توان و بضاعت این حمایت‌ها که لازم هم هست رسیدگی و برآورده می‌شود و همچنان دایره شمولیت آن در حال گسترش است و به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

اعطای جوایز تحصیلی ماهیانه به ۲۹۰۰ نفر از دانشجویان نخبه و استعداد‌های برتر، اعطای جایزه علمی ماهیانه شهید چمران به محققان دوره پسا دکتري، اعطای اعتبار پژوهشی مرحوم کاظمی آشتیانی به ۱۷۵ نفر از استادیاران جوان، اعطای اعتبار پژوهش و نوآوری به ۱۲۰۰ تن از برگزیدگان جشنواره‌های مختلف و مسابقات فن‌آفرینی، اعطای تسهیلات به برگزیدگان مسابقات قرآنی و مسابقات ملی و بین‌المللی مهارت، ارائه تسهیلات وام مسکن نخبگان بر اساس مصوبه دولت که اواخر سال ۸۸ اجرایی گردید.

همچنین، به منظور پشتیبانی از اختراعات و نوآوری‌ها و حرکت به سوی کاربردی شدن و تجاری سازی اختراعات از ۱۴۰۰ اختراع پس از تایید علمی، حمایت مالی بعمل آمده و بعلاوه نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های ملی و استانی اختراعات نظیر جشنواره ملی نوآوری و شکوفایی برپا شده است.

اما جنبه دیگر آن حمایت معنوی است و آن شأن نخبگی و توجه به ارتقاء دستاوردهای نخبگان و کمک به تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی بیشتر و بهتر نخبگان در محیط اجتماعی و ملی است.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حمایت معنوی از نخبگان، بسترسازی برای ورود نخبگان به بازار کار مناسب و دانش بنیان توسط خود آن‌ها و برای آنان است. با این رویکرد با پیشنهاد معاونت علمی و فناوری لایحه حمایت از شرکت‌های



دانش بنیان و تجاری سازی اختراعات و نوآوریها در دولت تصویب و در نهایت در مرداد ماه امسال در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در این لایحه حمایت‌ها و تسهیلات قابل اعطا به شرکت‌های دانش بنیان در دو بخش تاسیس و فعالیت‌ها پیش‌بینی شده است.

همچنین جهت تسهیل اشتغال نخبگان و استعدادهای برتر با وزارت تعاون و بانک توسعه تعاون تفاهم‌نامه ارائه تسهیلات به تعاونی‌های دانش بنیان منعقد شده اما، موفقیت این دو برنامه نیازمند اقدامات تکمیلی، همکاری و همکاری دیگر دستگاه‌ها است.

تلاش بنیاد ملی نخبگان و معاونت علمی و فناوری برای فرهنگ سازی جهت اقبال به کسب و کار دانش بنیان از طریق مرسوم نمودن اصطلاحاتی چون حمایت از شرکت‌های دانش بنیان، تعاونی‌های دانش بنیان، تجاری سازی فناوری‌ها، تکمیل چرخه نوآوری، تکمیل حلقه‌های نظام نوآوری و نظایر آن موجب شده است این مفاهیم در فرهنگ عمومی و در فضای دانشگاهی مرسوم و دیگر واژگانی غریب و نامأنوس نباشند و این حاصل نمی‌شد مگر با حمایت‌ها و ارشادات حضرتعالی و تلاش مسئولین لیکن تا تحقق جامع این هدف راه زیادی را باید طی نمود.

عرصه دیگر برقراری ارتباط دستگاه‌های اجرایی با نخبگان و استفاده از پتانسیل‌های علمی و اجرایی آنها که تا کنون ۴۷۱ نفر از آنان به دستگاه‌ها و مراکز مختلف معرفی شده‌اند.

ضمناً آیین نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه با همکاری معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رئیس جمهور در حال تهیه است.

در حوزه توسعه‌ای و ارتباطی:

دفاتر استانی بنیاد به منظور شناسایی نخبگان و استعداد‌های برتر و در جهت فراهم نمودن فرصت برابر برای رشد و شکوفایی آنان در ۱۵ استان کشور طی یکسال گذشته افتتاح گردید و عدد آن‌ها مجموعاً به ۱۹ دفتر رسید. بدیهی است که این حرکت باعث جلوگیری از تمرکز و مهاجرت نخبگان در داخل کشور می‌شود. در کنار فراهم شدن این ارتباط فیزیکی از طریق دفاتر استانی، ارتباط مجازی نخبگان با یکدیگر و با بنیاد نیز از طریق درگاه ارتباطی نخبگان ایرانی تسهیل خواهد شد و در این همایش رسماً افتتاح می‌شود.

همچنین به منظور هم‌اندیشی و ارتباط نزدیکتر با نخبگان و بهره‌گیری از ایده‌ها و نظرات آنان طی سال گذشته سه نشست با نخبگان در دانشگاه‌های تهران، شریف و علوم پزشکی تهران برگزار گردیده و ان شاء... همچنان ادامه خواهد داشت که این علاوه بر نشست‌های نخبگان در سفرهای استانی است. همچنین به منظور کشف و شکوفا کردن استعداد‌های خدادادی دانش‌آموزان سرآمد به ویژه در مناطق محروم طرح شناسایی و هدایت استعداد‌های برتر (شهاب) با همکاری وزیر محترم آموزش و پرورش وارد مرحله اجرایی شده است. ضمناً این طرح امسال به صورت محدود در ۳ استان تحت نام « طرح دوست علمی» با مشارکت نخبگان عزیز اجرا گردید.

در پایان ضمن تشکر از این فرصت که بخشی از زحمات همکارانم را به اطلاع رساندم تقاضا دارد که در صورت صلاحدید جمع حاضر را از فرمایشات حکیمانه و راهگشای خود بهره‌مند فرمایید.

والسلام علیکم و رحمه اله و برکاته



سخنرانی نخبگان چهارمین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی)^۱



دکتر حسین میرزایی

(استادیار جامعه شناسی دانشگاه تهران - رتبه اول دوره دکترا)

بسم الله الرحمن الرحيم. چند نکته رو عرض می‌کنم که دو نکته بر می‌گردد به دو تحقیقی که در جشنواره فارابی و خوارزمی بود که شرف حضور در این محضر بدلیل اون دو تحقیق هست سپس دو سه نکته دیگه اگه فرصت باشه خدمتون عرض خواهم کرد. نکته اول به تحقیقی بر می‌گردد که در سال ۷۹ و ۸۰ به اتفاق دوست عزیزم آقای دکتر عباس رجایی کاظمی به سفارش معاونت اجتماعی ناجا انجام دادیم تحت عنوان بررسی ماهیت و ساختار جنبش دانشجویی در ایران بعد از واقعه ناگوار ۱۸ تیر. نتیجه اون تحقیق رو در عرض ۳۰ ثانیه اگه بخوام عرض کنم، این بود که جریان دانشجویی و حرکت دانشجویی در ایران یک حرکت اصلاحی هست و نه غیر از اون و بهمین خاطر هم در نحوه برخورد حتما باید این موضوع مورد توجه واقع بشود و چنانچه این توجه صورت نگیرد احیانا نوع مدیریت ممکن است فضای دیگری را ترسیم کند و به لطف خدا و درایتی که واقعا در اون ایام انجام شد و مشخصا هم به نظرم میاد که از سردار قالیباف و سردار طلایی در اینجا نام ببرم، کار در نوع برخورد با وضعیت دانشجویی بگونه ای بود که دانشجویان در ایام ۱۶ آذر مطلع بودند که فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ در دفتر رییس

۱- در سخنرانی نخبگان عین مطلب، بدون هیچ دخل و تصرفی آورده شده است.

دانشگاه جلسه دارند و نوع مواجهه بگونه‌ای بود که اساساً هیچ حساسیتی نبود و بعد از ۵ سال ترمیمی صورت گرفت و اعتباری ایجاد شد به لطف خدا در نظام مقدس جمهوری اسلامی که غیر از این هم البته انتظار نمی‌رفت. خب بعد از ۱۰ سال متأسفانه شاهد واقعه دیگری بودیم که به تأکید ارزشمند حضرت‌عالی و پیگیری‌های رییس محترم دانشگاه تهران و مسولین دست‌اندرکار شنیدم که دیروز اولین دادگاه اون واقعه برگزار می‌شود و واقعا امیدوارم جامعه ایران و نظام مقدس جمهوری اسلامی چنین چیزی را در آینده خودش نداشته باشد و وضعیت دانشگاه‌های ما به سمت بهبود و اصلاح باشد و در پرتو جمهوری اسلامی باشد و در یک معنا به اصلاح امور منجر بشه و نوع مواجهه‌ها هم امیدوارم مواجهه‌های اصلاحی و از این جنس باشد. تحقیق دوم تحقیقی بود در خصوص «بررسی جامعه‌شناختی فردگرایی در ایران» که پایان نامه دکتری من در سال ۸۴ بود در دانشگاه تهران و اگر یک کلمه از اون تحقیق بخوادم عرض کنم این است که فردگرایی ایرانی با فردگرایی در جوامع غربی متفاوت است به این معنا که آنچه ما در جامعه ایرانی داریم فرد به مثابه یک شخص تک منفرد وجود ندارد، ما یک حلقه‌ای داریم که خانواده محور اصلی آن می‌باشد و بهمین خاطر تعبیر می‌شود کرد از خانواده فردگرا در جامعه ایرانی. این فردگرایی خانواده‌گرا در خانواده ایرانی و اساساً به نوعی در حوزه خویشاوندی و حوزه‌های دیگر تسری پیدا می‌کند محاسنی و معایبی دارد. از جمله محاسن این فردگرایی خانواده‌گرا تأکید بر یک هسته اجتماعی است. ولی وقتی تسری به حوزه اجتماعی پیدا نکند می‌تواند باعث آسیب‌ها و مشکلات جدی بشود. شاید بشود گفت بخشی از آن چیزی که در تحقیقات اجتماعی ما نشون می‌دهد اعتماد تعمیم یافته در جامعه پایین است. ولی اعتماد بین شخصی بسیار بسیار بالایی داریم. نکته‌ای



که هست ای است که این اعتماد بین شخصی که اصطلاحاً اعتماد بین افراد، بین دوستان و بین افراد و خانواده شان هست، این اعتماد اعتمادی هست که در حوزه اجتماعی تسری پیدا نمی‌کند. این بحث فردگرایی که عرض کردم به نوعی باید به حوزه اجتماعی تسری پیدا بکند تا اینکه به یک معنا مسائل اجتماعی کمتری داشته باشیم و اون فردگرایی خودخواهانه‌ای که در حوزه رفتارهای اجتماعی وجود دارد کاهش پیدا کند. نکته سوم تاکید ارزشمند حضرتعالی بر مولد بودن علوم انسانی و مصرف کننده نبودن اون و رویکرد لازم بودن علوم انسانی موجود و کافی نبودن آن، که در فرمایش‌هایتان در دیدار با اساتید دانشگاه و مراحل دیگر هم من دیدم که این مسئله را تفسیر فرمودید اما واقع مطلب این هست که بیش از آنکه تاکید حضرتعالی بر لازم بودن علوم انسانی و کافی نبودنش مورد توجه واقع بشود تعبیر دیگری صورت گرفته است و بهمین خاطر مطلوب حضرتعالی نیست و ما اگر رشدی در علوم پزشکیمان، علوم فنی مان، علوم پایه‌مان در ایران داریم بدلیل اعتمادی هست که به آدم‌های این رشته کردیم، حضرتعالی از جمله افرادی هستید که در این اعتمادورزی مصداق و شاهد مثال هستید. از جمله آقای مرحوم دکتر کاظمی و دوستان دیگری که برکاتی برای جمهوری اسلامی بوجود آوردند که اعتماد شما بخش اعظمی از آن اتفاق را بوجود آورد. به علوم انسانی هم باید اعتماد کرد به عالمان انسانی هم باید اعتماد کرد تا نظریه‌هایی مرتبط با زیست بوم جامعه ایرانی حاصل بشود. قطعاً علم جهانی محلی هست. ما نیاز به علم کشورهای دیگر به معنای کسب تجربه داریم اما قطعاً اگر بخواهیم در آن بمانیم و صرفاً ترجمه‌ای کار کنیم قطعاً به خطا رفته‌ایم و بهمین خاطر این اعتماد باید صورت بگیرد. در عمل کاستی‌ها مشخص می‌شود و تا زمانیکه این اعتماد صورت نگیرد و جدی



نباشد این اعتماد قطعا ما دچار مسائل و مشکلات عدیده‌ای خواهیم شد. من از دوستان عذرخواهی می‌کنم که وقتشان را گرفتم دو تا نکته کوچک عرض می‌کنم و عرضم را به اتمام می‌رسانم. تاسیس پایگاه جامع داده‌های اجتماعی و فرهنگی کشور از ضرورت‌های اصلی علوم اجتماعی ایران است. این ضرورت را مشخصا در چندسال اخیر با تعطیلی دفتر طرح‌های ملی وزارت ارشاد بیشتر احساس کردیم. از حضرتعالی تقاضایی که دارم این است که تاکید بفرمایید وزارت کشور، وزارت ارشاد و وزارت علوم این سه رکن به تاسیس چنین پایگاهی اقدام کنند که اگر قرار باشد علوم انسانی به یک معنا در حوزه تحقیقات اجتماعی جدی وجود داشته باشد، باید از این طرح استفاده کنیم و پیوسته‌های اجتماعی فرهنگی که حضرتعالی تاکید می‌فرمایید باید در ذیل اون طراحی بشود. نکته آخر که می‌خواهم عرض کنم اینکه در سخنرانی حضرتعالی در دیدار با رییس دانشگاه تهران و مسئولین دست‌اندرکار در ۱۳۸۸/۱۱/۵ تعبیری را فرمودید به این صورت که: در دانشگاه باید روح سیاسی زنده باشد تا شور و نشاط باشد. این بحث معطوف به صرف به دانشگاه نیست و تاکید فرمودید که سیاسی کاری نکنید ولی به سیاست باید توجه کرد. اگر علوم انسانی به سیاست توجه نکند پس چه کسی توجه کند؟ به نظر می‌رسد که فاصله‌هایی ایجاد شده است. خیلی‌ها وارد بحث سیاست دیگر نمی‌شوند بدلیل اینکه احساس می‌کنند وضعیت آسیب پذیر است و آسیب می‌بینند در حالی که ما باید این اعتماد و اجازه را بدهیم که این سیاست ورزی‌ها و کارها و سخن‌های علمی صورت بگیرد و کم و بیش صورت هم می‌گیرد ولی باید بیشتر از این باشد تا کاستی‌ها و نواقص هم ان‌شالله مرتفع بشود. من از اطاله کلام عذرخواهی می‌کنم و بسیار متشکرم از حضرتعالی.





آیت الله قرقانی

(فارغ التحصیل مهندسی مکانیک مقطع دکترا)

بسم الله الرحمن الرحيم. بحثی که من می‌خواهم در رابطه با آن حرف بزنم ضعف پژوهشی در دانشگاه‌ها و ارتباط آن با مهاجرت دانشجویان به خارج از کشور است. اول به ضعف‌ها اشاره می‌کنم و بعد از آن به راه‌حل‌های پیشنهادی از نظر بنده. نبود بستر مناسب پژوهشی از لحاظ علمی و امکاناتی. برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های کشور از دلایل مهم مهاجرت دانشجویان به کشورهای دیگر هست. تعریف پایان‌نامه‌هایی که حمایت مالی مناسبی از آن‌ها نمی‌شود و از لحاظ علمی نیز بار چندانی ندارند باعث گردیده است که دانشجویان حتی پس از شروع دوره تحصیلات تکمیلی و در میانه راه به فکر مهاجرت برای یافتن زمینه مورد علاقه برای تحقیقات علمی می‌افتند که این می‌تواند بعنوان یک بن بست علمی برای آن دانشجویی که در وسط دوره دکترایش اقدام به مهاجرت می‌کند نام برده شود. تناسب نداشتن تعداد استادان و دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی و ضعف پژوهشی استادان در زمینه‌های جدید پژوهشی باعث گردیده است که دانشجویان تحصیلات تکمیلی بصورت خودآموز به تحصیل مشغول باشند و حتی مشهود هست که در دانشگاه‌ها استاد به دانشجو پیشنهاد می‌دهد که شما پروژه پیشنهاد بدهید و بعد بیا با من کار کن که این واقعا بنظر من یکی مصیبت علمی می‌تواند باشد برای دوره تحصیلات تکمیلی. تمام اینها دست به دست هم داده تا دیگر امروز نتوانیم بگوییم که مهاجرت دانشجویان فرار مغزهاست یا فرار نخبگان بلکه می‌توانیم بگوییم مهاجرت دسته جمعی دانشجویان صورت می‌گیرد در دانشجوهای کشور ما که حتی با معدل‌های پایین بچه‌ها اقدام به رفتن می‌کنند. معدل‌هایی با نمره‌های ۱۴ یا ۱۵

را شما نمی‌تونید دیگه نخبه بنامید. کسی که با هم‌چین معدلی می‌رود حتی برای اون نخبه‌ای هم که می‌مونه دیگه انگیزه‌ای برای کار نمی‌مونه. می‌گه وقتی که یک نفر با شرایط خیلی پایین تر از من رفت به یک شرایط بهتر رسید چرا من بمونم و با تمام این مشکلات دست و پنجه نرم بکنم. راه حل‌هایی که بنظر من می‌رسند: جایگزینی استادان جوان و دانش آموخته‌های با استعداد و بروز از لحاظ علمی با استادانی که بازده چندانی نداشته و صرفاً بخاطر سابقه در دانشگاه مانده‌اند. تو این زمینه می‌تونیم ارائه مشوق‌هایی به دانشجویان برتر دانشگاه‌های کشور مانند بورسیه آن‌ها بعنوان هیئت علمی میتونه از خروج گسترده دانشجویان، بخصوص دانشجویان برتر از کشور جلوگیری کند. پذیرش دانشجو در مقطع تحصیلات تکمیلی فقط در صورتی که پروژهای از صنعت و یا مراکز تحقیقاتی به دانشگاه‌ها تحویل داده باشد تا هم پروژه هدفدار باشه و هم حداقل نیاز مالی دانشجو را تامین بکند. بهمین دلیل به نظر من بحث کنکوری کردن دوره دکترا ویران کردن تحصیلات تکمیلی در کشور خواهد بود که یک تعداد خیلی زیادی دکترا را بگیریم بیاریم و بعد دنبال استاد بگردیم و بعد استاد خودش بگه که شما پروژه بیار با من کار کن. نکته سوم تخصیص سهمی از پژوهانه استادان به دانشجویان دکتری برای تامین حداقل‌های زندگیشون باشه. که واقعا من خودم به شخصه که با چندین تن از دوستان حرف می‌زدم میگفتن که ما حداقل به این امید که یک حمایت مالی خیلی کوچیک تصویب شده بود که بصورت وعده و وعید درآمده بود و در عمل اصلاً به تحقق نرسید. چند سال پیش گفتند ما باید از دانشجویان دکتری حمایت بکنیم ولی اصلاً مسکوت ماند و بعد هم فکر کنم کلاً ملغی شد در پایان هم امیدوارم که مسئولین آموزش عالی و روسای دانشگاه‌های مطرح کشور در عمل از رهنمودهای حضرت تعالی که ایجاد بستر مناسب پژوهشی برای افراد مستعد در دانشگاه می‌باشد پیروی کنند و شاهد اثر گذاری زود هنگام نظرات دوستان در دانشگاه‌ها باشیم. والسلام





سارا دادرسی

(دانشجوی مهندسی برق، مقطع کارشناسی ارشد و رتبه اول دانش آموخته برتر سال ۸۹)

بسم الله الرحمن الرحيم. با سلام خدمت مقام معظم رهبری. بر کسی پوشیده نیست که انقلاب جایگاه و هویت واقعی زنان رو آشکار کرده و زمینه رو برای حضور و فعالیت زنان در اجتماع فراهم نموده. با توجه به عزم ملی که وجود دارد برای دسترسی به اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴ و شاخص‌های تعریف شده زنان همگام با مردان سهم قابل توجهی در رسیدن به این اهداف و پیشبرد آنها دارند. از این رو انتظار می‌رود که بانوان نقش و حضور پررنگتری در جامعه داشته باشند. اینجانب تمایل دارم از این فرصت استفاده کنم و در راستای بیان مشکلات بانوان و راهکارهای مناسبی که جهت اجرایی شدن حضور زنان و مشارکت بیش از پیش آنها در جهت پیشرفت و اعتلای ایران اسلامی مطالبی رو خدمت حضرتعالی عرض کنم.

در ابتدا معضلاتی که پیش روی بانوان به نظر اینجانب می‌رسد:

- ۱- نگاه سنتی که به جامعه بانوان در کشور وجود دارد علیرغم شعارهای پر زرق و برقی که برای حضور زن در جامعه مطرح می‌شود.
- ۲- محدود بودن فرصت‌های شغلی برای بانوان و در اولویت قرار گرفتن آقایان در فرصت‌های برابر. طبق آمار ارائه شده از مرکز آمار ایران. نرخ فعالیت اقتصادی زنان ۱۴٫۵ درصد. نرخ بیکاری زنان ۱۶٫۸ درصد در سال ۸۸ بوده که البته نرخ بیکاری زنان در رده سنی ۱۵ تا ۲۹ سال به ۳۱ درصد می‌رسد
- ۳- روند کند و گاه به گاه استفاده از زنان در مدیریتهای کلان کشور و اکتفا به مدیریتهای فانتزی به عبارت دیگر دوراهی فکری که وجود دارد برای اعتماد کامل به بانوان و سپردن سطوح همسطح با آقایان به آنها. که البته در سالهای اخیر حرکات مثبتی در این زمینه صورت گرفته است.

- ۴- محدود بودن دوره های تحصیلات تکمیلی در داخل کشور و در نتیجه فرصت اندک ادامه تحصیل برای بانوان با نیم نگاهی به این موضوع که تحصیل در خارج از کشور و خارج از ایران اسلامی برای یک بانوی مسلمان چقدر می تواند مشکل باشد و اما راهکارهایی که بنظر اینجانب میرسد عبارت است از:
- ۱- تعریف مشخص و صریح مدیریت و جایگاه های مدیریتی کشور برای بانوان بطوریکه تا سال ۱۴۰۴ ما شاهد حضور پررنگ زنان در اجتماع و جایگاه های مدیریتی باشیم البته حضور بانوان در سطح وزارت و معاونت ریاست جمهوری میتونه نوید بخشه حضور گسترده زنان باشد در این امور و در این سطوح مدیریتی
 - ۲- استفاده بیشتر از بانوان توانمند از لحاظ علمی و عملی بعنوان مشاور در نهادهای تحت نظارت رهبری و ریاست جمهوری جهت معرفی توانایی زنان و تلاش برای نهادینه کردن شایسته سالاری فارغ از مرزهای جنسیتی
 - ۳- ارایه تسهیلات برای ادامه تحصیل بانوان در داخل کشور و جلوگیری از خروج مغزهای نخبه از کشور در سال های اخیر که در صورت عدم حمایت و با توجه به مباحث مذهبی و اعتقادی ممکن هست عواقب نامناسبی برای خود بانوان و خانواده اونها در پی داشته باشه
 - ۴- ایجاد فرصت های مناسب شغلی و استفاده بیشتر از بانوان در دانشگاه ها و جامعه علمی و پژوهشی کشور
 - ۵- پرهیز از استفاده سیاسی و ابزاری از زنان نخبه جهت کسب مقبولیت اجتماعی در پایان بدین خاطر که زنان نیمی از جمعیت جامعه رو تشکیل می دهند و بنظر من استفاده نکردن از زنان باعث می شود که نیمی از پتانسیل فکر اجتماعی و عملی جامعه هدر برود لذا از حضرتعالی تقاضا داریم با ارائه بازتعریفی از نقش زن در عصر حاضر و مطابق با دورنمای سند چشم انداز ارایه طریق نمایید.





دکتر حسینیان

(رتبه سوم المپیاد شیمی کشوری و عضو مرکز تحقیقات سرطان جهاد دانشگاهی)

بسم الله الرحمن الرحيم. عرض سلام و ادب احترام به رهبر معظم انقلاب و بزرگواران حاضر در این جمع. رهبر بزرگوار جهاد دانشگاهی در هر عرصه ای که وارد شده است فرهنگساز بوده و ثمره باور شما به اینکه ما می توانیم در جهاد تبلور یافته است. کیست که نداند اگر حمایت ویژه جنابعالی نبود امروز سلول های بنیادی در کشور شکل نمی گرفت. خوشبختانه امروز در جهاد دانشگاهی مراکز تحقیقاتی متعددی داریم که در مرزهای دانش حرکت می کنند. و نشان داده اند که با اندک حمایتی تحولات کم نظیری را در عرصه پژوهش و فناوری را رقم می زنند. یکی از این مراکز ارزشمند مرکز تحقیقات سرطان جهاد دانشگاهی علوم پزشکی تهران می باشد. همانگونه که می دانید سرطان سومین عامل مرگ و میر در کشور می باشد. و در طی ده سال آینده شیوع آن سه برابر خواهد شد. مشکل سرطان فراتر از اعداد مربوط به مرگ و میر آن است. چرا که از یکسو بدلیل هزینه های سنگین درمانی آسیب شدیدی به عملکرد اقتصادی خانواده می زند و از سوی دیگر بدلیل ابتلای بیماران به افسردگی و اضطراب منجر به افت کیفیت زندگی آنان می شود. درمان سرطان نیازمند همکاری نزدیک متخصصان رشته های مختلف می باشد و فرزندان شما در مرکز تحقیقات سرطان جهاد دانشگاهی در پی بیش از یک دهه فعالیت علمی توانسته اند به موفقیت های شگرفی در عرصه درمان، تشخیص و حمایت از بیماران سرطانی دست یابند. به عنوان مثال پس از تحریم کیت های تشخیص سرطان از سوی غرب محققین جهاد دانشگاهی سرفرازانه خود اقدام به تولید این کیت های تشخیصی که برای تعیین نوع درمان و استمرار آن ضروریست نموده اند که در حال حاضر در مراحل پایانی کار آزمایی خود می باشد. اگر این مرکز از حمایت های مادی و معنوی لازم برخوردار گردد نه تنها در کشور می تواند منشا خدمات بزرگی به بیماران باشد بلکه با تولید علم

در زمینه‌های ژنتیک سرطان و درمان‌های پیشرفته سلولی و مولکولی می‌تواند زمینه تاسیس مرکز خاورمیانه‌ای سرطان پرست را که از برنامه‌های جهاد دانشگاهیست هرچه زودتر فراهم آورد انشالله در این مرکز همگام با وزارت بهداشت که متولی اصلی سلامت در جامعه است تلاش خواهیم کرد در جهان اسلام سرآمد باشیم. از دیگر مراکز فعال در جهاد دانشگاهی علوم پزشکی تهران مرکز تحقیقات لیزر پزشکی و مرکز تحقیقات ژنتیک در سرطان است که هر دوی این مراکز در حال حاضر توانسته‌اند با جذب نخبگان بین‌المللی جهش‌های پژوهشی ارزشمندی را در عرصه‌های نوین پزشکی رقم زنند. امید آن می‌رود که با حمایت از این رویکردهای فاخر در عرصه پژوهشی شاهد ارزش آفرینی‌های نوین در عرصه‌های فوق باشیم. سال‌ها تاکید جناب‌عالی بر تقویت بنیه علمی و پژوهشی کشور به حمدالله اثرات خود را نمایان ساخته است. اما شایسته خواهد بود با تاکید دوباره حضرت‌عالی عرصه‌ای فراهم گردد تا گفتمان علمی در کشور به دغدغه اجتماعی بدل شود. مسلماً برای نهادینه شدن رویکرد پژوهش محور در همه ارکان کشور نیازمند بسیج علمی و حرکت جهادی فراگیر هستیم. در پایان ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار اینجانب قرار داده شد جمع‌بندی موارد فوق را به عرض می‌رسانم:

- ۱- استمرار حمایت پدران از فرزندان خود در جهاد دانشگاهی
 - ۲- حمایت از تاسیس مرکز خاورمیانه‌ای سرطان در جهاد دانشگاهی علوم پزشکی تهران
 - ۳- حمایت از ایجاد بسترهای لازم برای تسری در پژوهش‌های نوین در مراکز تحقیقات لیزر در پزشکی و ژنتیک در سرطان جهاد دانشگاهی
 - ۴- توصیه و تشویق نهادها و سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی به همکاری تنگاتنگ و بیش از پیش با جهاد دانشگاهی
- والسلام علیکم ورحمه الله





دکتر محمدرضا واعظی

(استادیار پژوهشگاه مواد و انرژی - دانش آموخته رتبه اول درمقاطع کارشناسی ارشد و دکترا دانشگاه شریف)

بسم الله الرحمن الرحيم. حضرت آقا وجود نشست‌های هم‌اندیشی در چهارمین همایش ملی نخبگان جوان از مهم‌ترین ارکان این دوره از همایش بود. نشست نقد و بررسی نظام ارزشیابی علمی دانشگاه‌ها یکی از جذابترین نشست‌های همایش چهارم نخبگان جوان بود. از میان نزدیک به ۱۸۰ نخبه که برای شرکت در این جلسه ابراز تمایل کرده بودند نزدیک به چهل نفر استادیار جوان و بیش از ۳۰ نفر دانشجوی دکترا بودند و تقریباً همه این افراد در دو نوبت صبح و عصر در نشست حضور داشتند. چکیده مقالات ارائه شده و نیز صحبت‌های انجام شده در این جلسه رو خدمتون عرض می‌کنم.

۱- آنچه که بیش از همه در این نشست مورد دغدغه نخبگان حاضر بود نیاز به توجه بیشتر به کیفیت در برابر نگاه کمی حال حاضر به مقوله پژوهش بود. بدین معنی که کیفیت تحقیقات و مقالات ارائه شده باید بر کمیت کارهای تحقیقی مرجح بوده و یا افزایش مقالات و کتب منتشر شده با اهتمام بر حفظ کیفیت آنها باشد. در این راستا چند بار بر این نکته تاکید شد که آیین نامه فعلی ارتقا به رغم مزایای موجود اثر ناچیزی برای کیفیت مقالات ارائه شده قائل است. که این نکته حتی مورد تایید نماینده محترم وزارت علوم که در جلسه حاضر بودند نیز قرار گرفت. به علاوه روش صحنه‌گذاری مبتنی بر نظر جامعه علمی به عنوان یکی از روش‌های ارزیابی کیفی مورد توجه برخی حضار بود اگرچه که این روش در میان جمع مخالفانی نیز داشت.

۲- در ارزیابی علمی دانشجویان و پژوهشگران علاوه بر توجه به شاخص‌های ثابت و خاصی همچون تعداد و کیفیت مقالات و کتب، شاخص‌های متغیری همچون تلاش در جهت بالا بردن سطح اجتماعی و فرهنگی بهره برداران نیز بایستی لحاظ گردد. درین راستا نیاز به سیاستگذاری و نیز داوری توسط گروه‌های تخصصی نیز مورد تاکید قرار گرفت. درین زمینه این مورد نیز تاکید شد که در ارزیابی اساتید بایستی مقولات آموزشی پژوهش و ترویجی بصورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد.

۳- ترویج چاپ مقالات در مجله‌های داخلی باید مورد توجه قرار گیرد با این شرط که کیفیت علمی مقالات ارائه شده در این مجلات تحت داوری مستقلی قرار گرفته و مطالب ارائه شده قابل استفاده محققین داخل و خارج از کشور باشد و از هرگونه موازی کاری جلوگیری شود. ازین رو نیاز به ایجاد دسترسی مناسب‌تر به مجلات داخلی و ارتقا کیفیت داوری مقالات از ضروریات است.

۴- لازم است شاخص‌های ارزیابی متفاوتی متناسب با زمینه‌ها و رشته‌ها ی مختلف علمی تهیه و تدوین گردد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که رشته‌های علمی هرکدام دارای مجلات تخصصی با ضرایب تاثیر متفاوت هستند و نگاه یکسان به ضریب تاثیر مقالات در حوزه‌های مختلف علمی منجر به ارزیابی نادرستی خواهد شد از سوی دیگر در برخی از رشته‌های علمی لزوم نگاه کاربردی به مقوله تحقیقات برای حل مسائل مورد نیاز کشور ضروریست که گاهی بدلیل فاصله صنعتی ما با مرزهای دانش منجر به انتشار مقاله نمی‌شود و شاخص‌های مقاله محور برای ارزیابی این تحقیقات ناتوان است.

۵- لازم است سه‌م بودجه‌های تحقیقاتی از تولید ناخالص ملی بنحوی که در برنامه‌های مدون توسعه ذکر شده است تخصیص یابد. در عین حال بایستی علاوه



بر نگاه کمی نظارت کیفی مناسب بر نحوه هزینه کرد این بودجه ها اعمال شود. این مورد با توجه به صرف بسیاری از بودجه‌های تحقیقاتی در زمینه های توسعه کالبدی نمود بیشتری پیدا می‌کند. همچنین برین نکته تاکید شد که بودجه های تحقیقاتی باید با نظارت درست بصورت متناسب با بدنه پژوهشی بویژه دانشجویان تزریق گردد.

۶- لزوم توجه به اخلاق علمی در تدوین شاخص های ارزیابی پژوهش از نکاتی بود که مورد توجه حضار جلسه قرار داشت. درین میان حتی این نظر عنوان شد که نظام ارزشیابی فعلی دانشگاه‌ها می‌تواند خطری برای اخلاق علمی کشور باشد.

۷- در نظام ارزیابی علمی باید ارزیابی علمی دائمی در کشور وجود داشته باشد. بدین معنی که اساتیدی که مراتب ارتقا را طی نموده‌اند نیز خود را در معرض ارزیابی احساس کنند. البته این نظر مخالفانی نیز داشت.

۸- اثر ندادن شاخص های غیر علمی اعم از تمایلات سیاسی و یا علایق و اغراض شخصی در ارزیابی علمی باید مدنظر سیاست گذاران علمی کشور قرار گیرد. در کنار مباحثی که به عنوان مباحث اصلی در جلسه مطرح شدند موضوعات دیگری نیز مطرح شد مانند لزوم بازنگری در نحوه جذب دانشجو، که ناظر به آفاتی است که باعث کم‌رنگ شدن هم پژوهی و هم نویسی واقعی در میان پژوهشگران کشور می‌شود. همچنین پراکنده شدن موضوعات مورد بررسی اساتید از زمینه‌هایی است که می‌تواند منجر به کاهش عمق کاری و در نتیجه کیفیت کاری اساتید شود. ادامه چنین روندی باعث خواهد شد که پس از مدتی تعداد اساتید صاحب نظر در دانشگاه‌های کشور کاهش یابد. موضوع دیگری که دغدغه برخی از حضار بود تاثیر اجباری بودن تدریس بر کارکرد پژوهشی اساتید بود که با بهینه نمودن سامانه آموزشی می‌توان این اثر را کاهش داد.



محمد جواد حاجی احمدی

(برگزیده المپیاد شیمی سال ۸۷)

بسم الله الرحمن الرحيم. در سخنان حضرتعالی پیرامون آزاد اندیشی در دانشگاه بر دو محور تاکید شده است. ۱- کرسی‌های نظریه پردازی، نقد و مناظره ۲- کرسی‌های آزاد اندیشی. علی رغم وجود تفاوت‌های واضح و روشن میان این دو نوع نشست فکری باید اذعان نمود که هر دو این کرسی‌ها بر پایه آزاد اندیشی و انتقاد سازنده بنا می‌شوند. درباره کرسی‌های نظریه پردازی باید اشاره کرد که خلا اصلی موجود در فضای دانشگاهی ما آنست که تفکر اجتهادی در علوم بویژه علوم انسانی حاکم نیست. و اساسا نوآوری روشمند هنوز ارزش به شمار نمی‌آید. اما درباره کرسی‌های آزاد اندیشی که وظیفه برگزاری آن را در دانشگاه بر دوش ما دانشجویان نهاده اید لازم است بیان شود که تلاش‌هایی صورت گرفته اگرچه تا میزان مطلوب آن فاصله دارد. کرسی‌های آزاد اندیشی نیازمند وجود روحیه نقد و پرسشگری، نگاه کلان و بلند مدت و التزام عملی به اخلاق مناظره و گفتگو مانند التزام به انصاف و حقیقت است که در دوران آموزشی دانشجویان چندان جایگاهی ندارد همچنین ثمردهی این کرسی‌ها منوط به توان فکری مباحثه کنندگان و مستمعین آن است که آموزش‌های لازم برای منطق و روش گفتگو و تمرین مستمر بحث از جمله این موارد است. به نظر میرسد که سه پایه لازم برای چنین مباحثه‌هایی به شکل کلی مشخص است اما در مورد جزئیات و حدود آن ابهاماتی وجود دارد. اولاً مشخص است که باید در مباحث گوناگون افرادی به نمایندگی از طرفین بحث وجود داشته باشند ثانیاً مشخص است که هر کسی باید روشن سازد که دقیقاً تحت چه عنوانی و بر اساس کدام مکتب فکری سخن می‌گوید تا احیاناً افرادی با سو استفاده از برخی



نامها و عناوین به بیان دیدگاه‌های شخصی خود نپردازند.

سوم آنکه هر جمعی صلاحیت شنیدن هر مبحثی را ندارد. و لازم است حداقل دانش توانمندی تحلیلی را داشته باشد. اما در عرصه پیشنهادها موارد زیر قابل طرح است:

۱- آزاداندیشی نیازمند پرورش و حمایت از سوی مسوولین مربوطه است. اما بطور مثال در شورای عالی انقلاب فرهنگی بسیاری از اعضای آن بدلیل اشتغالات فراوان علمی و اجرایی در بسیاری موارد حتی زمان کافی برای ایجاد و ارائه دستاوردهای فکری خود را به صحن شورا ندارند. به نظر میرسد این نقیصه بیش از آنکه به قابلیت و اهتمام افراد محترم آن شورا برگردد به ساختار غیر چالاک شورا برمی گردد. روشن است که اگر این شورا بتواند وظیفه خود را به نحو احسن ایفا نماید. می تواند منشا برکات و تحولات بزرگ علمی و فرهنگی در عرصه انقلاب گردد.

۲- لزوم تقویت مباحث مرتبط با آزاد اندیشی و نقد در دوران پیش از دانشگاه. گنجاندن مباحث علمی مانند علم منطق. همچنین اخلاق نقد و مباحثه به همراه تمرین عملی و مستمر گفتگو و انتقال روشمند در دوران تحصیل پیش از دانشگاه از پیش نیازهای بهبود وضعیت فعلی است. همچنین لازم است تا بنیه فکری و علمی مهارت‌های دانشجویان تقویت گردد. در وضع فعلی حتی قالب دانشجویان علوم انسانی نیز فاقد حداقل‌های توانمندی فکری برای حضور در عرصه آزاد اندیشی می باشد.

۳- لازم است تا اساتید در کلاس‌های درس به نقد و بررسی دروس بپردازند. و اساسا این نکته بعنوان معیار ارزیابی دانشجویان و حتی معیار ارزیابی اساتید مطرح گردد و همچنین در سطحی بالاتر در میان اساتید نیز گفت و گوهای جدی و انتقادی علمی همانند آنچه در حوزه ها شاهد آن هستیم صورت گیرد. این مباحثات علمی چه در محافل رسمی تعیین شده برای این امر مانند جلسات پایان نامه‌ها و همایش‌های علمی و چه در محافل غیر رسمی و دوستانه نهادینه شود و از روال‌های اداری شکلی اجتناب گردد.



امیرمسعود فریدی زاد

(کارشناس ارشد طراحی صنعتی - رتبه دوم المپیاد دانشجویی طراحی صنعتی سال ۸۷)

بسم الله الرحمن الرحيم. ما در نظام تولید علم نیازمند یک فضا سازی صحیح و ایجاد جنبشی همگانی هستیم که همانا نیاز است بصورت یک جریان در سطح کل کشور و عامه مردم رقم بخورد و تا سالیان بصورت خودجوش ادامه یابد. در راستای تولید چنین فضایی دو پیشنهاد طرح می گردد: ۱- در نظر گرفتن یک برنامه تلویزیونی در صدا و سیما در خصوص راهکارهای پرورش نخبگان یا راهکارهای مناسب برای نخبه پروری. محور و هدف اصلی این برنامه تلویزیونی نخبه پروری و راهکارهای آن است. در واقع این برنامه که ترجیحا در یکی از شبکه های پربیننده سیما پخش شود قصد دارد تا به فضای علمی و نخبگی کشور بصورتی صحیح و با ارائه راهکارهایی برای پرورش نسلی از نخبگان در کشور دامن زند. فضایی باز و فارغ از شعارها و آمارهای گوناگون. که در آن کارشناسان و نخبگان به طرح مسائل اساسی نخبگان و ارایه راه حل های مناسب در خصوص نخبه پروری می پردازند. تا از این طریق بتوان این فضا را به سطح عموم و حتی سایر دانشجویان و دانش پژوهان کشور تعمیم داد. و به شکل گیری یک جنبش فراگیر بلند مدت و فرازمانی در این خصوص امیدوار بود. بی شک چنین جنبشی نیاز به تربیت نخبگان در سطحی وسیع دارند نه تعداد محدودی که در یک سازمان و یا بنیاد دور هم



جمع شوند. بلکه در سطح تربیت یک نسل. این برنامه تلویزیونی می تواند نقطه آغاز خوبی در این راستا باشد. یکی از کارکردهای مهم این برنامه می تواند سوق دادن مردم و حتی نخبگان به سمت درجات بالای نخبگی باشد. یک تقسیم بندی: به شکلی می توان نخبگان را به چند دسته و درجه اصلی تقسیم نمود. ۱- نخبگان مسئله حل کن شامل عموم نخبگان. ۲- نخبگان مسئله طرح کن، کسانی که می توانند مسائل مهم یک جامعه را بیابند و آن را در دسترس دیگر نخبگان قرار دهند. ۳- نخبگانی که می توانند به حل مسائل بزرگ بپردازند. مسائلی که سالیان سال در کشور حل نشده. نظیر فرهنگ و مهندسی فرهنگی. ۴- نخبگان فضا ساز. ۵- نخبگان مسیر ساز

ما در زمینه این برنامه تلویزیونی محتوی و شکل آن طرح ها و ایده های فراوانی داریم و آمادگی عملیاتی نمودن آن را به شرط هدایت در همینجا اعلام می نماییم.

۲- طرح تدوین یک سریال با عنوان خواجه نصیرالدین طوسی و با هدف دامن زدن به نهضت تولید علم و نخبگی در سطح جامعه و فضا سازی در این خصوص

۳- نکته سوم حاکی از یک نیاز و ضرورت اساسی است و آن عبارت است از لزوم ارائه تصویری صحیح از آینده و تصویر مطلوب علمی بر اساس آن باید توجه داشت که هیچ اقدامی آن هم بخصوص در سطح کلان بدون داشتن تصویری صحیح از آینده امکانپذیر نیست. ما تا مقصد را شناسیم نمی توانیم در مورد مسیر و نقشه راه و نقشه جامع سخن بگوییم. بنابراین از

نخستین نیازها و ضرورت‌های ما در این مقطع از انقلاب شناخت آینده صحیح است. این کار نخبگان حوزوی و علوم قرآنی کشور است که آینده را از منابع معتبر که قرآن و روایات معتبر اهل بیت (ع) است استخراج کنند و آن را برای نخبگان علمی کشور ترسیم نمایند تا بتوانند در فضای صحیح به آینده مطلوب علمی خود بپردازند. بدون وجود این تصویر صحیح از آینده که تاکید می‌شود باید برآمده از قرآن باشد نمی‌توان به کارآمدی سایر اقدامات پژوهانه در کشور امیدوار بود. در گام بعد و بر اساس این تصویر که قطعاً جای تکامل و اصلاح خواهد داشت نخبگان علمی و دانشگاهی باید به ترسیم بایدها و نقاط مطلوب علمی در آینده و در رشته‌های تخصصی خود بپردازند. ناگفته نماند که امروز عمده مطالعات آینده پژوهی ما مبتنی بر تصاویری است که نزد غربی‌ها مطلوبیت آن‌ها تعیین شده. اینجا چه بسا فرصت خوبی باشد که این نیاز و فریاد از ضربان نخبگان علمی کشور مطرح شود. شاید گوش و گوش‌های شنوایی در میان نخبگان حوزوی و علوم قرآنی جامعه به این ندا پاسخ دهد.

والسلام.





متن بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

خانم دکتر سلطانخواه ریاست محترم بنیاد ملی نخبگان

و نخبگان برگزیده شرکت کننده در پنجمین همایش ملی نخبگان جوان

سال ۱۳۹۰





مجلس شورای اسلامی



سازمان اقتصاد و صنایع



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و صنایع
پایتخت جمهوری



با موضوع مسئولیت نخبگان در دوره پیشرفت و عدالت

پنجمین همایش ملی نخبگان جوان

تهران سالن اجلاس تهران کشور دای اسلام

۱۳۱۲ مه - راه ۱۳۹۰

www.bmn.ir



بسم الله الرحمن الرحيم.^۱ حقیقتاً از ته دل خدا را شاکرم و با همه‌ی وجود از خدای متعال سپاسگزاری می‌کنم، به خاطر شما جوان‌های عزیز. به نظر من هر دلسوزی برای کشور، هر علاقه‌مندی به سرنوشت کشور، باید از این که خدا امثال شماها را به کشور و به ما داده، از خدای متعال تشکر کند. من خیلی سپاسگزار این نعمت بزرگ هستم. الحمدلله ما جوان‌های خوب، مؤمن، بااستعداد، آماده‌ی به کار، زنده و پرتراوت داریم؛ دیگر بیش از این، یک ملت برای پیشرفت چه می‌خواهد؟

مطالبی که دوستان اینجا گفتند، بسیار خوب بود؛ حقیقتاً فکر شده بود، کار شده بود. البته من این را عرض بکنم، هر حرکتی آسیب‌هایی دارد؛ به تعبیر معروف، هر دیکته‌ای بالاخره غلط‌هایی دارد. راه غلط نکردن، دیکته نوشتن است. ملت ما امروز دارد یک دیکته‌ی سنگینی را می‌نویسد؛ مسئولین، دولت، ملت، راه دشواری را دارند طی می‌کنند. یک جاهائی سکندری خوردن، لغزش پیدا کردن، زمین خوردن، طبیعی است. یک جا یک قدری خسته شدن، عقب ماندن، هیچ

۱- متن سخنان از سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری (Khamenei.ir) برداشته شده است.

نبایستی ما را متوحش کند که چرا اینجوری شد. نه اینکه من از ذکر اشکالات و ایرادها ناراحت بشوم؛ اصلاً، این را مطمئن باشید. یکی از دوستان به عنوان اعتذار می‌گفتند نمی‌خواهم انتقاد کنم؛ می‌خواهم درددل کنم. انتقاد هم بکنید، اشکال ندارد. ما که از انتقاد و بیان عیوب و اشکالات هیچ ابائی نداریم. خود ما هم می‌گوئیم، خوب هم حاضریم بشنویم؛ یعنی هیچ اشکالی ندارد. بنادا تصور شود که گفتن ایرادها ایراد دارد؛ لیکن آنچه که مهم است، این است که وجود ایرادها ما را در صحت راه مردد نکند؛ در درستی کار، ما را متزلزل نکند. بمجردی که یکی از همراهان فرضاً خسته شد، یا نشست، یا خواست ذره‌ای آب بخورد، یا برایش اشکالی پیش آمد، فراموش نکنیم که کجا داریم می‌رویم. همیشه قله را در مقابل چشم داشته باشیم. حرف من این است.

مطالبی که دوستان گفتند، بعضی از این‌ها البته مربوط به مسائل نخبگان است - که به بنیاد نخبگان مربوط می‌شود - بعضی فراتر از مسئله‌ی نخبگان است، که من اسم‌ها را یادداشت کردم و ان شاء الله گفته‌های برادران و خواهران هم در مجموعه‌ی دفتر مورد توجه قرار خواهد گرفت و به مسئولین منتقل هم می‌شود. خوب، بعضی از حضرات مسئولین هم اینجا حضور دارند، که این مطالب مورد توجه آن‌ها قرار خواهد گرفت. بنابراین بعضی از این‌ها فراتر از مسئله‌ی نخبگان است؛ مربوط به مسئله‌ی علم است، مربوط به پیشرفت علم است. در این زمینه‌ها نکاتی گفته شد که به نظر من این‌ها بسیار درست بود. یک چیزهائی هم جنبه‌های اجرائی دارد، که این باز مربوط می‌شود به خانم سلطانخواه، به حیث معاونت علمی رئیس‌جمهور. البته ایشان درست می‌گویند؛ این کار شبیه رشته‌های بین‌رشته‌ای دانشگاه است؛ یک کار بین‌رشته‌ای است و به نحوی به



همه ارتباط پیدا می‌کند. باید دستگاه‌های مختلف هم به ایشان کمک کنند. من شنیده‌ام - نه از گزارش‌های رسمی؛ از گزارش‌های غیر رسمی اطلاع دارم و شنیده‌ام - که کارهای خیلی خوبی انجام گرفته یا ان شاء الله در شرف انجام است، که امیدواریم خروجی آن‌ها را مشاهده کنیم.

همین جا من عرض بکنم؛ این سندی که ایشان ذکر کردند، کار بسیار مهمی است. این که گفتند سند ملی نخبگان تدوین شده یا دارد تدوین می‌شود یا در مراحل تصویب است، برای من خبر خوشی بود. همه‌ی این مشکلاتی که گفته شد، ناشی از فقدان چنین سندی است. ما مسئله‌ی شناسائی نخبه را داریم. پیش از شناسائی نخبه، شناسائی استعداد برتر را داریم که در طول زمان تبدیل به نخبه خواهد شد؛ چون هر صاحب استعداد برتر که نخبه نیست؛ بتدریج به نخبه تبدیل می‌شود. پس اول شناسائی استعداد برتر است، بعد مسیر این صاحب استعداد برتر به سمت نخبه شدن، بعد رسیدن به نقطه‌ی ثمردهی - که در واقع همان نقطه‌ی نخبه شدن است، که معمولاً در مقطع تحصیلات تکمیلی کارشناسی ارشد و دکتری یک چنین چیزی پیش می‌آید و این جوان به نخبه تبدیل می‌شود - بعد از آن، ادامه‌ی کار نخبه.

همه توجه داشته باشند - شاید هم همه‌تان توجه دارید - وقتی کسی حائز عنوان «نخبه» می‌شود، تازه کار او شروع می‌شود. خطاست اگر خیال کنیم که حالا کسی نخبه شد، پس خیالش راحت، یک امتیازاتی هم دارد، یک نامی هم دارد؛ نه، وقتی که نخبه شدیم، این اول راه است. خب، اگر بخواهیم همه‌ی این مراحل را ببینیم و درست دنبال کنیم و تدوین کنیم، احتیاج است به همین سندی که ایشان اشاره کردند. بنابراین، این سند مهم است. من تأکید می‌کنم؛ حالا که

تدوین شده، ان شاء الله زودتر تکمیل بشود یا اصلاح بشود یا تصویب بشود - هر کاری که بناست بشود - و به مرحله‌ی اجرا دربیاید و عملیاتی شود.

به چند مطلبی که دوستان بیان کردند، اشاره می‌کنم. راجع به آن مسئله‌ی اشرافیت فرهنگی و آفازاده‌های فرهنگی که آن دختر عزیزمان گفتند، من در این زمینه واقعاً چیزی ننشیده‌ام. با اینکه تصور خودم این است که در مسائل گوناگون گزارش‌های متنوعی را می‌شنوم، اما این برای من خیلی حرف تازه‌ای بود. ایشان گفتند مصادیقی هم در اختیار دارند. حتماً به من منعکس بشود، یعنی گزارش بنویسید. واقعاً اگر چنین چیزی هست، خیلی بد است. من چیز قابل توجهی در این زمینه ننشیده‌ام. البته ممکن است پسر یا دخترِ فلان مسئول توی دبیرستان یا توی دانشگاه پز بدهد که من مثلاً پسر فلانی‌ام، اما این به صورت یک فرآیند تربیتی دربیاید، تأثیراتی بگذارد بر روی گزینش، بر روی سواد بیشتر پیدا کردن و چه و چه، خیلی چیز بدی است. اگر چنین پدیده‌ای وجود داشته باشد، باید



جلویش را گرفت. من از خانمی که این مطلب را بیان کردند، می‌خواهم که این موارد را بنویسند و برای من ذکر کنند.

نکته‌ی دیگر این است که یکی از دوستان گفتند جوان‌ها کارهای خوبی دارند می‌کنند، در مسائل گوناگون فکر می‌کنند، منتها برای این‌ها مجالی به منظور مطرح شدن و منشأ اثر قرار گرفتن وجود ندارد. فرض بفرمائید در شورای عالی انقلاب فرهنگی، یا در همان نشست‌های راهبردی که اشاره کردند - که ان شاء الله ادامه پیدا می‌کند - جوان‌ها هم حضور پیدا کنند. البته این حرف منطقی است، این حرف درستی است؛ حتماً حضور جوان‌ها در بعضی از بخش‌ها تأثیر می‌گذارد. این را من بگویم؛ ببینید شماها همه‌تان جوانید و من در حضور شما جوان‌های عزیز - که خب، همه‌تان بچه‌های من هستید، فرزندان من هستید - دوستانه و پدرا نه به شما عرض می‌کنم؛ اینجور نیست که در همه‌ی بخش‌های گوناگون، حضور جوان مثبت باشد. یکی از خانم‌ها در مورد قضا انتقاد کردند و گفتند وارد کردن قاضی‌های جوان، به ناکارآمدی دستگاه قضا منتهی می‌شود؛ قاضی‌ها بایست پخته باشند. خیلی خوب، این خیلی حرف جالبی بود؛ من این حرف را یادداشت کردم. یک جاهائی همین جور است. البته در یک بخش‌هایی - که بخش‌های محدودی هم نیست - حضور جوان تأثیرات بسیار مثبت و سازنده و پیشبرنده‌ای دارد؛ اصلاً فضای جدید و افق جدیدی را در مقابل چشم همه باز می‌کند؛ اما همه جا اینجور نیست. به هر حال حتماً بایستی از جوان‌ها استفاده بشود، منتها من این نکته را بگویم؛ ببینید عزیزان! فکر شما و کاری که کردید و راه نوئی که پیدا کردید، پیشنهادی که به نظرتان رسیده، تأثیرگذاری‌اش فقط این نیست که این فوراً به دستگاه اجرائی منتقل بشود و فوراً

یک ترجمه‌ی عملیاتی بشود و اجرائی و عملیاتی شود؛ نه، این تنها تأثیر نیست. یکی از مهم‌ترین تأثیرات همین فکر کردن‌ها این است که شما فضاسازی می‌کنید، گفتمان‌سازی می‌کنید. در نتیجه، در یک فضای معتقد به یک مبنای فکری یا عملی، رئیس جمهور هم همان جور فکر می‌کند، وزیر هم همان جور فکر می‌کند، مدیرکل هم همان جور فکر می‌کند، کارکنان هم همه همان جور فکر می‌کنند؛ این خوب است. و شما این کار را انجام می‌دهید. فکر کنید، بگوئید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید؛ آن کرسی‌های آزاداندیشی را که من صد بار - با کم و زیادش - تأکید کردم، راه بیندازید و این‌ها را هی آنجا بگوئید؛ این می‌شود یک فضا. وقتی یک فضای گفتمانی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می‌کنند، همه در آن فضا جهت‌گیری پیدا می‌کنند، همه در آن فضا کار می‌کنند؛ این همان چیزی است که شما می‌خواهید. بنابراین اگر چنانچه این کاری که شما مثلاً در فلان نشستتان، در فلان مجموعه‌ی دانشجویی‌تان کردید، فکری که کردید، ترجمه‌ی عملیاتی نشد، به صورت یک قانون یا به صورت یک دستورالعمل اجرائی درنیامد، شما مایوس نشوید؛ نگوئید پس کار ما بی‌فایده بود؛ نخیر. و من به شما عرض بکنم؛ در این پانزده شانزده سال اخیر، همین حرکت علمی‌ای که آغاز شده، همین جور آغاز شده؛ همین جور امروز علم شده یک ارزش؛ چند سال قبل اینجوری نبوده. ما همین طور روزبه‌روز هی پیش رفتیم. یک روزی یک چیزهائی گفته می‌شد که به گوش‌ها سنگین می‌آمد. من یک روزی مسئله‌ی «تولید علم» را مطرح کردم، بعد دیدم بعضی جاها نشستند روی کلمه‌ی «تولید علم» دارند خدشه می‌کنند - حالا یک مناقشه‌ی لفظی - که علم قابل تولید نیست! امروز این به صورت یک گفتمان قطعی در آمده؛ شماها



گله‌مندید از این که این کار در مقطع خاص خودش پیش نمی‌رود. این خیلی پیشرفت است. بنابراین بایستی کار کرد. و کار کنید، فکر کنید؛ حتماً تأثیر دارد. از من سؤال شد نظرم در مورد علوم پایه چیست؟ همین طور که اشاره کردند، من چندین بار راجع به علوم پایه بحث کرده‌ام. من علوم پایه را خیلی مهم می‌دانم. من یک وقتی گفتم علوم پایه در مقایسه‌ی با علوم کاربردی‌ای که ما داریم، مثل یک ذخیره‌ی بانکی است در مقابل پولی که شما توی جیبتان می‌گذارید. شما برای خودتان یک مقدار ذخائر بانکی دارید که پشتوانه‌ی کار شما، مایه‌ی امید شما، منشأ درآمدهای شما آن است. البته یک مقدار هم پول توی جیبتان می‌گذارید و خرج می‌کنید. نمی‌خواهیم جسارت کنیم؛ واقع قضیه این است. این علوم کاربردی‌ای که امروز وجود دارد، این‌ها همه‌اش همین پول‌هائی است که ما داریم خرج می‌کنیم. یک ملت مجبور است مهندسی داشته باشد، شهرسازی داشته باشد، صنایع داشته باشد، پزشکی داشته باشد، سلامت و درمان داشته باشد؛ این‌ها پول‌هائی است که روزانه داریم خرج می‌کنیم؛ اما مایه و ریشه‌ی اصلی این علوم، علوم پایه است.

من امسال ماه رمضان هم راجع به علوم انسانی یک صحبتی با همین دانشجویها و جوان‌ها کردم، قبلاً هم یک صحبت‌هائی داشتم، ان‌شاءالله بعداً هم ما یک جلسه‌ای مخصوص علوم انسانی با همین اصحاب فکر و فرهنگ و امثال شما جوان‌های خوب خواهیم داشت. علوم انسانی روح دانش است. حقیقتاً همه‌ی دانش‌ها، همه‌ی تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت می‌دهد، مشخص می‌کند که ما کدام طرف داریم می‌روییم، دانش ما دنبال چیست. وقتی علوم انسانی منحرف

شد و بر پایه‌های غلط و جهان‌بینی‌های غلط استوار شد، نتیجه این می‌شود که همه‌ی تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش می‌رود. امروز دانشی که غرب دارد، شوخی نیست؛ چیز کوچکی نیست. دانش غرب یک پدیده‌ی بی‌نظیر تاریخی است؛ اما این دانش در طول سال‌های متمادی در راه استعمار به کار رفته، در راه برده‌داری و برده‌گیری به کار رفته، در راه ظلم به کار رفته، در راه بالاکشیدن ثروت ملت‌ها به کار رفته؛ امروز هم که می‌بینید چه کار دارند می‌کنند. این بر اثر همان فکر غلط، نگاه غلط، بینش غلط و جهت‌گیری غلط است که این علم با این عظمت - که خود علم یک چیز شریفی است، یک پدیده‌ی عزیز و کریمی است - در این جهت‌ها به کار می‌افتد. البته در مورد علوم انسانی نکات خوبی را یکی از دوستان اینجا بیان کردند.

من چند تا نکته را اینجا یادداشت کرده‌ام که به شما عرض بکنم. یک مسئله این است که کشور نیاز دارد به دانشمندی که عاشق کشور و عاشق مردم و عاشق هویت خود و سرنوشت ملت خودشان باشند. بدون این احساس دلبستگی، کار پیش نمی‌رود. آن دانشمندی که دانش برایش ابزاری است برای پول درآوردن و این‌ها، او نمی‌تواند خیلی به سرنوشت کشورش کمک کند. من به شما عرض بکنم؛ در طول زمان - البته همیشه همین جور بوده، اما امروز بیشتر است - دنیا یک مصاف بوده است، محل درگیری بوده است، یک عرصه‌ی معارضه و مبارزه‌ی انسان‌ها بوده است به خاطر طبیعت انسان‌ها؛ هر کسی که احساس قوت کرد، پنجه می‌اندازد در آن فرد ضعیف؛ ترحمی وجود ندارد. مگر اینکه مهار و زمام دین و اعتقاد دینی وجود داشته باشد. سرداران صدر اسلام وارد کشورها که می‌شدند، هرچند آن ملت‌های مغلوب نهایت سخت‌گیری را با آن‌ها



کرده بودند، اما وقتی وارد می‌شدند، با اخلاق وارد می‌شدند و رفتار دین‌مدارانه می‌کردند. حتی تا زمان جنگ‌های صلیبی - چند قرن بعد از آغاز اسلام - همین معنا وجود داشته. وقتی مسیحی‌ها که از اروپا آمده بودند، وارد بیت‌المقدس می‌شدند، مسلمان‌ها را قتل‌عام می‌کردند - می‌دانید جنگ‌های صلیبی نزدیک دویست سال طول کشیده، هی رفت و برگشت داشته - وقتی مسلمان‌ها غالب می‌شدند، بعکس؛ نسبت به آن‌ها محبت می‌کردند. در صدر اسلام، در همین منطقه‌ی شامات که متعلق به امپراتوری روم شرقی بود، یک اقلیت یهودی وجود داشتند؛ وقتی مسلمان‌ها آمدند، این‌ها قسم می‌خوردند - عین عبارت آن‌ها در تاریخ ثبت شده - می‌گفتند به تورات قسم، شماها بهترین مردمانی هستید که تا حالا اینجا بر ما حکومت کرده‌اید. واقع قضیه هم همین بود. این به خاطر مهار دین است. دین که نبود، یک ملت غالب، ملت مغلوب را می‌فشرد؛ دینش را، فرهنگش را، اخلاقش را، حیثیتش را، غرورش را نابود می‌کند، افتخاراتش را محو می‌کند. من نمی‌خواهم از بعضی از دولت‌های غالب اسم بیاورم. البته آمریکا و غرب و این‌ها ظلم و جنایت می‌کنند، اما مخصوص آن‌ها نیست؛ بعضی از کشورهای دیگر هم اینطور هستند؛ یک جاهائی غلبه پیدا کردند، آنقدر وحشیگری کردند که بعد از گذشت سال‌های متمادی، از خواندن آن وقایع و از شدت قساوتی که این‌ها به خرج دادند، مو بر تن انسان راست می‌ایستد.

خب، یک ملت حالا میخواهد قدرت خودش را حفظ کند؛ مانع بشود از این که به او هجوم بیاورند؛ چه هجوم ظاهری و مادی و نظامی و امنیتی، چه هجوم نرم‌افزاری، هجوم اخلاقی، هجوم فرهنگی، تحقیر فرهنگی - که در دهه‌های اخیر در دنیا باب شده - باید چه کار کند؟ باید هم سیاستمدارش، هم دانشمندش

از خود فداکاری نشان بدهند. مقصودم این نیست که حالا شما که نخبه هستید، جوانید، بروید خودتان را فدا کنید، هیچ چشمداشت مادی نداشته باشید؛ نه، ما این پرتوقعی‌ها را هم نداریم. اما بدون دلبستگی‌های معنوی، یک مجموعه‌ی نخبه - چه نخبه‌ی سیاسی، چه نخبه‌ی علمی - نمیتواند کشورشان را حفظ کنند؛ نمیتوانند به او قدرت بدهند.

در بین سیاستمدارها هم همین جور است. اگر سیاستمدار به فکر خودش بود، به فکر راحتی خودش بود، به فکر جیب خودش بود، به فکر شهوت‌رانی خودش بود، نخواست بپردازد به آن هم و غم اساسی و اصلی که به طور طبیعی آسایش خودش را تحت تأثیر قرار می‌دهد، این کشور شکست خواهد خورد؛ نشانه‌اش شکست سلسله‌های پادشاهی متمادی پشت سر هم است. صفویه یک دولت مقتدر بود؛ با اقتدار سر کار آمد، با ایمان سر کار آمد؛ بعد به خاطر همین ضعف‌ها، به خاطر غلبه‌ی همین خصوصیات، کارش به آنجا رسید که می‌دانید. قاجاریه بدتر از آنها، پهلوی از همه‌شان بدتر.

در زمینه‌ی علم هم همین جور است. اگر دانشمند علاقه‌مند به سرنوشت کشور، آماده‌ی فداکاری در این راه - فداکاری به حسب خودش - در یک کشوری وجود داشت، آن کشور رشد می‌کند. چیزی که می‌تواند این نیرو را به وجود بیاورد، این پیشرفت را به وجود بیاورد، بهتر از همه چیز، ایمان است. اگر این ایمان بود، کشور پیشرفت می‌کند. پیشرفت‌های علمی‌ای که امروز در کشورمان وجود دارد - که البته حتماً به آنها قانع نیستیم - ارزش و قیمت ذاتی‌اش از پیشرفت‌های متعارف علمی در دنیا بمراتب بیشتر است. چرا؟ چون ما از تبادل علمی، از استفاده‌ی علمی، از کمک علمی دیگران محروم بودیم.



ما زیر فشار بودیم، درها به روی ما بسته بود؛ در عین حال شخصیت‌های برجسته‌ای پیدا شدند، «شهید شهریاری» ای پیدا شد- که البته ده‌ها نفر مثل او در بین ما بودند و الحمدلله هستند- ده‌ها و صدها نفر در رشته‌های مختلف پیدا شدند که این‌ها کارهای برجسته‌ای کردند؛ هیچ استفاده‌ای هم از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های غرب و از اساتید غربی نکردند. البته از دستاوردهای غرب حتماً استفاده کردند؛ باید هم بکنیم.

یکی از دوستان حرف درستی زدند؛ گفتند بیگانه‌گریزی و بیگانه‌ستیزی، ما را به جایی نمی‌رساند. بله، همین جور است؛ منتها توجه داشته باشیم؛ این که ما گاهی می‌گوئیم بیگانه‌ستیزی یا بیگانه‌گریزی، معنایش این نیست که ما از دانش و دستاورد او خودمان را محروم کنیم؛ ابداً. من بارها گفته‌ام: ما کاملاً حاضریم شاگردی کنیم، برای اینکه یاد بگیریم؛ منتها همیشه نباید شاگرد بمانیم؛ نکته این است. ملت ما می‌تواند به جایی برسد که دیگران بیایند شاگردی او را



بکنند. من آن قله را در نظر دارم؛ باید به آن سمت پیش برویم. بنابراین برای مجموعه‌ی علمی تلاش و همت مخلصانه و خالصانه لازم است تا بتوانند کار کنند. الحمدلله شماها این ظرفیت را دارید، این استعداد را دارید؛ خدا را شکر. شماها می‌توانید عزت این ملت را برگردانید.

عزیزان من! بیش از ده‌ها سال، عزت ملت ما، غرور ملت ما، افتخار ملت ما پامال شد. انقلاب، ما را به خود آورد و متوجه به خودمان کرد. کشور ما با این سابقه‌ی تاریخی، با این سابقه‌ی علمی، با این ذخائر عظیم علمی و فکری که ما داشتیم، با آن بزرگان علمی‌ای که کشور ما در دوران جهالت و غفلت دنیا این‌ها را تربیت کرده - «ابن‌سینا»ها، «محمدبن‌زکریا»ها، «فارابی»ها، «خواجه نصیر»ها و چه و چه، این‌ها مال دوران جهالت بشریت است؛ مال قرون وسطی است که هیچ خبری از دانش، هیچ فروغی از دانش در دنیا نبود - این کشوری که یک چنین ظرفیتی و یک چنین استعدادی دارد، کارش به جایی برسد که برای اولیات زندگی خودمان هم باید چشم به دست دیگران داشته باشیم. سیاستمداران ما - بی‌عرضه‌های عقب‌افتاده - می‌گفتند ایرانی یک لوله‌نگ هم نمی‌تواند بسازد! لوله‌نگ این آفتابه‌های گلی بود. خاک بر سر آن سیاستمداری که از ملتش اینجوری حرف بزند. یا آن یکی می‌گفت که ما از فرق سر تا نوک پا بایستی فرنگی بشویم تا بتوانیم پیش برویم! خب، این‌ها بی‌عرضگی است؛ این‌ها عقب‌افتادگی است که یک عده‌ای به خاطر ضعف‌های خودشان، این ضعف‌ها را بر ملت تحمیل می‌کنند؛ ملت تحقیر می‌شود. انقلاب این‌ها را از بین برد؛ ما به خود آمدیم. خوشبختانه کارهای خوبی انجام گرفته، ظرفیت‌های خوبی آشکار شده؛ ما پیشرفت کردیم و ان‌شاءالله پیشرفت خواهیم کرد.



من می‌خواهم این را به مسئولین دولتی بگویم که سرمایه‌گذاری در تولید علم و نوآوری علمی، برای کشور ما و ملت ما سود مضاعف داشته؛ این راه را رها نکنید. سرمایه‌گذاری برای تولید علم و برای نوآوری‌های علمی و برای پیشرفت علمی بایستی روزبه‌روز بیشتر شود؛ نباید کم شود. البته امروز حتی به اندازه‌ای که مثلاً کشور انگلیس یا ایتالیا یا فرانسه در آن اوائل ورودشان در عالم صنعت و علم، سرمایه‌گذاری می‌کردند، ما آنقدر سرمایه‌گذاری نمی‌کنیم؛ سرمایه‌گذاری مان کمتر است. هر چه ممکن است، بایستی سرمایه‌گذاری علمی بیشتر شود.

البته این سرمایه‌گذاری‌ها باید با ارتقاء مدیریت هم همراه باشد؛ من این را بخصوص به مسئولین محترم دولتی تأکید می‌کنم. اگر ما منابع مالی را افزایش هم بدهیم، توزیع هم بکنیم، سرریز هم بکنیم، پخش هم بکنیم، اما ارتقاء مدیریت در این بخش وجود نداشته باشد، منابع مالی هدر خواهد رفت. در دانشگاه‌ها، در مجموعه‌ی علمی کشور، در همین بخش معاونت علمی رئیس‌جمهور، ارتقاء مدیریت لازم است. این مراکز دولتی‌ای که با مسئله‌ی علم و دانشگاه ارتباط پیدا می‌کند، حتماً باید ارتقاء مدیریتی پیدا کند و البته سرمایه‌گذاری هم بکند.

یک نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی ارتباط صنعت و دانشگاه است، که یک مسئله‌ی قدیمی است. البته پانزده شانزده سال پیش - حالا خوب است تاریخچه‌اش را نگویم - این مسئله مطرح و دنبال شد و بالاخره به صورت یک فکر رائج درآمده که همه مایلند. خب، ما این کار را چگونه تحقق ببخشیم؟ صنایع ما اگر بخواهند از رقابت‌های بازار عقب نمانند، به پیشرفت علمی و نوآوری احتیاج دارند. این نوآوری، زمینه‌اش در دانشگاه‌های ما، پژوهشکده‌های ما، پژوهشگاه‌های ما کاملاً فراهم است. این پژوهشگاه‌هایی که چند بار توصیه شد که در کنار دانشگاه‌ها

و وابسته‌ی به دانشگاه‌ها به وجود بیاید، می‌تواند یک بخشی را در اختیار صنایع بگذارد که آن‌ها در این پژوهشگاه‌ها شرکت کنند و از ناحیه‌ی آن‌ها نیازهای خودشان را برطرف کنند. این کاری است که هماهنگی‌اش در همین بخش دولتی میسر است. باید بنشینند برای این کار برنامه‌ریزی کنند؛ هم برای صنعت خوب است، هم برای دانشگاه خوب است. دانشگاه وقتی ناظر به نیاز جامعه و نیاز بازار و بازار کار بود، طبعاً جهت خودش را پیدا می‌کند؛ شور و نشاط بیشتری هم پیدا می‌کند؛ البته برای دانشگاه‌ها درآمدزا هم هست. صنعت هم وقتی متکی بود به نگاه نو و فکر نو و تولید علم و فناوری- که این در دانشگاه‌ها تحقق پیدا می‌کند - طبعاً پیشرفت پیدا می‌کند. ما به این نیازمندیم؛ این هم بایستی حتماً انجام بگیرد.

همین جا من راجع به محصولات تولیدی کشور - که یکی از دوستان این‌جا اشاره کردند، من هم یادداشت کرده بودم که بگویم - نکته‌ای را عرض کنم. خوشبختانه ما در کشور و در بخش‌های مختلف، محصولات کیفی داریم. قسمت عمده‌ای از تولیدات کشور، مصرف‌کننده‌اش دستگاه‌های دولتی ما هستند. دستگاه‌های دولتی بایستی جزم و عزم داشته باشند بر این که جز تولیدات داخلی- در آن مواردی که تولید داخلی وجود دارد - هیچ چیز دیگر مصرف نکنند. یعنی واقعاً در محصولاتی که مشابه داخلی دارد، مطلقاً ممنوع بشوند که از خارج چیزی وارد نکنند. این را بخواهید، در دولت مطرح کنید، آقای رئیس‌جمهور به دستگاه‌های دولتی دستور بدهد؛ و این ممکن است. ما این را تجربه کرده‌ایم. در مواردی به صورت قاطع به یک دستگاهی گفته شد که این کاری که دارد انجام می‌گیرد، باید هیچ محصول غیر ایرانی در آن به کار نرود؛ و شد، و به بهترین



وجهی هم انجام شد. اگر مدیران ما عزم را جزم کنند برای اینکه محصول ایرانی را، تولید ایرانی را به کار بگیرند، هم تولیدات باکیفیت هست، هم خود این کار موجب می‌شود که در تولیدات داخلی کیفیت بالا برود. این کار را حتماً بایستی انجام بدهند.

البته من شنیدم که دستگاه‌ها و بانک‌ها و این‌ها حمایتشان از تولیدات داخلی هم ضعیف است؛ یک جاهائی آن تولیدکننده‌ها به خاطر عدم حمایت، به ورشکستگی کشیده می‌شوند. با این مسئله هم بایستی حتماً در خود دولت مقابله بشود؛ یعنی دستور داده بشود.

بله، یک نکته‌ای هم گفته شد، که اتفاقاً من هم همین را اینجا یادداشت کردم؛ که گاهی اوقات در معاملاتی که دستگاه دولتی با تولیدکننده‌ی داخلی می‌کنند، بدحسابی هست؛ در حالی که وقتی این معامله را با یک صنعتگر خارجی می‌کنند، پول را نقد می‌دهند؛ اما این را همین طور کش می‌دهند - یک سال، دو سال - طلب او را هم نمی‌پردازند. باید جلوی این‌ها گرفته شود.

یک مسئله هم مسئله‌ی مقالات علمی است. خوشبختانه مقالات از لحاظ کمی، و در مواردی از لحاظ کیفی، پیشرفت خیلی خوبی داشته؛ منتها یک نکته‌ی مهمی وجود دارد که من چند بار تا حالا مطرح کردم و خوشبختانه دیدم امروز هم در حرف‌های بعضی از دوستان همین نکته تکرار می‌شود، و آن این است که تولید مقاله هدف نیست. اولاً کیفیت مقاله مهم است. از این مهم‌تر، جهت مقاله است؛ این مقاله را برای چه می‌نویسیم؟ این افزایش تعداد مقالات باید خودش را در بازار کار ما و تولید ما و زندگی واقعی ما نشان بدهد. مقاله باید بر طبق نیاز کشور نوشته بشود؛ این خیلی مهم است. بنابراین هم مسئله‌ی



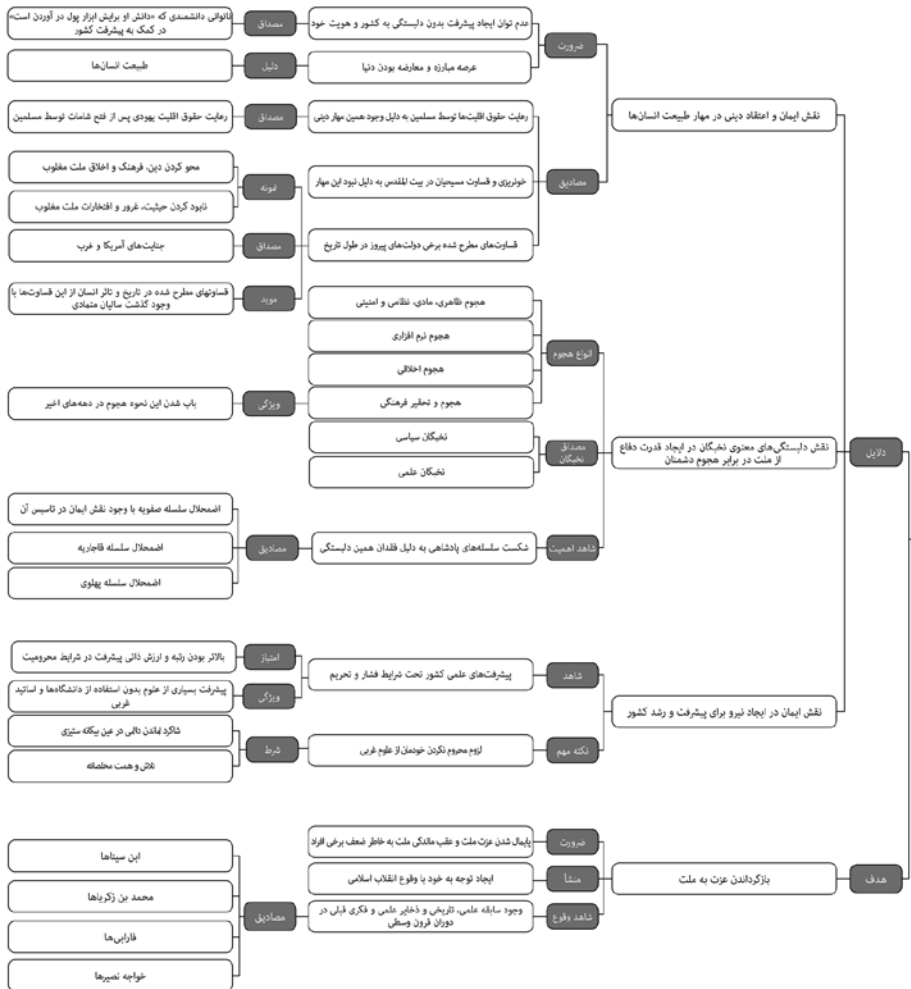
کیفیت مقاله‌هاست که مهم است، هم اینکه مقاله باید برای رفع یک نیازی در کشور تهیه بشود. اگر این شد، حالا گیرم یکی هم یک مقاله‌ای نوشت و به دیگری فروخت. گفت: «تو بدم؛ هر جور میخواهی، بدم». حالا ما آنجوری نگوئیم. مقاله اگر به نفع کشور است، به نفع یک جهتی است، به هر شکلی باشد، خوب است؛ اما صرف اینکه یک مقاله‌ای نوشته بشود، این هدف نیست. رشد میزان مقاله، هدف نیست؛ در صنایع و در بازار باید خودش را نشان بدهد.

مسئله‌ی کشاورزی هم که مطرح کردند، مسئله‌ی بسیار مهمی است و راست است؛ کشاورزی از بخش‌هایی است که در همه‌ی دنیا مورد حمایت ویژه‌ی دولتی قرار می‌گیرد. این بخش باید حتماً مورد توجه باشد.

به هر حال جلسه‌ی امروز جلسه‌ی خیلی خوبی بود. من ان شاء الله این نوشته‌ها را از دوستان می‌گیرم و مطالعه و پیگیری می‌کنم. امیدواریم خداوند متعال به شماها توفیق بدهد و کمک کند و فردای کشور با دست شما جوانان عزیز ان شاء الله به آنچه که هدف‌های متعالی این انقلاب است، هرچه نزدیک‌تر باشد.

والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

نمودار اجمالی بیانات رهبری در دیدار با نخبگان و برگزیدگان علمی ۹۰/۰۷/۱۳

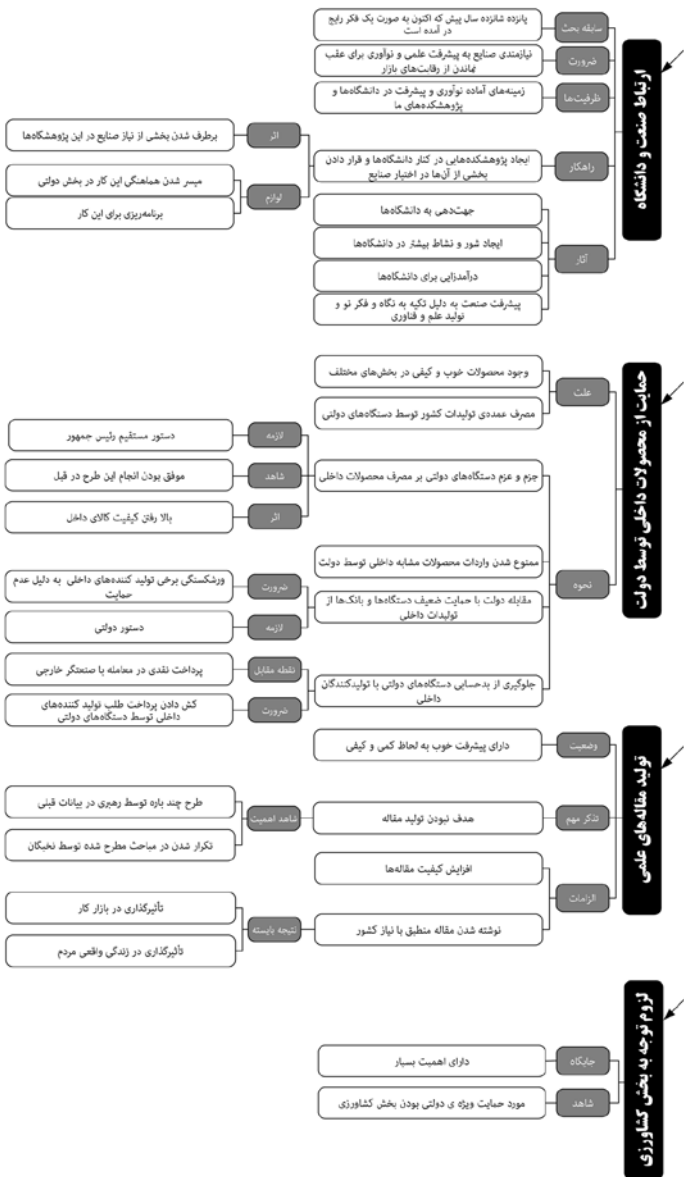


نیازمندی کشور به دانشمندان مؤمن و عاشق کشور

سرمایه گذاری در علم



نمودار اجمالی بیانات رهبری در دیدار با نخبگان و برگزیدگان علمی
۹۰/۰۷/۱۳



راهنما:

- مخبر بیانات
- زیرمجموعه
- شرح در صفحه بعد
- شرح در صفحه قبل
- شرح در پیوست



سخنرانی خانم دکتر سلطانخواه، معاون علمی و فناوری رئیس جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان

در پنجمین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۹۰)

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين ولله خير ناصر و معين. با سلام به پیشگاه معزز رهبر فرزانه انقلاب اسلامی که همواره مشوق حرکت، تحول و پیشرفت نظام جمهوری اسلامی به سمت قله‌های تعالی و پیشرفت بوده‌اند و با سلام خدمت میهمانان و جوانان عزیز با استعداد و نخبه.

خداوند بزرگ را شاکریم که در ایام پرفضیلت دهه کرامت و پنجمین همایش ملی نخبگان جوان توفیق زیارت مقام عظمای ولایت همراه با نخبگان عزیز نصیب گردید. حضور در محضر جنابعالی برای مسئولین و خدمتگزاران بنیاد و جمع فرزندان مستعد شما همیشه امیدبخش مسئولیت آفرین و حرکت‌زا بوده است و فرصت مغتنمی است تا مسئولین بنیاد فعالیت‌های هر ساله خود را جمع بندی و ارائه کنند و برای مهم‌ترین برنامه‌های آینده از رهنمودهای حکیمانه

رهبر انقلاب و مشورت نخبگان بهره‌مند شوند و همچنین فرصتی است برای نخبگان و استعداد‌های برتر که در دهه پیشرفت و عدالت از بیانات حکیمانه جناب‌عالی از مسئولیت‌های خود در راستای دستیابی به رفیع‌ترین جایگاه در حوزه علم و فناوری مطلع شوند.

همانطور که مستحضر هستید یکی از مهم‌ترین وظایف بنیاد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای شناسایی هدایت، حمایت مادی و معنوی نخبگان جذب و بکارگیری و پشتیبانی از آنان در راستای ارتقای تولید علم و فناوری است.

از آنجایی که محیط زیست، محیط پرورش و رشد استعدادها و جذب و بکارگیری آن‌ها محیط‌های گسترده و متنوعی است. توفیق در انجام این وظیفه خطیر منوط به همکاری و ایجاد وفاق در ساختارهای موجود کشور و استفاده حداکثری از ظرفیت سایر دستگاه‌ها است.

لذا، تلاش یکساله بنیاد برای جلب مشارکت و همکاری بیشتر سایر دستگاه‌ها بوده است و در این محضر مبارک رئوس بعضی از برنامه‌ها و اقدامات بنیاد که در سایه همکاری دستگاه‌های دیگر کشور حاصل شده است، تقدیم می‌گردد. البته این‌ها علاوه بر حمایت‌های مادی و معنوی مستقیم از نخبگان است که در گزارش‌های قبلی به استحضار رسیده است:

الف- رویکرد بنیاد جذب و بکارگیری نخبگان و فراهم کردن زمینه‌های ثمردهی و نقش‌آفرینی موثر نخبگان پس از فراغت از تحصیل در همه عرصه‌ها است به همین منظور تشکیل هیئت جذب نخبگان ذیل هیئت عالی جذب اعضای هیئت علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی و استقرار دبیرخانه آن در بنیاد ملی نخبگان برای جذب سریع و سهل نخبگان و استعداد‌های برتر در مراکز



آموزشی و تحقیقاتی دولتی و غیردولتی به انجام رسیده است. همچنین انعقاد تفاهم نامه‌ها با سایر بخش‌هایی که نیاز به همکاری و بهره‌جویی از ظرفیت توان نخبگان کشور را دارند که اینها متناوباً در پایگاه اطلاع رسانی بنیاد به اطلاع نخبگان عزیز می‌رسد.

همچنین یکی از برنامه‌های مهم بنیاد ملی نخبگان و معاونت علمی و فناوری بسترسازی برای ورود نخبگان به کسب و کار دانش بنیان است تا این عزیزان بتوانند آموخته‌های خود را توأم با ابتکاراتی که ناشی از نخبگی‌شان است عملاً به کار گیرند. تعریف و مدیریت بر اجرای طرح‌های کلان فناوری ملی و مشارکت نخبگان در آنها، ایجاد کانون‌های دانش و صنعت، ستادهای فناوری‌های راهبردی به منظور حمایت از ایجاد اشتغال دانش بنیان از اقداماتی بوده که انجام شده است و تجربه‌های موفق در این زمینه بدست آمده است.

ب- تلاش دیگر بنیاد برای افزایش ماندگاری و فراهم آوردن امکانات برای ادامه تحصیل در کشور و کم کردن دغدغه‌های نخبگان و استعدادها برتر است. که با همکاری وزارتخانه‌های علوم و بهداشت آیین‌نامه اعطای بورس در مقطع تحصیلی دکتری به نخبگان تهیه و تدوین و در هیأت امنای بنیاد ملی نخبگان مصوب شده است.

ج- با توجه به تغییر رویکرد بنیاد از رویکرد فردمحور به رویکرد نهادمحور تقویت امکانات و تجهیزات تحقیقاتی و آزمایشگاهی مراکز و مؤسسات علمی که محل تحصیل و فعالیت نخبگان است، مورد توجه و حمایت مادی بنیاد و معاونت علمی قرار گرفته‌اند و یکی از پیشنهاداتی که ما تقدیم وزارتخانه‌ها کردیم و آن را پیگیری می‌کنیم این هست که باز دیده‌های علمی دانشجویی از مراکز علمی

صنعتی کارکردهای مختلف علمی، فرهنگی و اجتماعی دارد و می‌توان برای هر یک دروس تخصصی مقطع کارشناسی رشته‌های مختلف موضوع بازدید دانشجویان از یک مرکز علمی مربوط به موضوع درس به عنوان جزئی از برنامه‌ی درسی منظور گردد و در وهله‌ی اول این برنامه مهم و اثرگذار می‌تواند در دانشگاه‌های نخبه‌پرور کشور به اجرا درآید.

در پایان براساس رهنمودهای بی بدیل جنابعالی درخصوص اینکه باید سند مکتوبی تهیه شود که در آن، اولاً هدف‌ها و چشم انداز پرورش نخبه به طور دقیق مشخص شود، (ثانیاً) چگونگی بهره برداری علمی و عملی از نخبه‌ها در آن ترسیم و مشخص شود. (ثالثاً) و این سند باید ناظر به واقعیت، ناظر به علم و ناظر به امکانات باشد؛ بنیاد ملی نخبگان تدوین سند راهبردی کشور در امور نخبگان را از اسفندماه سال گذشته در دستور کار خود قرار داد و با کمک اندیشمندان، صاحب نظران موفق به تدوین نسخه نهایی سند مذکور شده است که پس از طی مراحل تصویب در شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه خواهد شد و از آنجا که مسئله شناسایی و بکارگیری نخبگان یک مسئله ملی و در حوزه مسئولیت همه نهادها است، امیدواریم اقدامات و الزامات پیش بینی شده در این سند موجب هماهنگی و همکاری بیشتر کلیه دستگاه‌های نظام در این امر مهم باشد.

در پایان ضمن تشکر از این فرصت که بخشی از فعالیت‌ها و زحمات همکارانم را به اطلاع رساندم تقاضا دارد که در صورت صلاحدید جمع حاضر را از فرمایشات حکیمانه و راهگشای خو بهره‌مند فرمایید.

والسلام علیکم و رحمه الله



سخنرانی نخبگان پنجمین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی)^۱

دکتر نیما رضایی



(متخصص ایمونولوژی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، معاون پژوهشی مرکز تحقیقات نقص ایمنی، محقق جوان برگزیده دوازدهمین جشنواره علوم پزشکی رازی، مولف بیش از ۲۰۰ مقاله علمی و پژوهشی در مجلات بین‌المللی)

بسم الله الرحمن الرحيم. با عرض سلام و روز بخیر و کسب اجازه از حضرت عالی و حضار محترم، اینجانب مطالبی را که حاصل جمع‌بندی نتایج مطرح شده در جلسات نظام سلامت، در پنجمین همایش ملی نخبگان جوان با عناوین «معرفی ظرفیت‌ها و چالش‌های توسعه کشور در نظام سلامت» و نیز «روش‌های مشارکت و اثرگذاری استعدادهای برتر در نظام سلامت» بیان شده است را ارائه نموده و در ابتدای عرایض‌ام ذکر می‌کنم که مطالبی که بیان می‌شوند لزوماً بیانگر نظرات و عقاید شخصی اینجانب نمی‌باشد و اینجانب به عنوان دبیر نشست‌های یاد شده، حسب وظیفه مباحث مطرح شده را به اختصار بیان می‌نمایم.

با توجه به اینکه حق سلامت همگانی به عنوان یکی از اصول قانون اساسی کشور تدوین گردیده است، طی این سال‌ها، اقدامات مختلفی برای ارتقاء سطح سلامت در کشور و درکنار آن تاکید بر تحول و پیشرفت‌های علمی در زمینه‌های آموزش، پژوهش و درمان صورت گرفته است که جا دارد از زحمات

۱- در سخنرانی نخبگان عین مطلب، بدون هیچ دخل و تصرفی آورده شده است.

تمامی دست‌اندرکاران نظام سلامت کشور، قدردانی گردد.

سیر صعودی تولیدات علمی در حوزه سلامت و نیز گسترش شبکه‌های بهداشتی و برنامه‌ریزی‌های مناسب جهت آموزش نیروهای متخصص علمی و نیز آموزش‌های عمومی در سطح جامعه که منجر به بهبود شاخص‌های علمی در کشور گردیده است، خود گواهی بر این مدعاست. با این وجود علی‌رغم تمام تلاش مسئولین و یکایک افرادی که در حوزه سلامت کشور فعالیت می‌کنند مشکلات و چالش‌های متعددی در جذب مشارکت و اثرگذاری استعدادهای برتر در نظام سلامت وجود دارد که به اختصار بیان می‌نمایم:

۱) شناسایی و تربیت استعدادهای برتر: تدوین آیین‌نامه‌های کارآمد در حوزه علوم پزشکی برای شناسایی استعدادهای برتر و بسترسازی مناسب برای ادامه تحصیل افراد مسئله ایست که می‌تواند به عنوان یک اولویت توسط مسئولین در نظر گرفته شود.

۲) جذب و نگهداری استعدادهای برتر: فراهم نمودن بستر مناسب برای فعالیت و کارآفرینی در شأن استعدادهای برتر باید به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مسئولین در نظر گرفته شود که هدایت هدفمند این امر با توجه به نیازهای کشور می‌تواند بخش مهمی از مشکلات حوزه سلامت را برطرف نماید. به نظر می‌رسد در سال‌های پایان تحصیلی برای برخی از استعدادهای برتر مسئله‌ای با عنوان «ماندن یا رفتن» و برای برخی دیگر که در خارج از کشور تحصیل می‌نمایند، مسئله‌ای با عنوان «بازگشت یا ماندن در غربت»



مطرح می‌شود. پیشنهاد می‌شود مطالعه جامعی در خصوص میزان خروج نخبگان و بررسی دلایل آن انجام شود و برنامه‌ریزی صحیحی برای استفاده بهینه از همکاری این افراد در کشور صورت گیرد. مسلم است که فراهم سازی زمینه شغلی مناسب می‌تواند موجب حضور پررنگ این عزیزان در عرصه‌های مختلف نظام سلامت کشور گردد.

۳) مدیریت تحولات کشور: حضرتعالی در یکی از بیانات خود فرمودید که «مدیریت تحولات کشور باید در دست نخبگان دانشگاهی و حوزوی باشد» پیشنهاد می‌شود، بررسی جامعی صورت گیرد که چه میزان از مدیریت تحولات کشور به دست نخبگان کشور واگذار شده است؟ ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اگر مدیرانی با توجه به سمت خود بگویند که «نخبه هستیم که مدیر شده‌ایم» زینده نیست. مهم آن است که نخبگان به صورت فعال شناسایی شده و سپس سمت‌های مدیریتی به آن‌ها سپرده شود.

به نظر می‌رسد دو رویکرد مدیریتی در کشور وجود دارد: یکی بر مبنای کارگروهی و خرد جمعی است و بنابر آن است که با جذب افراد نخبه پیشرفت حاصل شود و مسلماً این گروه با باور به آنکه «شیفتگان خدمت هستند نه تشنگان قدرت» نه تنها ابایی از آنکه تیمی نخبه در کنار آنان قرار گیرند ندارند، بلکه پیشرفت علمی را در حضور پررنگ آنان در عرصه‌های مدیریتی کشور می‌دانند.

رویکرد دوم: رویکردی است که بر اساس تصمیمات فردی صورت می‌گیرد و از بیم آنکه حضور افراد نخبه ممکن است ضعف تیم مدیریتی را نشان دهد،

بنابر آن است که نخبگان در انجام امور مشارکت نداشته باشند. و لذا اگر نامی از نخبگان نیز در این رویکرد می‌شود به عنوان زینت مدیریتی و نه حضور حقیقی آنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و اجرا است.

امید می‌رود که همه مسئولین با رویکرد اول و با آغوشی باز پذیرای نخبگان باشند. (۴) نقشه جامع علمی سلامت کشور: تدوین نقشه جامع سلامت کشور با در نظر داشتن نقشه جامع علمی کشور الگوی مناسبی برای سایر حوزه‌های علمی کشور است. نگارش و نهایی شدن نقشه علمی دانشگاه‌ها در مرحله بعد و نیز تدوین برنامه‌های عملیاتی جهت جذب موثر استعداد‌های برتر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدیهی است که پایش منظم برنامه‌ها و بررسی دقیق از میزان اجرای تصمیمات اتخاذ شده بسیار مهم می‌باشد.

(۵) هدف‌گذاری صحیح: تجربه نشان داده است که اگر اهداف به درستی انتخاب شده باشند، برنامه‌ریزی مناسب برای رسیدن به آن اهداف وجود داشته باشد و تلاش مناسب در این راه صورت گیرد، نتایج مورد نظر کسب خواهند شد. پس هدف‌گذاری در امور باید با تعقل و تامل کافی صورت گیرد تا در انتخاب اهداف اشتباه نماییم. به عنوان مثال در نظام سلامت، در بخش بهداشت و درمان هدف متعالی خدمت‌رسانی به بیماران است و نه کسب درآمد که اگر درمان بیماران اصل باشد، درآمد نیز حاصل خواهد شد. و یا در بخش پژوهش خود تحقیق اصل است و نه چاپ مقاله و ارتقاء که اگر تحقق اصولی اهداف متعالی در مشارکت و اثرگذاری استعدادهای برتر در نظام



سلامت نیز با دقت تعیین شوند تا نتایج مورد نظر کسب گردند.

۶) تحقیقات کاربردی: امروزه انجام تحقیقات که به عنوان Translational Research معرفی می‌شوند جایگاه خاصی در سیاست‌گذاری نظام سلامت دارند. مفهوم ساده این تحقیقات، کاربردی نمودن پژوهش‌های پایه در بالین و سپس استفاده از آن‌ها در جامعه است. در این راستا توسعه کیفی پژوهش‌ها و مهم شمردن کیفیت طرح‌ها و مقالات، و نه فقط کمیت آنها، مورد نیاز است. حمایت از شرکت‌های دانش بنیان و نیز اعتماد و حمایت از استعدادهای برتر می‌تواند زمینه شکوفایی علمی کشور را فراهم نماید.

۷) و بحث آخر: ضمن گرامیداشت دهه کرامت، کرامت انسانی است. همان‌طور که مستحضر هستید سلامت روحی - روانی جامعه در کنار سلامت جسمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا مواردی که در عرایض اینجانب ذکر گردید در سایه توجه بیشتر به مسائل روحی استعدادهای برتر و حمایت‌های معنوی از این قشر میسر خواهد شد. از طرفی دیگر نیروی انسانی موثر یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت است، و لذا احترام به کرامت انسانی و رعایت اخلاق پزشکی باید به عنوان یکی از مسائل مهم نظام سلامت در نظر گرفته شود که خود مستلزم تعریف حقوق فردی و بالاخص حقوق بیمار و نیز معرفی تبیین و اجرای آن است.

در پایان ضمن سپاس از توجه حضرت‌عالی و حضار محترم، امید است که نکات ذکر شده مفید فایده واقع شده باشند.



سیدسعید سرافراز

(دارنده مدال طلای المپیاد دانش آموزی ریاضی در سال ۱۳۸۶)

بسم الله الرحمن الرحيم. مطلب اولی که می‌خواستیم خدمت‌تان عرض کنیم جمع‌بندی نشست «معرفی ظرفیت‌ها و چالش‌های توسعه کشور در بخش انرژی» است که دیروز در همایش، برگزار شده بود. در این نشست که با حضور مدیرعامل سازمان انرژی‌های نو ایران، معاون وزیر نفت، رئیس انجمن نفت ایران و دبیر کمیسیون تخصصی انرژی برگزار گردید، جمع کثیری از نخبگان، اساتید دانشگاه و کارشناسان صنعت انرژی کشور، چالش‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل کشور در بخش انرژی را مورد بررسی قرار دادند و پیرامون آن بحث و تبادل نظر کردند.

مواردی که مورد بررسی قرار گرفت به طور خلاصه به شرح زیر می‌باشند:
 (۱) چالش‌های موجود در روش‌های مشارکت و اثرگذاری نخبگان کشوری در حوزه انرژی؛

(۲) دولت آینده ایران با چه چالش‌هایی در زمینه تولید، توزیع و مصرف انرژی مواجه خواهند بود؟

(۳) آیا تداوم روند کنونی می‌تواند تضمین‌کننده رویای تبدیل شدن به قدرت نخست منطقه در زمینه انرژی باشد؟

(۴) آیا سهم تولید نفت و گاز ایران از میدان‌های مشترک با همسایگان افزایش خواهد یافت؟

یافتن پاسخ‌های روشن به این سوالات از چالش‌هایی است که دولت آینده ایران باید آن هم، در شرایطی که شدت مصرف انرژی ۵ برابر متوسط جهانی است و شاخص بهره‌وری انرژی تغییر محسوسی نداشته است، با آن مواجه شود. با توجه به افزایش روز افزون و نیاز جامعه بشری به مصرف انواع انرژی و وجود انواع چالش‌های جدی در آینده انرژی کشور و توجه ویژه به محدودیت‌های منابع فسیلی، کاهش امنیت استفاده از آن‌ها و مخاطرات اقتصادی حاصل از بالا رفتن قیمت‌های این نوع انرژی در جهان و همچنین افزایش روز افزون انتشار گازهای گلخانه‌ای و بهم خوردن توازن و تعادل شرایط آب و هوایی جهان، استفاده بهینه و ارتقاء بهره‌وری از منابع موجود فسیلی و نیز استفاده گسترده‌تر از منابع انرژی‌های تجدیدپذیر، از راهکارهای اساسی جهت حل چالش‌های روبرو می‌باشد. از آنجایی که کشور ما در زمره صادر کنندگان نفت و گاز قرار دارد، در صورت جایگزینی بخشی از نفت و گاز به جای سایر حامل‌های انرژی نظیر زغال سنگ، برق آبی و انرژی‌های نو، امکان صادرات و توجه به مقولات مغفول مانده نظیر تبدیلات گازی و یا تزریق گاز به مخازن نفتی، که ارزش افزوده بالایی ایجاد می‌کنند، فراهم می‌آید. می‌توان دریافت که کشور ایران دارای پتانسیل‌های بالقوه‌ای در بهره‌گیری از انواع حامل‌های انرژی است، که لازم است ضمن مطالعات جامع انرژی کشور و مزیت نسبی آن‌ها به صورت منطقه‌ای با یکدیگر مقایسه شده و بهترین حامل برای هر نقطه از کشور انتخاب شده و سبب مناسبی برای انرژی کشور تنظیم گردد. نکته بسیار مهم آن است که در تعیین چنین امری، نمی‌توان تنها پارامترهای اقتصادی را مدنظر داشت بلکه عواملی نظیر امنیت انرژی، تاثیر

استفاده از آن حامل در افزایش صادرات و یا ایجاد ارزش افزوده با کمک نفت و گاز، اثر بر ساختارهای اجتماعی، تأثیرات محیط زیستی و سایر عوامل نیز بایستی به صورت پارامترهای کمی درآمده و در جریان تدوین این طرح وارد شود. بدیهی است که به علت زمان بر و هزینه بر بودن این مطالعات، لازم است با تدوین چنین طرحی هر چه سریع تر اقدامات مقتضی توسط مسئولین ذیربط صورت گیرد.

بخش صنعت پس از بخش خانگی و حمل و نقل، سومین مصرف کننده انرژی در کشور است و به همین دلیل اصلاح الگوی تولید در این بخش، حائز اهمیت است. بخش عمده‌ای از صنایع نظیر صنایع فلزات، کانی‌های غیر فلزی، صنایع غذایی و غیره باید الگوی تولید خود را به سه روش «تغییر فناوری»، «اصلاح فناوری موجود» و «اصلاح مدیریت تولید» تغییر دهند. همچنین لازم است برای حل مشکلات انرژی، نقشه جامع انرژی و اولویت‌های کشور در بخش نفت و گاز، برق و انرژی هسته‌ای تدوین گردد. یکی دیگر از مسائل بحث شده، ایجاد شبکه مابین بنگاه‌های تولید ایده و تولیدکنندگان محصول ایده و پشتیبانی از این شبکه‌هاست که می‌تواند با پشتیبانی از شرکت‌های اجرا کننده ایده نیز تحقق یابد. نکته دیگر این است که با حل مشکلات ساختاری و تدوین نقشه راه مرکز فناوری‌های انرژی و تاسیس پژوهشکده‌های مرتبط با فعالیت‌ها و تحقیقات در حوزه انرژی در دانشگاه‌های مختلف می‌توان فاصله پژوهش و فناوری و تولید را کم نمود. از شما رهبر فرزانه تقاضا داریم که ساز و کار و راه حل‌هایی که در باب مسئله نخبگان وجود دارد، به ما ارایه بفرمایید.





حسن نیکا آئین

(دارنده مدال نقره المپیاد دانش‌آموزی کامپیوتر در سال ۱۳۸۲)

بسم الله الرحمن الرحيم. (۱) برای ورود نخبگان به صنعت در بخش مدیریت باید از نخبگان به صورت مشاوره‌ای استفاده کرد ولی در بخش فنی، وظیفه اصلی نخبگان، طراحی است؛ منتها نخبگان باید زمینه ورود خود را خود فراهم کنند و منتظر ایجاد مجال برای ورود نباشند.

(۲) صنعت و IT یکی از مواردی که جزء نیازهای اصلی صنعت می‌باشد ورود به حوزه IT و فناوری‌های جدید می‌باشد زیرا این حوزه با توجه به یکپارچگی که ایجاد می‌کند موجب کاهش هزینه‌ها و بالا رفتن بازدهی می‌شود. یکی از مشکلات در این زمینه، تولید روز افزون سندهای ملی برای حوزه IT است که متأسفانه هیچ یک از این اسناد، منتهی به کار عملی نشده است. علی‌رغم عقب بودن کشور ما در این حوزه، همچنان مسیر ورود نخبگان به این حوزه همواره نیست. به طور مثال به دلیل اینکه از دیدگاه مجریان هیچ ایده‌ای در زمینه IT به عنوان ایده نو محسوب نمی‌شود به سختی به نخبگان اجازه ایجاد شرکت‌های دانش بنیان در زمینه IT داده می‌شود.

(۳) نخبگان و دستگاه‌های اجرایی: با توجه به مشکلات ساختاری و اجتماعی دستگاه‌های اجرایی به طور مثال سخت‌گیری‌های بی‌مورد، در مورد جوانان، ورود نخبگان به این دستگاه‌ها تقریباً امکان پذیر نیست. دلیل این امر نیز عدم

وجود نخبگان در این دستگاه‌ها می‌باشد که موجب می‌شود یک دور باطل ایجاد شود. راهکار این امر شکسته شدن این حصار به نحوی، و ورود نخبگان، هر چند با روندی کند، به بدنه دستگاه‌های اجرایی است البته این افراد باید علاوه بر نخبه بودن از لحاظ هوشی، خصوصیات دیگری نیز داشته باشند تا بتوانند ماموریت خود را که شکستن این حصار می‌باشد به درستی انجام دهند که از جمله این خصوصیات می‌توان به دارا بودن EQ یا همان «هوش هیجانی» و داشتن درک بالایی از جامعه اشاره کرد.

۴) نخبگان و صنعت خصوصی: در حال حاضر بین صنعت و استعدادهای ما فاصله وجود دارد، که چون قسمت در حال رشد صنعت، دست بخش خصوصی می‌باشد، این فاصله به راحتی قابل از بین بردن نیست. دلیل این امر این است که استعداد برتر به راحتی جذب صنعت نمی‌شود و صنعت خصوصی نیز سودی در جذب آن نمی‌بیند. بنابراین باید سیاست‌های حمایتی در این راستا تدوین شود تا از صنعت کارانی که نخبگان را می‌پذیرند، حمایت شود. همچنین با این کار، نخبگان بیشتر محیط صنعت را می‌پذیرند و به این ترتیب این فاصله کمتر خواهد شد.

۵) مقالات دانشگاهی: امروزه مقاله‌ها و پتنت‌ها برای دانشگاه‌های ما سود محسوب نمی‌شود و باید دانشگاه‌های ما به سمت رفع نیاز جامعه حرکت کنند. به طور مثال می‌توان برای نزدیک‌سازی صنعت و دانشگاه، معیارها را در دانشگاه‌ها از جمله معیار انتخاب اساتید، ارتقای اساتید و... از داشتن مقالات



زیاد به داشتن ارتباط با صنعت تبدیل کرد؛ که البته برای اندازه‌گیری داشتن ارتباط با صنعت باید معیاری ارائه شود. لازم به ذکر است که فرهنگ سازی برای این موضوع باید توسط نخبگان صورت گیرد.

۶) شرکت‌های دانش‌بنیان: دو راهکار برای نخبگان جهت ایجاد شرکت‌های دانش بنیان وجود دارد:

۱- رفتن به داخل بدنه بنیاد

۲- آوردن ایده سود ده در راستای رفع نیازمندی‌های کشور

در صورتی که نخبگان، بعد از ایده‌پردازی بخواهند وارد تولید ایده خود بشوند، به سختی دو سال می‌توانند دوام بیاورند. بعد از این مدت محصول این شرکت‌ها باید خریداری شوند. خریدار عمده کشور ما دولت است دولت نیز به خاطر بازخواست‌های درست یا نادرست، جرأت خریداری از شرکت‌های نوپای خصوصی را ندارد. در نتیجه، این شرکت‌ها با مشکل مواجه می‌شوند. همچنین از مشکلات دیگر شرکت‌های دانش‌بنیان، می‌توان گفت که علی‌رغم اینکه در قانون برای تاسیس این شرکت‌ها وثیقه‌ای نمی‌خواهند، در عمل اینگونه نیست. همچنین در عمل وامی به این شرکت‌ها داده نمی‌شود.



دکتر علیرضا شایسته

(استادیار شیمی دانشگاه تهران، دارنده مدال طلای المپیاد جهانی دانش آموزی شیمی در سال های ۱۳۳۴ و ۱۳۷۵)

بسم الله الرحمن الرحيم. (۱) مدیریت تحولات کشور می بایست در دست متخصصان علوم انسانی قرار بگیرد. از آنجائیکه علوم انسانی پایه و زیرساخت دیگر علوم می باشند و موتور محرک و قلب تپنده آنها محسوب می شوند، مدیریت این تحولات می بایست توسط اندیشمندان علوم انسانی انجام پذیرد. (۲) نخبه یابی می بایست به همراه نخبه پروری انجام پذیرد. به نظر می رسد که بنیاد ملی نخبگان در جذب و یافتن نخبگان تا حدی موفق عمل نموده است ولی در پرورش این افراد موثر عمل ننموده است. تنها باز کردن یک مغازه مهم نیست. بلکه مهم آن است که آن مغازه مهم نیست، بلکه مهم آن است که آن مغازه را باز نگه داریم. سازوکاری می بایست فراهم نمود تا نخبگان پس از برگزیده شدن در مسیر درست رشد قرار بگیرند، شاید برگزاری کارگاه های آموزشی خلاقیت و فکر و اندیشه به این امر کمک کند.

(۳) تاکید بیشتر بر بالا بردن کیفیت تحصیلات تکمیلی: یکی از مهم ترین مقاطع تحصیلی که باعث رشد و شکوفایی می شود، دوره کارشناسی ارشد و دکتری می باشد. پایین بودن کیفیت این دوره ها باعث می شود تا روح یاس و نومیدی در میان دانشجویان افزایش یافته و زمینه فرار مغزها و استعدادکشی فراهم گردد.

(۴) طراحی نقشه جامع علوم انسانی در کشور: به نظر می رسد در علوم انسانی،



مسیرهای حرکت رو به جلو مشخص و واضح نمی‌باشند و بسیاری از نخبگان نمی‌دانند چه مسیری صواب و چه مسیری ناصواب است. در حقیقت چشم‌انداز مشخصی در این حوزه وجود ندارد لذا باید نقشه‌ای طراحی کرد تا مسیر انجام پژوهش در کشور مشخص باشد.

۵) ایجاد پارک‌های علمی و فناوری مخصوص علوم انسانی: معمولاً پارک‌های فناوری و بنگاه‌های دانش بنیان در اختیار علوم دقیقه می‌باشند. پسندیده است که برای باور نمودن و تحول علوم انسانی کارهایی از این دست نیز مخصوص حوزه‌های مختلف علوم انسانی طراحی گردد.

۶) تحول در علوم انسانی می‌بایست از کودکی و مقاطع پایین انجام شود. اگر قرار است تحولی در علوم انسانی اتفاق بیفتد که زیربنایی باشد، این تحولات می‌بایست از دوران کودکی شروع شود. چراکه دوران کودکی است که پایه‌های فکری و اخلاقی افراد نهاده می‌شود و می‌توان آن را نهادینه کرد. از این رو، نخبگان آموزشی می‌بایست دنبال راه کارهایی برای نهادینه کردن تولید فکر و اندیشه در کودکان باشند.

۷) تشویق حداکثری نخبگان به انجام پژوهش در حوزه علوم انسانی: ظاهراً پژوهش و انجام پروژه آنگونه که در علوم طبیعی و دقیقه تعریف شده و انجام می‌شود، در علوم انسانی جایگاه مشخص ندارد و کمتر پروژه تحقیقاتی انجام می‌شود، می‌بایست سازوکاری جست تا پژوهش در علوم انسانی همچون دیگر علوم، جایگاه خود را بیابد.

۸) مبارزه جدی و همه جانبه با الگوها و مدل‌های ارائه شده توسط سیستم

هالیوود: تحول در علوم انسانی اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه مدل‌ها و الگوهای جذاب و تعریف شده ارائه گردد. تا زمانی که هالیوود در نبردی تصویری، فکری و هنری به ارائه مدینه فاضله و الگوهای فکری خود می‌پردازد جایی برای جولان مدل‌های داخلی باقی نمی‌ماند. از این رو هنرمندان و اندیشمندان می‌بایست در مقابل این هجوم هالیوودی بسیج شوند و به ارائه الگوهای موثر بپردازند.

۹) اجتناب از پژوهش زدگی در دانشگاه‌ها: مشاهده می‌شود که گاهی پررنگ نمودن پژوهش استادان، تحت عنوان آیین‌نامه ارتقاء در دانشگاه‌ها باعث کم رنگ شدن بخش آموزش می‌شود و همانگونه که مستحضرید آموزش خود خمیرمایه پژوهش است و هر دو به مثابه بالی می‌مانند که جهت رشد و ارتقاء علمی دانشجویان لازم می‌باشند. امید است افزایش وزن پژوهش، باعث افت آموزش نشود.

مشاهده می‌شود که گاهی پررنگ نمودن پژوهش استادان، تحت عنوان آیین‌نامه ارتقاء در دانشگاه‌ها باعث کم رنگ شدن بخش آموزش می‌شود و همانگونه که مستحضرید آموزش خود خمیرمایه پژوهش است و هر دو به مثابه بالی می‌مانند که جهت رشد و ارتقاء علمی دانشجویان لازم می‌باشند. امید است افزایش وزن پژوهش باعث افت آموزش نشود.





دکتر سعید صالحی پور

(استادیار ریاضی دانشگاه تبریز، رتبه اول المپیاد دانشجویی ریاضی در سال ۱۳۷۶)

بسم الله الرحمن الرحيم. معرفی ظرفیت‌ها و چالش‌های توسعه کشور در بخش علوم پایه.

سخنرانی صبح با حضور تقریباً ۷۰ نفر درمورد ظرفیت‌ها و چالش‌های توسعه کشور در علوم پایه توسط آقای دکتر تهرانچی ایراد شد. در این سخنرانی علوم پایه به عنوان علوم شناخت خلقت، تعریف و تاریخچه کوتاهی از علوم پایه ارائه شد. به یک بیان می‌توان گفت که علوم پایه چستی شناسی خلقت الهی است. پیدایش علوم پایه در ایران بر اساس نیازهای کاربردی بوده است. ما متأسفانه جز کشورهای بودیم که از علوم پایه دنیا عقب افتاده و نگاه مهندسی گرایانه داشته‌ایم؛ نگاه مهندسی گرایانه نگاهی غلط است که باعث ضعف در علوم پایه می‌شود. اگر به نقش پیش‌تاز علوم پایه دقت نکنیم علوم پایه به جایگاه خودش در توسعه نمی‌رسد. تکنولوژی برتر در گرو علوم پایه است و تکنولوژی یا صنعت را نمی‌توان تنها منبع مالی برای علوم پایه در نظر گرفت. از آنجا که ماهیت پژوهش بنیادی اساساً غیر تجاری است، به طور کلی صنعت با اهداف از قبل تعیین شده، با استانداردهای کاملاً مشخص آن و با فشار ثابت الزامات تجاری، علوم پایه را از پیشرفت باز می‌دارد.

در قسمت پرسش و پاسخ عنوان شد که کار در علوم پایه، الزاماً معلمی نیست و باید جاذبه برای پژوهش‌های بنیادی ایجاد شود با توجه به اینکه بسیاری از کاربردهای علوم پایه در آینده‌ای چه بسا دور مشخص می‌شوند حمایت از پژوهش در این حوزه نباید محدود به چارچوب‌هایی مانند آنچه در نقشه جامع علمی کشور به عنوان اولویت‌بندی آمده شود. اولویت‌های پژوهش کشور نمی‌تواند بیش از ده یا دوازده تا باشد.

نشست بعد از ظهر در مورد «روش‌های مشارکت و اثرگذاری استعدادهای برتر در علوم پایه» با حضور صاحب نظران تشکیل شد در این جلسه از لزوم بالا بردن سطح تحقیقات در کشور که لازمه آن تربیت محققینی تمام وقت و پرکار است، صحبت شد. جملاتی از سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و نقشه جامع علمی کشور قرائت گردید و تذکر داده شد که جملات به خودی خود خوب هستند، ولی هم سو نیستند، این موضوع مطرح شد که همواره سیاست توسعه کمی، سیاست اولی بوده و اکنون باید به ارتقاء کیفیت نیز در برنامه‌های آتی توجه نمود.

به نظر یکی از صاحب‌نظران، بزرگترین چالش علوم پایه فهمیدن نشدن این علم است و اسم علوم پایه باید به «علوم شناختی» تغییر یابد. عمیق‌ترین جایگاه علم، همین علوم پایه است و بیشترین برندگان جایزه نوبل هم عالمین پایه بوده‌اند. هم چنین مطرح شد که مقدار زیاد تحقیقات با کیفیت پایین، برای جامعه مضر است و متأسفانه تعداد کسانی که در تصمیم‌گیری‌های مالی کشور



مسئولند بیشتر از محققین تر از اول است. به نظر یکی دیگر از صاحب‌نظران باید قوانین استخدامی کشور طوری تعیین شوند که سهمیه‌ای برای علوم پایه در شرکت‌ها در نظر گرفته شود.

در قسمت پرسش و پاسخ، نیاز کشور برای داشتن یک بنیاد ملی علوم که بتواند پژوهشگران علوم پایه را تحت حمایت مستمر مالی خود درآورد، مطرح شد. این بنیاد ملی خاص علوم می‌تواند باعث تشویق پژوهش‌های علوم پایه در بالاترین سطح جهان شود. همچنین به ایجاد انگیزه به دانشجویان نخبه و استعدادهای برتر برای پژوهش در علوم پایه اشاره شد. در پاسخ، یکی از صاحب‌نظران اذعان داشت که یکی از مشکلات اصلی برای عدم وجود حمایت‌های مستمر مالی پژوهشگران علوم پایه وجود نداشتن زیرساخت‌ها نیست بلکه وجود سازمان‌های مختلف و موازی است که شرح وظایف‌شان با هم تداخل داشته و سازمان بعدی به علت عدم وجود کارایی سازمان قبلی ایجاد شده است و متأسفانه پس از چند سال، سازمان‌های جدید نیز به سرنوشت سازمان‌های قبلی دچار می‌شوند.

با تشکر



مهتاب ترک بیات

(رتبه سوم آزمون سراسری هنر در سال ۱۳۷۸)

بسم الله الرحمن الرحيم. در اینجا به دو مورد از مشکلات اشاره می‌شود: بخش اول؛ مربوط به فضای دانشگاهی رشته‌های هنری است. در فضای دانشگاهی این موانع از یک سو به طرح درس‌های قدیمی بازمی‌گردد. به منابع درسی که بر پایه‌های غربی استوار است وهم چنان جای خالی تفکر متفکران بومی در قاب آن دیده می‌شود. به راستی چرا هنوز نظرات و کتب افرادی چون شهید آوینی جزء منابع درسی دانشگاه‌های هنر نیست؟

البته نظیر این مشکلات در علوم انسانی هم وجود دارد اما در وادی هنر، توجهی دوباره می‌طلبید؛ چرا که خروجی هنر مستقیماً بر روح مردم جامعه اثر می‌گذارد و نوع تفکر، در پس زمینه خلق هر اثر هنری نقش جدی ایفا می‌کند. تعداد کم دانشگاه‌های تخصصی هنر، کمبود امکانات فنی در دانشگاه‌های موجود، بی‌توجهی برخی اساتید به آرمان‌های اسلامی و هنر انقلابی، در کنار توجه به تکنیک دور از محتوا، آفت‌های دیگری است که دانشجویان با آن دست به گریبان‌اند.

بخش دوم؛ پدیده اجتماعی فرهنگی است که از آن با عناوینی چون اشرافیت فرهنگی یا آقازاده‌های فرهنگی یاد می‌شود. خاستگاه این پدیده



فرزندان خانواده‌هایی هستند که طبقه مسئولین و چهره‌های فرهنگی را نیز شامل می‌شود.

تحصیل فرزندان آن‌ها در مدارس غیر دولتی با سبک و سیاق متفاوت و هزینه‌های بالا، در کنار انباشت فرهنگی، گستردگی اطلاعات و دسترسی‌هایی که به واسطه موقعیت خانوادگی خود دارند، موجب رشد یافتن آن‌ها در فضایی می‌شود که با واقعیت‌های جامعه فاصله دارد.

ورود این نسل به دانشگاه و پس از آن حضور در عرصه فرهنگ و هنر متعهد امری ذاتاً نیکوست اما این افراد به عنوان درگاه و کلید اتصال به مسئولین مورد توجه ویژه و متفاوتی قرار می‌گیرند و این امر در کنار ترجیح داده شدن این افراد به دیگر نیروهای فعال و خوش فکر در سپردن کارها از سویی موجب دل زدگی برخی نیروهای شایسته و مخلص می‌شود و از سوی دیگر سرعت پیشرفت بالا و بعضاً عجیب این جوانان را، در تصدی مناصب و مسئولیت‌ها به همراه دارد.

امروز این مسئله در بین فعالین عرصه فرهنگ و هنر قابل لمس است و مصادیقی برای آن وجود دارد اما به خاطر نوع مسئله و حساسیت عرصه، من و جوانانی چون من چاره مشخصی غیر از سکوت و مدارا برای مواجهه با آن نیافته‌ایم و همین می‌تواند در بلند مدت دلسردی‌هایی را در نیروهای جوان خوش فکر به وجود آورد. والسلام علیکم.



سیدمحمد امین آقا میری

(دارنده مدال برنز المپیاد دانش آموزی فیزیک در سال ۱۳۸۳)

بسم الله الرحمن الرحيم. نسل اول انقلاب در گیرودار انقلاب که بنا نهادن پایه‌های نظام بود، تربیت شد. پس از آن در سال‌های جنگ، نسل دوم انقلاب آب دیده شد، و اما سوال اینجاست که موضع تربیت نسل سوم کجاست؟ این سوال اساسی ای است که می‌خواهیم راجع به آن صحبت کنیم. تفاوت مهم آن زمان و زمان حاضر این بود که آن موقع برای حفظ حداقل‌ها تلاش می‌کردیم، می‌خواستیم نظام بماند ولی الان باید انقلاب را به سمت حداکثری شدن پیش ببریم. امروز باید همه اجزای پیرامونی خودمان را مدنظر داشته باشیم، برای آن‌ها برنامه داشته باشیم و بتوانیم ما آینده تحولات را رقم بزنیم. ما طراحی کنیم و این هوشمندی ویژه‌ای می‌خواهد، همان‌گونه که غرب تا حد خوبی این کار را دارد انجام می‌دهد، که البته در مورد آن‌ها «و مکروا و مکر الله والله خیر المکارین» است و اگر ما نقد و گلایه می‌کنیم، چون توقع هم چنین هوشمندی ویژه‌ای از نهضت انقلاب اسلامی داریم. ما آینده را الان روشن می‌بینیم اما آینده خیلی روشن‌تر از این را متوقع هستیم و آن نقطه‌ای را که امام عزیز برای ما تصویر کردند خیلی فراتر از فضایی است که الان در آن هستیم و حرکت در مسیر تمدن اسلامی یک ملزوماتی را دارد که باید



برای تک تک آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم و ساز و کارهای فعلی نشان از هم چنین چیزی برای ما ندارد.

امروز نسل سوم درآستانه ورود به مسائل کلان کشور است. این یک فرصتی است که تا حد زیادی توسط مسئولین به آن بی‌توجهی می‌شود. ما سازوکار مناسبی برای تربیت نسل سوم نداریم و برای ورود اینها به فضاهای کلان کشور، فضاهای مختلف کشور، در واقع منفعلانه برخورداری می‌کنیم. سوال ما این است که آیا در ساز و کارهای فرهنگی نظام، چه در دولت، چه در سازمان تبلیغات اسلامی، چه در صدا و سیما و مخصوصاً در شورای عالی انقلاب فرهنگی، آیا این طراوات و نشاط جوانی نمی‌تواند در کنار تجربه قرار بگیرد و سرعت حرکت را افزایش بدهد؟ سازوکار ما برای حضور موثر جوانان در حوزه فرهنگ در کشور چیست؟ برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صاحب نظران با توجه جمع شدند حرف‌هایشان را زدند، در حال حاضر در میان جوانان، افراد و از آن مهم‌تر جمع‌هایی هستند که در این حوزه و مسائل حرف دارند. کارهای خوبی انجام دادند، اما مجالی تا به حال به وجود نیامده است که بتوانند حرف‌هایشان را بزنند و کارهایشان را گسترش بدهند.

امروز در دانشگاه‌های تهران، حداقل خود من از چند تا دانشگاه خبر دارم، خودمان جمع‌هایی داریم که در حوزه فرهنگ، تربیت، اصلاح فضای دانشگاه‌ها، اصلاح بنیاد نخبگان، شبکه‌سازی، اقتصاد، مدل‌های سیاست‌گذاری کلان کشور، اصل ۴۴، نقش جامع و موضوعات دیگر، چون گروه‌های زیادی شکل

گرفته، حرف دارند و گاهی هم فرصت شده است در این نشست‌ها و جاهای دیگر گوشه کنار یک سری حرف‌هایی زدند، یک سری کارهای خوبی اتفاق افتاده است، اما مجرای ثابتی وجود ندارد که بشود این مسائل را پیگیری کرد، این کارها را محکم پیش برد و از مسئولین مطالبه کرد.

ورود جوانان به فضای موثر فرهنگی کشور که لزوماً فضای مدیریتی نیست و یا نقش آفرینی نخبگان فرهنگی، که این نخبگان هنوز تعریف نشده‌اند، در یک چهارچوب امکان پذیر است و آن هم اعتماد، نگاه پدران و دادن فرصت است. هرچند که ممکن است اشتباهاتی در این مسیر صورت بگیرد. ممکن است بچه‌ها، خطاهایی بکنند اما باید این فضا را به آن‌ها داد تا هم نسلی تربیت شود، هم اینکه طراحی جوان برای جوان موثرتر است. یعنی اگر ما بخواهیم کار فرهنگی برای جوانان بکنیم خود جوانان باید برای آن برنامه‌ریزی کنند هم رقابت مفیدی صورت می‌گیرد هم فرایند طراحی تا اجرا سریع‌تر خواهد شد و نکته آخر آن هم این است که می‌توانیم فضاهای جدیدی مثل ورود نخبگان به تحولات منطقه، تحولات جهان اسلام و پیگیری علمی مطالعات انقلابی انجام دهیم تا الان جای اینها خالی است. با تشکر





دکتر جعفر حسینی

(استادیار روانشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران، رتبه سوم جشنواره بین‌المللی فارابی در سال ۱۳۸۸)

بسم الله الرحمن الرحيم. در وضعیت کنونی علوم انسانی با موانع و مشکلاتی روبرو است که در حوزه‌های مختلف ما می‌توانیم این موانع و مشکلات را بررسی کنیم. اولین حوزه، حوزه روش شناختی است. اگر ما زیربنای علم را در روش جستجو کنیم، باید بتوانیم در زمینه تحول انسانی در بعد روش شناختی، اقدامات اساسی و پایه‌ای را انجام دهیم، ولی در بعد روش شناختی در کشور ما، محدودیت‌های مهمی وجود دارد از جمله:

۱) پراکندگی روش شناختی: در آثار تمام پژوهشگران، مولفین و حتی موسسات و دانشگاه؛ ما نمی‌توانیم مشاهده کنیم که یک فرد یا موسسه‌ای در یک زمینه اختصاصی، کار خاصی را انجام بدهد، فرا تحلیل کارهای انجام شده در حیطه علوم انسانی در رشته‌های مختلف، نشان می‌دهد که عملاً این پژوهش‌ها به هیچ نتیجه‌ای منجر نمی‌شود.

۲) عدم وجود آسیب‌شناسی در زمینه پژوهش و آموزش: اگر قرار باشد پژوهش به عنوان ابزار اساسی برای رسیدن به نظریه مطرح شود باید بتوانیم به آسیب‌های پژوهشی آشنا شویم. در زمینه پژوهش ما شاهد این هستیم که در دانشگاه‌ها نه تنها تاکید اساسی بر پژوهش به خصوص پژوهش‌های اسلامی و بومی نمی‌شود بلکه برعکس شاهد رشته‌های نوظهوری هستیم تحت عنوان رشته‌های آموزش محور، در سطح تحصیلات تکمیلی. در زمینه

آموزش هم تاکید افراطی بر کمیت دانشجو، تاکید افراطی بر تعداد مقالات هیئت علمی‌ها، منجر به این شده که متاسفانه شاهد فروش پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در سطح معابر و خیابان‌ها باشیم و حتی موسساتی هستند که با اخذ پول، به تدوین مقالات ISI می‌پردازند.

۳) نکته سوم در خصوص حمایت‌های مالی محدودی است که از پژوهش‌های علوم انسانی انجام می‌شود.

۴) نکته چهارم نبود مراکز و موسسات اختصاصی در زمینه مطالعه و بررسی سازنده‌های علوم انسانی

۵) نکته پنجم در بعد روش شناختی، کمبود فضای تعامل بین حوزه و دانشگاه‌ها هست، که بشود روش‌های موجود در دانشگاه‌ها با روش‌های موجود در حوزه را تلفیق کرد.

حوزه دوم در حوزه علوم انسانی، حوزه ذهن‌پروری است، بدون تردید داشتن ذهن باز، داشتن ذهنی مبتنی بر علوم اسلامی و بومی می‌تواند در غنی کردن نظریات موجود نقش اساسی ایفا کند. ولی برخی موانع منجر به این شده است که در زمینه ذهن‌پروری، دو نهاد تعلیم و تربیت و دانشگاه‌ها، نهضت خودشان را به درستی انجام ندهند، از جمله این موانع:

۱) ما می‌توانیم به بروز فرهنگ معکوس در آموزش و پرورش مبنی بر ترغیب دانش‌آموزان سرآمد و نخبه به سوی رشته‌های فنی و علوم پایه اشاره کنیم. در کل دنیا روند حاکم این است که رشته‌های علوم انسانی و رشته‌های



بومی را خودشان مطالعه می‌کنند. نخبه‌های خودشان را به سمت مطالعه رشته‌های علوم انسانی ترغیب می‌کنند. ولی درآموزش و پرورش ما، این روند نسبتاً معکوس است. افرادی که نخبه و سرآمد هستند و به سمت رشته‌های علوم پایه گرایش پیدا می‌کنند.

۲) ورود علوم نابسته به فرهنگ اسلامی و ایرانی بدون اتخاذ دیدگاه انتقادی؛ به نظر می‌رسد، بیگانه ستیزی و بیگانه‌گریزی نمی‌تواند مشکلات را حل کند بلکه ما می‌توانیم با نقد آثار فرهنگ غربی خودآرایی علمی را شروع کنیم.

۳) روش‌های ناکارآمدی که در تعلیم و تربیت و در استخدام معلمان به کار گرفته شده است.

۴) نقص در نظام گزینش استاد؛

ما نخبگان جوان این انتظار را داریم که در سایه توجهات حضرت عالی و حمایت‌های دولت محترم، علوم انسانی بتواند با تاکید بر خودباوری نسل جوان و ظرفیت‌های موجود در نسل جوان خاک حاصلخیزی را جهت پرورش زمینه‌های نظری علوم انسانی و به عنوان یک فرش مستعد برای گسترش سایر علوم به کار بگیریم. والسلام علیکم ورحمه الله.



آزیتا بلالی اسکویی

رتبه سوم جشنواره جوان خوارزمی در سال ۱۳۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم. سرمایه انسانی، مهم‌ترین منبع مزیت رقابتی است و به عنوان تولید کننده علم و فناوری، نقش بی‌بدیلی را در فرآیند توسعه برعهده دارد. محورهای توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر سرمایه انسانی استوار و در گرو توسعه آن است. نخبگان به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی، مهم‌ترین نقش را در راستای دستیابی به سند چشم‌انداز کشور برعهده دارند. پاره‌ای از راهبردهای کلان پیشنه‌های در راستای اثرگذاری بیشتر نخبگان به حضور ارجمند مقام معظم رهبری به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ۱) فراهم آوردن بسترهای قانونی لازم برای به کارگیری نخبگان در بخش‌های خصوصی و دولتی در جهت توسعه علمی و معنوی متوازن کشور؛
- ۲) ایجاد و توسعه برنامه کرسی‌های پژوهشی با هدف کاهش روند مهاجرت نخبگان، جذب نخبگان خارج از کشور، تقویت جایگاه علمی بین‌المللی و ارتباط بین بخش پژوهش و صنعت؛
- ۳) ایجاد زمینه و بستر برای مشارکت حداکثری نخبگان در تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری از طریق ایجاد اتاق‌های فکر نخبگان در حوزه‌های دارای اهمیت راهبردی؛
- ۴) حمایت از پژوهش‌های مشترک بین دانشگاه و صنعت؛ دانشگاه و حوزه علمیه به ویژه در بخش هنر و هنر اسلامی؛
- ۵) توانمندسازی علمی و معرفتی نخبگان با توجه به تحولات فعلی جهان در



دوران تحصیل؛

۶) در پایان محور آخر را با عنایت به حوزه تخصصی خودم و تاکیدات حضرت عالی به هنر، معماری و شهرسازی و رسالت این حوزه‌ها به این مبحث اختصاص دادم: «حضور و نقش اثرگذار نخبگان در تهیه و تدوین منشور هنر، معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی» همانطور که می‌دانیم عصر حاضر عصر بحران در حوزه هنر، معماری و شهرسازی است. در یک چنین بحران فراگیری، باید از طریق یک رجعت مذهبی، مجدداً این مفاهیم بازنگری و تعریف شود با ایجاد اتاق‌های فکر و ارائه راهبردهای عملی، باید ارزش‌های ایرانی اسلامی را با کالبد هنر، معماری و شهرسازی پیوند دهیم. با عنایت به فرمایشات حضرت عالی و تاکیداتان از سال ۱۳۷۵ و با عنایت به سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، که مدیریت شهری، خواهان حرکت به سمت ساختن شهر الگو و به تعبیر قرآن کریم «بلد امین» است، بایستی برنامه‌های کشوری در حوزه‌های هنر، متناسب با آن تدوین بشود که درحقیقت تاسیس و راه‌اندازی رشته معماری و شهرسازی اسلامی که در تاسیس و راه‌اندازی رشته معماری و شهرسازی اسلامی که در دانشگاه هنر اسلامی شاهد آن بودیم، در این راستا بوده است.

در زمینه معماری و شهرسازی بایستی از پیشنهاد نخبگان جهت شناخت مسائل و معضلات واقعی و ارائه راهکارها و راهبردهای مناسب، از طریق ایجاد کرسی‌های پژوهشی و ایجاد اتاق‌های فکر، بهره‌گیری بشود تا انشاءالله به «بَلَد طَیِّب حَى، سَلَم وَاْمَن» نائل آییم. وَالسَّلَام عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتِهِ.



میرهادی رهگشای

(دارنده مدال طلای المپیاد دانش آموزی فیزیک در سال ۱۳۸۶)

بسم الله الرحمن الرحيم. همان گونه که مستحضريد زمينه فعاليت نخبگان، مرتبط با صنايع و فناورى‌هاى پيشرفته مى‌باشد. لذا لازم است در جهت حمايت از شرکتهای دانش‌بنیان، نگاه ویژه‌ای به مشکلات ساختاری و ساز و کارهای معيوب این حوزه داشت. در این فرصت به اختصار به سه مورد از این مشکلات ساختاری اشاره می‌شود:

۱) خریده‌های نهادهای دولتی و عمومی: بازار دولت به عنوان یک بازار کلیدی می‌تواند نقش مهمی در شکوفایی رشته فعالیت‌های صنعتی در کشور داشته باشد، به ویژه در مورد صنایع نوپا که تضمین بازار فروش محصولات اهمیت بسزایی در شکل‌گیری و توسعه آن‌ها دارد. با این حال علی‌رغم وجود محصولات مشابه داخلی، بسیاری از سازمان‌ها ترجیح می‌دهند تا نیازهای خود را با واردات کالاهای خارجی تامین کنند. این موضوع درباره فناوری‌های پیشرفته از اهمیت دوچندانی برخوردار است. اگر خرید یک کالای معمولی خارجی به بیکاری یک کارگر ایرانی منجر شود خرید یک کالای پیشرفته خارجی، بیکاری یک نخبه با تجربه را به دنبال خواهد داشت.

دست اندرکاران در توجیه این مسئله، معمولاً کیفیت پایین محصولات داخلی را بهانه می‌کنند، که در این باره باید گفت، اولاً کیفیت بسیاری از تولیدات پیشرفته کشور قابل رقابت با محصولات مشابه خارجی است؛ ثانیاً بر فرض کیفیت پایین



سازمان‌های دولتی باید در یک تعامل سازنده و زمان‌دار، تولید کننده داخلی را کمک کنند تا به کیفیت مطلوب برسد، نه اینکه به این بهانه بازار خود را در اختیار تولید کننده خارجی قرار دهند. بدیهی است که با قرار دادن بازار داخل در خدمت خارجی‌ها، هیچ وقت تولید کننده داخلی فرصت تقویت خود را نخواهد داشت. به هر حال ما فکر می‌کنیم هر سازمان دولتی علاوه بر وظیفه معمولیش باید خود را مسئول پیشرفت فناوری کشور در حوزه محصولات خود نیز بداند. به طور خلاصه باید گفت: همان طور که معظم له مردم را به خریدار کالاهای ساخت داخل توصیه می‌فرمایید نهادهای حاکمیتی و سازمان‌های دولتی نیز بایستی در استفاده از تولیدات داخلی پیش قدم باشند.

۲) عدم توجه به صادرات صنعتی و خام فروشی در عرصه صادرات: همه ساله شاهد آمارهایی هستیم که توسعه صادرات غیر نفتی را نشان می‌دهند، لکن توجه به این نکته حائز اهمیت است که حجم بالایی از این صادرات به مواد خام با ارزش افزوده پایین اختصاص دارد. آرمان توسعه صادرات غیرنفتی به گونه‌ای در ذهن مسئولین جای گرفته است که افزایش صادرات را به هر قیمتی مطلوب می‌دانند، حال آنکه هدف از توسعه صادرات افزایش توان رقابتی و فناورانه صنعتی است، نه به حراج گذاشتن منابع خام کشور، که حکم ثروت ملی را دارند، آن بخش از صادرات جای افتخار دارد که یا صادرات محصول متکی بر دانش پیشرفته داخلی باشد و یا محصول آخرین حلقه‌های تولید باشد. در واقع از یک سو باید توان علمی و فناوری کشور پایه صادرات باشد و از سوی دیگر منابع طبیعی و معدنی کشور با مدیریت صحیح و سیاست‌های اقتصادی مناسب

به تولید در حلقه‌های انتهایی زنجیره ارزش منجر شود تا حداکثر ارزش افزوده نصیب کشور شود. بنابر آمارهای موجود سهم، چنین صادراتی در کشور، کمتر از پنج درصد کل صادرات است، که به یقین، وضعیت مطلوبی نیست. فروش منابع طبیعی خام، محروم ساختن صنعت ملی از این فرصت استثنایی و واگذاری آن به دیگر اقتصادهای رقیب به بهای اندک است. در این زمینه اگر سیاست‌های کشور از صادرات مواد خام به سمت تقویت صادرات محصولات با تکنولوژی پیشرفته تغییر کند، مسلماً شرایط برای شرکت‌های دانش‌بنیان راحت‌تر می‌شود و به پیشرفت آن‌ها توجه جدی‌تری خواهد شد، چرا که می‌توانند نقش مهمی در صادرات صنعتی داشته باشند.

۳) بدهی‌های دولت: با وجود عدم استقبال دولت و نهادهای حاکمیتی از محصولات داخلی می‌توان گفت مسئله به اینجا ختم نمی‌شود و در موارد معدودی هم از شرکت‌های داخلی، خرید می‌شود این شرکت‌ها در گرفتن حق الزحمه خود نیز با مشارکت بسیاری مواجه‌اند. در نشست صنعت که دیروز برگزار شد نیز این نکته، یکی از مشکلات اساسی نمایندگان شرکت‌ها بود، که به دلیل بیان شدن در آنجا من به بررسی آن نمی‌پردازم. در پایان باید اشاره کرد که فراهم کردن شرایط مناسب برای فعالیت نخبگان باعث دلگرم شدن و زمینه‌ساز اثرگذاری بیشتر آن‌ها خواهد شد. امید که در سایه عمل آگاهانه به رهنمودهای مدیرانه حضرت عالی، آینده ساز ایرانی سرافراز باشیم. خیلی ممنون.





خدیجه مظفری

(رتبه سوم المپیاد دانشجویی حقوق در سال ۱۳۸۶)

بسم الله الرحمن الرحيم. محور اول: در حال حاضر امکان مراجعه به دادگستری برای عموم افراد جامعه، به جای امنیت و آرامش خاطر، نوعی نگرانی و دغدغه ایجاد می‌کند. اگر چه به زعم برخی این مسئله ناشی از ناسالم بودن دستگاه قضایی است، به تجربه روشن شده است که دستگاه قضایی در این نگاه کلی سالم اما ناکارآمد است. یکی از مهم‌ترین تغییراتی که کارآمد شدن نظام قضایی را در پی خواهد داشت، تغییر در نظام گزینش قضات است. متأسفانه قضات جوان، پختگی لازم برای امر قضا را ندارند، غلبه احساسات، فقدان تجربه و دانش کافی موجب می‌شود درصد خطای آنان افزایش یابد، همین امر لزوم تجدید نظرهای متوالی را موجب می‌شود که خود منجر به طولانی شدن رسیدگی، و ناامیدی مراجعان به دستگاه قضا را فراهم می‌آورد.

قاضی به عنوان رکن اصلی نظام قضایی باید از میان افراد با سوابق طولانی و درخشان در عرصه‌های حقوقی، واجد دانش روز و تحصیلات عالی، خوش نام و توانا انتخاب شود. در واقع پس از کسب تجربیات فراوان کهنه‌کاران و نخبگان عرصه حقوق مفتخر به رده‌های مقدس قضاوت می‌شوند. بدین ترتیب مقام شامخ قضاوت، حیثیت از دست رفته خویش را باز می‌یابد. به علاوه

اصلاح روند رسیدگی به پرونده‌ها از طریق به کارگیری خدمات الکترونیک، هدایت صحیح پرونده‌ها در بدو امر، جهت جلوگیری از حجم انبوه اشتباه به ویژه اشتباهات شکلی در طرح دعاوی مختلف، نظارت بر آراء صادر شده در محاکم از طرق متعارف به ویژه احیای فرجام خواهی در دادرسی مدنی و در نتیجه متوقف نمودن سلسله نامتناهی تجدید نظر آراء با اصلاح قوانین مذکور، می‌تواند زمینه‌های اصلاح نظام قضایی را فراهم آورد. چنان که در سایه عدالت گستره این نظام، پیرزنان را از پادشاهان ترسی نباشد؛ «چنان سایه افکند، بر عالمی / که زالی نیندیشد از رستمی»

محور دوم: در عرصه تعلیم حقوقی در کشور، تعامل حوزه و دانشگاه مسئله‌ای اساسی است. حقوقدان ایرانی لاجرم باید آگاهی عمیق از فقه اسلامی داشته باشد. از این رو اساتید برجسته حقوق همواره در کنار دروس دانشگاهی به تلمذ در حوزه نیز پرداخته‌اند. حال آنکه آموزش فقه و اصول در سطوح عالی با حضور اساتید مجرب حوزه تمامی دانشجویان حقوق را از این موقعیت بر خوردار می‌سازد. از سوی دیگر حقوقدانان و قضات بر آمده از حوزه نیازمند آگاهی از قوانین و دانش حقوقی روز آمد هستند و دانشگاهیان می‌توانند تشکیل آموزش این بخش باشند. باید توجه داشت که قائلان به جدایی این دو عرصه کارایی هر دو گروه را به حداقل می‌رسانند.

محور سوم: در عرصه جهانی، حقوق می‌تواند به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف و منابع ملی مورد استفاده قرار گیرد و استفاده از ابزارهای سیاسی



صرف، به اندازه کافی منافع ملی ما را در سطح بین‌المللی تامین نمی‌نماید. بدین منظور آموزش مناسب حقوقدانان در زمینه‌های نو حقوق و نیز فراهم سازی زمینه فعالیت در این عرصه برای ایشان ضروری است.

محور چهارم: گنجینه عظیم فقهی ما می‌تواند به عنوان مبنایی برای تدوین نظام حقوقی اسلامی شیعی مورد توجه قرار گیرد. فقهای ما در خلوت حجره‌های خویش با استفاده از تعالیم اسلامی از نکته‌ها و ظرافت‌های حقوقی سخن گفته‌اند. که گاه از پیشرفته‌ترین قواعد روز جهان دقیق‌تر است. با این همه فقه ما مدون نیست. این ذخیره گرانبار باید بر اساس نیازهای روز، آراسته و پیراسته شود و در قالب نظامی حقوقی مدون گردد. در این وضعیت است که می‌توان نظام حقوقی اسلامی شیعی را در سطح جهانی به عنوان نظام حقوقی جامع مطرح نمود. از آنجایی که پایه‌های این نظام بر استدلال اصولی بنا نهاده است قابلیت عرضه به عنوان یک الگو را داراست. از توجه معظم له و حضار متشکرم.



ناصر صباغ‌نیا

(دانش‌آموخته برتر رشته مهندسی کشاورزی در سال ۱۳۸۸)

بسم الله الرحمن الرحيم. بخش کشاورزی و منابع طبیعی از ارکان مهم اقتصادی در زمینه تولید ناخالص ملی و اشتغال می‌باشد. این بخش به لحاظ تامین امنیت غذایی نقش مهمی در امنیت کشور دارد. منابع موجود در کشاورزی جزء منابع تجدید ناپذیر هستند و فرسایش و تخریب آن‌ها غیرقابل جبران است. نابودی جنگل‌ها و خاک‌های زراعی باعث از بین رفتن پتانسیل تولیدی کشور در این زمینه شده است، که نیازمند توجه ویژه است. همچنین اگرچه بیشتر دانشگاه‌های کشور پیشینه کشاورزی دارند، ولی متأسفانه امروزه محروم‌ترین دانشکده‌های ما دانشکده‌های کشاورزی هستند، که فاقد امکانات پیشرفته برای آموزش و تحقیق در زمینه کشاورزی هستند.

از طرفی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ضامن توسعه و حفظ تولید در این بخش است که متأسفانه به علت ماهیت این بخش، سودآوری در بخش کشاورزی خیلی بالا نیست. در کشورهای پیشرفته با آن همه امکانات سودآوری بیشتر از دوازده درصد نیست در حالی که در بخش صنعت سودآوری معمولی هیجده درصد می‌تواند باشد. بنابراین بخش خصوصی و بانک‌ها تمایل زیادی به سرمایه‌گذاری در این بخش ندارند و کشاورزان و محققین برای



گرفتن وام برای انجام طرح‌های تولیدی یا کشاورزی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند که این امر در کشورهای غربی که اصلاً پایه اقتصاد آن‌ها پایه اقتصاد کاپیتالیستی هست هم، وجود دارد. در این کشورها اگر چه بر اساس سازمان تجارت جهانی، اعتقاد به بازار آزاد دارند، ولی هیچ‌گاه این قوانین را در بخش کشاورزی اجرا نمی‌کنند، و با هم دیگر درگیری‌هایی در این زمینه دارند، زیرا بخش کشاورزی همیشه در واقع نیازمند این هست که مسئولین توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند.

بنابراین به نظر بنده نگاه کلان و مصلحت‌نگر حضرت عالی می‌تواند این گره کور را بشکافد زیرا ما نیازمند این هستیم که تسهیلات و در واقع کمک‌های ویژه‌ای به این بخش شود تا هم در زمینه تولید و هم تحقیقات ما در سطح ملی کارایی مناسبی داشته باشد برای اینکه به سایر دوستان وقت برسد من دیگر از ذکر جزئیات صرف نظر می‌کنم.







متن بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

خانم دکتر سلطانه خواه ریاست محترم بنیاد ملی نخبگان

و نخبگان برگزیده شرکت کننده در ششمین همایش ملی نخبگان جوان

سال ۱۳۹۱





مجلس خبرگان

مجلس خبرگان عالی ایران اسلامی با مدیریت محترم
مجلس خبرگان عالی شیخ‌التقوان نهج‌ست

ششمین تالیف مجلس خبرگان جوان

۱۱ و ۱۲ مرداد ۱۳۹۱

کتابخانه مجلس خبرگان

www.bmn.ir



بسم الله الرحمن الرحيم^۱ اولاً به همه‌ی شما عزیزان که واقعاً فرزندان عزیز این ملت هستید و نور چشمان ما هستید، باید مبارکباد بگوئیم، به خاطر حضور در مجموعه‌ی نخبگانی کشور. البته این «مبارکباد» مثل مبارکبادهای جشن تولد است، که در جشن تولد به آن شخص مبارکباد می‌گویند، در حالی که او در تعیین زمان تولد و تاریخ تولد و اصل تولد هیچ نقشی نداشته. پس این به معنای این است که خدای متعال یک فرصتی را به شما داده، خوشبختانه توفیق هم پیدا کرده‌اید که از این فرصت تا اینجا استفاده کنید و جزو مجموعه‌ی نخبگانی واقع شوید؛ این مبارک است بر شما؛ لیکن این استعداد، این توانایی، این فعلیتی که تا امروز پیدا کرده‌اید، ورود در یک راه است، آغاز یک راه است، پایان یک راه نیست؛ این را باید همه‌ی نخبگان عزیز جوان ما در نظر داشته باشند.

ما قانع نیستیم، شما هم قانع نباشید به این که جوان بااستعداد برجسته‌ی ما توانست در یک بخشی، در یک آزمون بزرگی، نخبگی خودش را نشان بدهد؛ به

۱- متن سخنان از سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری (Khamenei.ir) برداشته شده است.

این مقدار، نه من قانعم، نه شما قانع باشید. توقع من و توقع شما باید این باشد که این بذریه ثمر نشسته تبدیل شود به یک نهال برومند، و تبدیل شود به یک شجره‌ی طیبه‌ای که «توتی اکلها کلّ حین باذن ربّها»؛ (۱) درخت ثمربخشی شوید که در همه‌ی زمان‌ها، در همه‌ی موقعیت‌ها، بتوانید میوه‌ی شیرین خودتان را به کام این کشور، این ملت، این تاریخ و در نهایت به کام بشریت بچشانید؛ این باید هدف باشد.

اما در مورد جلسه‌ی امروز. من با دقت به مطالبی که این عزیزان آمدند اینجا بیان کردند، گوش کردم. تصدیق می‌کنم که نظرات، نظرات سنجیده و خوبی بود؛ نه به معنای اینکه از نگاه کارشناسی، انسان بتواند همه‌ی این پیشنهادها را تصدیق کند - این نیاز به بررسی دارد - اما از این نظر که انسان احساس می‌کند و می‌بیند که این نظرات و این پیشنهادها، با فکر و با سنجیدگی مورد مطالعه قرار گرفته و بیان شده؛ این خیلی برای من ارزشمند است.

خب، مسئولین محترم در مجلس حضور دارند - چند نفر از وزرای محترم و رئیس محترم بنیاد نخبگان - من انتظارم این است که نظراتی که این جوان‌های عزیز بیان کردند، مورد توجه قرار بگیرد، روی این‌ها کار شود، بررسی شود. ای بسا جرقه‌هایی که می‌تواند منتهی شود به یک نور بزرگ و شعله‌ای فراگیر که فضا را روشن کند. و توجه شود به این که این نظرات از دل‌های صادق صادر شده؛ این هم خیلی مهم است. در همه‌ی این مطالبی که دوستان گفتند و من رئیس مطالب را یادداشت کردم، انسان همین نکته را مشاهده می‌کند: برخاسته‌ی از صدق و صفا و احساس شیرین موج و در ذهن جوان و دل جوان، که احساس مسئولیت می‌کند و با امید و با نشاط حرف می‌زند. این از آن چیزهائی



است که اصلاً فضا را شیرین می‌کند. وقتی جوان‌ها با آن امید و با آن نشاط و با آن روحیه حرف می‌زنند، فضا، فضای پرنشاطی می‌شود؛ این پیشنهادها غالباً اینجور است. البته این مطالب، سنجیده هم هست؛ یعنی آنچه دوستان بیان کردند، پیشنهادهای خامی به نظر نرسید.

خب، اصلی‌ترین محور پیشرفت کشور، همین است. امام بزرگوار ما در یک حادثه‌ی مهم جنگی - که خیلی از شماها آن وقت شاید متولد هم نشده بودید - در قضیه‌ی یکی از عملیات که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، یک پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوان‌هاست. همه توقع داشتند که امام بگوید این پیروزی‌ای که شما به دست آوردید، فتح الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند. اما گفتند فتح الفتوح انقلاب ما تربیت این جوان‌هاست؛



که در آن شرایط دشواری که همه‌ی دنیا در مقابل ما با چهره‌ی دژم و سلاح آماده‌ی شلیک ایستاده بودند، این‌ها توانستند یک چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند؛ عملیات طریق القدس بود. من همین را تکرار می‌کنم: فتح الفتوح انقلاب اسلامی این‌هاست. پیشرفت واقعی این است که جوان‌های ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند؛ برای خودشان دیدگاه تعریف کنند؛ برای کشور آینده‌ی را تصویر کنند و مجسم کنند و احساس کنند و این احساس را اظهار کنند؛ که آماده‌اند برای رسیدن به این آینده، تلاش کنند. این چیزی است که امروز وجود دارد؛ این را باید تقویت کرد، این را باید پیش برد. این احساس و روحیه‌ی نشاط را باید روزبه‌روز در جامعه‌ی ما تشدید کرد. اگر این شد، آن وقت این دارائی شخصی شما - این استعداد و این نخبگی که یک دارائی شخصی است - تبدیل خواهد شد به دارائی ملی؛ ببینید چقدر خوب است. یک نفر سرمایه‌ی خودش را به طلا و ارز تبدیل می‌کند و می‌رود توی صندوقخانه‌ی منزل خودش پنهان می‌کند؛ این کجا، آن که می‌آید سرمایه را تبدیل می‌کند به یک صنعت، به یک کارخانه، به یک کار تولیدی با ارزش، و کشور را پیش می‌برد، این کجا؟ شما با حرکت در راه این هدف‌ها، این کار دوم را دارید می‌کنید؛ یعنی سرمایه‌ی شخصی خودتان را تبدیل می‌کنید به یک سرمایه‌ی ملی، به سرمایه‌ی ملت ایران؛ این خیلی با ارزش است.

خوشبختانه فضای گفتمانی در کشور در جهت پیشرفت علم است؛ این دیگر بحمدالله تثبیت شده و جاافتاده است. حرکت علمی در کشور، یک حرکت پرشتابی است - همین طور که آمارهای جهانی هم این را نشان می‌دهد - ولی نگرانی من از این است که احساس رضایتی که از این موقعیت و از این وضعیت به ما



دست می‌دهد، ما را بی‌خیال کند، همت ما را کم کند. برمی‌گردم به آن حرف اول، که عزیزان من! هم شما در آغاز یک راهید، هم کشور در آغاز یک راه است. ببینید، ما به خاطر خباثت و سستی و استبداد و وابستگی حکومت‌های گوناگونی که در طول دوران‌های اخیر داشتیم، از قافله‌ی علمی جهان عقبیم. تقریباً شاید بشود گفت سه قرن، ما عقبیم. ما غفلت کردیم. رهبران سیاسی کشور، زمامداران کشور غرق در عیش و نوش و رسیدگی به نیازهای شخصی و تکبر و استکبار نسبت به مردم شدند؛ از اوضاع و احوال دنیا غافل شدند؛ هم از لحاظ سیاسی ضرر کردیم، هم خسارت‌بارتر، از لحاظ پیشرفت علمی ضرر کردیم. در این میدان مسابقه که در قرن‌های گذشته ما جلوتر از دیگران بودیم، بعد از آنکه همه‌ی دنیا تقریباً یک جور حرکت می‌کردند، ملت‌هایی توانستند به یک وسیله‌ی نقلیه‌ی سریع‌السیری دست پیدا کنند، از ما جلو افتادند؛ لذا فاصله‌ی ما همی زیاد شد. آن‌ها چون جلوتر از ما بودند، جلوتر از ما به وسیله‌ی نقلیه‌ی سریع‌السیرتری دست پیدا کردند؛ لذا فاصله بیشتر شد - این یک تمثیل است - ما که متوقف بودیم، یا حداکثر به پسمانده‌های کارهای دیگران و ساخته‌های دیگران اکتفاء می‌کردیم، فاصله‌ی ما با دنیائی که روزبه‌روز میدان‌های جدیدی را کشف می‌کرد، بیشتر شد. انقلاب اسلامی آمد، همه‌ی ماها را بیدار کرد، همت‌ها را در ما برانگیخت، استعدادها به میدان آمدند. شتابی که ما امروز داریم، ده برابر، یازده برابر، سیزده برابر شتاب متعارف و متوسط علمی در دنیاست. این خیلی خوب است، اما فاصله زیاد است. اگر چنانچه مثلاً بیست سال - حالا من که می‌گویم بیست سال، روی محاسبه‌ی دقیق نمی‌گویم؛ همین طور حدسی می‌گویم - ما همین شتاب ده برابر را، دوازده برابر نسبت به پیشرفت علمی جهان را ادامه دهیم، خواهیم رسید



به آن نقطه‌ای که متناسب ملت ایران است؛ متناسب تاریخ ماست، گذشته‌ی ماست، مواریت علمی ماست، و متناسب اهمیت ماست. بنابراین نباید بگذاریم این حرکت از دور بیفتد. اگر حرکت از دور افتاد، بازیابی و بازسازی آن دشوارتر خواهد بود. و این کار شما جوان‌هاست. جوان‌ها باید همت‌های خود را زیاد کنند. احساس کنید که هم شما در آغاز یک راه طولانی و مهمید، هم کشور در آغاز یک راه طولانی و مهم است.

البته من به هیچ وجه توصیه نمی‌کنم که شما مرعوب پیشرفت‌های غرب شوید - ادا - آن پیشرفت‌ها به خاطر زودتر وارد یک مرحله شدن و متکی به ظلم و استکبار و استعمار است. اگر انگلیسی‌ها هند را، برمه را، آن منطقه‌ی ثروتمند آسیا را استعمار نمی‌کردند، غصب نمی‌کردند، ثروت‌هایش را بالا نمی‌کشیدند - که خود هندی‌ها در یک دوره‌ی تاریخی، خیلی خوب این وضع را ترسیم کردند - مسلماً نمی‌توانستند به اینجا برسند. این‌ها مثل زالو از دیگران مکیدند و خودشان را فربه کردند؛ ما نمی‌خواهیم این کار را بکنیم. ما به هیچ وجه به دنبال مکیدن دیگران نیستیم. ما درونزائی و درونجوشی را تقویت می‌کنیم، و معتقدیم می‌شود، و انشاءالله پیش خواهیم رفت. بنابراین، این نکته‌ی اول، که نگذارید حرکت از دور بیفتد.

نکته‌ی دوم اینکه، هم مسئولین و مدیران دستگاه‌های ذی‌ربط با حرکت علمی مسئولیت‌هایی دارند، هم خود نخبگان مسئولیت‌هایی دارند. من خرسند شدم از اینکه دیدم چند نفر از جوان‌های عزیز ما اینجا تصریح کردند که نخبه خودش را طلبگار از نظام نمی‌داند، طلبکار از مردم نمی‌داند - به این مضمون بیان کردند - خودش را کسی می‌داند که می‌تواند به این مردم خدمت کند و موظف



است که این خدمت را انجام دهد. این خیلی روحیه‌ی خوبی است. در عین حال مسئولیت‌هایی وجود دارد.

البته مسئولان، خوب کار کردند. من بررسی کردم و گزارش‌های نزدیک را گرفتم. می‌دانید من معمولاً به گزارش‌هایی که دوستان و مدیران می‌آیند ابراز می‌کنند، اکتفاء نمی‌کنم. خب، گزارش‌هایی که به طور رسمی گفته می‌شود، غالباً گزارش‌های مطلوب و رنگ‌آمیزی شده‌ی قشنگی است؛ انسان از راه‌های دیگر می‌تواند کشف کند. علاوه بر اینکه گزارش‌هایی که مدیران دادند، گزارش‌های خوبی بود و امروز هم خانم رئیس بنیاد مطرح کردند، من از طرق دیگر هم تحقیق کردم، دیدم انصافاً در بنیاد نخبگان دارد خوب کار می‌شود و تلاش، تلاش بسیار خوبی است.

خب، یک نکته این است که در حوزه‌ی علوم فنی و حوزه‌ی علوم انسانی، معیارها دوگانه است. البته حالا یک جوان عزیزی باز در مورد علوم فنی هم تفکیک قائل می‌شوند بین علوم محض و علوم صنعتی و فنی؛ که این هم نکته‌ی قابل توجهی است. اما به هر حال ممیزی وجود دارد بین معیارهای نخبگی و زبده‌ی در علوم فنی و علوم انسانی. مترها یک اندازه نیست، معیارها یک جور نیست؛ به این نکته توجه شود. ما لازم داریم که در زمینه‌ی علوم انسانی - که امروز یک نیاز بسیار اساسی کشور ماست - به تازه‌ها، برجستگی‌ها و نوآوری‌ها دست پیدا کنیم؛ این کلید اساسی پیشرفت نهائی و بنیادی و ریشه‌دار کشور است. بنابراین لازم است معیارها درست انتخاب شود.

یک نکته‌ی دیگر این است که حمایت از نخبه، در درجه‌ی اول باید به معنای ایجاد فرصت پژوهش و تحصیل و پیشرفت باشد. البته من به هیچ وجه مخالف حمایت‌های مالی و مادی و این‌ها نیستم، بلکه لازم است آن کارها انجام بگیرد؛

لیکن مهم‌تر از آن این است که نخبه احساس کند فضای تنفس علمی دارد. آن چیزی که مکرر به ما منتقل می‌شود، این است که نخبگان و برجستگان مایلند یک میدان وسیعی باشند که بتوانند به اقتضای نخبگی و استعداد برتر، در آن بتازند؛ این را باید فراهم کرد. البته این، راه‌های گوناگونی دارد. تشخیص راه‌ها، ارائه‌ی راه‌ها و پیشنهادها کار ما نیست؛ کارِ کارشناس‌های ذی‌ربط است. البته امروز جوان‌ها نظراتی هم دادند. این را باید تأمین کرد تا نخبه بتواند احساس کند که میدان کار و پیشرفت برای او وجود دارد.

نکته‌ی دیگر این است که ما مسئله‌ی رعایت نخبگان و نگاه به نخبگان را به یک حالت شبکه‌ای در بیاوریم. ما نخبه را شناسائی می‌کنیم، انتخاب می‌کنیم، کمک می‌کنیم و ثبات در حرکت نخبگی به او می‌دهیم؛ این کافی نیست. باید یک حرکت شبکه‌ای سازنده و یک چرخه به وجود بیاید، که از پرورش و ساخت



نخبه آغاز می‌شود؛ یعنی مربیگری. ریشه و پایه هم در آموزش و پرورش است؛ همچنان که یکی از جوان‌ها گفت. ما باید استعداد های نخبه را شناسائی کنیم و تربیت کنیم، بعد در میان این‌ها گزینش و انتخاب لازم است؛ بعضی نخبه‌ترند، بعضی استعداد های برترند؛ انتخاب بهترین‌ها. بعد از آن، نگهداری و ارتقاء است؛ نه فقط نگهداری، بلکه نگهداری همراه با ارتقاء و پیشرفت. کمک کنید این نخبه اگر امروز در رتبه‌ی دهم است، در آینده‌ی نه چندان دوری به رتبه‌ی اول برسد؛ ارتقاء پیدا کند. بعد این نخبه، خود وارد چرخه‌ی نخبه‌سازی شود - یعنی حالت شبکه‌ای پیدا کند - خود این نخبه، نخبه‌ساز و نخبه‌پرور شود. در این صورت، حالت درونزائی به وجود خواهد آمد و حرکت مضاعف خواهد شد. اگر ما یک چنین شیوه‌ای را در پیش بگیریم، به نظر می‌رسد که کار پیشرفت خواهد کرد.

یک نکته‌ی دیگر که مربوط به مسئولین محترم است، مربوط می‌شود به سند راهبردی نخبگان؛ که این پیشنهاد شد. خوشبختانه چیز خوبی تهیه شده. من خودم ندیدم، اما دوستانی که بررسی کردند، قضاوتشان این است که این سند راهبردی، بسیار خوب و جامع تهیه شده. خوب، در مرحله‌ای از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم تصویب شده، اما باید سریعاً به تصویب نهائی برسد و سریعاً ابلاغ شود. وقتی ابلاغ شد، همه‌ی دستگاه‌ها در اجرای آن همکاری و همافزائی کنند. اگر چنانچه سند راهبردی نخبگان - آنطوری که برای من نقل کردند تهیه شده - تصویب شود و ابلاغ شود، بسیاری از این سؤالات و نقاط ابهام به خودی خود برطرف خواهد شد.

اما در مورد مسئولیت شما نخبگان عزیز. عرض کردیم خود را در آغاز راه بدانید. سعی کنید در طراز نخبگی باقی بمانید. امروز شما نخبه‌اید، اما مسابقه

است؛ ممکن است سطح علمی کشور به حدی برسد که این مقدار، نصاب نخبگی نباشد؛ لازم باشد انسان به نصاب بالاتری دست پیدا کند. ما در سند چشم‌انداز بیست ساله آوردیم که در سال ۱۴۰۴ از لحاظ علمی، در رتبه‌ی اول منطقه باشیم. بعضی از مسئولین می‌گویند آقا شما گفتید سال ۱۴۰۴، اما حالا که ۱۳۹۱ است، از لحاظ علمی در رتبه‌ی اول منطقه هستیم. خب، این حرف درست است؛ اما این، آن حرف نیست. حالا آخر راه نیست، وسط راهیم، اول کاریم. باید بتوانید این رتبه‌ی اولی را از ۱۳۹۱ - که امسال است - تا ۱۴۰۴ نگه دارید؛ ببینید اقتضای این نگهداری چیست؟ خیلی کار لازم دارد. یک یا علی گفتید و یک جهشی کردید؛ خیلی خوب، رسیدید به رتبه‌ی اول؛ اما دیگران که بیکار ننشسته‌اند. در منطقه، دیگران هم می‌خواهند رتبه‌ی اول باشند، رتبه‌ی بالاتر باشند؛ آن‌ها هم دارند تلاش می‌کنند. بنابراین باید بتوانید این نخبگی را حفظ کنید. در مورد اشخاص شما هم عیناً این صدق می‌کند؛ باید اثرگذاری داشته باشید. همان طور که عرض کردیم، در این شبکه‌ی نخبگانی، باید بتوانید فضای پیرامون خودتان را به سمت نخبه شدن سوق دهید؛ این یک کار مهمی است، جزو وظائف مهم نخبگان است.

یک مسئولیت دیگری که من یادداشت کردم، این است که تلاش خودتان را معطوف به نیازهای کشور کنید. البته در بیانات دوستان هم هست؛ در دیدارهای دانشجویی و دانشگاهی هم که من ماه رمضان و غیر ماه رمضان گاهی داشتم، این را تکرار می‌کنند؛ اما باید این تحقق پیدا کند، باید عملی شود. الان به ما گزارش می‌دهند که هفتاد درصد مقاله‌های علمی ما ناظر به نیازهای کشور نیست. نمی‌دانم چقدر این آمار دقیق است، اما به من اینجور گزارش می‌شود.



این همه شما زحمت بکشید، مقاله‌ی علمی تهیه کنید، از این مقالات علمی سی درصد ناظر به نیازهای کشور باشد، هفتاد درصد نه! خب، انسان احساس خسارت می‌کند. باید صددرصد کار علمی، تلاش علمی، تهیه‌ی مقاله‌ی علمی ناظر باشد به نیازهای شما. شما با I.S.I هم بر این اساس همکاری کنید. آنجائی که مقاله‌ی مورد قبول I.S.I چیزی است که شما می‌توانید در کشور از آن استفاده کنید، آن را دنبال کنید. ما معیار اساسی در دست داریم؛ معیار ما این است که کشور ما صدها خلل و مشکل و خلا دارد، می‌خواهیم این‌ها را پر کنیم. این هم یک نکته‌ی بسیار اساسی است. البته این بیش از همه احتیاج دارد به همان روش سیستمی که یکی از دوستان اشاره کردند، و تلاشی که بنیاد نخبگان باید در این زمینه انجام دهد.



توصیه‌ی دیگر من این است که عزیزان! از خودتان مراقبت کنید. مراد من مراقبت فیزیکی نیست. مراقبت کنید در معنویت، در تهذیب نفس؛ این به شما کمک خواهد کرد. باید بتوانیم چهره‌ی مقبولی در پیشگاه الهی برای خودمان درست کنیم. شما جوانید؛ دل‌هاتان پاک است، روح‌هاتان شفاف است. دست یافتن به رتبه‌ها و مقامات معنوی و روحی در سنینی که شما هستید، شاید بشود گفت ده برابر آسانتر است برای کسی در سنین من. می‌توانید توجه پیدا کنید، می‌توانید توسل پیدا کنید، می‌توانید با خدا انس پیدا کنید، می‌توانید خودتان را از گناهان دور نگه دارید؛ یکی از خصوصیات جوان همین است. شما مثلاً جسم یک ژیمناست جوان را در حرکات گوناگونش نگاه کنید، ببینید چقدر عضلات و بندهای بدن او قابل انعطافند؛ که یک آدم مسنی مثل بنده، به هیچ وجه یکصدم آن را هم نمی‌تواند برای خودش به وجود بیاورد. این قدرت انعطاف، یک توانائی است. عین همین، در روح وجود دارد؛ در جان انسان، در دل انسان وجود دارد. شما می‌توانید خودتان را متوجه به معانی مترقی و متعالی معنوی کنید؛ این را برای خودتان در نظر بگیرید. توجه به نماز، اهتمام به نماز، خیلی تأثیر دارد. نماز را با توجه خواندن، اول وقت خواندن، با حضور قلب خواندن، با تمرکز خواندن، خیلی خیلی اثر دارد. انس با قرآن، خیلی خوب است. هر روزی یک مقدار قرآن بخوانید، ولو نیم صفحه؛ مواظب باشید ترک نشود. قرآن را باز کنید؛ نیم صفحه، دو آیه، با توجه بخوانید. این‌ها مستمرند. این، آن مراقبت از معنویت و تهذیب نفس است. بگذارید یک نخبه‌ی علمی - که انشاءالله یک روزی در اوج قله‌های علم خواهد بود - آنچنان در معنویت غرق باشد که بتواند این دانش را به طور خالص و صددرصد به نفع بشریت به کار ببرد. وقتی دل شما با خدا بود، دانش



شما دیگر در خدمت بمب اتم یا سلاح سمّی یا شیوه‌های اقتصادی نابود کننده‌ی ثروت ملت‌ها به کار نمی‌رود. امروز دانشمند اقتصادی دنیا، دانشمند اتمی دنیا، دانشمندهای گوناگون علوم زیستی در دنیا، بسیاری از فرآورده‌های علمی‌شان در اهلاک بشریت، نابودی جسم بشر یا روح بشر دارد به کار می‌رود. علم است که می‌تواند ماده‌ی مخدر کشنده‌های مثل این موادی که امروز وجود دارد، به وجود بیاورد؛ این‌ها هم از راه علم به وجود آمده؛ این‌ها خیانت‌های بزرگ صاحبان علم است؛ به خاطر دل‌های غافل، چشم‌های حریص به پول و زندگی دنیا و مادیت، که بکلی معنویات را فراموش می‌کنند. شما وقتی مهذب بودید، دانش شما به طور صددرصد به نفع انسان‌ها تمام می‌شود. این مراقبت اول.

مراقبت بعدی، مراقبت در تفکر است. فرموده‌اند بزرگترین عبادت، تفکر است؛ تفکر در آفرینش، تفکر در وظائف انسان، تفکر در زندگی دنیا، تفکر درباره‌ی آخرت، تفکر در اوضاع سیاسی عالم، تفکر در مسائل اصولی و اساسی زندگی بشر. ما تحول در علم و پیشرفت در علم داریم، پیشرفت در فکر هم باید پیدا کنیم. اندیشه و تفکر است که خط و جهت و سمت تلاش‌های علمی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جوامع را ترسیم می‌کند. این هم مراقبت دوم.

بعد هم مراقبت نسبت به وضعیت کشورتان؛ نگاه درست و دقیق به مسائل کشور، تحلیل مسائل کشور. امروز نخبگان ما میتوانند در این زمینه‌ها خیلی کارهای خوبی انجام دهند. ما امروز در یک میدان وسیعی در مقابله‌ی با جبهه‌ی دشمن قرار گرفته‌ایم؛ آن جبهه، جبهه‌ی ضعیفی نیست؛ جبهه‌ی تهیدستی نیست؛ پول دارد، تبلیغات دارد، رسانه دارد، علم دارد، سیاست و توانائی‌های سیاسی دارد؛ اما ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در مقابل همه‌ی فشارهای او ایستاده.

همه جور هم فشار وارد می‌کنند؛ از فشار امنیتی و نظامی و ترور و ایجاد اغتشاش و غیره بگیرید، تا فشار سیاسی، تا فشار اقتصادی، تا تحریم، و از این قبیل کارها. ملت در مقابل همه‌ی این‌ها ایستاده و پیش رفته. سی و سه سال است که این فشارها وجود دارد و ملت ایران و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، با رشادت و با توانائی ایستاده؛ هم فشارها را خنثی کرده، هم خودش را قوی کرده. در نقشه‌ی کنونی دنیا، در این کالکی که امروز وضعیت جایگاه و موقعیت نیروهای سیاسی دنیا و جغرافیای سیاسی دنیا را ترسیم کرده و وجود دارد، جایگاه خودمان را، جایگاه ملت ایران را، جایگاه نظام جمهوری اسلامی را گم نکنیم؛ ما کجائیم؟ در چه وضعیتی هستیم؟ زور آزمائی‌ها را ببینید، فشارها را ببینید، ناکامی‌های دشمن را مشاهده کنید. البته فشارها خیلی زیاد است - از جوانب مختلف - اما اینکه ما تصور کنیم با فلان تصمیم، با فلان تدبیر و اقدام، موجب شدیم که دشمنی به طرف ما جلب شود، این غلط است؛ این درست نیست. ملت ایران به خاطر جایگاه مستقل خودش، به خاطر تسلیم نشدن در مقابل نظام سلطه‌ی بین المللی، مورد این تهاجم‌هاست. چون ملت در مقابل این نظام سلطه تسلیم نشده، فشار می‌آورند که تسلیمش کنند. نه تنها نتوانستند او را وادار به تسلیم کنند، بلکه او در جایگاه خودش پافشاری‌اش هم بیشتر شده، قدرت و توانائی‌اش هم بیشتر شده. این، دشمنان را دچار عصبانیت و هیجان‌هایی می‌کند که اشتباهاتی هم بر اثر این هیجان‌ها از آن‌ها سر میزند؛ که انسان از اشتباهات آن‌ها هم می‌تواند منتفع شود. بنابراین نخبگان عزیز ما جایگاه نظام جمهوری اسلامی را بدانند.

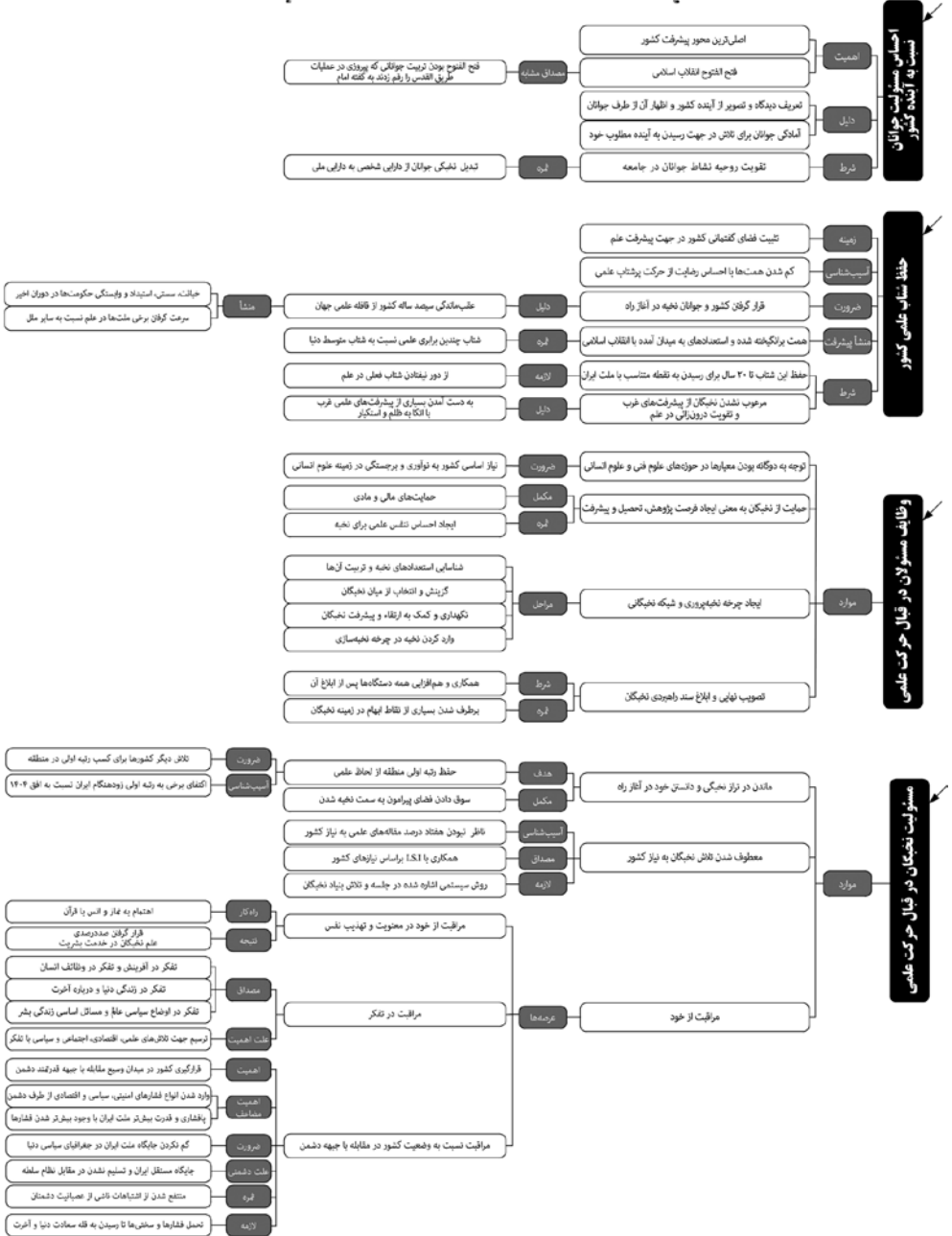
و من به شما عرض بکنم؛ با ثروت نیروی انسانی که امروز خوشبختانه کشور



ما از آن برخوردار است، خواهیم توانست از تمام این گردنه‌های دشوار عبور کنیم. رسیدن به قله، بدون عبور از گردنه‌ها، یک خیال باطل است. گاهی شما در خانه نشسته‌اید - من بارها مثال میزنم - از پنجره‌ی خانه نگاه می‌کنید، کوه‌های البرز را می‌بینید که افراد دارند روز جمعه یا غیر جمعه از یک جا بالا می‌روند. انسان از درون همان اتاقی که نشسته، خودش را کنار این‌ها و در قله مشاهده می‌کند؛ در حالی که در قله نیست. اگر بخواهید به قله برسید، باید بروید از همین پائین کوه شروع کنید، حرکت کنید، سختی‌ها را تحمل کنید، عرق بریزید، خسته بشوید، مشکلات فراوانی را در راه تحمل کنید، بالاخره هم به قله برسید. رسیدن به قله در مثال کوهپیمائی، صرفاً یک ورزش است؛ رسیدن به هوای آزاد و احساس رضایت و دلشادی است؛ اما در حرکت یک ملت، رسیدن به قله، یعنی رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، رسیدن به آرامش، به آسایش، به همه‌ی خوشبختی‌هایی که یک ملت می‌تواند برای خودش ترسیم کند. با این ثروتی که کشور ما دارد - هم ثروت انسانی، هم ثروت طبیعی - به توفیق الهی ملت ایران از همه‌ی این گذرگاه‌های خطرناک و پیچ‌های دشوار و سربالائی‌های سخت عبور خواهد کرد و انشاءالله به قله خواهد رسید.

امیدوارم خداوند متعال همه‌ی شماها را محفوظ بدارد؛ مسئولین را هم بر وظائف مهمی که برعهده‌شان هست، موفق بدارد و انشاءالله روزبه‌روز ما شما را در پیشرفت و در ترقی ببینیم و انشاءالله خدای متعال کشور ما را و ملت ما را از همه‌ی این میدان‌ها سربلند بیرون بیاورد.

مروری بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با نخبگان ۱۳۹۱/۰۷/۱۲





سخنرانی خانم دکتر سلطانه‌خواه، معاون علمی و فناوری

رئیس جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان

در ششمین همایش ملی نخبگان جوان (سال ۹۱)

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين والله خير ناصر و معين. با تقدیم سلام و ادب و کسب اجازه از محضر رهبر فرزانه انقلاب اسلامی و با سلام به حضار محترم، فرهیختگان، نخبگان و استعدادهای برتر جوان. سپاس خداوند بزرگ را که دیگر بار توفیق درک محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی برای شرکت کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان هم چون سنوات گذشته حاصل شد.

این همایش با موضوع سربلندی ایران اسلامی با مدیریت نخبگان و با شعار «نخبگان ملت، شیفتگان خدمت» با ۴۴ نشست تخصصی، حول ۲۰ محور با حضور بیش از هزار تن از استعدادهای برتر و نخبگان جوان از روز گذشته شروع به کار کرد. با تأکید حضرت عالی درباره تأسیس بنیاد ملی نخبگان، این مهم در دولت نهم به وقوع پیوست و فعالیت‌های آن در دولت دهم شکوفا شد.

این تأسیس یادآور تشکیلات نهاد‌های انقلابی در دهه اول انقلاب با نظر مستقیم حضرت امام (ره) است. آن نهاد‌های انقلابی در فضایی شکل گرفت که خلا ساختارهای موجود کشور برای حل مسایل و مشکلات کشور و رفع عقب افتادگی‌ها و بی‌عدالتی‌ها در موضوعاتی مانند فقر در روستاها، کاهش بیسوادی، تأمین آب و برق و راه روستاها مشهود بود. رمز موفقیت آن نهاد‌های انقلابی در ساختارهای کشور، پرکردن این خلاها بود. از سوی دیگر منشور فعالیت این نهادها در فرمان تاسیس و دیدارهای سالیانه اعضای آن‌ها با امام راحل (ره) شکل می‌گرفت که روحی ارزشی در کالبد فعالیت‌های این نهادها می‌دمید. اکنون بعد از گذشت سه دهه از انقلاب و ورود به دهه چهارم انقلاب اسلامی، بنیاد ملی نخبگان برای توجه بیشتر به سرمایه انسانی و آنهم قله این سرمایه‌ها یعنی استعداد‌های برتر و نخبگان کشور شکل گرفته است. رمز توفیق بنیاد ملی نخبگان مشابه آن نهاد‌های انقلابی عبارت است از: پر کردن خلاء‌های موجود در ساختار رسمی کشور و عملکرد ارزشی بر مبنای منویات رهبری معظم انقلاب. همه دستگاه‌ها و ساختارهای ثبت و ستادی کشور (خصوصاً وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت و آموزش پزشکی و علوم تحقیقات و فن آوری) برنامه‌های جذب، آموزش، ارتقاء و استفاده از نیروی انسانی توانمند را از مهم‌ترین اولویت‌های خود می‌دانند، لذا خلأی که بنیاد ملی نخبگان تلاش می‌کند آن را پر نماید، نه در سطح دستگاه‌ها، بلکه ما بین دستگاهی و فراستادی است و در این راستا سعی نموده که خلاءها و کاستی‌های موجود در کشور در زمینه شناسایی، حمایت، هدایت، جذب و بکارگیری و نقش‌آفرینی نخبگان را شناسایی نموده و با یک قانون یا آئین نامه یا هماهنگی ما بین دستگاهی به آن فائق آید.



فرصت را غنیمت شمرده و برخی از اقدامات بنیاد که در سایه همکاری با دیگر دستگاه‌های کشور و تلاش همکاران در بنیاد ملی نخبگان طی یکسال گذشته به ثمر نشسته است را به عرض می‌رسانم.

اجرای شدن آئین نامه تسهیلات جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه در دستگاه‌های اجرایی، تسریع و تسهیل در جذب و بکارگیری نخبگان در مراکز آموزشی و تحقیقاتی به عنوان عضو هیئت علمی با همکاری وزارتین علوم و بهداشت. اجرای شدن آئین نامه تسریع و تسهیل ادامه تحصیل نخبگان در کشور در مقطع دکتری به نام بورس شهید احدی و آئین نامه حمایت از شرکت‌های دانش بنیان در بکارگیری دانش آموختگان نخبه و استعدادبرتر مزین به نام دانشمند پارسای بی ادعا شهید تهرانی مقدم. اجرای شدن طرح بنیادین شناسایی و هدایت استعدادها برتر دانش‌آموزی در سال تحصیلی جاری در شش استان کشور با همکاری وزارت آموزش و پرورش و فراهم شدن امکان حضور نخبگان در کنار کمیسیون‌های اصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مشاوره و کمک به تصمیم‌گیری‌ها، تحت عنوان کمیسیون نخبگان با همکاری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. در ضمن سند راهبردی کشور در امور نخبگان بلافاصله پس از فرمان حضرت‌عالی با همکاری دستگاه‌های ذیربط و صاحب نظران تهیه و تدوین شد و با جدیت دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، در شورای معین آن شورا بررسی و تصویب گردید. این سند با رویکرد ایجاد همدلی و همراهی و هماهنگی میان همه دستگاه‌ها و نهادهای کشور برای تحقق منویات رهبر فرزانه انقلاب در خصوص نخبگان و استعدادها برتر تهیه شده است.

در طول سال‌های گذشته، سعی شده که حمایت‌های بنیاد کاملاً هدفمند و برای

تاثیرگذاری بیشتر فرد در مسیر پیشرفت کشور باشد و با برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته و با حمایت‌های مالی، معنوی، فرهنگ سازی و بستر سازی بخصوص برای تحصیل نخبگان و استعداد های برتر خدمات رسانی به این قشر نخبه در داخل کشور روند افزایشی داشته و حمایت‌ها و برنامه‌های نقطه‌ای به صورت برنامه‌های جریان‌ساز، مداوم و با اثرگذاری بیشتر در آمده است. تأکید می‌نماید که افراد ورودی بنیاد از بخش‌های مختلف علمی، کارآفرینی، اختراع و نوآوری تشکیل می‌شوند.

لذا تلاش شده که فعالیت‌ها و خدمات بنیاد برای هر کدام از این دسته‌ها، متناسب با شناخت از وضعیت سنی و دغدغه‌های آن‌ها و در جهت تسهیل منفعت رسانی بیشتر به جامعه ساماندهی شود. به عنوان مثال، تلاش شده است که ارایه خدمات به فرد مخترع با برگزیده المپیادهای علمی متفاوت باشد.

درخصوص خدمات ارائه شده به مخترعان به منظور پشتیبانی از اختراعات و نوآوری‌ها می‌توان به برگزاری سالانه‌ی جشنواره‌های منطقه‌ای ارزیابی اختراعات در استان‌های مختلف کشور و جشنواره‌های ملی نوآوری و شکوفایی با رویکرد تجاری سازی از طریق همکاری با صندوق‌ها و پارک‌های علم و فناوری و بخش‌های سرمایه‌گذار خصوصی اشاره داشت که سرمایه‌گذاری بیش از ۳۰۰ میلیارد ریالی بخش خصوصی در فرآیند تجاری سازی اختراعات تحت حمایت بنیاد یکی از دستاوردهای ارزشمند در این مسیر است.

از دیگر نکات مورد توجه بنیاد، ساماندهی، برنامه‌ریزی علمی، سیاست‌گذاری و هدایت و حمایت از استعدادهای برتر برای حضور متوازن در تمامی نقاط کشور و پدیدآوردن امکان رشد و ثمردهی آنان در تمامی استان‌ها می‌باشد که نمود آن در تأسیس ۳۰ دفتر استانی و واگذاری امور مربوط به آنان است که در راستای



عدالت علمی و فناوری و بهره‌مندی تمامی اقشار جامعه از حضور این عزیزان در مناطق خود است. علاوه بر این، حضور استعداد‌های برتر در تمامی حلقه‌های پیشرفت از حلقه دانشگاه و پژوهش‌های بنیادی، تا توسعه فناوری و در نهایت تا گسترش نوآوری و کارآفرینی و پراکندگی متوازن در تمامی بخش‌های دولتی و خصوصی و شرکت‌های دانش بنیان نیز مدنظر می‌باشد.

رویکرد بنیاد ملی نخبگان در مسائل فرهنگی نیز نهادینه کردن فرهنگ همگامی با خواست ملت مسلمان، در کنار مردم بودن، شراکت در احساس شادی و نگرانی مردم و رویگردانی از فرد محوری و تحکیم هرچه بیشتر ارتباط نخبگان با جامعه است. استعداد و نخبه برتر ایرانی برای این مردم و زنده نگهداشتن آرمان‌های این ملت تلاش می‌کند و خود را وامدار این بزرگواران و ارزش‌های حاکم بر آنان می‌داند. احساس بالندگی در این قشر با احساس مسئولیت آنان برای حرکت در مسیر ایده‌آل‌های مردم شکل واقعی به خود می‌گیرد و مسائل و مشکلات مردم، منفصل از دغدغه‌ها و تلاش‌های آنان نیست.

در پایان ضمن سپاس فراوان از اعطای مجال سخن، باید اذعان نمایم که هنوز در کشور ما علیرغم وجود نیروهای انسانی برتر و استعداد‌های نوظهور، بهره‌گیری از توان این عزیزان می‌باید ارتقاء یابد. افزایش سطح بهره‌وری از ظرفیت نیروهای انسانی، نخبگان و استعداد‌های برتر، تبدیل اندیشه‌های نوین به محصول قابل ارائه به جامعه و تبدیل خلاقیت و نوآوری به عنصر ارزشمند و قابل بهره‌گیری، یک مسئله ملی و در حوزه مسئولیت همه نهادها است که امیدواریم راهنمایی‌های معظم‌له همچون گذشته چراغی برای آینده و عبور از مراحل پر پیچ و خم آن باشد.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاته

سخنرانی نخبگان ششمین همایش ملی نخبگان جوان در دیدار با مقام معظم رهبری (مدظله العالی)^۱



امیر جعفرقلی

(دارنده رتبه اول جشنواره خوارزمی)

بسم الله الرحمن الرحيم

بیا بیا که سوختم ز هجر روی ماه تو

تمام عمر دوختم دو چشم خود به راه تو

بدین امید زنده‌ام که گردم از سپاه تو

سلام بر مهدی. سلام و ادب دارم خدمت رهبر معظم انقلاب، مقام محترم وزارت، عزیزان، دانشمندان، نخبگان، اساتید، پژوهشگران و محققینی که در این جمع خدمتشان هستیم. بحثی را که خدمتتان عرض می‌کنم در مورد مشکلاتی هست که در خصوص تبدیل علم به ثروت برای تولید و تحقیق و پیشرفت مملکت وجود دارد. اگر اجازه بفرمایید این بحث را در دو منظر وزارت علوم و بنیاد ملی نخبگان خدمت شما تقدیم کنم. مساله‌ای که در حوزه وزارت علوم وجود دارد در سه حوزه دسته‌بندی می‌شود. رویکردی که دانشگاه‌ها به این قضیه دارند، رویکردی که خود وزارت علوم به این قضیه دارد و رویکردی که خود دولت محترم در این خصوص دارد. دانشگاه‌ها به تبع

۱- در سخنرانی نخبگان عین مطلب، بدون هیچ دخل و تصرفی آورده شده است.

این که طرف مستقیم صنایع و مراکز تحقیقاتی قرار می‌گیرند معمولاً سعی می‌کنند که پروژه‌های تحقیقاتی را به صورت کلان و غیر مهندسی سیستم شده دریافت کنند و سعی‌شان معمولاً به این صورت است. اولین آفتی که این مساله دارد این است که وقتی پروژه مهندسی سیستم در صنعت و در بخش تحقیقاتی کشور انجام نمی‌شود تمام تخصص‌های مربوطه شاید در دانشگاهی که طرف قرارداد قرار می‌گیرد وجود نداشته باشد یا ملاحظات صنعتی که اصلاً کار دانشگاه نیست بررسی نمی‌شوند و معمولاً پروژه‌هایی که به این ترتیب در دانشگاه‌ها اخذ می‌شوند دچار مشکلات جدی در فازهای آخر پروژه می‌شوند. وزارت علوم آیین‌نامه‌هایی که مصوب کرده، آیین‌نامه‌های بخصوص اساتید محترم، دو نکته اساتید آموزشی و اساتید پژوهشی را مد نظر گرفته است. البته نسبت به گذشته بحث فوق‌العاده مهمی است که رویکرد پژوهشی را وارد آیین‌نامه‌ها کرده‌اند. اما با یک نگاه دقیق به آیین‌نامه‌های پژوهشی دانشگاه متوجه می‌شویم که پژوهش‌های کاربردی و پژوهش‌های توسعه‌ای بیشتر مورد نظر هستند و آن چیزی که از اساتید محترم انتظار می‌رود رویکرد صنعتی به پژوهش است. درست است که یک تحقیق و پژوهش نهایتاً باید تبدیل به یک محصول صنعتی شود ولی ما نباید وظایف صنایع و دانشگاه‌ها را با هم مخلوط کنیم و انتظار داشته باشیم که نتیجه مناسبی از آن استخراج شود. و آن چیزی که نهایتاً به عنوان پژوهش‌ای بنیادین در دانشگاه مورد توجه قرار گرفته است بحث ISI هست که همگی می‌دانیم خروجی ISI ها

بیشتر به درد چه کسانی می‌خورد تا به درد کشور عزیزمان. اما رویکردی که دولت محترم داشتند بحث پروژه‌های عطف بوده است؛ پروژه‌های عطف یا پروژه‌های ملی درست است که پروژه‌های بسیار بزرگ و حیاتی برای ادامه حرکت این کشور هستند اما تخصیص و مدیریت آن‌ها به دانشگاه‌ها شاید اشتباه باشد. به عنوان مثال عرض می‌کنم خدمتتان که اگر صنعتی، نظامی و غیر نظامی و یا با هر کاربردی دیگر قابل بحث، مشکل کوچکی داشته باشد که اتفاقاً مشکلات دانشی مشکلات کوچک هستند؛ هم هزینه و قیمت‌های کمی دارند هم زمان‌های کم، ولی حیاتی هستند. وقتی به یک دانشگاه مراجعه می‌کند دانشگاه با بستن پروژه‌های کلان عطف نه نیرو نه توان و نه وقت و نه میل حرکت به سمت مشکلات دانشی این گونه شرکت‌ها و صنایع را دارند. و این آفتی است که باید مسوولین به فکر آن باشند و پروژه‌های عطف را به یک مجموعه‌ای از صنایع و دانشگاه‌ها با همکاری بسیار نزدیک اختصاص دهند. اما بحثی که در مورد بنیاد ملی نخبگان دارم این است که بنیاد ملی با ۸ سال تجربه‌ای که دارند معمولاً و فعلاً بیشتر رویکردشان رویکرد ارایه تسهیلات است. با وجود این که در آیین‌نامه، در مصوبات و در اساسنامه این بنیاد ذکر شده که بنیاد ملی نخبگان وظیفه راهبری و رهبری نخبگان را دارد متأسفانه این مساله کمتر دیده می‌شود. انتظار می‌رود که بر اساس نقشه جامع علمی کشور، نقشه جامع نخبگان تدوین شود و بر اساس آن نخبگان در مشاغل مختلف به کارگیری شوند. با توجه به فرصت اندکی که دارم سه نکته را به



عنوان پیشنهاد عرض می‌کنم.

نکته اول اینکه صنایع و شرکت‌های دولتی، صنایع و شرکت‌های دولتی پژوهشکده‌هایی همجوار دانشگاه‌ها تاسیس کنند و از نخبگان برای اعضای هیات علمی استفاده شود و جذب شوند.

دومین پیشنهادی که دارم این است که نخبگان به عنوان نیروی هیات علمی هم در دستگاه‌های صنایع دولتی و غیر دولتی و هم در دانشگاه‌ها به عنوان عضو رسمی مشغول به کار شوند برای این که زبان همدیگر را متوجه شوند. الان یکی از مشکلاتی که بین صنعت و دانشگاه وجود دارد عدم وجود زبان مشترک است.

در آخر هم نکته‌ای را عرض کنم؛ نخبگان طلبکاران این کشور و نظام نیستند، نخبگان خدمتگذاران هستند. مساله‌ای که وجود دارد این است، شاید درد دل همه دوستان باشد، ما شاید خیلی توانمندی نداشته باشیم که به قولی توپ فوتبالی را بگیریم و قراردادهای سنگینی را ببندیم و از قبل قراردادها کار پژوهشی انجام دهیم. انتظاری که تمام نخبگان و دوستان با بحث‌هایی که با هم کردیم و دوست دارند این نکته را خدمت شما عرض کنم این است که این نخبگان علاقمند هستند که بستر آرام و پژوهشی برایشان فراهم شود و در آن مشغول به کار شوند. خیلی متشکرم.



شیما شاهجویی

(دارنده مدال طلای نقره المپیاد کشوری)

با سلام و احترام خدمت مقام معظم رهبری و حضار گرامی. اگر اجازه دهید می‌خواهم چند نکته را در رابطه با نقشه جامع علمی کشور بیان کنم. یکی از مهم‌ترین گام‌هایی که برای تحقق چشم‌اندازهای علمی کشور برداشته شده ترسیم نقشه جامع علمی کشور بوده است. با وجود این که این صنعت در بردارنده مطالب و نکته‌های بسیار ارزشمندی است تحقق اهداف و آرمان‌های آن نیاز به نقد و ارزیابی راهکارهای اجرایی دارد. برای مثال در راهبرد کلان هفت در همین صنعت، به جهت‌دهی فعالیت‌ها برای رفع نیازهای کشور تاکید شده یا در راهبرد کلان یازدهم اقدام ملی دوم تاکید شده که تولید دانش در حوزه سلامت و بهداشت باید با تاکید بر بیماری‌ها و معضلات بومی صورت گیرد. این در حالی است که نظام آموزش پزشکی در حال حاضر در دو مقطع علوم پایه و بالینی در کل صورت می‌گیرد و زمانی که دانشجویان پزشکی مهارت‌های لازم برای متدولوژی و روش‌های تحقیق کسب می‌کنند و آنقدر با بالین و بیمار در ارتباط قرار می‌گیرند که بتوانند مشکلات را شناسایی کنند و طرح‌های خودشان را در راستای نیازهای کشور طراحی کنند چند سال از دوران تحصیلی آن‌ها گذشته و عملاً خیلی از این فرصت‌ها از دست



رفته. زمانی هست که فشارهای تحصیلی بسیار بالاست، کشیک‌ها، نگرانی از آزمون‌های کشوری مثل پیشکارورزی یا دستیاری، این‌ها همه تهدید می‌کنند این که بتوانند طرح‌های مناسبی را ارایه دهند و سبب می‌شود طرح‌هایی که ارایه می‌شوند طرح‌های کوتاه مدت، زودبازده و در اغلب مواقع بدون توجه به نیازهای کشور طراحی شوند. در حالی که می‌دانیم در حوزه سلامت و بهداشت طرح‌ها، طرح‌هایی بلند مدت و دیربازدهی هستند. خیلی از مشکلات کشور توسط وزارتخانه شناسایی شده خیلی از این‌ها حتی در سطوح پایین‌تر در مراکز بهداشت که خدمات اولیه سلامت را ارایه می‌دهند یا در بیمارستان‌های ارجاع کشوری همه شناسایی شده‌اند. به نظر می‌رسد که لازم است یه نهاد یا مرکز رسمی در کشور باید عهده‌دار این مسوولیت شود که این مشکلات و چالش‌های کشوری را شناسایی کند و به صورت سوال‌های جزئی و خاص و نه صرفاً بیان حیطه‌های کلی که لازم است در آن‌ها تحقیق شود کاملاً به صورت سوال‌های مشخص در اختیار مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی قرار دهد. ایجاد این بنیان کمک می‌کند که غیر از این که تحقیقات را هدفمند می‌کند و این امکان را فراهم می‌کند که دانشجویان در مقاطع پایین‌تر تحصیلی بتوانند در این اهداف شرکت کنند طرح‌های بلند مدت، چند رشته‌ای و چند مرحله‌ای را بیشتر همراهی می‌کند. یک نکته دیگر که در راستای اجرایی کردن پروژه‌ها وجود دارد این است که در مرحله تصویب پروپوزال‌ها و اختصاص بودجه هیچ نگاه جامعی برای کنترل کاربردی بودن این طرح‌ها وجود ندارد. شاید اقدامات پراکنده‌ای در کشور انجام شده به این منظور؛ برای مثال بنگاه‌های دانش

بنیاد نخبگان یا دفاتر ارتباط با صنعت، اما آن چیزی که به صورت رسمی در دانشگاه‌ها پروپوزال‌ها تصویب می‌شوند یا در مراکز تحقیقات عملاً هیچ کنترلی در این جنبه وجود ندارد و صرفاً بحث کاربردی بودن اینها به ذکر چند جمله کلیشه‌ای ختم می‌شود و هیچ تعهدی را نه برای طرح‌دهنده و نه برای مسوولین ایجاد نمی‌کند. نکته دیگری که به نظر می‌رسد همانطور که در راهبرد کلان اقدام ملی هفتم در سند نقشه جامع علمی کشور هم ذکر شده باید در نظام‌های انگیزشی و شاخص‌های رتبه‌بندی هم میزان رفع نیازهای جامعه اعمال شود. به نوعی باید از همه فرصت‌هایی که می‌توانند تمرکز فکری نخبگان و فرهیختگان جامعه را به خودشان اختصاص دهند برای حل مشکلات و چالش‌های کشورمان استفاده کنیم. یک مثال می‌زنم: چند سالی است که در حوزه پزشکی و علوم مرتبط المپیادهای علمی پزشکی شروع به کار کرده‌اند و می‌توانند چند ماهی تفکر و جریان فکری نخبگان را به خود اختصاص دهند. چه خوب بود در کنار این آزمون رسمی چند تا از چالش‌های کشور در همان حیطه‌ها اعلام می‌شد و نخبگان این امکان را داشتند که طرح‌های خودشان را در یک بازه زمانی مشخص با مشورت، مطالعه و با لحاظ کردن نکات فرهنگی، اقتصادی و نکاتی که آن طرح را بومی کشور می‌کند تدوین می‌کردند و در اختیار مسوولین المپیاد به عنوان نوعی واسطه قرار می‌دادند و صاحبان این طرح‌های برتر و ایده‌پردازان این امکان را داشتند که برای اجرای طرح‌های خودشان در سیستم‌های دولتی و در ساختار رسمی کشور فعالیت داشته باشند. با تشکر از توجه شما.





محمد حسین اشتری

(دانشجوی دکتری علوم تربیتی در دانشگاه علامه طباطبایی)

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام و درود بر امامان مهدی (عج) وارث انبیا و اولیا و سلام بر رهبر عزیزمان وارث روح الله امام خامنه‌ای
عرض سلام و ادب و احترام دارم محضر حضرتعالی و بزرگواران حاضر در جلسه. بنده محمد حسین اشتری هستم. در دانشگاه شریف مهندسی برق خوانده‌ام، در دانشگاه مالک اشتر کارشناسی ارشد مهندسی برق خوانده‌ام و الان در دانشگاه علامه طباطبایی دانشجوی دکتری علوم تربیتی هستم. در سه بخش عریضی را آماده کرده‌ام که تقدیم کنم. متأسفانه فرصت کم است و مجبورم از روی برگه بخوانم، دوست داشتم که بدون برگه بخوانم اما توفیق نیست. سه محوری که عرض خواهم کرد به ترتیب اینها هستند:

۱. ضرورت حضور بیشتر نخبگان در آموزش و پرورش

۲. آمایش جغرافیایی نخبگان در سطح کشور

۳. آمایش رشته‌ای نخبگان در سطح کشور

اما در باب موضوع اول: می‌دانیم بخش زیادی از نخبگان عضو بنیاد ملی نخبگان با مکانیزم‌هایی گزینش می‌شوند که در آموزش و پرورش کلید می‌خورند مثل المپیادها، کنکور سراسری، جشنواره خوارزمی و از این دست. از سویی دیگر آگاهییم که تاثیرات تربیتی و آموزشی دوران مدرسه است که شاکله علمی

و شخصیتی دانشجویان و محققان ما را تشکیل داده است. با این حال کمتر از حضور نخبگان بعد از دانشجویی در این وزارتخانه بهره داریم. این سوال خودنمایی خواهد کرد که آیا ما از ضروری‌ترین بخش زیرساختی کشور در جبهه جهاد علمی، جهاد اقتصادی و جهاد فرهنگی یعنی همان آموزش و پرورش غافل نبوده‌ایم؟ به نظر می‌رسد حضور نخبگان در آموزش و پرورش با رویکرد تزییق تفکرات مثبت، ترویج پژوهش محوری در آموزش، الگوسازی برای دانش‌آموزان، کمک در بهبود فرایندهای آموزشی و تربیتی یکی از راهکارهای مهم ترقی آموزش و پرورش و قدرتمند شدن در مقابل دشمنان و آماده‌ساختن نسلمان برای آینده انقلاب است. شاید بتوان گفت نخبگان به مثابه رگه‌های کوچک در تمام بدنه نظام باید حضوری گسترده داشته باشند. نه فقط شاهرگ‌های حیاتی باشند و در صنایع مهم فعالیت کنند. و اگر بخشی از بدنه عظیم این ملت را چندین میلیون دانش‌آموز آن بدانیم قطعاً یکی از زمینه‌های اصلی حضور نخبگان در کشور آموزش و پرورش خواهد بود. بی‌شک نخبگانی که می‌توانند فناوری هسته‌ای را به تعالی برسانند، فضا را تسخیر کنند، صنعت نفت را خودکفا نمایند خواهند توانست در عرصه زیربنایی آموزش و پرورش نیز موفق باشند و دانشمندان و موشک‌سازان و فضانوردانی باایمان و لایق تربیت کنند. در ادامه چند پیشنهاد اجرایی برای مجموعه آموزش و پرورش دارم که بسیار فشرده به عرض می‌رسانم.

۱. توجه به اصل جذب معلمان از چارک بالای کشور از حیث علمی و مهارتی: قطعاً مردان و زنان بزرگ می‌توانند بزرگانی را برای آینده تربیت کنند. پیشنهاد می‌کنم با تغییر رویکرد مجموعه‌های تربیت معلم از مقطع کارشناسی



به کارشناسی ارشد ضمن جذب نخبه‌های فارغ‌التحصیل رشته‌های مختلف دانشگاه‌های طراز اول و ارایه تسهیلات مناسب با برگزاری دوره‌های کارشناسی ارشد منحصراً در رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی این عزیزان را برای خدمت در آموزش و پرورش آماده نماییم.

۲. تحول در محتوای درسی مدارس بخصوص در مقاطع راهنمایی و دبیرستان: هم‌اکنون رویکرد اصلی در مدارس آموزش مستقیم مطالب می‌باشد. لازم است با تغییر ساختار مدارس از آموزش محور به پژوهش محور کتب درسی نیز تغییر محتوا و روش داشته باشند. در این صورت شاهد نسلی خواهیم بود پژوهشگر و محقق در دانشگاه‌های آینده.

۳. تغییرات در ساختارهای اداری آموزش و پرورش: لازم است با توجه ویژه به فناوری اطلاعات ضمن کاهش بروکراسی اداری و افزایش چالاکی سازمانی فاصله موجود در وزارت آموزش و پرورش با سایر وزارتخانه‌ها از میان برود. همچنین عناوینی مثل تمرکززدایی از تصمیم‌گیری‌های غیر کلان، مثل مدل ناحیه‌محوری که الان در شهرداری داریم، یا کاهش حجم پرسنل اداری نسبت به پرسنل آموزشی، استفاده مناسب از حجم عظیم اماکن در اختیار آموزش و پرورش در راستای درآمذزایی و مواردی از این دست در این بخش قابل ذکر است.

۴. توجه به تربیت بدنی در مدارس به عنوان زیربنای تخصصی نخبگان این حوزه در آینده: در این راستا وزارت ورزش و جوانان می‌تواند با هماهنگی آموزش و پرورش، ضمن تجهیز مدارس به عنوان پایگاه‌های ورزشی محلات و شهرها غیر از تلاش برای انجام یکی از وظایف خود یعنی ترویج زمینه‌های ورزش

همگانی زمینه لازم برای بهره‌گیری بیشتر دانش‌آموزان را نیز فراهم نماید. ۵. توجه به تعمیق تربیت دینی دانش‌آموزان از سنین پایین و پرهیز از برنامه‌های ظاهری.

۶. دقت بسیار زیاد در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان: به نظر می‌رسد هم‌اکنون جمع قابل توجهی از مستعدین کشور جذب رشته‌های ریاضی و در درجه بعد تجربی می‌گردند که این امر اختلال شدیدی در حرکت موزون و یکنواخت تمام زمینه‌های علمی در دانشگاه‌ها را موجب گردیده است.

۷. تغییر رویکرد از مدرسه‌سازی به تجهیز مدارس: به لطف الهی نهضت عظیم مدرسه‌سازی در کشور سد عظیم بی‌سوادی را حتی در دورترین نقاط از میان برداشته است. البته شاید هنوز مناطقی باشند که جای توجه داشته باشند اما به نظر می‌رسد آنچه هم‌اکنون ضروری است توجه به تجهیز آزمایشگاه‌ها، سایت‌های کامپیوتری، کتابخانه‌ها، نمازخانه‌ها و از این دست می‌باشد.

۸. تامل دوباره پیرامون مدارس خاص، استعدادهای درخشان، المپیادهای علمی، آزمون‌های علمی و درسی و متنوع در دبیرستان‌ها.

۹. توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی در آموزش و پرورش: متأسفانه همواره خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش مترادف مدارس غیرانتفاعی دانسته شده است. در حالی که به نظر می‌رسد آموزش و پرورش ضمن کاهش تصدی‌گری مستقیم و برون‌سپاری بسیاری فرایندها حتی در مدارس و یا حوزه‌هایی از قبیل آموزش کارکنان، خدمات اداری عمومی، نوسازی، IT و از این دست می‌تواند موجب ترقی کیفیت فرایندها گردد.

۱۰. در پایان این بخش اول می‌خواهم این سوال را از محضر مبارک حضرت تعالی



بپرسم: در شرایطی که تحریم‌های اقتصادی و علمی و نیز تهدیدات دشمنان یاهوگو و قلدر ما را بر آن داشته است که با تمام توان در عرصه‌های گوناگون علمی و نظامی وارد شویم و زمینه‌های ترقی و بی‌نیازی خود از مستکبران را فراهم نماییم، آیا می‌توان جایگاه و اولویت مشخصی برای آموزش و پرورش هم از جهت حضور نخبگان و هم از حیث توجه مسوولان تعریف کرد؟
اما بخش دوم عرایضم:

هم‌اکنون شاهد هستیم که توزیع نخبگان به لحاظ جغرافیایی در کشور مناسب نیست. تمرکز شدید نخبگان در تهران، اصفهان، مشهد و چند شهر بزرگ دیگر استان‌های دیگر را از ظرفیت نخبگان کم‌بهره کرده است. دانشکده‌ها و دانشگاه‌های تهران بسیار قوی عمل می‌کنند و شاید در استان‌های دیگر این پویایی را کمتر داشته باشیم. پیشنهاد اجرایی‌ای را تحت عنوان طرح «نخبه استانی» ارائه کرده‌ام. در این راستا با تعمیم تعریف نخبه و استعداد برتر می‌توان ضمن اعلام نخبگی برخی عزیزان برگزیده در استان‌ها در عرصه‌های مختلف زمینه بهره‌مندی از تسهیلات و حمایت‌های بنیاد منحصراً در استان خودشان فراهم گردد تا ضمن تلاش برای جلوگیری از مهاجرت گسترده نخبگان به مرکز موجب رشد استان‌ها هم گردد.

مطلب آخر را فرصت نمی‌کنم عرض کنم پوزش هم می‌خواهم. نکته‌ای که یکی از دوستان گفتند بنده هم وظیفه می‌دانم اعلام کنم که ما و امثال ما نه از ملت نه از انقلاب نه از کشور هیچ طلبی نداریم بلکه در حقیقت شرمنده ملت و خون شهدا هستیم که نتوانستیم آن طور که شایسته است انجام وظیفه کنیم و درخواست دعای خیر شما را برای توفیق خدمت داریم. والسلام علیکم ورحمه‌الله.



مهدی صفرنژاد بروجنی

(دارنده رتبه اول جشنواره خوارزمی)

بسم الله الرحمن الرحيم. نخبگان در پیچ بزرگ تاریخ، نخبه کیست؟ از شاخصه‌های نخبه تصمیم‌گیری، تشخیص عمل و فهم نسبت به قضایا می‌باشد. نخبه در عرصه‌های گوناگون تحلیل و جهت‌گیری و جهت‌دهی داشته از زمانه خود جلوتر حرکت کرده و بهترین رفتار را در هر شرایطی از خود بروز می‌دهد. لازم به ذکر است که نخبگان ما بخصوص نخبگان جوان نیروهای مستعد هستند نه نیروهای کار کشته و باتجربه. در حالی که از این نیروهای مستعد می‌خواهیم خودشان حرکت کنند، راه را پیدا کنند و جلو روند و دیگر این که باید دیوار بین نیروهای مستعد و نیروهای کار کشته برداشته شود و نخبگان فکری جامعه با نخبگان مستعد در تماس باشند و آن‌ها را راهبری کنند. پیچ بزرگ تاریخی چیست؟ امروز تاریخ جهان و بشریت بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی قرار دارد و دوران جدیدی در همه عالم در حال آغاز است و این یک تغییر مسیر جدی برای کل بشریت است. نمونه این تغییر بیداری اسلامی در کشورهای منطقه و جنبش عدالت‌خواهی در کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌باشد. این حرکت عظیم به تبدیل امت‌های اسلامی به یک پیکر منجر شده که نیاز به فکر، جهت‌گیری صحیح و حرکت دارند. نقش ایران در این گذر تولید و تزریق فکر به این بدنه است. چرا که ایران سر این پیکره است و نقش نخبگان نیز در این میان نسبت مغز سر با پیکره می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران سی سال پیش‌تر بیدار شده و امام رحمت‌الله علیه در این باره فرمودند راهی که شروع کردیم سه مرحله دارد؛ اول ایران را اسلامی می‌کنیم، بعد جهان اسلام را بیدار می‌کنیم و در مرحله بعد به عصر ظهور می‌رسیم. پس ایران قبل حرکت ملت‌ها به سوی



آینده است و ماموریت ملت ایران آماده‌سازی دنیا برای تحقق وعده‌های الهی و حرکت به سوی آینده موعود است. امروز در عرصه جهانی در مقطع یکفربالطاغوت هستیم. ادامه این مسیر الهی به سمت یومن بالله است و سرانجام به مقطع فقد استمسک بالعروه الوثقی یعنی چنگ زدن به ولایت و تبعیت از ولی الهی منجر خواهد شد. ان شاءالله. و نخبگان که همیشه جلوتر از زمانه خود حرکت می‌کنند امروز نیز فقط باید در مقطع فقد استمسک بالعروه الوثقی باشند. یعنی با اطاعت و تبعیت از ولایت در زمینه‌های مختلف گام بردارند. دنیا صحنه جنگ است و جبهه؛ جبهه‌ای که از زمان خلقت آدم (ع) دشمنی با شیاطین جنی و انسی در آن مطرح بوده که خداوند می‌فرماید: «و قل نهبطو بعضکم لبعض عدو». همگی هبوط کنید در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود و این دشمنی در عرصه‌های مختلف می‌باشد. از اولین و اساسی‌ترین ابزارهایی که یک نخبه در جبهه دنیا باید به آن مسلح باشد حرف‌شنوی و تبعیت از ولایت است. و در تولید فکر و ایده‌پردازی در فضایی از تبیینات و افق‌های مطرح شده از سوی ولی جامعه در راستای به دست آوردن نقشه آینده نقش خود را به درستی ایفا کند و با جهت‌دهی درست در نقش یک پیش‌قراول جامعه را به سمت و سوی موفق و سرافرازی حرکت دهد. این‌ها همان ابزارهایی هستند که نخبگان جبهه حق در طول تاریخ از آن استفاده می‌کرده‌اند و جوامع را به جلو می‌برده‌اند و البته نخبگان باید به دنبال ابزارهایی از جنس آینده باشند.

نیاز به انگیزه: یک انسان برای کار خود نیاز به انگیزه دارد، انسان نخبه نیز برای نخبه‌گری نیازمند انگیزه است. در آلمان زمان هیتلر بحث ملی‌گرایی و برتری قوم آریایی بر دیگر اقوام پررنگ بود. این امر چنان انگیزه‌ای در مردم ایجاد کرده بود که نخبگان علمی آلمان به شدت به کار گرفته شدند، شبانه‌روز کار کردند و پیشرفت زیادی را برای آلمان ایجاد کردند. مثلاً اولین موشک‌ها در آن زمان ساخته شد، بسیاری علوم و تکنولوژی‌ها برای اولین بار در آنجا به وجود آمد و تکامل خیلی از

مقولات در آن زمان بود. بعد از جنگ جهانی دانشمندان آلمان به آمریکا و روسیه رفتند و آنجا را رشد دادند. مشابه این نخبه‌ها در کشورهای دیگر هم بودند ولی چرا در آلمان این اتفاق افتاد؟ چون برای نخبه‌گری انگیزه‌ای قوی داشتند. ما نمی‌خواهیم و نباید در جامعه ملی‌گرایی یا رفتارهایی از این دست راه بیاندازیم چرا که افق‌ها و ارتفاعات این موضوعات به نسبت موضوعات دیگر بسیار کوتاه است. ما می‌توانیم برای ایجاد انگیزه‌ای محکم مهدویت قائمانه را راه بیاندازیم.

جمع‌بندی: و کلام آخر این که ما نیاز به یک نیروی پیش‌برنده داریم. این که به صرف غیرت ملی یا دینی نخبگان حرکت کنند خوب است اما کافی نیست. ما به یک نیروی قوی‌تر به عنوان نیروی پیش‌برنده نیاز داریم و بهترین نیروی پیش‌برنده در کل تاریخ مهدویت قائمانه است و نه مهدویت قائدانه. اگر کسانی قرار داده شوند که مهدویت قائمانه را به جامعه تزریق کنند شور و هیجان عجیبی در نخبگان ایجاد شده و با شدت و حدت بیشتری حرکت می‌کنند. ما کمبود نخبه نداریم، اما نخبگان ما بی‌جبهه هستند لذا بسیاری از ایشان جذب اردوی غرب می‌شوند، باید موضوع، منظر و موقعیت جبهه را برایشان ایجاد و تقویت کرد و انگیزه قوی به آن‌ها داد و بهترین جبهه برای نخبگان و بلکه برای کل جامعه مهدویت قائمانه است. آقا جان، اوج نیاز ما این است، خواسته ما از شما این است، یا خودتان این کار را انجام دهید یا شما کسانی را قرار دهید که مهدویت قائمانه را به ما تعلیم دهند. به ما نخبه می‌گویند اما ما دوست نداریم نخبگان رها و ول باشیم، دوست نداریم که نخبگان مستعدی باشیم که شرق و غرب از نخبگی ما بهره ببرند. ما می‌خواهیم سربازی قوی در جبهه حق با روحیه‌ای حسینی در کربلای زمانه باشیم و البته کربلا غوغاست، ساز و برگ کو، ظهر عاشورا است شور مرگ کو؟ ظهر عاشورا فاین تذهبون؟ لم تقولون ما لا تفعلون؟ والسلام علی من التبع‌الهدی





نسرين جعفری

(دانشجوی دکترای مهندسی عمران گرایش سازه صنعتی اصفهان)

بسم الله الرحمن الرحيم

قال صادق (ع): قرآن را بخوانید و در سینه‌های خویش ثبت و ضبط نمایید و از آن یاری بجوئید چرا که خداوند قلبی را که قرآن در آن جا گرفته باشد عذاب نخواهد کرد. تشکر می‌کنم از فرصت مغتنمی که در اختیار بنده قرار داده شده، موضوع صحبت من قرآن در جامعه است و با تقسیم‌بندی به سه زیرشاخه قرآن و دانشگاه، قرآن و جامعه قرآنی و قرآن و عامه مردم مطالبی را خدمت شما حضار محترم عرض می‌کنم.

۱. محور اول قرآن و دانشگاه

الف. در حال حاضر تدوین برنامه‌های قرآنی اکثر دانشگاه‌ها در دست دانشجویان علاقمند به فعالیت‌های قرآنی است. هرچند این امر مزایایی دارد ولی از ترمی به ترم دیگر و از سالی به سال دیگر پویایی مجموعه متفاوت است چرا که با تغییر دانشجویان سلايق و عملکرد آن‌ها متفاوت است. طبیعی است در چنین شرایطی فقط به یک سری برنامه‌های کوتاه مدت بسنده می‌شود و نمی‌توان برنامه‌های بلندمدتی مدون کرد. از طرفی این دانشجویان علاقمند هستند ولی بعضاً فاقد تجربه لازم هستند. پیشنهاد بنده این است که حداقل در دانشگاه‌های بزرگ کشور استاد باتجربه‌ای هفته‌ای چند روز حضور مفید داشته باشد تا سلايق مختلف تعدیل شده و تاثیرگذاری برنامه‌ها بیشتر شود.

ب. ملزم بودن دانشگاه‌ها به مشخص بودن فعالیت‌های قرآنی هر ترم: طبیعی است در این صورت تا به فکر فعالیت‌های قرآنی برسیم دو سه هفته‌ای گذشته است و تا به مرحله عملیاتی آن برسیم پنج شش هفته‌ای و قبل از زمان حصول نتیجه

فعالیت به میان ترم و پایان ترم دانشجویان نزدیک می‌شویم و در آن زمان دیگر از طرف دانشجویان استقبالی برای فوق برنامه‌ها دیده نمی‌شود.

ج. اکثر مواقع اطلاع رسانی برنامه‌های قرآنی و مذهبی فقط در مسجد دانشگاه‌هاست اما یکی از اهداف بسیار مهم ما از تدوین چنین برنامه‌هایی جذب دانشجویانی است که مزه دوستی با قرآن و اهل بیت علیهما السلام را کمتر چشیده‌اند و بنابراین تبلیغات و اطلاع‌رسانی باید تمام بخش‌های دانشگاه را پوشش دهد.

د. تجهیز خوابگاه‌های دانشجویی به محصولات قرآنی در برقراری پیوند هر چه عمیق‌تر دانشجویان با آموزه‌های قرآنی نقش موثری دارد. می‌توان در هر خوابگاه اتاقی را برای فعالیت‌های قرآنی در نظر گرفت و این اتاق را به محصولات قرآنی مورد علاقه دانشجویان تجهیز کرد و برنامه‌های منظم و هفتگی تلاوت و انس با قرآن کریم را در آن مکان برگزار نمود.

۲. محور دوم: قرآن و جامعه قرآنی

الف. مربیان قرآنی در موسسات بعضاً مهارت‌های لازم را برای تدریس کسب نکرده‌اند. به نظر می‌رسد آزمون از روش تدریس مربیان، نظرخواهی منظم پایان هر دوره از قرآن‌آموزان، مطالعه کتاب‌هایی پیرامون مهارت کنترل کلاس، طرز برخورد مناسب و موارد دیگری از این قبیل به این امر بهبود می‌بخشد. در حال حاضر آزمون‌های نامنظمی در بعضی موسسات برگزار می‌شود اما نتایج آن فقط در سطح‌بندی علمی تدریس مربیان تاثیرگذار است. باید توجه داشت مخاطب اصلی کلاس‌های سطوح پایین‌تر و خصوصاً سطوح ابتدایی‌تر عامه مردم هستند و انگیزه‌هایشان هنوز در بطن وجودشان نفوذ نکرده است و آموزش این عزیزان توسط مربیان کم‌تجربه و فاقد مهارت‌های لازم برای جذب افراد یعنی از دست دادن اعضای جدید جامعه قرآنی آینده کشور.



ب. متاسفانه با گسترش فعالیت‌های قرآنی در کشور شاهد لجام گسیخته بودن آن‌ها نیز شده‌ایم. در هر شهر و استانی موسسات قرآنی زیادی فعالیت‌های موازی و تکراری انجام می‌دهند. پیشنهاد بنده این است که هر موسسه روی مهارت خاصی تمرکز بیشتری داشته باشد به عنوان مثال موسسه الف برای کودکان مناسب باشد، موسسه ب روی مبحث مفاهیم تمرکز بیشتری داشته باشد و به همین ترتیب. این امر باعث می‌شود کسی که در ترم نخست رشته‌ای ثبت‌نام کرده است مطمئن باشد تا ترم‌های بالاتر اساتید مجرب در نظر گرفته شده‌اند نه این که در همه موسسات آموزش‌های متوسط برای رده سنی حدود هجده تا سی و پنج سال باشد و هیچ موسسه‌ای متولی آموزش‌های حرفه‌ای‌تر به علاقمندان نباشد.

۳. محور سوم: قرآن و عامه مردم

الف. اگر ما بتوانیم عامه مردم را با قرآن آشنا کنیم دیگر نیازی نیست نگران سایر امور باشیم. به برکت قرآن مابقی کارها به درستی انجام می‌گیرد. در همین راستا داشتن برنامه‌های آموزشی ساده و جذاب می‌تواند بسیار نتیجه‌بخش باشد. از جمله طرح‌های موفق در این زمینه تلاوت روزانه یک صفحه از قرآن کریم در مساجد است. مشابه چنین طرح‌هایی برای پرکردن سایر خلاءهای موجود برای آشناسازی کلی مردم با قرآن کریم بسیار ضروری به نظر می‌رسد. شهرداری‌ها، شبکه‌های استانی، مدارس، اماکن مذهبی و غیره با معرفی جلسات قرآنی و مذهبی هر منطقه از شهر، تکریم چهره‌های قرآنی موفق، برگزاری محافل و جشن‌های باشکوه قرآنی می‌توانند نقش زیادی را در این زمینه ایفا نمایند.

پروردگارا، تو را به نبی مکرمت که برای ترویج این کتاب هدایت و برنامه زندگی مشقت‌ها کشید و خون دل‌ها خورد، در دل‌های ما عشق و علاقه به قرآن را افزوده و با انس ما با قرآن روح پیامبر عزیزمان را شاد گردان. والسلام



علی آرام

(دانش آموخته دکتری رشته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف)

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم و رحمه الله. ابتدا از این فرصت که در اختیارم قرار گرفته که بتوانم در حضور حضرتعالی صحبت کنم، تشکر می‌کنم. موردی که می‌خواستم خدمت شما عرض کنم در واقع جویا شدن نظرات حضرتعالی بود در مورد مشخصات یک مدیر در تراز جمهوری اسلامی و مقداری شاید مباحثی فردی‌تر را در نظر دارد.

با توجه به این که خیلی از افرادی که الان در این جمع حاضرند و در واقع از جوانانی که اکنون در جمع حاضرند در آینده‌ای دور یا نزدیک ممکن است یک پست مدیریتی داشته باشند و به زعم بنده آماده شدن برای مسوولیت باید پیش از آن انجام شود، تقاضا داشتم در این مورد راهنمایی بفرمایید که چه مدلی از زندگی یک مدیر مدل ایده‌آل است؟ نگاه‌های نسبتاً متفاوتی در این حوزه وجود دارد که من یکی را که به نظرم آسیب خیلی از مدیران کشور است را عرض می‌کنم خدمتتان. یک دسته از مدیران هستند در کشور که شاید بیش از هشتاد درصد زمان کاری‌شان در جلسات می‌گذرد و در واقع به نوعی جلسه‌زده هستند. تبعاً این دسته از مدیران زمان کمی برای مطالعه و تفکر دارند و این امر در خروجی‌هایشان متأسفانه مشهود است؛ در سخنرانی‌هایشان، در پاسخ به سوالات خبرنگاران و ... این دسته از مدیران بعضاً می‌توان گفت اکثراً قبل از این که تصدی آن مسوولیت را داشته باشند معمولاً فرصت اندیشه و مطالعه را دارند اما معمولاً در ابتدای به عهده گرفتن



مسئولیت ایده‌های جدیدی برای اداره محدوده تحت مدیریت خود دارند و کم کم که زمان می‌گذرد و با حداقلی شدن زمان اندیشه و در واقع مطالعه، ایده‌هایشان تمام می‌شود و دیگر طرحی نو برای رویارویی بهینه با مشکلات ندارند. به جز ساعت تفکر و مطالعه که در واقع متاثر از برنامه‌های پرمشغله مدیر است، ساعات عبادت هم دچار تحول می‌شود. مثلاً شرکت در نماز جماعت کم می‌شود، نماز اول وقت به تأخیر می‌افتد، ساعت قرائت کتاب الهی، دعا و نیایش کاهش پیدا می‌کند و مواردی از این دست. بخش دیگری از تأثیراتی که پرمشغله بودن مدیران ما ایجاد می‌کند شاید بتوان گفت برنامه‌ای که مدیران دارند در ارتباط با مخاطب و مردم است. آنجایی که مدیر به دلیل مشغله زیاد فرصت انجام کارهای به زعم خودش کوچک را ندارد و از طریق واسطه‌ها آن را انجام می‌دهد. مثلاً پرسش مستقیم از خدمات سازمان خودش را به کارمندان واگذرا می‌کند و هیچوقت در واقع خروجی خدمات سازمان خودش را بدون واسطه و مستقیم ارزیابی نمی‌کند. البته بوده‌اند و هستند مدیرانی که این روش را نداشتند و ندارند. اما نوعاً این را مشاهده می‌کنیم که به گفته معاونان خودشان در حوزه بازخورد اطمینان می‌کنند. یکی از عوارض این نگاه این است که معمولاً تا یک معضل به صورت حاد بروز نکند و مدیر آن را به چشم خودش نبیند یک اقدام شایسته در آن حوزه نمی‌بینیم. مثال زیاد است و عرض می‌کنم حضورتان. یکی از دلایل این است که سلسله مراتب پوشاندن نواقص متاسفانه در لایه‌های مختلف مدیریتی وجود دارد و تا مدیر به چشم خودش آن معضل را نبیند نسبت به وجود آسایش آگاه نمی‌شود و ممکن است مثلاً در گوشه‌ای از کشور سال‌های سال آن مشکل وجود داشته باشد و نمونه‌اش حوادث طبیعی است که در مناطقی به جز پایتخت رخ می‌دهند و مثلاً در مورد چاره‌اندیشی

برای ریزگردها تا مدت‌ها تا مدیران به چشم خودشان ندیدند و لمس نکردند آن معضل را، نه پوشش رسانه‌ای درخور و نه تمهید مدیریتی شایسته‌ای مشاهده نشد. هرچند سال‌ها این مشکل در مناطقی از کشور وجود داشت و همچنان وجود دارد. کم نیستند مدیرانی که بعد از این که مدت مدیریتشان به پایان می‌رسد به حوزه تحت مدیریت قبلی خود مدیریت قبلی‌شان سرکشی مستقیم و بدون تشریفات می‌کنند و از نزدیک با واقعیات روبرو می‌شوند و آن موقع متوجه می‌شوند که نظام مدیریتی بدون سرکشی و گرفتن بازخورد مستقیم چه اهمیتی دارد. با توجه به این موضوع که معمولاً آموزش و متاسفانه آموزش مدیریت در کشور ما لازمه تصدی پست مدیریتی نیست، عمدتاً یک مدیر روش‌های مدیریتی خود را با تقلید از مدیران دیگر باسابقه‌تر در همان حوزه به دست می‌آورد و این موضوع در واقع یک نوع پارادایم را در روش مدیریتی در کشور ایجاد کرده است. که در بسیاری از موارد هم باعث آسیب می‌شود. به علاوه جوانان با استعداد که به لحاظ توانمندی‌های ذهنی به پست مدیریتی گمارده می‌شوند به دلیل این که راه مدیران قبلی را طی می‌کنند معمولاً بعد از مدتی همان پارادایم را می‌پذیرند و تبدیل به همان نوع مدیران می‌شوند. از این رو به نظر می‌رسد که ترسیم مشخصات یک مدیر ایده‌آل در تراز جمهوری اسلامی که مد نظر مدیران آینده یعنی کسانی که الان مدیریت ندارند و خودشان را بسازند برای آن زمان یک اولویت و ضرورت است و این که خودشان توانمندی‌ها و روحیات خود را با آن ضروریات وفق دهند. ببخشید که مصدع شدم. والسلام‌علیکم و رحمه‌الله





آرزو محمودزاده

(دانشجوی کارشناسی رشته روانشناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبائی)

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
وانچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد
گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است
طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، با عرض سلام و ادب خدمت فرهیختگان عزیز و آرزوی سلامتی برای رهبر معظم انقلاب جناب آیت‌الله خامنه‌ای مد ظله‌العالی.

انسان را می‌توان در نگاهش خلاصه کرد. آنچه که من می‌بینم، می‌شنوم و تعبیر می‌کنم با آنچه دیگری می‌شنود، می‌بیند و تعبیر می‌کند متفاوت است. بنابراین دنیای من با دنیای دیگری متفاوت است. این اشتباه است که فکر کنیم یک دنیا و یک کره زمین وجود دارد که میلیاردها انسان در آن می‌زیند، بلکه به تعداد تک تک انسان‌های این کره خاکی دنیاهای متمایزی وجود دارند که هر کدام مختصات ویژه خود را دارا می‌باشند. علم انسان یا علوم انسانی باید شش میلیارد تفسیر از دنیا و حوادث آن، تولد، زندگی، مرگ و فرامرگ عرضه دارد و بتواند ادعای به حق بودن و در خور توجه بودن داشته باشد. آنچه در خود آمریکا امروزه داغ و بحث برانگیز است گوناگونی فرهنگی، قومی و نژادی این کشور و دشواری خدمات روانشناختی و علوم انسانی است چرا که در دنیای انسان‌ها یکی مرگ را تولد می‌داند و دیگری تولد را مرگ، یکی رنج را لذت می‌داند و دیگری لذت را رنج، یکی عشق را نفرت می‌داند و دیگری نفرت را عشق. یکی ظالم را مظلوم می‌داند و دیگری مظلوم را

ظالم. و تمامی ایشان شخص خود را بر حق می‌دانند. حال در این دنیای کوچک انسان‌ها که در باطن عظمتش بی‌انتهاست آیا قاصریم که از علم بومی و علوم انسانی بومی سخن می‌گوییم؟ تمامی آنان که صلاهی یگانگی علم و انسان را در بوق و کرنا کرده‌اند بدانند که به کارگیری علم غیربومی برای یک ملت و قومیت مانند تلاش پوچی برای چیدن قطعات یک پازل کنار هم است با این مشخصه که هیچ کدام از این قطعات با دیگری و کلیت پازل تطابقی نداشته باشند و متعلق به مجموعه‌ای مجزا باشند. بعد از انقلاب اسلامی مان به لطف جنابعالی سال‌هاست این خواسته شعار و آرزوی این نظام اسلامی و انقلابیون این کشور است که علوم بخصوص علوم انسانی را بومی سازیم و متون را از آثار کفر، دنیاپرستی و الحاد عاری سازیم. آنچه که هم‌اکنون ذهن جوانان و نیروی محرکه کشورمان را با آن تغذیه می‌کنیم و چه گناهی از این عظیم‌تر و چه کاهلی از این واضح‌تر بخصوص در این برهه حساس از زمان که دشمنان اسلام و حقیقت گام‌های بلند و مفتضحانه‌ای در مسیر ننگین توهین به شخصیت‌ها و مفاهیم آسمانی اسلام عزیز و پنهان ساختن نور رهایی‌بخش آن از دیدگان انسان‌ها برداشته‌اند. دیگر بس است. قرن‌هاست رویاهایمان را می‌زدند. ما مهد تمدن و علم هستیم و چشم به دستان غیر دوخته‌ایم. همانان که سرمایه مادی و معنوی‌شان را از ما دارند سال‌هاست خون ملت‌هایمان را نوشیده‌اند و پیرایه بی‌فرهنگی و تحجر به دامان ما بسته‌اند. دیگر بس است. جریان علمی، حوزوی و دانشگاهی است. حرکتی از حالا تا همیشه. آغاز می‌کنیم، قدم برمی‌داریم و تا مقصد از پا نمی‌نشینیم. بیگانه‌ستیزی نیست، بیگانه‌گریزی هم نیست. نگاه نقادانه به مبانی غربی و حتی مبانی بومی اولین و ضروری‌ترین گام است. شروع حرکت، دانشکده‌های علوم انسانی هستند همانان



که جهت، حرکت و مقصد را تعیین می‌کنند و متاسفانه فضای دانشگاهیشان گاهی به شایستگی آن چه باید باشد نیست. آنچه از نظر این حقیر جزو اولین قدم‌های این انقلاب و حرکت عظیم است از این قرار می‌باشد:

- رسیدگی و افزایش امکانات علمی - رفاهی این دانشکده‌ها
- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای جذب دانش‌آموزان قوی به رشته علوم انسانی در مقطع دبیرستان
- راهنمایی و مشاوره تحصیلی موثر دانش‌آموزان این رشته برای انتخاب رشته‌های دانشگاهی

- افزایش جشنواره‌ها و سمینارهای علمی مختص گرایش‌های این رشته
- تسهیل کانال‌های تحقیقاتی و افزایش ارتباطات بین دانشگاه و سازمان‌ها
- و به رسمیت شناختن تخصص متخصصان علوم انسانی و احترام گذاشتن به این تخصص و پذیرش این امر که تمامی ایده‌ها و پیشنهادات ارائه شده توسط دوستان از سایر رشته‌های باید از فیلتر این عزیزان عبور کرده و به مرحله اجرایی برسد.

بنده به نمایندگی از دانشجویان علوم انسانی آمادگی این عزیزان را برای یک انقلاب و تحول به نفع ملت عزیز و علم‌پرورمان اعلام می‌دارم و از تمامی دستگاه‌ها و مسوولین مربوطه استدعا دارم بیایید بنا بر رهنمودهای تعالی‌بخش مقام معظم رهبری با به کارگیری منابع غنی ایرانی اسلامی، متون، افکار و فضاهای علمی خود را غنی کنیم و دست از احتکار علمی برداریم. علوم انسانی امروز منتظر ماست تا پتانسیل‌های نهفته در گذشتگان خود را دریابیم و بار دیگر ایران، اسلام و علمش را به جهان عرضه داریم. متشکرم



محمد حسین بادامچی

(دارنده مدال نقره المپیاد فیزیک و دانشجوی دکتری جامعه شناسی)

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام و درود بر روح مطهر امام روح الله خمینی که کالبد مرده تاریخ را به روح قدسی خود زنده کرد و سلام و درود بر امام سید علی خامنه‌ای که بزرگ احیاگر دین در جهان معاصر است و امام ما ایرانیان برای بازگشت دین و معنویت به جهان قدسی‌زدایی شده مولود غرب مدرن. و سلام و درود بر روان پاک شهید شریف مصطفی احمدی روشن که علم فارغ از ارزش دانشگاهی را به معبد انقلاب اسلامی برد تا باز هم در آستانه دهه چهارم نشان دهد که راه‌های نو انقلاب ما جز با خون گشود نمی‌شود.

عنوان مطلبی که می‌خواهم خدمتتان عرض کنم بنیاد نخبگان و رابطه علم، نخبگی و جهان تک‌قطبی است. مطلبی در نقد عملکرد شش‌ساله بنیاد نخبگان که از همان اوان تاسیس در دلم جوشیده و فکر می‌کنم حرف دل خیلی از دلسوزان بنیاد باشد. بنده به واسطه حضور در مدارس سمپاد تبریز و سپس تهران آشنایی دیرینه دارم با تپپی به نام استعداد درخشان که از سال ۸۵ با تاسیس بنیاد عنوان جدید نخبه را به خود گرفته‌اند. نخبگی در اساسنامه بنیاد نخبگان و آیین‌نامه احراز نخبگی چنین تعریف شده است: نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید و گسترش علم، هنر و فناوری و فرهنگ‌سازی و مدیریت کشور محسوس باشد و هوش و خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ وی موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه



علمی و اعتلای جامعه انسانی کشور گردد. حال پرسش اساسی من این است که آیا بنیاد نخبگان در پرورش آن نخبه‌ای که در اساسنامه‌اش آمده است و به فرموده شما کسی است که باید مدیریت تحولات کشور در دست او باشد موفق بوده است؟ برای پاسخ به این سوال می‌خواهم یک طیف‌بندی دوگانه از مفهوم نخبگی در زمانه خودمان ارایه دهم که ترجیح می‌دهم آن را در نسبت با علم که نقطه محوری نخبگی است تعریف کنم. تصور می‌کنم در دورانی که ما در آن زندگی می‌کنیم یعنی دوره تلاش ما برای رهایی از سلطه فرهنگی و سیاسی غرب، دو نوع علم و به تبع آن دو نوع نخبه وجود دارد. علم جهانی و نخبه جهانی و در مقابل آن علم بومی و نخبه بومی. طرفداران علم جهانی دانشمند و نخبه را کسی می‌دانند که بیشترین مشارکت و همدلی را با پرورش یافتن نهال جهانی علم داشته باشد که در مجلات جهانی ISI تجلی می‌یابد. از نظر آن‌ها هیچ فرقی نمی‌کند که کسی را در جمهوری اسلامی و سال‌ها پس از انقلاب اسلامی نخبه بنامیم که همین آدم در هند، ترکیه یا انگلیس هم دانشمند نخبه تلقی می‌شود. معیار نخبگی از نظر این عده جشنواره‌ها، المپیادها و کنفرانس‌های بزرگ و معتبر بین‌المللی است و هر کس برو و بیای بیشتری با آن‌ها داشته باشد نخبه‌تر است. در مقابل کسانی هستند که دانش مورد نیاز هر سرزمین را دانشی می‌دانند که باید به مسایل خاص آن سرزمین که برآمده از نیازهای مادی، ملی و وضعیت خاص آن ملت است پاسخ دهد و از همه مهم‌تر دانشی که خادم ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و آرمان‌های آن ملت باشد. نخبه این علم نخبه وطنی است. نخبه بومی است که هر جایی نیست

و درد کشور را خوب می‌داند و دانشش پاسخ‌دهنده دردهای اقتصادی، صنعتی و از همه مهم‌تر فرهنگی آن ملت است. در ریشه‌یابی این موضوع که چرا ما به تمایز این دو نوع علم و دو نوع نخبگی وقوف نیافته‌ایم و عملاً علم بومی را پیش پای علم جهانی قربانی کرده‌ایم و هر جا گفته‌ایم علم، علم جهانی را مراد کرده‌ایم به دو ریشه علم‌شناختی و سیاسی برمی‌خوریم. ریشه علم‌شناختی یا فلسفه علمی ماجرا به این جا برمی‌گردد که ما میان رشته‌های مهندسی از یک سو و دو حوزه علوم پایه و علوم پزشکی تفاوتی قائل نشده‌ایم. در واقع چنانچه از منظر مساله و غایت که دو مدخل اساسی در تحلیل فلسفی علوم و بویژه علوم کاربردی هستند به این سه حوزه نگاه کنیم درمی‌یابیم که علوم مهندسی بر خلاف علوم پایه و پزشکی کاملاً بومی و غیر جهانی هستند. علوم پایه در تمام جوامع مسایل مشخصی را با هدف شناخت طبیعت واحد دنبال می‌کنند و مساله علوم پزشکی دردهای جسمانی انسان و غایت آن سلامت است که در تمام طول تاریخ و جوامع مشترک است. اما در علوم مهندسی بر خلاف این دو نیازها و اولویت‌های صنعتی در هر کشوری بسته به تاریخ و شرایط خاص آن سرزمین و برنامه آن‌ها برای توسعه متفاوت خواهد بود. اگر دانش تکنولوژیک در کشوری چون آمریکا با فرهنگ و تاریخ خاصش بر امور نظامی یا صنایع سرگرمی متمرکز است در ژاپن حول محور صنایع رسانه‌ای رشد می‌کند. متأسفانه باید بگوییم که نه تنها بنیاد نخبگان بلکه فراتر از آن بخش عمده‌ای از اساتید و مسوولین و سیاست‌گذاران حوزه علم در کشور با عینک علوم محضی چون ریاضی و فیزیک به علوم فنی و مهندسی



می‌نگرند و منکر ابعاد بومی آن می‌گردند. مشکل وقتی حادث می‌گردد که مشاهده می‌شود که علوم انسانی که ضرورت بومی بودن آن و فراتر از آن دینی شدن آن هم از حیث مسایل، هم از حیث غایت و هم از حیث مبانی بسیار جدی‌تر است هم با همان عینک جهانی علوم محض نگریسته می‌شوند. بی‌توجهی بنیاد به این تفاوت‌های ماهوی علوم به حدی است که علیرغم مهبجوریت علوم انسانی در بنیاد نخبگان عاجزانه استدعای عدم ورود بنیاد به حوزه علوم انسانی را دارد. اما ریشه سیاسی معضل استقرار علم جهانی به جای علم بومی به نظام تک قطبی جهان برمی‌گردد. آمریکا به عنوان راس نظام تک قطبی جهانی کاری کرده که علم بومی و دانش فنی مورد نیازش به عنوان علم جهانی به چشم بیاید؛ علمی با ظاهری خنثی و پوششی آراسته به لفظ مقدس علم اما در واقع هدایت شده توسط نیازهای روز اقتصادی و بویژه نظامی آمریکا که نتیجه‌اش می‌شود استعمار علمی کشورها و استخدام بی‌جیره و مواجب مغزهای دنیا بدون این که لازم باشد حتی ساکن آمریکا باشند. آیا امروز که موعد فروپاشی نظام عادلانه تک قطبی سر رسیده و نوید دوران جدیدی به گوش می‌رسد لازم نیست که علیه نظام علمی تک قطبی نیز بشوریم و جریان علم را که به سوی صنایع آمریکایی است واقعاً در کشور خود جاری کنیم؟ حال با توجه به تمایز علم جهانی و علم بومی بد نیست که برخی مولفه‌های نخبه جهانی و نخبه بومی که البته مولفه‌هایی نه مطلق که مشخصه‌هایی نوعی هستند اشاره شود. نخبه جهانی به کار کلاس و درس می‌آید نه صنعت و مشکلات کشور چون تنها کارش نوشتن مقاله‌های عمدتاً

بی‌فایده است. البته بی‌فایده برای ما نه صاحبان مجلات ISI. همیشه طلبکار ملت است نه بدهکار آن‌ها برای این که از کشور نرود پول و احترام بیشتر می‌طلبد، محافظه کار است و نسبت به وضعیت پیرامونی‌اش منفعل تا بتواند کار پژوهشی معمولی را در فضایی آرام پشت درهای بسته انجام دهد در مقابل نخبه بومی از همان اول کار از چند متر عقب‌تر از نخبه جهانی کارش را شروع می‌کند چون نمی‌تواند مانند او دائماً به پژوهش‌های مد روز سرگرم باشد. مدام سرش توی مشکلات مملکت می‌چرخد، تک‌بعدی نیست و هزاران دغدغه سیاسی و فرهنگی و غیره دارد و به خاطر همین به سختی می‌تواند معدلش را بالا نگه دارد. مساله‌اش برای در کشور ماندن و عدم پذیرش گرفتن نه پول که فرصت خدمت و حل مسایل کشور است. از همه مهم‌تر این که نخبه بومی منتظر کسی نمی‌ماند و بی‌پروا به دریای مسایل کشور می‌زند. با این اوصاف دوست دارم بدانم دانشگاه ما انصافاً کدام نوع نخبه را تحویل جامعه می‌دهد و بنیاد نخبگان جمهوری اسلامی از کدام نوعش حمایت می‌کند؟ نظامات موجود بنیاد نخبگان برای شناسایی، جذب و حمایت نخبگان بومی طراحی نشده‌اند و حال آن که اینان در تمام رشته‌ها و بویژه در هنر و علوم انسانی بیشتر از همه نیازمند حمایت‌اند. از حیث پیامدهای اجتماعی نیز باید گفت که متأسفانه بنیاد با ارایه تسهیلات و انجام تبلیغات فراوان در راستای استقرار هر چه بیشتر جریان نخبگی بین‌المللی ناکارآمد و به حاشیه رفتن جریان نخبگی بومی کارآمد قدم برداشته و عملاً تمامی استعدادهای بالقوه دانش‌آموزی را به سمت جریان نخبگی جهانی و نه بومی هدایت کرده است. رهبر عزیز معضل



جانشین شدن علم جهانی به جای علم بومی، آفت ویرانگری به ارث رسیده از رژیم منحوس پهلوی است که با هزاران تاسف کل درخت علم دانشگاهی ایران ما را دچار کرده است. اصالت علم جهانی و طرد علم بومی به ویژه در معیار ارتقا و گزینش اساتید و وضعیت پایان‌نامه‌ها تجلی تام یافته است. در چنین وضعیتی تصور می‌شد که در شرایط آفت‌زدگی نظام آکادمیک، بنیاد قرار است میانبری حداقلی باشد برای نخبگانی که دغدغه و توانایی تحولات بزرگ در عرصه‌های مختلف کشور را دارند اما حامی و پشتیبان و هادی ندارند با این حال بعد از چند سال مشاهده می‌شود که بنیاد نخبگان هم به شدت بیشتر از قبل دچار همان آفتی شده که از آن گریزان بود. بنیاد نخبگان به زعم حقیر با قرار گرفتن در این ریل غلط فرسنگ‌ها از وظیفه اصلی خود دور شده است که این مساله ضرورت تجدید نظر بنیادین در جهت‌گیری بنیاد را ضروری می‌سازد. علامت سوال بزرگ این است که چرا شورای عالی انقلاب فرهنگی که در همه این سال‌ها نه تنها اقدامی برای از بین بردن این آفت بزرگ انجام نداده حداقل از سرایت آن به راه‌های میانبری نظیر بنیاد نخبگان جلوگیری نکرده است؟ بسیاری بر این باورند که شورای عالی موجود اراده و ساختار لازم برای پیگیری چنین تحولی را در نظام علمی دانشگاهی ایران انقلابی ندارد. تشکر می‌کنم





قاسم درزی

(دانشجوی علوم قرآنی و رتبه اول المپیاد دانشجویی در رشته الهیات)

بسم الله الرحمن الرحيم. رب الشرح لی صدری و یسرلی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی. موضوع بنده در رابطه با به کارگیری علوم انسانی در جهت‌دهی به صنعت و تکنولوژی و وحدت حوزه و دانشگاه است عامل اصلی و اساسی که موجب گردیده که جامعه علمی ما به شکوفایی لازم نرسد، عدم برقراری ارتباط میان علوم انسانی و علوم تجربی و فنی‌مهندسی است. تا کنون بسیاری از ارتباط میان دانشگاه و صنعت سخن رانده شده است لیکن بسیار کم بوده است که منظور آنها از این ارتباط علوم انسانی را در بر گرفته باشد. حال آنکه نه تنها این ارتباط را در علوم انسانی به نحو پررنگ‌تری می‌توان جست، بلکه علت عدم تحقق این ارتباط و آسیب‌شناسی آن را نیز می‌بایست در علوم انسانی جست و جو کرد البته در این میان نباید از علوم اسلامی نیز غافل بود لذا علوم انسانی در اصطلاح بنده علوم اسلامی را نیز در برمی‌گیرد، به عبارت دیگر این علوم انسانی است که می‌تواند خط مشی و رویکرد علوم غیر خود را تبیین کند و می‌بایست به صنعت و علوم دیگر، ماهیت اسلامی و انسانی آن هم انسان به معنای والا و خلیفه الهی آن نه اومانیسیم غربی بدهد و روش درست حرکت علمی در آن را پایه‌ریزی کند به عنوان نمونه علم شبیه‌سازی که در این روزها در ردیف اول تولید علم جهان قرار دارد می‌بایست بایدها و نبایدهای خود را از علوم انسانی بگیرد و ابتدا این علوم هستند که ابعاد انسانی این تولید را بررسی کرده و در نهایت و در صورت مجاز بودن آن



به اقدامی برای آن توصیه می‌کند نه اینکه ما ابتدا به تولید این علوم اقدام کنیم و پس از رنج فراوان به آن برسیم که با انسانیت و زنجیره زیستی انسانی منافات داشته و در آن خلل ایجاد می‌کند. همین رویکرد علوم انسانی را می‌بایست در دیگر معضلات اجتماعی نیز پیاده کرد به عنوان نمونه بحث بی‌اخلاقی‌های ورزشی به خصوص در فوتبال که از آسیب‌های روز ما محسوب می‌شود می‌بایست با ارجاع آن به علوم انسانی و آسیب‌شناسی آن از زوایای مختلف اجتماعی روانی و غیره پرداخت. و با وجود آوردن گفتمانی در این زمینه نتایج درخور توجه بدست آورد. به عبارت دیگر توقعی که از رئیس فدراسیون و وزیر ورزش در این زمینه وجود دارد توقعی بی‌جاست چرا که آنها در این زمینه تخصص لازم را ندارند و این وظیفه جامعه‌شناس و روان‌شناس و دیگر عالمان علوم انسانی است که به آسیب‌شناسی این موارد همت گماشته و وظیفه مسئولین اجرایی ما آن است که اجراکننده‌ی نتایجی باشند که در گفتمان‌های علمی مورد نظر پدید می‌آید و به کمک آنها به اصلاح امور بپردازند به یاد دارم که در ابتدای اجرای طرح تحول اقتصادی در دانشگاه تربیت مدرس گروهی خودجوش برای آسیب‌شناسی اجرای چنین برنامه‌ای از جهات جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، جرم‌شناختی و دیگر علوم تشکیل شد لیکن مورد توجه نیروهای اجرایی مرتبط با آن قرار نگرفت.

ارائه راه‌کار: خوشبختانه در کشور منظومه‌های پراکنده‌ای در این زمینه وجود دارند که قصد دارند تا از نظر علمی و عملی به این مهم دست‌یابند به عنوان نمونه می‌توان از تشکیل گروه اخلاقی حرفه‌ای در دانشگاه تهران نام برد همچنین فعالیت‌هایی که در دانشگاه امام صادق در این زمینه اتفاق افتاده لیکن به دلیل عدم

تمرکز این فعالیت‌ها شاهد کاری موثر نبوده‌ایم. لذا از حضرت عالی تقاضا می‌شود دستور فرمایید تا با تشکیل کمیته‌ای ویژه در این زمینه در بنیاد نخبگان آن هم زیر نظر مستقیم حضرت عالی تا گرفتار تغییرات در دولت‌ها نگردد و بهره‌گیری از اساتید متخصص در این زمینه و همچنین استفاده از نخبگان به دو مهم دست یابیم:

۱- توجیه صنعت و علوم غیر انسانی نسبت به نیازهای آنها به علوم انسانی که خود این امر نیاز فراوان به همکاری رسانه‌ی ملی و تدوین برنامه‌ای جامع برای آن است و با توجیه شدن آنها شاهد ارجاع قابل ملاحظه‌ی آنها در علوم مختلف به علوم انسانی خواهیم بود.

۲- تشکیل کارگروه‌های مختلف در علوم مختلف برای پاسخگویی و رفع نیازهای مختلف در معضلات مختلف انسانی، اجتماعی و غیره در قالب انجام پژوهش‌های مختلف است.

در آخر به نکته‌ی خیلی مختصر هم عرض می‌کنم به جهت اینکه وزیر علوم هم در این جلسه حضور دارند، رویکرد شتاب‌زده در زمینه‌ی پذیرش دانشجویهای دکتری که در وزارت علوم پیش گرفته شده که متأسفانه در دانشگاه‌هایی که ما شاهد هستیم یک استادیار و ۵ مربی دارد، بهشون دانشجوی دکتری داده شده و به شدت این پذیرش بالا رفته، برای فارغ التحصیلان کنونی دکتری امکان جذب در دانشگاه‌های مختلف وجود ندارد و به سختی امکانش هست، چگونه می‌شود که با این پذیرش حداکثری بشود جوابگوی فارغ التحصیلان دکتری بود می‌خواستم نظر حضرت عالی رو هم در مورد این رویکرد وزارت علوم بدانم.

